

بسم الله الرحمن الرحيم

تقدیم به :

- امام خمینی (ره) ، پیر حمامه‌ساز که صدمین سال میلاد اوست .
- پیروان امام خمینی (ره) که از عمل کرد خود در جنگ یک لحظه نادم و پشیمان نبوده و نیستند .
- شکیباتی که سال ها چشم به راه رزمnde خود هستند .
- شهیدان و رزمندگان عملیات مرصاد و مقاومت مردمی در برابر آخرين تهاجم عراق به جنوب .
- امیر شهید علی صیادشیرازی که در عملیات مرصاد بسیار کوشید .

<http://www.ciw8.net>

سیری در جنگ ایران و عراق - جلد پنجم

# پایان جنگ

بررسی و تحلیل رویدادهای سیاسی - نظامی جنگ  
از عملیات والفجر ۱۰ تا اشغال کویت



مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

## مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

سیری در جنگ ایران و عراق - جلد پنجم

پایان جنگ

نویسنده : محمد درودیان

ویرایش محتوایی : بهاءالدین شیخ‌الاسلامی

ویرایش نهایی و مدیر آماده‌سازی : خسرو شاه‌محمدی نژاد

طرح روی جلد : حمیدرضا دانش‌فر

طراحی و ترسیم نقشه‌ها : حسن درّی ، علی‌محمد تقیی

آماده‌سازی (ویرایش ادبی ، حروفچینی ، صفحه‌آرایی ، تهییه فهرست راهنمای موضوعی) :

مؤسسه فرهنگی هنری تاریخ جنگ

چاپ اول : ۱۳۷۸ تعداد : ۵۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی : الون چاپ و صحافی : پژمان

شابک : ۱ - ۲۹ - ۶۳۱۵ - ۱۹۶۴ ISBN : 964 - 6315 - 29 -

قیمت : ۹۰۰ تومان

استفاده از مطالب در نوشتارها با ذکر مأخذ مجاز و در سایر موارد منوط به اجازه کتبی  
مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه است .

ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - اداره عملیات - مرکز مطالعات و

تحقیقات جنگ تلفن : ۳۱۹۰۸۸۳ - ۳۴۳۶۸۴

مرکز پخش : تهران - خیابان انقلاب - خیابان فروردین - مجتمع کتاب فروردین -

طبقه دوم - شماره ۱۸ تلفن : ۶۴۹۵۵۷۲ دورنگار : ۶۴۹۷۲۲۷

## فهرست مطالب

۹	پیش‌گفتار
۱۳	مقدمه
	<b>فصل اول:</b>
۱۷	زمینه‌های تغییر در موازنۀ جنگ
۲۰	تغییر استراتژی نظامی عراق
۲۳	افزایش خرید و انباست سلاح
۲۴	کمک‌های شوروی به عراق
۲۶	کمک‌های امریکا به عراق
۲۹	کمک‌های فرانسه به عراق
۳۰	کمک‌های انگلیس به عراق
۳۰	کمک‌های آلمان به عراق
۳۱	کمک‌های کویت و عربستان به عراق
۳۴	<b>تحولات ارتش عراق</b>
۳۴	ایجاد زیرساخت فناوری تولید موشک
۳۶	حمله موشکی عراق به تهران
۴۱	بازسازی و تحول در سازمان‌رزم
۴۳	تلash مهندسی عراق
۴۵	فراخوانی و آموزش
۴۷	گسترش سازمان‌رزم عراق
۴۹	مانورهای دشمن

اجرای عملیات محدود در منطقه جنوب

۵۰

## فهرست مآخذ فصل اول

### فصل دوم :

۵۷

آغاز تحولات و تغییر در موازنه جنگ

۶۳

تهاجمات استراتژیک عراق

۶۳

سقوط فاو

۷۱

ارزیابی علل سقوط فاو

۷۷

دیگر دلایل سقوط فاو

۷۸

آثار و بازتاب سقوط فاو

۸۵

سقوط شلمچه

۸۸

بازتاب سقوط شلمچه

۹۷

سقوط جزایر مجنون

۱۰۶

حمله موشکی امریکا به هواپیمای مسافربری ایران

۱۱۲

فراخوانی عمومی نیروهای بسیجی

۱۱۵

تداویم تهاجمات عراق و بازپس‌گیری زبیدات

۱۲۰

بازتاب و نتایج بازپس‌گیری مناطق تصرف شده به وسیله عراق

۱۲۶

فهرست مآخذ فصل دوم

### فصل سوم :

۱۳۳

تلاش ایران برای مهار حملات عراق

۱۳۶

عقبنشینی از حلبچه

۱۴۱

افزایش تحرکات دیپلماتیک

۱۴۷

قطع‌نامه ۵۹۸، از تصویب تا اجرا

۱۴۷

قطع‌نامه ۵۹۸ و مواضع جهانی

۱۶۲

پاسخ رسمی جمهوری اسلامی ایران به قطع‌نامه ۵۹۸

۱۶۳	بازتاب پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در ایران
۱۷۰	واکنش عراق در برابر پاسخ مثبت ایران به قطعنامه ۵۹۸
۱۷۵	<b>تجاوز مجدد عراق و پاسخ جمهوری اسلامی</b>
۱۷۵	تجاوز به مناطق جنوب ، میانی و غرب
۱۸۳	تجاوز مشترک ارتش عراق و نیروهای منافقین به غرب
۱۸۸	عملیات مرصاد
۱۹۱	بازتاب و پیآمدها
۱۹۳	تغییر اوضاع به سود ایران
۱۹۸	تلاش برای برقراری آتشبس
۲۱۵	<b>فهرست مأخذ فصل سوم</b>

#### فصل چهارم :

۲۲۳	از آغاز مذاکرات صلح تا پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر
۲۲۵	بازتاب پیآمدهای احتمالی پایان جنگ
۲۲۶	الف - ارزیابی دستاوردهای جنگ
۲۲۹	ب - فرآیند تحولات و توازن منطقه‌ای
۲۳۱	ج - تجزیه و تحلیل روند تحولات ایران
۲۳۵	<b>آغاز مذاکرات بی‌حاصل زیر نظر دبیر کل سازمان ملل</b>
۲۳۵	نخستین مذاکرات در ژنو
۲۳۷	ادامه مذاکرات در نیویورک
۲۳۹	ادامه مذاکرات در ژنو
۲۴۴	مذاکرات مجدد در نیویورک
۲۴۵	مذاکرات جدید در ژنو
۲۴۷	<b>تلاش عراق برای به دست گرفتن ابتکار عمل</b>
۲۴۷	تلاش تهدیدآمیز

۲۵۱	تلاش صلح‌جویانه
۲۵۲	زمینه‌های تلاش صلح‌جویانه
۲۵۶	<b>آغاز صلح‌جویی با فرستادن نامه برای رهبران ایران</b>
۲۵۶	نخستین نامه رئیس‌جمهور عراق
۲۵۸	پاسخ رئیس‌جمهور ایران به نامه رئیس‌جمهور عراق
۲۶۰	دومین نامه رئیس‌جمهور عراق
۲۶۱	دیدار نمایندگان دو کشور
۲۶۲	پاسخ آفای هاشمی به نامه دوم رئیس‌جمهور عراق
۲۶۵	<b>پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر در پی اشغال کویت</b>
۲۶۵	اشغال کویت و بازتابهای آن
۲۷۵	پنجمین نامه صدام و پاسخ رئیس‌جمهور ایران
۲۷۸	پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ در ششمین نامه رئیس‌جمهور عراق
۲۸۳	بازتاب پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر در رسانه‌های خبری
۲۸۹	فهرست مأخذ فصل چهارم
۲۹۵	فهرست راهنمای موضوعی

### فهرست نقشه‌ها

۶۵	نقشه تهاجم عراق به فاو (۱۳۶۷/۱/۲۸)
۸۶	نقشه تهاجم عراق به شملچه (۱۳۶۷/۳/۴)
۹۸	نقشه تهاجم عراق به جزایر مجنون (۱۳۶۷/۴/۴)
۱۷۶	نقشه تهاجم عراق به جبهه میانی (۱۳۶۷/۴/۲۱)
۱۸۹	نقشه عملیات مرصاد (۱۳۶۷/۵/۶)

## پیش‌گفتار

http://www.ciw8.net

## پیش‌گفتار

هرچه نگارش و ثبت یک رویداد به زمان وقوع آن نزدیک‌تر باشد خواننده تحلیل‌گر با اعتماد بیش‌تری به بررسی و نتیجه‌گیری از آن می‌پردازد به‌ویژه این که وقایع نگاران خود از راویان و شاهدان حادثه باشند.

مجموعه «سیری در جنگ ایران و عراق» که نگاهی گذراولی عمیق در توصیف و تحلیل هشت‌سال جنگ تحمیل شده به جمهوری اسلامی می‌باشد به‌وسیله کسانی تحقیق، ارزیابی و آماده برای چاپ شده است که هر کدام در دوران دفاع مقدس مسئولیتی مربوط با جنگ داشته‌اند و به‌همین دلیل این دوره که نتیجه ده‌سال طراحی، تحقیق، تدوین و ارزیابی می‌باشد یکی از نفیس‌ترین نوشهای درباره جنگی است که امام خمینی (رحمه الله عليه) آن را جنگ حق و باطل<sup>x</sup> دانست. هر خواننده علاقه‌مند، با مطالعه و بررسی این مجموعه، مظلومیت یک ملت و ستم متجاوزان<sup>۲</sup> را در طولانی‌ترین جنگ دوده اخیر دریافته و چهره تزویر جهان‌خواران<sup>۳</sup> را می‌بیند. او باشندیدن صدای شکستن ابهت دو ابر قدرت شرق و غرب<sup>۴</sup> می‌آموزد که می‌توان علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها سالیان سال مبارزه کرد.<sup>۵</sup>

این مجموعه حاصل تلاش همه کسانی است که این وظیفه را چون جنگ تکلیف دانسته و نتیجه رافرع بر آن پنداشتند<sup>۶</sup>، هر چند استقبال خوانندگان، تجدید چاپ‌ها و دریافت جوایز در زمینه دفاع مقدس نشان از نتیجه‌ای رضایت‌بخش و دل‌گرم‌کننده دارد.

<sup>x</sup> - اشاره به پیام امام خمینی (ره) در ۳ اسفند ۱۳۶۷.

این دوره که یک جلد آن با مدیریت برادر ابراهیم محمدزاده و پنج جلد دیگر با مدیریت برادر محسن رشید به زیور چاپ آراسته گشته به وسیله برادر محمد درودیان تحقیق و تدوین، برادر غلامعلی رشید ارزیابی اطلاعات نظامی و برادر بهاءالدین شیخ‌الاسلامی ارزیابی سیاسی شده است.

همچنین برادر مهدی انصاری ویرایش نهایی و مدیریت آماده‌سازی برای چاپ شامل حروف‌چینی، صفحه‌آرایی و تنظیم فهرست راهنمای موضوعی پنج جلد از این کتاب و برادر علی محمد تقیی ناظرت بر چاپ تاخروج از صحافی راعی‌هده‌دار بوده‌اند. برادران حسن دری و علی محمد تقیی نیز نقشه‌ها و برادران حشمت‌الله شمس و حمید‌رضاصادیش فر طرح جلد این مجموعه را راحی و اجرا کرده‌اند.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه با تشکر فراوان از همه دست‌اندرکاران این مجموعه، خرسند است که با چاپ کتاب حاضر به وعده خود در ارائه مجموعه‌ای تحلیلی- توصیفی از اوضاع سیاسی- نظامی جنگ تحملی عراق علیه ایران جامه عمل پوشانده و امید دارد که این عمل را حضرت حق<sup>۱</sup> (جل جلاله) پسندیده و بپذیرد.

این مرکز در پایان از همکاران خود در مؤسسه فرهنگی هنری تاریخ جنگ که مسئولیت ویرایش نهایی و آماده‌سازی کتاب حاضر را برای چاپ بر عهده داشته‌اند، قدردانی می‌کند.

\*\*\*

## شناختی گذرا بر این مجموعه

**جلد اول:** "خونین شهر تا خرم‌شهر" که به بررسی وقایع سیاسی- نظامی جنگ از زمینه‌سازی تهاجم عراق تا آزادسازی خرم‌شهر (از شهریور ۱۳۵۹ تا

خرداد ۱۳۶۱) پرداخته که جایزه اول نخستین همایش ادبی-هنری حماسه خرمشهر را به خود اختصاص داد و در سال ۱۳۷۷ به چاپ چهارم رسید.

**جلد دوم:** "خرمشهر تافاو" که چهار سال جنگ را (از تیرماه ۱۳۶۱ تا مرداد ۱۳۶۵) تحلیل نظامی-سیاسی کرده است. این کتاب در اسفند ۱۳۷۵ برای چهارمین بار چاپ شد.

**جلد سوم:** "فاو تا شلمچه" که به بررسی وقایع سیاسی-نظامی جنگ از پایان عملیات والفجر ۸ تا پایان عملیات کربلای ۸ (اسفند ۱۳۶۴ تا فوریه ۱۳۶۶) اقدام کرده و مفترخر به دریافت تقدیرنامه انتخاب آثار دفاع مقدس سال‌های ۷۴-۷۳-۱۳۷۳ شد.

**جلد چهارم:** "شلمچه تا حلبچه" که رویدادهای سیاسی-نظامی سال ۱۳۶۶، درگیری با امریکا در خلیج فارس و انتقال منطقه نبرد از جنوب به غرب را بررسی کرده است.

**جلد پنجم:** "پایان جنگ" (کتاب حاضر) به بررسی وقایع پس از عملیات والفجر ۱۰ تا اشغال کویت به وسیله عراق می‌پردازد.

**جلد ششم:** "آغاز تا پایان" که اوضاع سیاسی-نظامی جنگ را از آغاز تا پایان آن به اختصار بررسی و تحلیل کرده است.

\*\*\*

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه تلاش کرده است تا کتاب حاضر در یازدهمین سالگرد برقراری آتش‌بس رسمی و پایان جنگ عراق علیه ایران منتشر یابد.

**«مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه»  
مرداد ۱۳۷۸**

## مقدمه

در میان پرسش‌های اساسی که درباره جنگ ایران و عراق وجود دارد مهم‌ترین سؤالی که کماکان ضرورت پاسخ‌گویی به آن احساس می‌شود "نحوه پایان یافتن جنگ در سال ۱۳۶۷ می‌باشد". امام راحل نظر به شرایط نامساعد در زمان پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ و ضرورت حفظ آمادگی نظامی برای مقابله با تجاوزات مجدد عراق، پاسخ به این سؤال را به زمان مناسب‌تری در آینده واگذار کردند. اکنون با گذشت یازده سال از زمان برقراری آتش‌بس میان ایران و عراق و تغییرات نسبتاً گسترده و عمیقی که در سطح منطقه و نیز در داخل ایران روی داده است - به ویژه اشغال کویت به‌وسیله عراق در سال ۱۳۶۹ - می‌توان ابعاد موضوع را مورد مطالعه و بررسی قرار داد. بر پایه این ملاحظه جلد پنجم از مجموعه "سیری در جنگ ایران و عراق" به بررسی شرایط و عوامل مؤثر در نحوه پایان جنگ در سال ۱۳۶۷ اختصاص یافته است.

کتاب حاضر در چهار فصل به شرح زیر تنظیم شده است:

**فصل اول:** زمینه‌های تغییر در موازنۀ جنگ

**فصل دوم:** آغاز تحولات و تغییر در موازنۀ جنگ

**فصل سوم:** تلاش ایران برای مهار حملات عراق

**فصل چهارم:** از آغاز مذاکرات صلح تا پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵

الجزایر به‌وسیله عراق

در **فصل اول** کتاب برای تشریح زمینه‌های تغییر در موازنۀ سیاسی- نظامی جنگ سه بحث اساسی انجام گرفته است: نخست، تجزیه و تحلیل تغییر استراتژی عراق از پدافند به آفند با کمک مستشاری روس‌ها، بر پایه این فرض که سرنوشت جنگ تنها بر روی زمین و با برتری نظامی عراق حاصل خواهد شد؛ سپس با تأکید بر آمار و ارقام "انباشت سلاح و تجهیزات" با افزایش تولید و خرید سلاح با هزینه و سرمایه‌گذاری نزدیک به ۲۰ میلیارد دلار در سال‌های پیانی جنگ به وسیله عراق توضیح داده شده و در پایان گسترش سازمان‌رزم عراق با فراخوانی نیروهای آموزش آنها مورد بررسی قرار گرفته است. روند اقدامات در این زمینه سبب گردید تا عراقی که در سال ۱۳۵۹ با ۱۲ لشکر و در سازمان ۳ سپاه به ایران حمله کرد، در سال ۱۳۶۶ با بیش از ۵۰ لشکر و در سازمان ۹ سپاه از توان قابل ملاحظه‌ای برای بازپس‌گیری مناطق تصرف شده برخوردار شود.

**فصل دوم** کتاب در واقع به بازتاب و بی‌آمدی‌های برتری نظامی عراق و تغییر استراتژی این کشور از پدافند به آفند اختصاص یافته است. بازپس‌گیری فاو در ۲۹ فروردین ۱۳۶۷ نقطه تحول در جنگ و تغییر موازنۀ بهسود عراق بود. به عبارت دیگر، همان‌گونه که تصرف فاو از سوی ایران موازنۀ جنگ رابه زیان عراق تغییر داد، بازپس‌گیری آن، اوضاع را بهسود عراق به چرخش درآورد. با وجود برتری کمی عراق بر ایران که در چند سال پیان جنگ کاملاً مشهود بود، در عین حال به نظر می‌رسد شکست عراق در تهاجم به فاو می‌توانست همچنان اوضاع را هر چند به صورت غیر طبیعی بهسود ایران حفظ نماید. بنابراین نقطه تحول در جنگ و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را باید در روند تحولات نظامی جنگ در ماه‌های پیانی و برتری نظامی عراق و کسب پیروزی در فاو جستجو کرد. در هر صورت آغاز این روند موجب تداوم حملات عراق و بازپس‌گیری مناطق تصرف شده به فاصله کمتر از سه ماه شد.

**فصل سوم** کتاب به بی‌آمدهای پیروزی نظامی عراق و در نتیجه تلاش ایران برای کنترل و مهار نتایج حاصله از برتری عراق اختصاص یافته است. پذیرش قطعنامه ۵۹۸ که در موقعیت برتری نظامی ایران بر عراق در سال ۱۳۶۶ و به منظور تأمین خواسته‌های ایران تنظیم شده بود، تنها راه حلی بود که در چنین شرایطی روبه‌روی ایران قرار داشت. جمهوری اسلامی ایران با این اقدام در واقع ضمن بهره‌برداری از تغییر فضای بین‌المللی، در داخل کشور نیز اوضاع در خصوص جنگ و پایان آن را به خوبی اداره کرد. امتناع عراق از پذیرش قطعنامه زمینه‌ای برای مقابله بین‌المللی و داخلی با تجاوزات عراق و نیز پایان بخشیدن به جنگ شد. در این مرحله حضور گسترده مردمی در جبهه‌ها همانند روزهای آغازین جنگ، تجاوز عراق را در جنوب و تجاوز منافقین را در غرب بنا کامی مواجه ساخت. پیدایش وضعیت جدید در صحنه‌های نظامی بین‌المللی، عراق را به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ وادر ساخت. در نتیجه امکان برقراری آتش‌بس میان دو کشور در تاریخ ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ فراهم شد.

در **فصل چهارم** ابتدا بازتاب پایان جنگ در نظر تحلیل گران و صاحب‌نظران بررسی شده و سپس روند مذاکرات بی‌حاصی ایران و عراق تحت‌نظر سازمان ملل تشریح گردیده است. طی این مدت عراق با اتکابه برتری نظامی در ماههای پایانی جنگ، روند مذاکرات را تحت تأثیر ابتکار عمل خود قرار داد و از پیش‌رفت در حل و فصل اختلافات ممانعت می‌کرد. در چنین وضعیتی در حالی که عراق همچنان مواضع تهدیدآمیز خود را به سمت ایران نشانه می‌رفت و نوعی نگرانی از تجاوز مجدد عراق در داخل ایران به وجود آمده بود، ناگهان پس از مناقشه با کویت به اشغال این کشور اقدام کرد. عراق با این اقدام بخشی از نتایج برتری نظامی بر ایران را آشکار ساخت و مقدمات حضور گسترده امریکا و تغییر آرایش سیاسی-نظامی در منطقه را

فراهم ساخت. عراق پیش از اشغال کویت به تبادل نامه‌های صلح با ایران برداخت و متعاقب اشغال کویت، قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را که پیش از این در آغاز هجوم سراسری به ایران، در برابر دوربین‌های تلویزیونی پاره کرده بود، پذیرفت و مناسبات دو کشور در فضای مرحله جدیدی قرار گرفت و جنگ بدون این که نتیجه‌های عراق به دنبال داشته باشد، پایان گرفت.

## فصل اول

### زمینه‌های تغییر در موازنه جنگ

تغییر استراتژی نظامی عراق

افزایش خرید و ابادشت سلاح

تحولات ارتش عراق

## زمینه‌های تغییر در موازنه جنگ

حملات پی‌درپی و گسترده عراق در بهار ۱۳۶۷ روند تحولات جنگ را به‌گونه‌ای ناگهانی و غافل‌گیرانه، به‌زیان ایران و به‌سود عراق تغییر داد. کارشناسان و تحلیل‌گران مختلف، نظرات متعددی در توضیح عوامل وقوع این رخداد ارائه کردند و در این میان "حضور نظامی امریکا در خلیج‌فارس"، "اقدام نظامی امریکا علیه ایران"، "حمایت گسترده شوروی (پیشین) <sup>x</sup> از عراق" و "افزایش توانایی نظامی عراق" به عنوان بخشی از این عوامل مورد تأکید قرار گرفت. <sup>x</sup>

در واقع، نبودن چشم‌انداز روشن نسبت به پایان یافتن جنگ و نگرانی‌های موجود در باره فرآیند تحولات جنگ باعث شدت‌تancoی اجماع جهانی برای تشدید فشار بر ایران و تغییر اساسی در موازنه نظامی به‌سود عراق به عنوان نخستین شرط پایان سریع جنگ به وجود آید.

<sup>x</sup> اتحاد سوسیالیستی جماهیر شوروی کشوری بود متشکل از کشورهای کوچک‌تر روسیه، بلوروس، قرقیزستان، قزاقستان، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، ارمنستان، گرجستان، آذربایجان، اوکراین، مولداوی و ... که در نظام دو قطبی وقت به سردمداری قطب کمونیست، مخالف امریکا که سردمداری قطب سرمایه‌داری را بر عهده داشت شناخته می‌شد؛ اما این کشور پس از فروپاشی (۱۹۹۰ میلادی - ۱۳۶۹ خورشیدی) به چهارده کشور تجزیه شد.

<sup>x</sup> روند تحولات جنگ در سال ۱۳۶۶ در جلد چهارم تحت عنوان شلمچه تا حلبچه بررسی شده است. با توجه به این که تحولات ماههای پایانی جنگ، ریشه در اقدامات عراق در سال ۱۳۶۶ دارد، لذا این مبحث در این جلد (پنجم) بررسی می‌شود تا زمینه لازم برای درک منطقی تحولات جنگ و علل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ فراهم شود.

در همین راستا، "مایکل آرماکست"، معاون وقت وزارت خارجه امریکا با یادآوری ضرورت تهیه طرح مشترک با شوروی برای پایان دادن به جنگ، تأکید کرد:

«هر دو ابرقدرت علاقه‌مند به جلوگیری از پیروزی ایران هستند.»<sup>۱</sup>

"کسینجر" نیز طی مقاله‌ای در روزنامه "لوس آنجلس تایمز" به وحدت نظر امریکا و شوروی در کوتاه مدت درباره ضرورت ممانعت از شکست عراق تأکید کرد.<sup>۲</sup> "کلودسشون"، وزیر خارجه سابق فرانسه نیز در مصاحبه‌ای گفته بود: «اعضای دائمی شورای امنیت در یک تصمیم اعلام نشده در زمینه حمایت از عراق در برابر جمهوری اسلامی ایران به توافق رسیده بودند.»<sup>۳</sup>

اجماع بین‌المللی برای حمایت از عراق در مقابله با ایران، نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای در تحولات سیاسی- نظامی جنگ داشت، اما منشاء تحولات ماهه‌ای پایانی جنگ را باید در جبهه‌های جنگ و وضعیت نظامی ایران و عراق جست‌وجو کرد. با توجه به این‌که هسته مرکزی و نقطه ثقل تحولات نظامی در جبهه‌های جنگ بوده است، به‌نظر می‌رسد نتایج حاصله از تغییر در موازنه نظامی و "به‌دست‌گرفتن ابتکار عمل نظامی عراق بر روی زمین" را باید عامل اصلی در تغییر روند جنگ و در نهایت، پاسخ مثبت ایران به قطع نامه ۵۹۸ دانست. این تحول چشم‌گیر و تعیین‌کننده‌مهم‌ترین سؤالی است که فراروی محققان قرار دارد. به عبارت دیگر، عراق تحت چه شرایطی و در چه روندی موفق به انجام تغییرات و اقدامات اساسی برای تغییر در موازنه جنگ شد؟

در یک پاسخ کوتاه، می‌توان براین موضوع تأکید کرد که برتری نظامی عراق، حاصل تغییر در استراتژی نظامی از دفاع به حمله و سلسله اقداماتی بود که این کشور به‌طور مشخص در سال ۱۳۶۶ و در چارچوب این استراتژی انجام داد.

## تغییر استراتژی نظامی عراق

ناکامی اولیه ارتش عراق پس از تجاوز به ایران و ادامه آن با شکست‌های پیاپی و عقب‌نشینی از مناطق اشغالی، چند عارضه اساسی برای کشور و ارتش عراق در پی داشت. فقدان روحیه تهاجمی، انهدام بخشی از توان و سازمان رزم ارتش عراق، از دست دادن اعتبار سیاسی و نظامی، از دست دادن قدرت به دست آمده از این اعتماد به نفس و مهم‌تر از همه پیدایش نوعی تزلزل در ارکان قدرت عراق از جمله این عوارض بود. بر همین اساس، ارتش عراق علاوه بر ضرورت کسب آمادگی برای دفاع در برابر حملات ایران، بانوعی چالش احتمالی امنیتی در داخل کشور متبععش روبرو بود. در این مرحله جدید، عراقی‌ها در اولویت نخست با اتخاذ استراتژی دفاعی به تحکیم مواضع و استحکامات خود پرداختند. این استراتژی می‌توانست شکست‌ناپذیری عراق را در برابر حملات پی‌درپی ایران تضمین کند. در سال‌های پس از فتح خرمشهر، ابتکار عمل در دست نیروهای ایران بود و عراق بدون داشتن روحیه تهاجمی در انفعال و لاک دفاعی به سر می‌برد. در این مدت آن‌چه عراق را شکست‌ناپذیر کرده بود و مانع از پیروزی قطعی نظامی ایران می‌شد، قدرت دفاعی ارتش عراق با تکیه بر برتری کمی نیروی انسانی و سلاح بود. عراق در استراتژی دفاعی خود از "قانون تعداد" که به گفته "کلاوز ویتس" تعیین کننده صریح و بدون ابهام نظریه جنگ است پیروی می‌کرد.<sup>۴</sup> "بلياكوف" روسی (۱۹۷۹) در این باره می‌گوید:

«ارتباط نیرو و ابزار، شاخص عینی قدرت جنگی طرف‌های مתחاصم و میزان برتری [یکی] را بر دیگری نشان می‌دهد. این ارتباط با مقایسه اطلاعات کمی و کیفی موجود در نیروهای مתחاصم تعیین می‌شود.»<sup>۵</sup>

مبتنی بر این نظر، می‌توان استنباط کرد که تعداد نیروها به اضافه کیفیت

آنها و با در نظر گرفتن شرایط متغیر، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و عراقی‌ها به دلیل تأثیرپذیری از روش آموزش شوروی‌ها، قدرت دفاعی خود را در برابر ایران به تدریج بهبود بخشدند. با وجود مزیت دفاع، نظر به این‌که پیروزی تنها با تهاجم حاصل می‌شود، عراق طی سال‌هایی که در موضع دفاع قرار داشت، مترصد استفاده از برتری دفاعی در فرصت مناسب بود، ولی "قدرت تصمیم‌گیری" و "ریسک‌پذیری با برخورداری از روحیه تهاجمی" دو عنصری بود که ارتش عراق به آنها نیاز داشت، ولی فاقد آنها بود.

استراتژی دفاعی عراق در این دوره ضمن این‌که موضع دفاعی این کشور را پس از فتح خرم‌شهر همچنان محفوظ نگه داشت، در عین حال سبب شد تا ایران با اجتناب از رویارویی در مناطقی که عراق دفاعی مستحکم داشت، در پی انتخاب زمین مناسب و استفاده از اصل غافل‌گیری باشد که انتخاب منطقه "هور" در عملیات خیر و بدر در این راستا بود.

در این روند، فتح فاو بسیار برجسته بود و تأثیرات تعیین‌کننده‌ای را در روند جنگ بر جای نهاد. وجه تمایز عملیات والجر<sup>۸</sup> با تلاش‌های پس از فتح خرم‌شهر، حصول توانایی برای ایران در تأمین و تثبیت مناطق تصرف شده بود، امری که پیش از این حاصل نمی‌شد. این عملیات یک پیام نظامی داشت<sup>۹</sup> و به دلیل تأثیر آن در تغییر توازن به سود ایران، در واقع نقطه آغاز بازنگری عراق در خصوص ضرورت تغییر روند نظامی جنگ بود.

سرهنگ "الکساندر کولیکو"، کارشناس برجسته شوروی در مقالات مستندی که در مجله ارتش سرخ شوروی در ماه آوریل و مه ۱۹۸۶ منتشر شد<sup>۱۰</sup>، اهمیت پیروزی فاو را از نظر نظامی مورد توجه قرار داد. به نظر وی این پیروزی محدود به کسب امتیاز جغرافیایی و روانی نبوده، بلکه یک پیام نظامی داشت؛ بدین معنا که، گرچه ایران قادر نبود به تهاجم نهایی و سرنوشت‌ساز دست بزند ولی نشان داد که اگر به این کشور اجازه داده شود، می‌تواند از

کارآبی سیستم دفاع متحرک عراق از طریق یک رشته عملیات برنامه ریزی شده بکاهد.<sup>۸</sup> وی سپس در مورد کارآبی این گونه استراتژی برای دفاع در برابر عملیاتی شبیه عملیات ایران در فاو ابراز تردید کرده<sup>۹</sup> و تأکید می کند که ممکن است عراق مجبور شود استراتژی خود را از دفاع متحرک به استراتژی تهاجمی تغییر دهد.<sup>۱۰</sup> کولیکوباتوجه به ناتوانی عراق در بیرون راندن ایران از فاو و ناکامی در استراتژی دفاع متحرک، به این نتیجه رسید که نیروهای عراق و شیوه فرماندهی در جنگ برای اجرای یک استراتژی تهاجمی کافی نیست.<sup>۱۱</sup> با توجه به این تحلیل، رخدادهای نظامی جنگ در آغاز سال ۱۹۸۶ نشان داد که نیروهای عراق نه تنها در موضع دفاعی قادر به مهار تهاجمات نظامی ایران نیستند، بلکه در موضع تهاجمی نیز نمی توانند بخش های هر چند محدودی از خاک ایران را تصرف کنند. پیدایش این وضعیت بیانگر مشکلات ساختاری ارتش عراق در موضع تهاجم و دفاع بود. تحلیل نظامی شوروی ها در این زمینه به تدریج مورد پذیرش برخی از افسران ارشد عراقی قرار گرفت. ادامه این وضعیت با توجه به کاهش روحیه نیروهای عراقی ضربه ای سنگین بر اعتبار نظامی بغداد بود.<sup>۱۲</sup> ارزیابی های موجود از ناتوانی عراق و در مقابل، افزایش نگرانی از برتری ایران و نتایج احتمالی برخواسته از آن، زمینه تهاجم گسترده هوایی عراق به مراکز صنعتی و اقتصادی و پایانه های نفت ایران را فراهم ساخت. × این حملات به لحاظ ماهیت آن گرچه نقش مؤثری در کاهش توان نظامی- اقتصادی ایران داشت، لیکن فاقد نقش تعیین کننده برای تغییر موازنہ به سود عراق و یا پایان دادن به جنگ بود. ضمن این که ایران در این مدت علاوه بر باز پیش گیری برخی از مناطق که عراق در چارچوب استراتژی دفاع متحرک تصرف کرده بود- از جمله شهر مهران- توانست عملیات کربلای ۵ را طرح ریزی و اجرا کند. در هم شکستن

× ر. ک به: کتاب از فاو تا شلمچه، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، صص ۵۶-۶۲.

مواقع دفاعی و استحکامات عراق در منطقه با اهمیت شرق بصره همان نتایجی را در پی داشت که با فتح فاو به دست آمد. به همین دلیل، به نظر برخی از کارشناسان نظامی بصره " نقطه چرخش " جنگ بود.<sup>۱۳</sup> برابر اخبار موجود، صدام پس از عملیات کربلا<sup>۱۴</sup> و ناامیدی از بازپس‌گیری منطقه تصرف شده در این عملیات، در جلسه‌ای پنج ساعته با فرماندهان ارتش عراق، بحث‌هایی را در مورد خطر شکست تدریجی عراق در " جنگ فرسایشی " انجام داد. در این جلسه احتمالاً در مورد گسترش بیشتر سازمان گارد ریاست جمهوری، تدارک نیروهای بیشتر برای ضدحمله، تشدید جنگ نفت‌کش‌ها و استفاده بیشتر از گازهای شیمیایی، بحث و تصمیم‌گیری شده است.<sup>۱۵</sup>

## افزایش خرید و انباشت سلاح

بر اساس گزارش‌های موجود، در سال ۱۳۶۶ برنامه‌های تسليحاتی عراق<sup>۱۶</sup> شتاب بی‌سابقه‌ای پیدا کرد به گونه‌ای که از آن به عنوان " انقلاب در تأسیسات و نهاد نظامی عراق " یاد می‌شود. ضمن این‌که، شبکه تدارکاتی عراق نیز از این سال به نحوی سابقه و چشم‌گیری فعال شد. نگرانی ناشی از گسترش دامنه جنگ و " ضرورت مقابله با برتری ایران " سبب شد که بر اساس یک " تصمیم همگانی "، عراق به طور برجسته و بی‌سابقه‌ای تجهیز شود. در این مرحله در کمتر از دو سال، فرانسه<sup>xx</sup> حدود ۵.۶ میلیارد دلار و شوروی<sup>xx</sup> حدود ۳.۹ میلیارد دلار اسلحه و تجهیزات نظامی به عراق فروختند. افزون بر این، زیربنای صنعتی فوق العاده عراق از سال ۱۹۸۴ میلادی به بعد با ۱۴/۲

<sup>xx</sup> برابر گزارش مجله نیوزویک، فرانسه در طول جنگ تقریباً ۱۶/۶ میلیارد دلار سلاح پیش‌رفته از جمله ۱۳۳ فرونده میراث اف - ۱ (F-1) و موشک‌های اگزوت به عراق فروخته است.

( محمد صفری، ما اعتراف می‌کنیم، ص ۱۳، به نقل از جمهوری اسلامی ۱۳۶۹/۵/۲۸)

<sup>xx</sup> برابر گزارش مجله نیوزویک، پنجاه درصد از ۸۴ میلیارد دلار هزینه سلاحی که در طول جنگ به عراق فروخته شد، به وسیله روس‌ها تأمین شد.

( محمد صفری، ما اعتراف می‌کنیم، ص ۱۳، به نقل از جمهوری اسلامی ۱۳۶۹/۵/۲۸)

میلیارد دلار هزینه تقویت شد. عراقی‌ها توансهند در این روند از شوروی، امریکا، فرانسه و آلمان تجهیزات و تکنولوژی پیش‌رفته خریداری کنند.

### کمک‌های شوروی به عراق

در این مرحله روس‌ها علاوه بر ارسال سلاح به عراق، با ارزیابی از ضعف‌های ساختاری ارتیش آن کشور در وضعیت دفاع و حمله، در توسعه نیروهای مسلح عراق<sup>۱۶</sup> و طرح‌ریزی استراتژی تهاجمی عراق نیز نقش فعال و محوری داشتند. کمک‌های شوروی به عراق در این مرحله در مقایسه با کمک‌های سایر کشورها بسیار برجسته‌تر و نمایان‌تر بود و تا اندازه‌ای، تأثیرات سرنوشت‌ساز بر روند تحولات جنگ داشت.<sup>۱۷</sup> یکی از مسئولان حزب کمونیست شوروی درباره علل ارسال سلاح به عراق گفت:

«شوروی ارسال سلاح به عراق را به خاطر بازگرداندن موازنۀ نظامی و سیاسی میان ایران و عراق از سر گرفت و نه به خاطر این‌که جنگ ادامه یابد. ایرانیان امیدهای زیادی به برتری قدرت نیروی انسانی خود دارند و ممکن است این برتری به توازن نظامی اخلاق وارد آورد و از این رو، شوروی ارسال سلاح به عراق را آغاز کرده است و این کار همچنان ادامه دارد.<sup>۱۸</sup> ... هدف از چنین معاملات، آن است که از پیروزی مهاجم کنونی یعنی جمهوری‌اسلامی ایران جلوگیری شود. طرف مهاجم تا زمانی که معتقد باشد پیروزی نظامی‌اش امکان‌پذیر است، حاضر نخواهد شد در گفت و گوهای صلح و پایان دادن به نبرد شرکت جوید.»<sup>۱۹</sup>

گسترش مناسبات همه‌جانبه عراق و شوروی این امکان را فراهم ساخت تا روس‌ها اهداف جدید سیاست خارجی خود را در منطقه و در برابر ایران پی‌گیری کرده و در مقابل، عراقی‌ها نیز با برخورداری از حمایت سیاسی-نظامی شوروی، تجهیزات نظامی و کمک‌های مستشاری دریافت

کند. "طه یاسین رمضان"، از مسئولان وقت دولت عراق در مصحابهای با مجله "الدستور" ضمن انتقاد از امریکا و تأکید بر این مسئله که "موقع امریکا پر از تضاد است" ، با اشاره به موقع شوروی گفت:

«اتحاد شوروی موقع خود را روشن ساخته است ... روابط فعلی عراق با اتحاد

شوروی در تمامی جنبه‌ها رو به گسترش می‌رود. »<sup>۲۰</sup>

چند ماه پس از آن، وی به مسکو سفر کرد و در بازگشت به بغداد گفت:

«در این دیدار صورت جلسه هجدهمین دوره کمیته همکاری مشترک عراق و

شوری در زمینه‌های اقتصادی ، علمی و فنی به امضا رسید . »<sup>۲۱</sup>

وی در قاهره نیز رسماً اعلام کرد:

«شوری‌ها در کنار ما هستند و در توسعه نیروهای مسلح ما شرکت دارند . »<sup>۲۲</sup>

بر اساس گزارش هفته‌نامه "فارین ریپورت" چاپ لندن در مورد کمکهای تسليحاتی شوروی به عراق، روس‌ها از اول ماه ژانویه ۱۹۸۷ یک قطار هوایی به منظور تحويل اسلحه به عراق به کار انداختند و موشک‌های زمین به زمین با برد متوسط از نوع اسکاد - B، تانک‌های جدید تی - ۷۲، هواپیماهای میگ ۲۳ و میگ ۲۵ که به صورت قطعات جداگانه حمل می‌شد و موشک‌های ضد هوایی از انواع گوناگون همراه با تکنسین‌های روسی را به عراق فرستاد. علاوه بر آن، حکومت مسکو چهار فروند هوایی سوخت‌رسان از نوع توپولف ۷۲ برای سوخت‌رسانی از آسمان به هواپیماهای جنگی و بم‌افکن‌های عراق به آن کشور تحويل داد.<sup>۲۳</sup>

"جیمز بیل" یکی از محققان امریکایی، طی مقاله‌ای در مورد کمکهای

شوری به عراق نوشت:

«شوری با عراق روابط بسیار نزدیک دارد و حدود ۶۰ درصد از تجهیزات نظامی

آن کشور را تأمین می‌کند و علاوه بر هواپیماهایی مانند میگ ۲۱ ، ۲۳ و ۲۵ در

حال حاضر میگ ۲۹ و هزاران فروند موشک زمین به زمین اسکاد فوایگ در

عراق گذاشته است . مستشاران شوروی با مقامات نظامی عراق بر اساس یک برنامه منظم ، همکاری می کنند . شکی وجود ندارد که اتحاد جماهیر شوروی بزرگ ترین قدرت خارجی است که از عراق حمایت می کند . »<sup>۲۴</sup>

با توجه به شواهد ، قرائن و اطلاعات موجود ، آقای هاشمی به عنوان فرمانده عالی جنگ طی سخنانی در مورد کمک تسليحاتی شوروی به عراق × و دلایل آن گفت :

« ما می دانیم که ۷۰ تا ۸۰ درصد تسليحات عراق از آن روس هاست . »<sup>۲۵</sup>

### کمک های امریکا به عراق

اقدامات امریکا نیز علیه ایران به موازات افزایش پیش روی نیروهای نظامی ایران در موضع عراقی ها ، با هدف جلوگیری از پیروزی ایران و شکست عراق تشدید شده و گسترش می یافتد<sup>۲۶</sup> ، زیرا پیروزی ایران بر عراق برای امریکا غیر قابل قبول بود .<sup>۲۷</sup> صدام با فرستادن "نزار حمدون" به عنوان سفير عراق در امریکا علاوه بر اهدافی که در سطوح مختلف پیگیری می کرد ، زمینه تحکیم روابط راق و امریکا را فراهم ساخت و به تدریج عراق به یک متحد امریکا در منطقه تبدیل گردید ، و بازارش برای امریکا ، بازار پرسودی ارزیابی شد .<sup>۲۸</sup> به همین دلیل ، جامعه تجاری و صنعتی امریکا به عنوان بزرگ ترین پشتیبان عراق ، از روابط تجاری با این کشور حمایت می کرد .<sup>۲۹</sup>

سیاست جانبدارانه امریکا از عراق نیز با آغاز سال ۱۳۶۶ و بر اساس

---

× برابر گزارش روزنامه "خبر مسکو" ، چاپ شوروی (پیشین) ، فهرست بخشی از تسليحاتی که شوروی در دهه ۸۰ میلادی به عراق تحويل داد ، به شرح زیر می باشد :

۵۰۰ دستگاه تانک تی - ۷۲	۱۰۰۰ دستگاه تانک تی - ۶۲	۳۵۰ فروند موشک زمین به زمین با برد ۳۰۰ کیلومتر ،
۲۵ فروند هواپیمای شکاری میگ ۲۹	۲۳ فروند هواپیمای شکاری میگ ۲۵	۷۰ فروند هواپیمای شکاری میگ ۲۳
۷۰ فروند هواپیمای شکاری میگ ۳۰	۲۱ فروند جنگنده شکاری سوخوی ۲۵	۵۰ فروند جنگنده شکاری سوخوی ۲۰

( محمد صفری ، ما اعتراف می کنیم ، ص ۷۹ ، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی (۱۳۶۹/۱۰/۲۲)

ارزیابی جدید شکل جدیدتری به خود گرفت. به گونه‌ای که "ریچارد آرمیتیج"، معاون وزیر جنگ امریکا، در کنگره اظهار کرد:

«پیروزی ایران در جنگ با عراق استقلال کشورهای عربی و اسلامی را متزلزل خواهد کرد.»<sup>۳۰</sup>

به همین دلیل، "مورفی"، وزیر خارجه امریکا اعلام کرد:

«هدف نهایی امریکا مقابله با انقلاب اسلامی می‌باشد.»<sup>۳۱</sup>

در این حال، تصورات امریکایی‌ها، در مورد توان نظامی ایران و برتری این کشور بر عراق، نقشی اساسی در گرایش امریکا به عراق داشت. ضمن این‌که سرخوردگی دولت امریکا از ماجرا "مک فارلین" و تلاش برای جبران این ماجرا و اثبات نزدیکی خود به عراق نیز در این گرایش بی‌تأثیر نبود.<sup>۳۲</sup> بر همین اساس، امریکایی‌ها در سال ۱۳۶۶ با سازماندهی "فسار دیپلماتیک" به ایران از جمله با تصویب قطعنامه ۵۹۸هـ، همزمان با حضور نظامی گستردگ در منطقه خلیج فارس، حفاظت از نفت‌کش‌های کویت را بر عهده گرفت. بدین وسیله، امریکا با ایجاد "چتر حمایت استراتژیک"، فرصت و امکان مناسب را برای حملات ویران کننده عراق به پایانه‌های نفت ایران و مراکز صنعتی و اقتصادی ایران، فراهم ساخت.

کمک اطلاعاتی <sup>xx</sup> امریکا به عراق که از سال ۱۳۵۹ خورشیدی آغاز شدو

<sup>x</sup> "محی الدین مصباحی"، طی مقاله‌ای در مورد تأثیر حضور امریکا در خلیج فارس نوشت: «از اواسط ۱۹۸۷ [میلادی]، حضور نظامی ایالات متحده در خلیج فارس عملیات حفاظت و اسکورت کشتی‌ها و توافق ابرقدرت‌ها در قبال افغانستان همراه با تصمیم شوروی در بازسازی ماشین جنگی عراق از عواملی بودند که موجب کاهش توانایی ایران در بهره‌برداری و استفاده از رقابت‌های ابرقدرت‌ها گردید و بدین ترتیب، خلاء استراتژیک که برای اقدامات و سیاست ایران در خلیج فارس بسیار اهمیت داشت، منتفی گردید.

(محی الدین مصباحی، بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، جلد دوم، مرداد ۶۷، ص ۲۳۵)

<sup>xx</sup> "وفیق السامری"، رئیس بخش ایران در سازمان اطلاعات نظامی عراق در مصاحبه با روزنامه *الحیات* چاپ لندن گفته بود که وی پس از آغاز جنگ در شهریور سال ۱۳۵۹ با مأموران سیا و مأموران آژانس اطلاعات دفاعی امریکا در بغداد تماس گرفته بود. ارزشمندترین اطلاعاتی که امریکا در اختیار عراق قرار داد بر اساس عکس‌های ماهواره‌ای از موضع ایران در طول جبهه ۱۲۰۰ کیلومتری این کشور تهیه شده بود. مأموران امریکا تحولات جنگ و راه‌های

در سال‌های پایانی جنگ نیز بیش از هر چیز دیگر مورد نیاز و درخواست عراق بود<sup>۳۳</sup>، سبب گردید تا سازمان "سیا" اطلاعات فوق العاده محترمانه‌ای از مراکز استراتژیک ایران در اختیار عراق قرار دهد. حتی برابر برخی گزارش‌ها، "ویلیام کیسی" رئیس سیا، بارها عراق را در حمله به تأسیسات اقتصادی و حیاتی ایران تشویق کرده بود و نمونه آن حمله هوایی‌پیماهای عراقی به "جزیره سیری" بود که در چارچوب هم‌آهنگی دقیق اطلاعاتی میان سیا و ارش عراق انجام گرفت.<sup>۳۴</sup>

امريکابي‌ها علاوه بر فروش سلاح به عراق، در بسیاری از زمینه‌ها تسهیلات لازم را برای تأمین نیازمندی‌های تسليحاتی عراق فراهم می‌کردند. بعدها "هوارد تایچر"، عضو شورای امنیت ملی امریکا در دولت ریگان، طی اظهاراتی فاش کرد که رئیس وقت سازمان سیا (ویلیام کیسی)، شخصاً برای اطمینان از این که عراق تسليحات، مهمات و خودروهای مورد نیازش را دریافت می‌کند، براین همکاری نظارت می‌کرد.<sup>۳۵</sup> برابر گزارش‌های موجود، امریکا در پنج سال گذشته (۱۳۶۱ تا ۱۳۶۶) معادل ۱.۵ میلیارد دلار تجهیزات الکترونیکی، انواع ماشین آلات، دستگاه‌های حساس و رایانه‌های فوق العاده قوی در زمینه تولید سلاح‌های شیمیایی، موشکی و هسته‌ای را به دولت عراق فروخت.<sup>۳۶</sup> بعدها، یک بازپرس کنگره امریکا که مسئول بررسی عمل کرد دولت امریکا در برابر عراق بود، گفت:

«دامنه وسعت انواع تجهیزات تکنولوژی حساسی که از طرف دولت امریکا به عراق ارسال شده است، آدم را شوکه می‌کند.»<sup>۳۷</sup>

همچنین، در گزارشی که بعدها در تلویزیون "ای.بی.سی" امریکا پخش شد، براین مسئله تأکید شد که شرکت‌های امریکا به‌طور قانونی و غیر قانونی

← گریز در طرح‌های نظامی را با همتای عراقی خود مورد بحث و بررسی قرار می‌دادند. مأموران امریکایی اطلاعاتی در مورد محل‌های استقرار نیروهای ایران، جنگ‌افزارها، تحرکات و مقاصد آنها در اختیار عراقی‌ها قرار می‌دادند. (روزنامه جمهوری اسلامی ۱۷/۶/۷۶، ص ۱۶)

نوعی فن‌آوری را در اختیار عراق قرار داده بودند که این کشور را قادر می‌ساخت، برنامه‌های ساخت پیش‌رفته‌ترین جنگ‌افزارها را ادامه دهد.<sup>۳۸</sup> به گزارش روزنامه "تايمز مالى"، چاپ انگلیس، شرکت امریکایی "اینترنشنال سیکنال اند کنترل" نیز در انتقال مخفیانه تکنولوژی ساخت بمب‌های خوش‌های به عراق دست داشت.<sup>۳۹</sup>

### کمک‌های فرانسه به عراق

فرانسوی‌ها در مقایسه با سایر کشورهای غربی بیشترین تسليحات مورد نیاز عراق را به این کشور واگذار کردند. فرانسوی‌ها منابع استراتژیک و انگیزه‌های مالی لازم را برای تقویت عراق داشتند، به همین دلیل از شهریور سال ۱۳۵۹ <sup>۴۰</sup> فروش تسليحات نظامی فرانسه به عراق به ۵.۶ میلیارد دلار رسید و ۴/۷ میلیارد دلار نیز قراردادهای بازارگانی و غیر نظامی میان دو کشور منعقد شد. دست کم، هفت میلیارد دلار از مجموع این معاملات به صورت وام و اعتبارات بود. در سال ۱۹۸۲ میلادی، ۴۰ درصد از صادرات تسليحاتی فرانسه به عراق ارسال شد؛ میراث اف - ۱، موشک‌های هوای هوای مازیک - ۱، موشک‌های اگزوست - ۳۹ M<sup>۴۱</sup> و پس از آن، هوایپیماهای سوپراتاندارد علاوه بر تقویت قدرت هوایی عراق، این کشور را برای حمله به نفت‌کش‌ها و پایانه‌های نفتی ایران از موقعیت برتری برخوردار کرد. همچنین، عراقی‌ها یک قرارداد ۶.۵ میلیارد دلاری تحت عنوان "پروژه فاو" با شرکت خصوصی فرانسوی امضا کردند. عراقی‌ها پیش‌بینی کرده بودند که طی سه مرحله، از ساخت هوایپیما و صنعت فضایی برخوردار شوند و به جای تعمیر و ارائه خدمات به میراث‌های اف - ۱ در فرانسه، در کشور خود به این کار اقدام کنند.

<sup>۴۰</sup> متأسفانه "کردزنمن" در کتاب خود، پایان دوره زمانی مورد نظر را ذکر نکرده است. احتمالاً پایان دوره، سال ۱۳۶۷ مورد نظر بوده است.

همچنین، عراقی‌ها امیدوار بودند با احداث کارخانه هواپیماسازی "سعد ۲۵" و با انتقال تکنولوژی، هواپیمای آموزشی آفاجت ۱۳۴، محصول مشترک آلمان و فرانسه را تولید کنند. عراق در مرحله پایانی می‌توانست هواپیمای میراث ۲۰۰۰ اس را به عنوان بمباکن جدید که در ارتفاع پایین پرواز می‌کرد و دستگاه رادار آن می‌توانست دفاع هوایی را گمراх کند، تولید کند.<sup>۴۲</sup> افزون بر این، فرانسوی‌ها در ساخت راکتور اتمی و فراهم کردن زمینه دست‌یابی عراق به سلاح اتمی نقش برجسته‌ای داشتند.

### کمک‌های انگلیس به عراق

رونق ناگهانی بازار عراق برای صنایع ابزارسازی انگلیس نیز کارساز بود. براساس برآورد انجمن تکنولوژی ابزارهای ماشین (M TAA)، فروش ابزار ماشین انگلیس به عراق از ۹.۲ میلیون دلار در ۱۹۸۷ میلادی به ۵.۳۱ میلیون دلار در سال ۱۹۸۸ میلادی افزایش یافت.<sup>۴۳</sup> از سوی دیگر برخی از کارخانه‌های انگلیس در پی فروش سلاح به عراق سودآور شدند و حتی در سال ۱۹۸۸ میلادی فروش این اقلام به ۲۰ میلیارد دلار رسید.<sup>۴۴</sup> همزمان، انگلیس‌ها دفتر خرید ایران در خیابان ویکتوریای لندن را از طریق سازمان اطلاعاتی M-15 کنترل کرده و اطلاعات آن را در اختیار عراق قرار می‌دادند.<sup>۴۵</sup>

### کمک‌های آلمان به عراق

آلمان‌ها همانند فرانسه و انگلیس تجهیزات نظامی فراوانی در اختیار عراق قرار دادند. فناوری آلمان‌ها در زمینه تولید سلاح‌های شیمیایی<sup>x</sup> و موشکی بیش

<sup>x</sup> به گزارش مجله "اشپیگل"، چاپ آلمان، در تأسیسات شیمیایی که شرکت‌های آلمانی در سامره ساخته بودند، مواد شیمیایی بسیار مرگبار "تابون ولاست" تولید شد. کارشناسان آلمانی همچنین متوجه شدند سه کارخانه فروخته شده به عراق قادر به تولید اسید سیائیدریک غلیظ و فشرده می‌باشند (حمد صفری ما اعتراف می‌کنیم، ص ۱۱۴، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی ۶۹/۷/۱)

از سایر بخش‌های بابه کار گرفته شد. آلمان‌ها مانند فرانسوی‌ها نوعی اتحاد استراتژیک با عراق داشتند، اما این اتحاد با موانعی رو به رو بود. آنها نمی‌توانستند روابط خود را کاملاً عنی سازند. یکی از دلایل پنهان کاری آلمان‌ها، جلوگیری از خشمگین شدن ایران بود<sup>۴۶</sup>، زیرا شرکتهای آلمانی روابط اقتصادی نسبتاً گسترده‌ای با ایران داشتند و مایل نبودند بر اثر افشاری کمک‌های آلمان به عراق، این روابط دچار آسیب شود.

در این حال، آلمان‌ها در چارچوب سیاست‌های خود و با هدف کاهش خشم صدام نسبت به روابط بازارگانی آلمان با ایران، صادرات خود را در سال ۱۹۸۸ میلادی نسبت به سال قبل با جهش چشم‌گیری ادامه دادند.

در چهار حوزه کلیدی: شیمیایی<sup>۴۷</sup>، کالاهای ساخته شده، ماشین‌های سنگین و کنترل ابزار دقیق ماشینی و ابزارهای علمی، فروش آلمان به عراق در فاصله یک دوره ۱۲ ماهه دو برابر شد. ارزش فناوری پیش‌رفته آلمان به عراق از ۳۷۴.۸ میلیون دلار در سال ۱۹۸۷ میلادی به ۸۲۶/۸ میلیون دلار در سال ۱۹۸۸ میلادی رسید. بخشی از کارخانه‌های آلمان نیز به صورت انحصاری، سلاح‌های مورد نیاز صدام را می‌ساختند.<sup>۴۸</sup>

## کمک‌های کویت و عربستان به عراق

کشورهای عربی به‌ویژه کویت و عربستان نیز با کمک‌های مالی به عراق بخشی از هزینه‌های این کشور را متحمل شدند. برابر گزارش "کردزن"، دو کشور یاد شده در مجموع ۵۰ تا ۲۵ میلیارد دلار به صورت قرض یا وام بلاعوض در اختیار عراق قرار دادند.<sup>۴۹</sup> بعدها، پس از بروز اختلاف میان عراق و کویت و اظهارات مقام‌های عراقی مبنی بر "جنگ با ایران به تنها بی" ، ابوغازله،

<sup>۴۶</sup> برابر گزارش‌های موثق و محرمانه، آلمان‌ها اطلاعات به دست آمده از مجروه‌هان شیمیایی ایرانی در بیمارستان‌های آلمانی را در اختیار عراق قرار می‌دادند تا از آنها برای اصلاح ترکیبات شیمیایی مورد استفاده در سلاح‌های خود بهره‌برداری کنند.

## معاون اسبق رئیس جمهور و وزیر دفاع مصر ادعای عراق را به عنوان یک دروغ بزرگ تعبیر کرد و گفت:

« تنها کویت و عربستان بیش از ۶۰ میلیارد دلار به عراق کمک کردند. »<sup>۴۹</sup>

فهد پادشاه عربستان نیز در سخنانی گفت:

« اگر عراق می‌گوید افراد خود را فدا کرده است، ما نیز با پول، سلاح‌های پیش‌رفته و همکاری بین‌المللی در این فدایکاری سهیم بوده‌ایم. »

وی سپس اقدامات رهبری عراق را نشان ناپیاسی نسبت به حمایت‌های نظامی عربستان ذکر کرد.<sup>۵۰</sup> هم‌زمان، شیخ "الصباح" سفیر کویت در واشنگتن در پاسخ به اظهارات عراقی‌ها گفت:

« کویت ۱۴ میلیارد دلار کمک‌های نقدی و بیش از ۱۶ میلیارد دلار از طریق کمک‌های خدماتی و غیره به ماشین جنگی عراق مساعدت نموده است... و طی جنگ، کویت بیش از نیاز نفت صادر می‌کرد تا به صدام در جنگ کمک کند. »<sup>۵۱</sup>

بعد از اذعان داشتن افزاون بر کمک‌های مالی، پایگاه نیروی هوایی در اختیار عراق دادند که همین امر به عراقی‌ها برای حمله به جزیره خارک و پایلهای نفت ایران و نفت‌کش‌ها کمک شایانی کرده بود.<sup>۵۲</sup>

عراقی‌ها تجهیزات و مواد خامی را که برای مقاصد نظامی نیاز داشتند از دویست شرکت در ۲۱ کشور جهان به دست می‌آوردند.<sup>۵۳</sup> غربی‌ها در نظر داشتند با کمک به عراق از برتری نظامی ایران و تغییر موازنۀ بهسود این کشور جلوگیری کنند.<sup>۵۴</sup> در نتیجه، این کمک‌ها همراه با حمایت‌های مالی کشورهای عرب حاشیه خلیج‌فارس به‌ویژه عربستان<sup>۵۵</sup>، و سلاح‌های روسی، قدرت زمینی عراقی‌ها را بهبود بخشد و آنها توانستند با تکیه بر سلاح‌های فرانسوی و روسی توان هوایی خود را افزایش دهند. قدرت توپخانه این کشور نیز با خرید جنگ‌افزار از کشورهای مختلف افزایش یافت و قدرت ایجاد

زیرساخت صنعتی برای تولید موشک و سلاح‌های شیمیایی با کمک آلمان‌ها به وجود آمد و تقویت شد.

به‌دلیل پیدایش چنین وضعیتی، صدام در مهر ماه ۱۳۶۶ در مصاحبه با روزنامه کویتی "السیاسه"، برتری عراق را اینچنین مورد تأکید قرار داد:

«عراق در تمام زمینه‌های سیاسی و نظامی در حال حاضر قوی‌تر از سالیان گذشته است و امکانات نظامی آن حداقل نسبت به شش ماه قبل دو برابر شده است.»<sup>۵۶</sup>

وی همچنین در مصاحبه با روزنامه "بوربا" چاپ عراق با توجه با تشدید درگیری در خلیج‌فارس گفت:

«رونده تمام عواملی که احتمالاً موجب خاتمه بخشیدن به جنگ ایران و عراق خواهد شد، اخیراً به‌طور رضایت‌بخشی به نفع عراق در حرکت می‌باشد.»

صدام این عوامل را شامل: "وضعیت جهان‌عرب"، "روابط بین‌المللی"، "موقعیت قوی‌تر عراق از لحاظ نظامی" و "افکار عمومی مردم ایران" ذکر کرد. وی در این مصاحبه در مورد موضع و نظرات ابرقدرت‌ها نسبت به جنگ گفت که آنها بیش‌تر در فکر به دست آوردن صلح می‌باشند.<sup>۵۷</sup> مدتی بعد، در پی تصویب قطع‌نامه ۵۹۸ و حضور امریکا در خلیج‌فارس و درگیری میان ایران و امریکا، صدام در مصاحبه با روزنامه کویتی السیاسه درباره روند جنگ گفت:

«اهداف ایران در سال‌های اول تا هشتم جنگ تحقق پیدا نکرده است و پیش‌بینی هم نمی‌شود که در سال‌های هشتم، نهم و دهم تحقق یابد.»

وی همچنین تأکید کرد:

«پیروزی بر عراق به‌طور قطع غیر ممکن است.»<sup>۵۸</sup>

## تحولات ارتش عراق

### ایجاد زیرساخت فن‌آوری تولید موشک

انتشار متن نامه رئیس گروه تحقیقات موشکی عراق به صدام در مرداد سال ۱۳۶۶<sup>۵۹</sup> مبنی بر کسب موفقیت در آزمایش موشک با برد ۶۰۰ کیلومتر، به دلیل فضای ناشی از حضور امریکا در خلیج فارس و اسکورت نفتکش‌ها و همچنین تصویب قطعنامه ۵۹۸ در سازمان ملل، با بی‌توجهی مواجه شد، حال آن‌که این مسئله نشان‌دهنده یک تحول اساسی در صنایع موشکی عراق و آغاز شکل‌گیری مرحله جدیدی از حملات ارتش این کشور به مردم بی‌دفاع و غیر نظامی ایران در شهرها بود.

در نخستین واکنش نسبت به اعلام رسمی عراق مبنی بر دستیابی به موشک "الحسین"<sup>۶۰</sup> با دو برابر برد بیشتر نسبت به موشک اسکاد - B، خبرگزاری آلمان به نقل از یک منبع نظامی عرب اعلام کرد که عراق بدون کمک خارجی نمی‌تواند چنین موشک‌هایی تولید کند.<sup>۶۱</sup> بعدها، با اصابت نخستین موشک عراق به تهران که با غافل‌گیری و حیرت همراه بود، مسکو و اشنگتن تحويل این نوع موشک را به عراق تکذیب کردند و به تدریج، هنگامی که موشک‌های بیشتری به تهران اصابت کرد، معلوم شد که عراق از قابلیت تولید موشک برخوردار شده است. بعدها نمایش بخشی از قطعات موشک‌های منفجر شده در تلویزیون ایران، قابلیت عراق را در تولید موشک تأیید کرد. تعویض دستگاه‌های سوخت، بر برد موشک‌های اسکاد افزوده بود و برابر برخی از گزارش‌ها، عراقی‌ها با اصلاحات گوناگون در موشک‌های اسکاد، از هر سه موشک اسکاد، دو موشک الحسين تولید می‌کردند.<sup>۶۲</sup> پروردگار افزایش برد موشک اسکاد تحت عنوان پروژه ۱۷۸ انجام می‌شد و فن‌آوری آلمان‌ها

<sup>۵۹</sup> نام‌گذاری موشک‌های جدید عراق به "الحسین" و "العباس" ، خود مسئله قابل توجهی است .

این امکان را برای عراق فراهم می‌ساخت تا به تدریج تولید و ساخت قطعات موشک از جمله بدن‌های آن را آغاز کند.<sup>۶۲</sup> بعدها، بازرسان سازمان ملل به مخازن ترکیب اکسیژن سیستم مراقبت فشار و یا شاسی‌های پرتاپ موشک دست پیدا کردند که همگی آنها ساخت آلمان بود.<sup>۶۳</sup> مجله اشپیگل چاپ آلمان با آشکار شدن نقش این کشور در انتقال تکنولوژی و کمک‌های فنی به عراق نوشته:<sup>۶۴</sup>

«امروز، دیگر ثابت شده است که بدون تکنولوژی آلمان، عراق قادر به تولید موشک‌های دوربرد اسکاد-B نبوده است. تکنولوژی پیش‌رفته آلمان، به بغداد این امکان را داد که برد موشک‌های اسکاد-B را به ۶۰۰ کیلومتر افزایش دهد.»<sup>۶۵</sup>

دلایل و انگیزه‌های عراق برای دست‌یابی به زیرساخت صنعت بهسازی و تولید موشک، ترکیبی از ناکامی عراق برای دریافت موشک اس.اس.۱۲ از شوروی<sup>۶۶</sup> و استراتژی جدید این کشور برای پایان دادن به جنگ با برخورداری از سلاح جدید برای حمله به شهرها و مراکز غیر نظامی به منظور فشار مستقیم بر مردم و غیر مستقیم بر تصمیم‌گیرندگان در ایران بود. به گفته «امر رشید العبیدی»، یکی از مسئولان صنایع نظامی وقت عراق:

«عراق به سلاحی نیاز داشت که جنگ را به میان مردم ایران ببرد و تنها، موشک دوربرد چنین فرصتی را در اختیار ما قرار می‌داد.»<sup>۶۷</sup>

عراقی‌های تدریج زیرساخت مناسبی<sup>۶۸</sup> را فراهم ساختند که منجر به

<sup>۶۲</sup> "تیمرمن" در کتاب خود در این زمینه می‌نویسد:

«خودداری شوروی از تحويل موشک اس. اس. ۱۲ و وحامت اوضاع مالی عراق دست به دست هم دادند و صدام را در شتاب بخشیدن به برنامه تسليحاتی بومی مصمم‌تر ساختند.»

(تیمرمن، سوداگری مرگ، ص ۴۸۸)

<sup>۶۳</sup> فیوزها و سایر مکانیسم‌های کنترل مورد نیاز در موشک الحسين و العباس در کارخانه الکترونیکی "صلاح الدین" تولید می‌شد. این شرکت را فرانسوی‌ها ساخته بودند . . . . بعدها "حسین‌کامل" ، در نقط افتتاحیه نمایشگاه در بغداد رسماً اعلام کرد :

تولید موشک "العباس" با برد ۸۶۰ کیلومتر شد. این موشک بر خلاف موشک الحسین، نوع بهسازی شده موشک اسکاد - B بود، بلکه با آن طرح شباهت‌هایی داشت. بلند پروازترین برنامه موشکی عراق پروژه ۳۵۹ بود که زیر نظر عامر العبیدی اداره می‌شد. وی در نظر داشت، تکنولوژی پیش‌رفته و پیچیده موشک کندور ۲ را با طرح ساده و بهسازی شده موشک اسکاد ترکیب کند<sup>۶۷</sup> که به دلیل مخالفت غربی‌ها و بعدها در پی حمله عراق به کویت، منتفی شد.

### حمله موشکی عراق به تهران \*

برخورد نخستین موشک عراق به تهران در ۱۹ اسفند ۱۳۶۶ به منزله آغاز چهارمین مرحله از حملات عراق به مردم بی‌دفاع و اماکن غیر نظامی ایران بود. استفاده عراق از موشک، وجه تمایز مرحله چهارم جنگ شهرها با مراحل پیشین بهشمار می‌رفت که موجب شگفتی ایران و کارشناسان اطلاعاتی غرب شد<sup>۶۸</sup> و سؤال‌ها و ابهامات بسیاری را درباره نحوه دست یابی عراق به موشک و مشخصات این جنگ‌افزار، مطرح کرد. روزنامه "واشنگتن پست" در مقاله‌ای نوشت، عراق به موشک‌های اس. اس. ۱۲ ساخت شوروی دست یافته است ولی مقامات شوروی اجازه استفاده از آن را به عراق نمی‌دادند. <sup>۶۹</sup> برخی از تحلیل‌گران نظامی نیز براین مسئله تأکید کردند که این موشک‌ها همان موشک‌های اسکاد - B ساخت شوروی هستند که در داخل عراق تغییر شکل یافته‌اند. <sup>۷۰</sup> ادعای عراق مبنی بر تولید این موشک‌ها سبب شد تا کمک فنی روس‌ها و اگذاری لوازم و سایر نیازمندی‌ها برای ساخت موشک در رسانه‌ها

← «در حال حاضر سه نوع متفاوت ساخت موشکی اف. ای در عراق تولید می‌شود.»  
(تیمرمن، سوداگری مرگ، صص ۶۴۰ و ۶۴۱)

\* حملات موشکی عراق به تهران و بازتاب‌های آن در جلد چهارم (از شلمچه تا حلبچه)، مورد بررسی قرار گرفته است.

مورد تأیید قرار گیرد.<sup>۷۰</sup> دستیابی ایران به قطعات برخی از موشک‌های شلیک شده که به دلایل فنی منفجر نشده بودند، و مشاهده ردپای روسها و اعلام آن از طریق رسانه‌های عمومی، به تدریج این موضوع را آشکار کرد که عراق با کمک فنی آلمان و شوروی موفق به تولید موشک جدید با برد ۶۵۰ کیلومتر شده است.<sup>۷۱</sup> واکنش افکار عمومی ایران درباره شوروی‌ها به دلیل تجهیز عراق به موشک و نگرانی روسها از عواقب این مسئله سبب شد، "نادی گراسیموف" سخنگوی وقت وزارت خارجه شوروی طی مصاحبه‌ای اعلام کند، این ادعا کاملاً بی‌اساس است و شوروی تاکنون از این نوع سلاح به هیچ یک از دو طرف مתחاصم نفروخته است.<sup>۷۲</sup> نماینده وقت شوروی در سازمان ملل نیز اعلام کرد که شوروی این سلاح‌ها را در اختیار عراق قرار نداده است.<sup>۷۳</sup>

اگرچه روسها اعلام کردند که در این زمینه نقشی نداشته‌اند، ولی اظهارات مقامات رسمی این کشور در مذاکرات، بیانگر چراغ سبز شوروی به عراق برای حمله موشکی به تهران بود. بعدها آقای ولایتی، وزیر خارجه وقت ایران گفت:

«در اوج بمباران‌های عراق [موشک باران تهران]، به قائم مقام وزیر خارجه شوروی گفتم: "چرا به عراقی‌ها موشک می‌دهید؟" گفت: "شما دست از حمایت مجاهدان افغانی<sup>۷۴</sup> بردارید تا ما هم موشک ندهیم، معامله خوبی نیست؟" «<sup>۷۵</sup> آقای هاشمی رفسنجانی نیز در مراسم اختتامیه کنفرانس بین‌المللی "تجاویز و دفاع"، در مورد سیاست شوروی‌ها در برابر ایران گفت:

<sup>۷۰</sup> بعدها، رادیو امریکا اعلام کرد که عراق ۱۹۰ فروند موشک الحسین به شهرهای ایران پرتاب کرد.

(محمد صفری، ما اعتراف می‌کنیم، ص ۷۳، رادیو امریکا، ۷ آبان ۱۳۶۹)

<sup>۷۱</sup> کیانوری، دبیر حزب محله توده در مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی در ۱۳۷۱/۱۱/۱۶ در همین زمینه گفت:

«روس‌ها به آقای ولایتی صریحاً توسط وزیر خارجه شوروی می‌گویند: "شما به محض این‌که حمایت از افغان‌ها را قطع کنید ما هم حملات عراق به ایران را متوقف می‌کنیم".»

« آنها [شوروی‌ها] با داعیه همسایگی و بسیاری مسائل دیگر به دلیل آن که ما حاضر نیستیم از حکومت دست نشانده افغانستان حمایت کنیم و مردم آواره افغانستان را پناه می‌دهیم ، از ما عصبانی هستند و به صراحت نیز به ما می‌گویند که : " افغانستان در برابر عراق " . »<sup>۷۴</sup>

در این مرحله ، نوعی پیوستگی <sup>x</sup> بین رفتار عراق و سیاست روس‌ها وجود داشت . در واقع ، روس‌ها برای به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ ایران و عراق و خروج از بحران افغانستان نیاز به همکاری ایران داشتند و برای دست یابی به آن ، از طریق عراق به ایران فشار می‌آوردند . پیدایش این وضعیت بیانگر دشواری و پیچیدگی‌های حاکم بر جنگ و بعد رو به گسترش فشار امریکا و شوروی به ایران بود .

اهداف عراق از حملات موشکی به تهران متفاوت بود ؛ برخی از موارد آن رسماً از سوی مقامات این کشور مورد تأکید قرار گرفت که به آن اشاره می‌شود . صدام در مصاحبه با سردبیر روزنامه مصری " الاهرام " در مورد زمان پایان جنگ به مسئله‌ای اشاره کرد که در واقع دلیل تشدید فشار به ایران و حملات موشکی به تهران را روشن می‌کرد . وی گفت :

« هرگاه ایران درک کند که خسارات ناشی از جنگ برایش هولناک است ، دست صلح را دراز خواهد کرد . »<sup>۷۵</sup>

فشار عراق در این مرحله با حمله موشکی به تهران و شایعه استفاده مستقیم از سلاح‌های شیمیایی <sup>xx</sup> بر علیه مردم متوجه بود و هدف از آن ، دست یابی به صلح عنوان شد . <sup>۷۶</sup> وزیر فرهنگ و اطلاعات عراق در همین زمینه

<sup>x</sup> ریچارد مورفی از مسئولان وزارت خارجه امریکا در این زمینه گفت :

« هر عکس العمل شوروی را باید در عمل کرد فوری رژیم بعث عراق جستجو کرد . »

( معاونت اطلاعات نیروی دریایی سپاه ، جزو " اگر من بودم ، می‌زدم " ، سال ۱۳۶۷ )

<sup>xx</sup> وفیق السامری ، یکی از مسئولان اطلاعاتی عراق که از این کشور متواری شد ، در مصاحبه‌ای اعتراف کرد که عراق قصد داشت تهران را با موشک همراه با کلاهک شیمیایی مورد حمله قرار دهد .

تأکید کرد که قصد عراق گسترش کانون صلح طلبان و منادیان خاتمه جنگ و تضعیف کوشش‌هایی است که برای بسیج داخلی به عمل می‌آید.<sup>۷۷</sup>

با توجه به این‌که حمایت‌های مردمی، هسته مرکزی دفاعی و قدرت تهاجمی ایران را تشکیل می‌داد، نوعی گرایش و توجه به این تحلیل به وجود آمد که تغییر در روحیه مردم ایران تنها عاملی است که می‌تواند باعث شکست جمهوری اسلامی ایران شود.<sup>۷۸</sup> بر این اساس، هدف عراق از حمله به مردم بی‌دفاع و مراکز غیر نظامی در شهرها، درگیر کردن مردم به صورت مستقیم با نتایج خسارت‌بار جنگ بود.<sup>۷۹</sup>

با فشار روانی ناشی از این حملات دشمن امیدوار شد که باور و اعتقادات مردم در خصوص جنگ و ادامه آن به تدریج تغییر کرده و در بستر این تحول، شرایط ازم برای پایان جنگ فراهم شود.

عراق، جز این درپی اهداف دیگری نیز بود. "شائل بخاش" در روزنامه واشنگتن پست درباره بخشی از این اهداف نوشت:

« عراق به تشدید جنگ ادامه می‌دهد، زیرا از آن وحشت دارد که جامعه بین‌المللی جنگ را فراموش کند و یا به این نتیجه برسد که می‌توان خصومت‌ها را با توافقی کمتر از آن‌چه عراق خواستار است، پایان دهد. »<sup>۸۰</sup>

"شیرین هانتر"، معاون بخش خاورمیانه در مرکز بین‌المللی و استراتژیک دانشگاه "جرج تاون" نیز بر این باور بود که هدف عراق بین‌المللی کردن جنگ وارد کردن دیگر کشورها به این معركه بر علیه ایران است.<sup>۸۱</sup>

عراق افزون بر "تضعیف روحیه مردم ایران و دامن زدن به مخالفت آنان با

<sup>۷۷</sup> "استفان پلیتر"، کارشناس سوق‌الجیشی در امور عراق می‌گوید: « عدم تحرک در اقدام به صلح سازمان ملل موجب شد که عراق به این تصمیم برسد که تنها راه ختم جنگ این است که به اقتصاد ایران آن قدر ضربه زند تا قادر به تغذیه مردمش نباشد و در عین حال نیز جمعیت شهرهای ایران را با حملات موشکی ترور کند تا آنها از دولتشان مطالبه صلح کنند. » (خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه" ، ۶۷/۱۲۶، به نقل از کریستین ساینس ملیتور)

جنگ" ، و همچنین "تحت فشار قرار دادن جوامع بین‌المللی برای اتخاذ اقدامات مؤثر جهت خاتمه دادن به جنگ" ، هدفی دیگر رانیز دنیال می‌کرد و آن "تحریک ایران برای انجام عملیات زمینی" بود.

به نظر می‌رسد افزایش توانایی نظامی عراق با خرید تجهیزات و سلاح‌های پیش‌رفته و گسترش سازمان‌رزم ، این اطمینان را برای نیروهای عراقی فراهم ساخته بود که از آمادگی بیشتری برای مقابله با تهاجمات قوای نظامی ایران برخوردار شده‌اند. بر همین اساس روزنامه واشنگتن پست به نقل از یک مقام آگاه عراقی می‌نویسد:

«برای اولین بار در تاریخ عراق ، ما می‌خواهیم ایرانی‌ها حمله کنند . »<sup>۸۱</sup>

رادیو امریکا طی تحلیلی با بیان نظریه موجود در مورد حمله موشکی عراق تأکید می‌کند:

« عراقی‌ها می‌خواهند ایران دست به حمله زمینی بزنند ، زیرا می‌دانند که قادرند آن را بشکنند . »<sup>۸۲</sup>

استراتژی عراق در جنگ شهرها براین مبنابود که ایران قادر به مقابله با برتری موشکی عراق نخواهد بود.<sup>۸۳</sup> و در نتیجه ایران برای خروج از فشار روانی ناشی از حملات موشکی به تهران اقدام به انجام عملیات زمینی خواهد کرد. چنان‌که با گذشت یک هفته متوالی از حملات موشکی عراق ، آقای هاشمی رفسنجانی ، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی گفت:

« ایران پاسخ نهایی خود به موشک‌های عراقی را با عملیات در جبهه‌ها خواهد داد . »<sup>۸۴</sup>

عراقی‌ها همواره در فصل زمستان تحت فشار روانی ناشی از انجام عملیات گسترده ایران که به صورت سالانه انجام می‌شد قرار داشتند. بنابراین تحریک ایران به انجام حمله زمینی می‌توانست خیال عراقی‌ها را در مورد ابعاد و منطقه عملیات ، آسوده کند ، ضمن این‌که در این مرحله عراقی‌ها استراتژی

تهاجمی جدیدی را طرح ریزی کرده بودند که نقطه آغاز آن حمله به فاوبود. بنابراین انجام حمله زمینی بهوسیله ایران، زمینه مناسب را برای اجرای استراتژی تهاجمی عراق فراهم می‌ساخت.

### بازسازی و تحول در سازمان رزم\*

استراتژی نظامی عراق در سال ۱۳۶۶ از دو مشخصه برخوردار بود. در بعد پدافندی فراهم کردن آمادگی‌های لازم برای مقابله با تهاجم قوای نظامی ایران و در بعد آفندی کسب توانایی برای بازپیش‌گیری مناطق از دست رفته در منطقه جنوب بود.<sup>۸۵</sup> نظر به این که بسیاری از یگان‌های دشمن در دو عملیات کربلای ۵ و ۸ شرکت کرده و خسارات و تلفات قابل ملاحظه‌ای را متحمل شده بودند، لذا بازسازی یگان‌های فراخوانی‌های مجدد عمومی و نیروهای شهربانی به همراه عفو عمومی زندانیان و فراری‌ها آغاز شد.<sup>۸۶</sup> فرصت حاصله از تغییر استراتژی ایران از جنوب به منطقه شمال غرب این امکان را برای عراقی‌ها فراهم ساخت تا طی این مدت با فراغت کامل بازسازی، آموزش و تجدید سازمان ارتشم عراق را نبال نمایند.<sup>۸۷</sup> پیش از این با توجه به ناتوانی عراق برای مقابله با تهاجم قوای نظامی ایران، بهوسیله کارشناسان نظامی چنین پیش‌بینی می‌شد که ارتشم عراق از آموزش کافی یا روحیه تهاجمی برای دست‌زننده حمله برخوردار نیست. اما با توجه به اقدامات عراق در سال ۱۳۶۶ تحلیل‌گران پنتاگون به وجود تحولات عمدی در ارتشم عراق پی برند و در ارزیابی خود تجدیدنظر کردند.<sup>۸۸</sup>

\* "کردزمن" در کتاب درس‌هایی از جنگ ایران و عراق، معتقد است که هنوز ماهیت قطعی تغییرات صورت گرفته نامعلوم است، ولی به نظر می‌رسد که عراق مبادرت به سازمان‌دهی مجدد "شورای عالی دفاع" خود در سال‌های ۱۹۸۷ - ۱۹۸۶ میلادی (۱۳۶۵ - ۶۶) کرده است تا فرماندهان و افسران واحدهای رزمی امکان اظهار نظر بیشتری بیابند و تمرکز گراییش در ساختار فرماندهی عراق کاوش یافته و حرفة‌گرایی از بهای بیشتری در مقابل سیاست‌گرایی برخوردار شود. (ص ۳۹۳)

- عراقی‌ها نخست برای برخورداری از آمادگی لازم در چارچوب استراتژی پدافندی در منطقه جنوب، اقدامات زیر را به عمل آورده‌اند:
- ۱- افزایش رده‌ها و موانع جلوی خطوط پدافندی خود.
  - ۲- عمق بخشیدن به خطوط پدافندی. ✗
  - ۳- ایجاد خطوط مواصلاتی متعدد برای حرکت بخشیدن به مانور و پشتیبانی نیروها.
  - ۴- به کارگیری و افزایش سازمان‌های احتیاط محلی تیپ‌ها و لشکرها و سپاهها.
  - ۵- پیروی کردن از تاکتیک‌های منطقه‌ای به ویژه در مناطق سپاه‌های سوم، ششم و هفتم.
  - ۶- اعزام و انتقال یگان‌های مانوری از قبیل: لشکرها گارد و تیپ‌های نیروی مخصوص با در نظر گرفتن میزان حساسیت‌های نیروهای ایرانی در هر منطقه به صورت "احتیاط نزدیک". ✗
  - ۷- اجرای مانورهای دفاعی (بازدارنده) و تمرین پاتک (بازپس‌گیری). ✗
  - ۸- فعال شدن کلیه عناصر اطلاعاتی عراق جهت کسب اطلاعات از چگونگی و زمان دقیق تک نیروهای ایرانی در جنوب. ✗
  - ۹- بازدید و توجیه فرماندهان عراق با برنامه‌ریزی‌های خاص از بالاترین رده‌ها (مثل شخص صدام) تارده فرماندهی تیپ‌ها از مناطق جنوب.
  - ۱۰- تشکیل جلسات گوناگون درباره آگاهی از نحوه اجرای دستورات و تاکتیک‌های اجرا شده بنابر دکترین اتخاذ شده قبلی.
  - ۱۱- انجام مانور آتش کلیه جنگ‌افزارها بر علیه نیروهای ایرانی و ارزیابی

✗ دشمن در مناطق سپاه‌های سوم، ششم و هفتم، چهار رده پدافندی ایجاد کرد.

✗ بیشتر این انتقال‌ها از ابتدای مهر ۱۳۶۶ به سمت منطقه جنوب صورت گرفت.

✗ بیشتر این مانورها در فصل پاییز و زمستان سال ۱۳۶۶ به صورت چشم‌گیری انجام شد.

✗ این اقدامات در فصل پاییز و زمستان ۱۳۶۶ گسترده‌تر شد.

فرماندهان دشمن از این آتش‌های هنگام اجرا که در بسیاری از مناطق جنوب مشاهده می‌شد.

۱۲- اعلام آماده باش‌های مکرر در تمام مناطق جنوب برای حفظ هوشیاری و آمادگی نیروها که در فصل پاییز و زمستان ۱۳۶۶ به طور چشم‌گیر انجام شد.<sup>۸۹</sup>

روندهای جنگ در آخرین سال به گونه‌ای بود که دشمن در منطقه جنوب در سال ۱۳۶۶ با هیچ گونه تهدیدی مواجه نشد، لذا فرصت لازم را به دست آورد تا برای ایجاد استحکام در رده‌های پدافندی خود، دست به احداث سنگرهای جدید و ترمیم سنگرهای قدیمی بزند.<sup>۹۰</sup>

### تلاش مهندسی عراق

فعالیت مهندسی دشمن در سال ۱۳۶۶ در منطقه جنوب از بیشترین حجم برخوردار بود که به دلیل اهمیت آن به تفکیک مناطق به آنها اشاره می‌شود:

الف) شلمچه: حساسیت و اهمیت شهر بصره و همچنین شکسته شدن دژهای مستحکم شلمچه در عملیات کربلای ۵ باعث شد تا عراق بیشترین حجم فعالیت مهندسی خود را در این منطقه متمرکز کند. تصرف پنج ضلعی، "نهر دوعیجی"، "نهر جاسم" و همچنین بخش‌هایی از شرق و غرب کانال ماهی‌گیری و جزایر "بوارین"، "ماهی" و "ام الطویل" به دست نیروهای ایرانی، وضعیت بغرنجی را از نظر پدافندی برای عراق به وجود آورد. حضور رزم‌ندگان اسلام در جنوب کانال زوجی و از سوی دیگر در شرق و غرب کانال ماهی‌گیری مانع آن شده بود که عراق رده‌های مناسب پدافندی ایجاد کند و به همین خاطر، عراق تقریباً مجبور بود، از یک سو خطوط ایجاد شده خود را

<sup>۸۹</sup> این بحث با استفاده از گزارش‌های مندرج در بولتن "بررسی "تحت عنوان " عراق ، بازسازی و تحول در سازمان رزم " ، ( خرداد سال ۱۳۶۷ ) که متکی به اطلاعات داده شده به وسیله معاونت اطلاعات نیروی زمینی سپاه می‌باشد ، نوشته شده است .

پاک کرده و از سمت دیگر اقدام به احداث رده دفاعی کند. به هر صورت، پس از عملیات کربلای ۸ دشمن تمرکز فعالیتهای خود را در رده اول تا پنجم جنوب کanal زوجی و غرب کanal ماهی گیری قرار داده و یک رده جدید نیز در شمال آب گرفتگی بوبیان احداث کرد. عراق در این مدت، حدود ۶۰ کیلومتر خاکریز در منطقه شرق بصره احداث و ترمیم کرد. در همین مدت، شمال کanal تارودخانه دجله و شهر بصره که تا آن زمان از موانع و ردههای پدافندی زیادی برخوردار نبود، حجم بالایی از کار مهندسی دشمن را به خود اختصاص داد.

**ب) جنوب ارونده و شبه جزیره فاو:** دشمن به لحاظ فعالیت فراوان مهندسی بعد از عملیات والفجر ۸ در این منطقه با مشکل عمدہای رو به رو نبود به ویژه این که مانع بزرگی همچون رودخانه ارونده در برابر رزمندگان اسلام قرار داشت. به طور کلی دشمن برای نقل و انتقال آسان یگانها و نیروهایش در منطقه یاد شده، عمدہ فعالیتهای مهندسی خود را در طول سال ۱۳۶۶ به احداث و ترمیم خاکریزها و جادههای فراوان نفر را در خطوط مقدم اختصاص داد.

**ج) هور:** سیاست پدافندی دشمن در منطقه هورالههیزه بیشتر به ایجاد و ترمیم ردههای دفاعی دوم و سوم مربوط بود و بالاترین حجم فعالیت مهندسی عراق در این زمینه به جزیره جنوبی اختصاص داشت.

دشمن در ادامه تلاش‌های گذشته خود موفق شد جزیره را از دو سمت شرق و غرب به منطقه طلائیه و پدالههیدی متصل و خطوط مواصلاتی متعددی را در آن احداث کند. از ۱۶۰ کیلومتر سیل‌بند و خاکریز که دشمن در این منطقه احداث کرده بود حدود ۱۰۰ کیلومتر به جزیره جنوبی اختصاص داشت که همین مسئله بیانگر میزان حساسیت و توجه دشمن به این محور بود.

سیاست جدید عراق در این باره، واگذاری مسئولیت پدافند جزیره از سپاه سوم به سپاه ششم بود که این تصمیم پس از اتصال جزیره به پدالهودی به مرحله اجرا در آمد. هدف عمدۀ و اصلی فعالیتهای دشمن در این منطقه را می‌توان در دو چیز خلاصه کرد: یکی تسهیل در امر ارتباط یگان‌های عقبه‌هایشان و دیگری کاستن از خطوط پدافندی و آزاد کردن یگان‌های درگیر خود.

**د) شرق عماره - غرب فکه:** این منطقه به لحاظ وضعیت جغرافیایی خاص خود، از عملیات والجر مقدماتی به بعد به منطقه‌ای آرام و پدافندی تبدیل شد و نسبت به دیگر مناطق از کمترین فعالیتهای مهندسی دشمن برخوردار بود. آرامش نسبی حاکم بر منطقه شرق عماره و عدم تلاش و تحرک جمهوری اسلامی در آنجا باعث شدتابه محل امن برای بازسازی و آموزش یگان‌های تازه تأسیس و ضربه دیده دشمن تبدیل شود.

مجموعه تلاش‌های پدافندی عراق در سال ۱۳۶۶ برای افزایش قابلیت‌های بازدارندگی و دفاعی‌اش سبب شد که نوعی اطمینان از آمادگی برای دفاع و عدم غافل‌گیری در زمان و مکان برای خود حاصل کند.<sup>۹۱</sup>

### فراخوانی و آموزش

ضربات پی‌درپی رزمندگان اسلام بر قوای نظامی دشمن در سال ۱۳۶۵ سبب شد تاعاقی‌ها متحمل تلفات و خسارات فراوانی شده و فرصت لازم را برای بازسازی نیابند. نیازمندی عراق به یگان‌های پیاده و بازسازی یگان‌های زرهی و مکانیزه باعث شد، تابا فراخوانی و آموزش و جای‌گزینی تجهیزات به تقویت بنیه دفاعی و تهاجمی خود اقدام کند.

پیش از این، ارتش عراق هر سال تنها یک نوبت فراخوانی داشت، ولی با تشدید روند تحولات جنگ و کلستی‌های موجود در سازمان رزم عراق،

فراخوانی به سه نوبت در سال افزایش یافت و در ماههای چهارم، هشتم و دوازدهم سال، نیروها فراخوانی می‌شدند. در هر نوبت صدهزار تن از مشمولان جدید، خود را به حوزه‌های نظام وظیفه معرفی کرده و در مجموع حدود ۳۰۰ هزار نیرو در پادگان‌ها دوره آموزشی را طی کرده و سپس به یگان‌ها معرفی می‌شدند.<sup>۹۲</sup> عراق برای جبران کمبود نیروی خود، اقدامات زیر را در فراخوانی‌ها انجام می‌داد:

- به حداقل رساندن شمار افسران و نیروهای گارد پادگان‌های آموزشی، پشتیبانی و غیره در پشت جبهه.
- استفاده از افسران مجروح معالجه شده، در مناطق عملیاتی.
- گرفتن نیرو از شهرbanی و پلیس.
- کاهش استعداد گردان‌های دفاع الاجبات (نیروهای حفاظت کننده از مراکز نظامی).
- اعلام عفو عمومی.
- احضار متولدان سال‌های ۶۷، ۶۸، ۶۹ میلادی (۱۹ تا ۲۰ ساله) و متولدان سال‌های ۴۵ تا ۴۶ (۱۹۵۳ تا ۴۴ ساله) به خدمت.
- به کارگیری سربازان وظیفه دیپلم بهجای درجه‌داران و تکمیل کادر درجه‌داری.
- جمع‌آوری گروهان‌های کماندویی و تبدیل آنها به تیپ‌های جدید.
- جمع‌آوری افسران توجیه سیاسی از گردان‌ها.
- جمع‌آوری فراریان در هور.
- تعطیل برخی از کارخانه‌ها به بهانه نبود مواد اولیه (با هدف جذب نیروها به جبهه‌ها).
- ادغام بعضی از وزارت خانه‌ها و یا انحلال آنها به منظور استفاده از نیروی اضافی آنها.

- قطع کمک هزینه‌های تحصیلی و مجبور شدن استفاده کنندگان آنها به خدمت سربازی.

- کاهش عمومی ظرفیت دانشگاهها و مجبور شدن داشجویان برای خدمت سربازی.

- جذب ۳۰ درصد از نیروی ادارات در جبهه.<sup>۹۳</sup>

یکی از تحلیل‌گران در گزارش خود درباره تمرینات آموزشی گستردۀ عراق نوشت:

«در طول سال ۱۹۸۷ میلادی (۱۳۶۶) این کشور نیروهای نخبه خود را برای انجام آموزش‌های رزم مرکب، از خطوط مقدم عقب کشید. این نوع آموزش که به نیروهای زرهی و پیاده داده می‌شد، به فرماندهان تمام سطوح به‌ویژه در واحدهای گارد ریاست جمهوری اجازه آزادی عمل بیشتری در تمرینات می‌داد. همچنین مانورهایی در سطح سپاه با تاکتیک‌های دفاع و ضد حمله انجام می‌شد. این اصلاحات، بهبود عمدۀ‌ای در تعدادی از سپاه‌ها و لشکرهای کلیدی عراق به وجود آورد.»<sup>۹۴</sup>

## گسترش سازمان رزم عراق

ناکامی عراق پس از تهاجم اولیه به ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ و پس از آن، حملات پی‌درپی و گستردۀ ایران برای آزاد کردن مناطق اشغالی و نامطلوب شدن وضعیت ارتض عراق، آن کشور را به گسترش سازمان رزم خود مصمم ساخت. بدین ترتیب عراق که در آستانه تجاوز به ایران، ۱۲ لشکر را در قالب سه سپاه سازمان‌دهی کرده بود، دست به تشکیل یگان‌های جدید زد:

× عراق در سال ۱۳۶۰ دو لشکر ۱۴ و ۱۵ پیاده و در سال ۱۳۶۱ پنج لشکر ۱۶، ۲۰، ۲۱، ۲۰ و ۲۳ پیاده و در سال ۱۳۶۲ سه لشکر ۱۷ زرهی (همان لشکر ۹ زرهی بازسازی شده است)، ۱۸ و ۱۹ پیاده و در سال ۱۳۶۳ نه لشکر ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰ و ۳۱ پیاده و در سال ۱۳۶۴ ده لشکر ۳۲، ۳۳، ۳۶، ۳۴، ۳۷، ۳۸، ۳۹ و ۴۰ پیاده و در سال ۱۳۶۵ ده لشکر ۱، ۲، ۳ و پیش، ۱، ۲، ۳ گارد ریاست جمهوری، ۴۲ الاهوار پیاده، ۱ و ۴۱، ۴۰ و ۴۵ پیاده

به گونه‌ای که در سال ۱۳۶۶ (سال هشتم تجاوز) ۵۹ لشکر متشكل از ۵۱ لشکر پیاده، ۶ لشکر زرهی و ۲ لشکر مکانیزه را در ۹ سپاه سازمان دهی کرد که با توجه به وضعیت عراق امری فوق العاده به شمار می‌رفت. تشکیل سپاه‌های عراق، عکس العمل آن کشور در برابر موفقیت نیروهای جمهوری اسلامی ایران در دوران جنگ هشت ساله بود و بدین ترتیب دشمن می‌کوشید نقاط ضعف خود را با بسیج نیرو و امکانات پوشش دهد. در همین راستا عراق، ۶ سپاه جدید را به ترتیب زیر تشکیل داد:

سپاه چهارم را در منطقه عماره به نام نیروهای "حطین" در ۳۰ مهر ۱۳۶۰ (قبل از آغاز عملیات فتح المبین) و سپاه پنجم را در منطقه شرق دجله به نام نیروهای "عمودیه" در تیر ۱۳۶۴ (پس از عملیات خیبر) و سپاه ششم را در منطقه شرق دجله به نام نیروهای "الحكم" در ۱۱ شهریور ۱۳۶۴ (پس از عملیات بدر) و سپاه هفتم را در منطقه غرب ارونده به نام نیروهای "ذیقار" در ۱۱ شهریور ۱۳۶۴ (پس از عملیات بدر) و سپاه یکم ویژه را در منطقه کوت به نام نیروهای "الله‌اکبر" در ۲۰ شهریور ۱۳۶۵ (پس از عملیات والفجر<sup>۸</sup>) و سپاه گارد ریاست جمهوری را در بغداد به نام نیروهای "الفاریس" در ۲۱ دی ۱۳۶۵ (پس از عملیات والفجر<sup>۸</sup>) سازمان دهی کرد.<sup>۹۵</sup>

با توجه به نگرانی دشمن نسبت به منطقه جنوب (فاوتا چنگوله)، این منطقه با چهار سپاه به نام‌های سپاه هفتم، سوم، ششم و چهارم پدافند می‌شد.<sup>۹۶</sup> در ترکیب کلی سپاه‌ها و لشکرها هر سپاه یک تیپ کماندویی و هر لشکر یک گردان کماندویی در اختیار داشت. البته در برخی از مناطق به دلیل عدم امکان استفاده از یگان‌های زرهی و احساس نیاز دشمن، نیروهای

<sup>۹۵</sup> الوطنی و در سال ۱۳۶۶ پنج لشکر ۴۴ و ۵۰ پیاده، ۴ گارد ریاست جمهوری، فرماندهی حفاظت نفت، حراست نفت و در سال ۱۳۶۷ شش لشکر ۵، ۶، ۷، ۸، ۹ گارد ریاست جمهوری، ۴۶ و ۴۹ پیاده را سازماندهی کرد.

(معاونت اطلاعات نیروی زمینی سپاه، "نگرشی بر وضعیت ارتش عراق در ده سال گذشته"، دی ماه ۱۳۷۰، ص ۱۵)

کماندویی یک سپاه از یک تیپ به دو تیپ و گردان‌های کماندویی یک لشکر از یک گردان به دو گردان افزایش می‌یافتد.<sup>۹۷</sup>

استعداد نیروهای دشمن در منطقه جنوب در مجموع بالغ بر دو لشکر پیاده، دو لشکر مکانیزه و چهار لشکر زرهی بود. هر سپاه یک لشکر زرهی در "احتیاط" داشت که در مجموع چهار لشکر در احتیاط سپاه‌های چهار گانه دشمن در منطقه جنوب قرار داشتند.<sup>۹۸</sup> مجموع نیروهای درگیر عراق بر حسب گردان ۲۲۵ گردان پیاده، ۳۳ گردان زرهی، ۴ گردان مکانیزه، ۳۴ گردان کماندویی و مجموع گردان‌های احتیاط آن ۶ گردان پیاده، ۱۱ گردان زرهی، ۶ گردان مکانیزه، ۴۲ گردان و ۳ گروهان کماندویی و مجموع نیروهای درگیر و احتیاط دشمن بالغ بر ۳۶۱ گردان پیاده، زرهی، مکانیزه و کماندویی بود.<sup>۹۹</sup> افزایش توان نظامی عراق علاوه بر این‌که قدرت دفاعی را تقویت می‌کرد، زمینه‌های لازم را برای اجرای استراتژی آفندی با هدف بازپس‌گیری مناطق تحت تصرف ایران فراهم می‌ساخت، به همین منظور عراقی‌ها اقداماتی را شامل مانور بازپس‌گیری منطقه فاو، همراه با حملات محدود در منطقه جنوب به اجرا گذاشتند.

### مانورهای دشمن

مانورها و تاکتیک‌های یگان‌های دشمن در منطقه جنوب به تناسب استراتژی عراق شامل دفاع (پدافند) و تهاجم (آفند) بود. به همین دلیل بیشترین تلاش این یگان‌ها اتخاذ موضع پدافندی و غیر قابل نفوذ (پدافند منطقه‌ای) و در همان حال، برخورداری از آمادگی لازم برای تغییر موضع از پدافند به آفند بود.<sup>۱۰۰</sup> عراق افزایش آمادگی و تکمیل آموزش یگان‌های رزمی خود را در نقاط حساس آفندی و پدافندی پی‌گیری می‌کرد.<sup>۱۰۱</sup> تلاش‌های نظامی ایران در منطقه فاو در اوخر پاییز و زمستان ۱۳۶۶ سبب افزایش حساسیت دشمن

در آن منطقه بود. دشمن هم در اندیشه اتخاذ مواضع پدافندی مناسب در منطقه بود و هم به دنبال کسب آمادگی لازم تا در فرصتی دبدهنگام، با تغییر موضع، منطقه فاورا بازپس گیرد. بر پایه همین مسئله، میزان آموختش یگان‌های دشمن در این منطقه بسیار قابل ملاحظه بود، چنان‌که حدود ۲۰ یگان در منطقه غرب رودخانه ارون و دوره‌های آموختشی را گذراندند.<sup>۱۰۲</sup> بدین ترتیب که از اوایل بهمن سال ۱۳۶۶ عراق یگان‌های یادشده را از مناطق جنوب با هدف آمادگی برای عملیات آفندی و بازپس گیری فاو به این منطقه، در کنار "خور عبدالله" منتقل کرد.<sup>۱۰۳</sup> دشمن مراکت منطقه فاورا در زمینی وسیع در منطقه زیر احداث کرده و آخرین وضعیت خاکریزها و میدانی میان نیروهای ایرانی در منطقه فاورا در آن مراکت پیاده کرده بود و بر اساس آن یروهاش را آموخت می‌داد. نظر به اهمیت مانور آموختشی و اهدافی که پی‌گیری می‌شد، در دهم اسفند ۱۳۶۶ ارتشد "عبدالکریم نزار الخزرجی" از منطقه بازدید کرد و پس از آن، " Maher عبدالرشید"، فرمانده سپاه هفتم در بازدید از منطقه گفت:

« ما به شما سربازان عراقی امید زیادی داریم و من از شما می‌خواهم کلیه سرزمین‌های عراق را که به تصرف ایرانی‌ها در آمده است بازپس گیرید... ما منتظر نیروهای ایرانی نمی‌نشینیم بلکه خود را آماده می‌نماییم تا منطقه فاورا بازپس بگیریم. »<sup>۱۰۴</sup>

### اجرای عملیات محدود در منطقه جنوب

ارتشد عراق با کسب آمادگی دفاعی و تهاجمی، به عملیات ایدایی محدودی در منطقه جنوب با اهداف چندگانه دست زد. بازداشت نیروهای ایرانی از ادامه تهاجم در منطقه ارون درود، تقویت روحیه نیروهای عراقی و مهم‌تر از همه، به دست‌گرفتن ابتکار عمل نظامی در جنوب، بخشی از این اهداف بود.<sup>۱۰۵</sup>

بدین منظور، ارتیش عراق نقل و انتقال و جابه‌جایی‌های زیادی را در منطقه جنوب انجام داد و از تابستان ۱۳۶۶ آغاز به عملیات محدود کرد و در همین راستا در ۲۰ تیر ۱۳۶۶ در جزیره مجنون با دو گروهان اقدام به تک کرد که در ضلع غربی جزیره جنوبی ۱۲۰۰ متر و در ضلع شرقی ۳۰۰ تا ۴۰۰ متر پیش روی کرد.<sup>۱۰۶</sup> همچنین در ۲۹ تیر ۱۳۶۶ دشمن در منطقه فاو با استعداد یک گردان در محور "المقصر" دست به تک زد، اما موفقیتی به دست یاورد.<sup>۱۰۷</sup> به طور کامل، دشمن بعد از عملیات کربلای ۵ طی یک سال، ۱۹ عملیات محدود در منطقه غرب اروندرود و شرق عماره و یک عملیات در منطقه شرق بصره انجام داد.

در کنار فعالیتهای عراقی‌ها، منافقین نیز بر فعالیتهای خود در منطقه جنوب (چنگوله تافاو) افزودند و جمعاً هشت مورد عملیات در منطقه قره‌تپه، غرب میمه، غرب دوبرج، منطقه بیات، دیواره مرگ و کوشک انجام دادند. بیشترین تلاش منافقین در خطوط پدافندی ارتیش ایران و با هدف گرفتن اسیر و تخلیه اطلاعاتی آنها انجام می‌شد.<sup>۱۰۸</sup> در ماههای پایانی سال ۱۳۶۶ آمادگی دفاعی و تهاجمی عراق سبب گردید مسئولان عراق برآمادگی خود ر مقابله با جمهوری اسلامی تأکید کنند. در همین باره "عدنان خیرالله" وزیر دفاع وقت عراق اعلام کرد:

«عراق برای رویارویی با حمله آینده ایران از کمال خونسردی و آرامش خاطر بهره می‌برد و در این زمینه تمامی امکانات و آمادگی رزمی خود را بسیج کرده‌ایم.»<sup>۱۰۹</sup>

<sup>X</sup> در این عملیات‌ها تیپ‌های ۱۸، ۱۱۷، ۲۹، ۱۱۷، ۲۸، ۹۱، ۹۷ و ۲۱ مکانیزه، ۱۰۶، ۴۵، ۹۳، ۴۲۱، ۴۱۸، ۱۱۷، ۲۹، ۱۸، ۴۴۳، ۳۹، ۶۰۳، ۴۴۲ و ۹۹، ۵۰۲، ۳۹ مکانیزه و ۷۸، ۴۱۷، ۹۴، ۳۹، ۴۱۸، ۴۲۵ و ۸۰ زرهی کماندویی سپاه یکم، دوم و چهارم، ۵۰۵، ۸۱، ۸۳، دو تیپ کماندویی سپاه ششم و گردان‌های کماندویی ۷۱ و دو گردان تانک لشکر، دو تیپ ۹۷، ۹۰، ۱۴۰ خفیه شرکت داشتند که جمعاً ۷۴۳۵ تن از نیروهای دشمن کشته و ۲۰۷۴ تن اسیر شدند. (سپاه پاسداران، عمل کرد دشمن در سال ۱۳۶۶، ص ۸)

او همچنین در مورد آمادگی عراق برای انجام عملیات آفندی گفت:

« عراق تصمیم دارد ایرانیان را از تمامی سرزمین‌های اشغالی خود خارج سازد و ایران بهزودی جاپای به دست آورده در خاک عراق را از دست خواهد داد . »<sup>۱۰</sup>

روزنامه عراقی "الجمهوریه" نیز بر تصمیم عراق به تصرف این مناطق اشاره کرد.<sup>۱۱</sup> پیش از این عدنان خیرالله تصرف مجدد فاو را مشروط به برقراری توازن روحیه و توان کرده بود.<sup>۱۲</sup> صدام نیز با تأکید بر این که نیروهای ایرانی در سال ۱۳۶۶ در مقایسه با سال ۱۳۶۵ - که از نیروهای سپاه محمد(ص) استفاده کرد - از توان و نیروی کمتری برخوردار است، خطاب به ارتش عراق اعلام کرد:

« شما تعدادتان از همه نظر بیشتر است . »<sup>۱۳</sup>

## فهرست مأخذ فصل اول

- ۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۵، ۱۳۶۶/۴/۲۲، به نقل از نشریه پاتریوت، چاپ‌دهانی، ۰۶۶/۴/۲۱.
- ۲- دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، خط توطه در ششمين و هفتمين سال جنگ، سال ۱۳۶۶، ص. ۱۶۰.
- ۳- محمد صفری، ما اعتراف می‌کیم، حوزه‌های سازمان تبلیغات اسلامی، زمستان ۱۳۷۰، ص. ۱۳۷.
- ۴- داشتکده فرانسه و ستد (دافوس)، سپاه پاسداران، معاونت تحقیق و پژوهش، تئوری عملیات و جنگ، سال ۱۳۷۳، ص. ۲۱.
- ۵- پیشین، ص. ۱۱.
- ۶- محی الدین مصلحی، بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع جلد دوم، مجموعه مقالات تهران، ۱۳۶۸، ص. ۲۳۳.
- ۷- پیشین.
- ۸- پیشین.
- ۹- پیشین.
- ۱۰- پیشین.
- ۱۱- پیشین.
- ۱۲- پیشین، ص. ۲۲۹.
- ۱۳- آتنوی کردمن، آبراهام واگنر، درس‌هایی از جنگ مدرن، جلد دوم، جنگ ایران و عراق، ترجمه: حسین یکتا، کارشناس مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، ص. ۳۰۱، (چاپ نشده).
- ۱۴- پیشین، ص. ۲۹۹.
- ۱۵- کت. آر. تیرمن، سوداگری مرگ، ترجمه احمد تیم، تهران، مؤسسه خدمت فرهنگی رس، ۱۳۷۳، ص. ۴۹۰.
- ۱۶- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۰۷، ۱۳۶۹/۴/۱۴، خبرگزاری فرانس، ۱۳۶۹/۴/۱۳، به نقل از طه یلیسین (محلن).
- ۱۷- مأخذ ۶، ص. ۲۲۶.
- ۱۸- پیشین، ص. ۲۲۳.
- ۱۹- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۳۰۳، ۱۳۶۵/۱۰/۲۷، به نقل از رادیو لمبیکا، ۱۳۶۵/۱۰/۲۶.
- ۲۰- لاره کل مطبوعات و رسائی‌های خارجی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، "بررسی مطبوعات جهان"، نشریه شماره ۱۳۶۶، ۱۳۶۶/۱/۲۹.
- ۲۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۰۸، ۱۳۶۶/۴/۱۵، به نقل از زادی و صوت الجمله، ۱۳۶۶/۴/۱۴.
- ۲۲- مأخذ ۱۶، قاهره، خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۶/۴/۱۳.
- ۲۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۲۸۰، رادیو اسرائیل، ۱۳۶۵/۱۰/۳.
- ۲۴- مأخذ ۶، ص. ۴۸.
- ۲۵- پیشین، جداول، ص. ۵۲.
- ۲۶- مأخذ ۳، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۹/۵/۲۸، به نقل از نیوزیک، چاپ لمبیکا.
- ۲۷- پیشین، ص. ۱۳۳، به نقل از رادیو لمبیکا، ۱۳۶۹/۵/۲۲.
- ۲۸- پیشین، ص. ۱۳۷، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۹/۶/۱۵، ریچارد دورفی، معاون اسبق وزارت خارجه لمبیکا، تلویزیون انگلیس.
- ۲۹- مأخذ ۱۵، ص. ۵۹۲.
- ۳۰- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۱۷۳، ۱۳۶۶/۳/۱۱، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۶/۳/۱۱، به نقل از روزنامه القبس، چاپ کویت.
- ۳۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۶/۳/۱۱، به نقل از روزنامه الایله، چاپ کویت.
- ۳۲- مأخذ ۳، ص. ۱۳۷، رایترت هاتر، ازمیل و لان سایق شورای امنیت ملی لمبیکار مصاحبه باشکه تلویزیونی سی‌ان‌ان.
- ۳۳- مأخذ ۳، ص. ۶۲، مصاحبه مطبوعاتی سفیر اسبق عربستان سعودی در لمبیکا، ۱۳۶۹/۵/۲۴.
- ۳۴- پیشین، ص. ۷۲، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۹/۷/۱۰، به نقل از هفته‌نامه المجله، چاپ دمشق.
- ۳۵- مأخذ ۱۳، ص. ۲۰.
- ۳۶- مأخذ ۳، ص. ۷۸، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۹/۱۰/۱۲، به نقل از روزنامه واشنگتن پست، چاپ لمبیکا.

- ۳۷- پیشین، خبرگزاری آلمان، ۱۳۶۶/۵/۱۳.
- ۳۸- پیشین، ص ۶۷، به تقلیل از شبکه‌ای بسیاریکا، ۱۳۶۹/۶/۲۰.
- ۳۹- پیشین، ص ۷۸، به تقلیل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۹/۱/۲.
- ۴۰- مأخذ ۱۳، ص ۲۰۲.
- ۴۱- پیشین، ص ۱۸۲.
- ۴۲- مأخذ ۱۵، ص ۶۳۱ و ۶۳۲.
- ۴۳- پیشین، ص ۵۱۳.
- ۴۴- پیشین، ص ۵۴۸.
- ۴۵- پیشین، ص ۶۴۸.
- ۴۶- پیشین، ص ۳۱۸.
- ۴۷- پیشین، ص ۴۹۳.
- ۴۸- مأخذ ۱۳، ص ۲۰.
- ۴۹- روزنامه کیهان، ۱۳۶۹/۱۲/۷، ابوغازله در گفتگو با رادیو کویت.
- ۵۰- مأخذ ۳، ص ۶۲، به تقلیل از خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۱۳۶۹/۵/۲۳.
- ۵۱- کنفرانس بحران خلیج فارس، بررسی منافع و راههای موجود امریکا، ۱۳۶۶/۶/۲۱، واشنگتن.
- ۵۲- مأخذ ۱۵، ص ۲۲۳.
- ۵۳- مأخذ ۳، ص ۱۱۵، به تقلیل از رادیومیریکا، ۱۳۶۸/۷/۱۱.
- ۵۴- پیشین، ص ۵۷، رادیولندن، ۱۳۶۹/۵/۳.
- ۵۵- پیشین، ص ۷۳، به تقلیل از مجتبه شیگل، چالپ آمل، به قتل از "سعید الفیصل" وزیر خارجه عربستان، ۱۳۶۹/۷/۲۳.
- ۵۶- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شریه روزنامه کیهان، ۱۳۶۹/۱۲/۲۹، کویت، به تقلیل از خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۹/۱۲/۲۸.
- ۵۷- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شریه روزنامه بوربا، چلپ عراق، ۱۳۶۶/۵/۲۶.
- ۵۸- مأخذ ۶۵.
- ۵۹- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شریه روزنامه کیهان، ۱۳۶۹/۵/۱۴، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۶/۵/۱۳، به تقلیل از رادیو صوت الجماهیر.
- ۶۰- پیشین، خبرگزاری آلمان، ۱۳۶۶/۵/۱۳.
- ۶۱- مأخذ ۱۵، ص ۵۵۵ و ۵۵۷.
- ۶۲- پیشین، ص ۴۹۵.
- ۶۳- روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۱/۲۳، به تقلیل از مجله آمانی اشپیگل.
- ۶۴- پیشین.
- ۶۵- مأخذ ۱۵، ص ۴۸۵.
- ۶۶- پیشین، ص ۴۹۹.
- ۶۷- مأخذ ۱۳، ص ۴۰۳.
- ۶۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شریه شمله رادیو امریکا، ۱۳۶۷/۱/۱۸، به تقلیل از ولشگن است.
- ۶۹- اداره کل مطبوعات و رسانه‌های خارجی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، "بررسی مطبوعات جهان"، شریه شماره ۱۳۰۸، ۱۳۶۷/۱/۲۱، به تقلیل از میدل ایست تایمز، چاپ قبرس.
- ۷۰- اداره کل مطبوعات و رسانه‌های خارجی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، "بررسی مطبوعات جهان"، شریه شماره ۱۳۰۷، ۱۳۶۷/۱/۹، به تقلیل از دی ولت، چاپ آلمان، اسفند ۶۶.
- ۷۱- مأخذ ۶۹، به تقلیل از لووند، چاپ پاریس، اسفند ۶۶.
- ۷۲- روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۶/۲/۱۸، سازمان ملل، به تقلیل از خبرگزاری رویتر، "بانوکف" نمیندوخت شوروی در سیمان ملل.
- ۷۳- روزنامه کیهان، ۱۳۷۵/۱/۲۸.
- ۷۴- مأخذ ۶۶، جلد لعل، ص ۵۲.
- ۷۵- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شریه شمله ۱۳۶۹/۱۲/۲۹، کویت، به تقلیل از خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۹/۱۲/۲۸.
- ۷۶- روزنامه کیهان، ۱۳۶۹/۱/۱۸، "سعدی حمدانی"، گذرا لام وزارت خارجه عراق.
- ۷۷- مأخذ ۷۵، ۱۳۶۷/۱/۱۶، به تقلیل از خبرگزاری خلیج، به تقلیل از طیف جسم، بوزیر اطلاعات عراق، ۱۳۶۷/۱/۱۵.
- ۷۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شریه شمله ۱۳۶۷/۵/۱۳، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۵/۱۲، به تقلیل از آتونی بلسوونز، سفیر ساق لکلیس در ایران.
- ۷۹- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شریه شماره ۱۱، ۱۳۶۷/۱/۱۱، به تقلیل از رادیو امریکا، ۶۷/۱/۱۰.

- ۹۳- معرفت اطلاعات نیروی زمینی سپاه، نگرشی بر وضعیت ارتش عراق در دسل گذشته، دی مه ۱۳۷۰، ص ۱۵.
- ۹۴- مأخذ ۱۳، ص ۳۹۲.
- ۹۵- پیشین.
- ۹۶- مأخذ ۸۷، ص ۲.
- ۹۷- مأخذ ۸۶، ص ۴۴.
- ۹۸- مأخذ ۸۷، ص ۲.
- ۹۹- مأخذ ۸۵، ص ۲۳.
- ۱۰۰- مأخذ ۹۲.
- ۱۰۱- مأخذ ۸۶، ص ۸۳.
- ۱۰۲- مأخذ ۸۵، ص ۴۳.
- ۱۰۳- پیشین، ص ۲۴.
- ۱۰۴- پیشین، ص ۲۵ و ۲۴.
- ۱۰۵- مأخذ ۸۷، ص ۱.
- ۱۰۶- پیشین.
- ۱۰۷- پیشین، ص ۲.
- ۱۰۸- مأخذ ۸۸، ص ۱۵ و ۱۴.
- ۱۰۹- مأخذ ۸۶، ص ۱۳۶.
- ۱۱۰- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۳۶۶/۲/۳، ۳۳۹، ۱۳۶۶/۲/۲۳، بغداد، خبرگزاری عراق، به نقل از روزنامه الفلاحیه، ۱۳۶۶/۲/۲.
- ۱۱۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۳۶۷/۷/۱۴، به نقل از خبرگزاری عراق، ۱۳۶۷/۷/۱۰.
- ۱۱۲- معرفت سیلیسی سپاه، نشریه "بررسی"، اردیبهشت ۱۳۶۷، ص ۱۱۲.
- ۱۱۳- مأخذ ۸۶، ص ۱۳۶.
- ۱۱۴- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۳۶۷/۷/۱۸، بلگراد، به نقل از خبرگزاری تایپوگ، ۱۳۶۷/۷/۱۷.
- ۱۱۵- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۳۶۶/۲/۱۵، ۳۵۱، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۶/۲/۱۴.
- ۱۱۶- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۳۶۶/۲/۲۳، ۳۵۹، به نقل از رادیو مریکا، ۱۳۶۶/۲/۲۲.
- ۱۱۷- پیشین، واشنگتن بست، ۱۳۶۷/۲/۲۲.
- ۱۱۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۳۶۶/۲/۲۲، ۳۵۸، به نقل از خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۶/۲/۲۱.
- ۱۱۹- بررسی و تحلیل دشمن در ماه اخیر در جنوب، اطلاعات قرارگاه کربلا، ۱۳۶۶، فروردین ۱۳۶۷، ص ۵.
- ۱۲۰- سپاه پاسداران اقلاب اسلامی، بررسی عمل کردشمن در سل ۱۳۶۶، ص ۸۳.
- ۱۲۱- معرفت اطلاعات قرارگاه کربلا، سل ۱۳۶۶، جزوه ترتیب نیرو، ص ۹.
- ۱۲۲- معرفت سیلیسی سپاه، نشریه "بررسی" خرداد ۱۳۶۷، ص ۲ و ۳، عراق، پرسنل ارتش اردن، به نقل از طنز، به نقل از نیویورک تایمز، ۱۳۶۷/۲/۹.
- ۱۲۳- مأخذ ۸۶، ص ۱۳۱.
- ۱۲۴- پیشین، ص ۲۶.
- ۱۲۵- پیشین، ص ۱۳۶.
- ۱۲۶- مأخذ ۸۷، وضعیت دشمن در مناطق غرب اروندرود، شرق بصره، شرق دجله، از چاهه ناچنگله، ص ۱۰.

<http://www.ciw8.net>

## فصل دوم

### آغاز تحولات و تغییر در موازنۀ جنگ

- ✓ تهاجمات استراتژیک عراق
- ✓ حمله موشکی امریکا به هواپیمای مسافربری ایران
- ✓ فراخوانی عمومی نیروهای بسیجی
- ✓ تداوم تهاجمات عراق و بازپس‌گیری زیادات
- ✓ بازتاب و نتایج بازپس‌گیری مناطق تصرف شده به وسیله عراق

## آغاز تحولات و تغییر در موازنه جنگ

عرائی‌ها برای تغییر در این موازنه، علاوه بر بین‌المللی کردن جنگ و تشدید فشار بر ایران، بر این باور بودند که صحنۀ اصلی تغییر در موازنه جنگ بر روی میان است<sup>x</sup> و در صورت تغییر استراتژی از پدافند به آفند، می‌توانند با به دست‌گرفتن ابتکار عمل در جنگ و بازسنجیدن مناطق تحت تصرف ایران، شرایط لازم را برای پایان<sup>xx</sup> جنگ فراهم کنند. بر پایه همین ملاحظه، در سال ۱۳۶۶ توان رزمی عراق با گسترش سازمان و خرید و تولید تجهیزات نظامی افزایش یافت، به‌گونه‌ای که در نیمه دوم همین سال عراق تنها در منطقه جنوب، از فاو تا چنگوله ۴۳۵ گردان نیروی پیاده، زرهی و مکانیزه در اختیار داشت که ۱۳۰ گردان آن در احتیاط و ۳۰۵ گردان درگیر بودند، در حالی که مجموع نیروهای ایران در این منطقه کمتر از ۱۰۰ گردان بود.

<sup>x</sup> تلاش عراق برای گسترش دامنه جنگ و بین‌المللی کردن آن به منزله سازماندهی فشار بیرونی به ایران بود و حمله به مردم بی‌دفاع و غیر نظامی در واقع فشار روانی به مردم بود. اما آنچه که عراقی‌ها به آن نیاز داشتند و لازمه تغییر در روند جنگ ارزیابی شد، ضربات پی‌درپی به سازمان نظامی ایران بود که با آغاز حملات عراق در روزهای پایانی فروردین سال ۱۳۶۷ آغاز شد و به مدت چهار ماه ادامه یافت.

<sup>xx</sup> صدام در روزهای آغاز ماه فروردین سال ۱۳۶۷ گفت:

«بغداد به این نتیجه رسیده است که جنگ را با استفاده از کلیه سلاح‌های ممکن تا وادر ساختن ایران به قبول آتش‌بس ادامه دهد.»

(خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۷، نیکوزیا، آسوشیتدپرس، ۱۳۶۷. ۱. ۶)

پیدایش وضعیت جدید در صحنه جنگ با افزایش توان عراق و در مقابل کاهش تدریجی توان ایران، به دلیل خودداری از بسیج نیرو در سال ۱۳۶۶<sup>x</sup> و زمین‌گیر شدن نیروهای سپاه در موضع پدافندی (در منطقه فاو، جزایر مجنون، شلمچه و...) نگرانی‌های جدیدی را نسبت به نتایج تهاجم احتمالی عراق به وجود آورد، به گونه‌ای که در دی ماه سال ۱۳۶۶، طی جلساتی که فرماندهان برای بررسی وضعیت دشمن تشکیل دادند، براین مسئله و ضرورت هوشیاری نسبت به آن تأکید شد. به نظر می‌رسد برداشتی که نسبت به قدرت هجومی عراق بر اساس تجربه سال‌های قبل به‌ویژه نتایج استراتژی موسوم به دفاع متحرک به وجود آمده بود، احتمال از سرگیری حملات گسترده عراق در مناطق مختلف و موقیت آن همانند آنچه که تحقق یافت، پیش‌بینی نمی‌شد. اما تهاجم دشمن به فاو به دلیل اهمیت این منطقه همچنان مورد بحث و توجه قرار داشت.

در آستانه سال ۱۳۶۷ به دلیل وضعیت حاکم بر جنگ و نگرانی‌های موجود نسبت به گسترش دامنه جنگ، روند احتمالی رخدادهای سیاسی-نظامی آن بیش از گذشته مورد توجه کارشناسان و رسانه‌های خبری قرار گرفت. در این میان، به دلیل این‌که عملیات والفجر<sup>۱۰</sup><sup>xx</sup> همانند سایر عملیات‌های گسترده پیشین منجر به درگیری عمیق نیروهای خودی با نیروهای اصلی ارتش عراق نشد و علاوه بر این، مردم بی‌دفاع و غیر نظامی حلبچه در معرض حملات شیمیابی هوایی‌های عراقی قرار گرفتند، لذا این عملیات بازتاب گسترده و تعیین کننده‌ای در روند جنگ نداشت، در نتیجه

<sup>x</sup> در سال ۱۳۶۵ که سال تعیین سرنوشت جنگ نامیده می‌شد، ۳۰۰ گردان نیرو جذب شد و عملیات کربلای ۴۰۵ انجام گرفت ولی جذب نیرو در سال ۱۳۶۶ متوقف شد، ضمن این‌که تمام توجه ایران در درگیری با امریکا در خلیج فارس متمرکز شده بود.

<sup>xx</sup> برای اطلاع بیشتر، نگاه کنید به موضوع بازتاب عملیات والفجر ۱۰ مندرج در کتاب شلمچه تا حلبچه، تهیه شده به وسیله مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه

همچنان این احتمال وجود داشت که ایران دست به عملیات گستردگی بزند. عدم تحقق این امر و توجه به تجهیزات خریداری شده عراق در مقابل محدودیتهایی که به رهبری امریکا در زمینه خرید تجهیزات برای ایران اعمال می‌شد<sup>۱</sup> و نیز تأثیر آن بر خرید تکنولوژی پیش‌رفته و سیستم‌های نظامی مدرن و تأمین قطعات یدکی سلاح‌های موجود<sup>۲</sup>، این باور را در کارشناسان و تحلیل‌گران نظامی بیش از گذشته تقویت کرد که شرایط برای دست‌یابی ایران به پیروزی، دشوارتر شده است.

بر پایه همین ملاحظات و با وجود این که عملیات والفجر ۱۰ انجام شده بود، این موضوع مورد اشاره قرار می‌گرفت که "نشانه‌ای از حمله زمینی بزرگ ایران وجود ندارد".<sup>۳</sup> در روزنامه "واشنگتن پست" نیز کارشناسان نظامی براین مسئله تأکید کردند که، "احتمال نمی‌رود در آینده‌ای نزدیک، حمله بزرگ و دیر انتظار ایران علیه عراق آغاز شود".<sup>۴</sup>

در واقع، عملیات والفجر ۱۰ به دلیل منطقه عملیات و نتایج آن، انتظارات موجود را برآورده نکرده بود، زیرا در گذشته، تحرکات نظامی ایران به ویژه عملیات گستردگی که تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بر روند جنگ داشت، اساساً در منطقه جنوب انجام می‌شد. عدم تحقق این مهم، به منزله عدم تأثیرگذاری بر روند جنگ بود و در نتیجه، وجود نوعی انتظار برای انجام عملیات، سبب شد تا دلایل آن مورد بررسی قرار گیرد. "شائول بخاش"، یکی از کارشناسان، درباره ایران معتقد بود:

«ایران علاوه بر مشکلاتش برای خرید تسليحات، به رغم تلفات سنگین در ژانویه ۱۹۸۷ میلادی [کربلای ۵] بر استحکامات عراق صدمه قابل ملاحظه‌ای وارد نکرده است.»<sup>۵</sup>

برابر این تحلیل، تمرکز درگیری ایران با امریکا در سال ۱۳۶۶ در خلیج فارس و آسیب نرساندن قابل ملاحظه‌ای به سازمان و استحکامات عراق،

سبب شدت اعراق بر اثر فرصت به دست آمده، ضمن بازسازی و حفظ قوای خود، بر حجم و کارایی آنها نیز بیفزاید. در این باره، "کردزمن" معتقد است که مشکلات ایران در انجام حملات بزرگ در نیمه دوم سال ۱۹۸۷ میلادی (۱۳۶۶) برای عراق "فضای تنفس حیاتی"، فراهم آورد که از آن برای سازماندهی کامل نیروها و قابلیت‌های جدیدش بهره گرفت.<sup>۶</sup> همچنین در آن هنگام برحی از کارشناسان نظامی تلفات وارد شده به ایران در عملیات کربلا<sup>۵</sup> را ملاک قرار داده و اظهار کردند که ایران در حمله به بصره فرات را آنچه که انتظار می‌رفت، متحمل هزینه و صدمه به تدارکات خود شدو نتوانست به آنچه که می‌خواست دست یابد.

علاوه بر این، تأثیر حملات هوایی عراق بر زیرساخت‌های اقتصادی ایران، همراه با کاهش تولید نفت که موجب تضعیف بنیه اقتصادی این کشور شد، به عنوان عامل تأثیرگذار در انجام عملیات نظامی مورد توجه قرار داشت. در این راستا، یکی از دیپلمات‌های ایران در بغداد در دیدار با یک دیپلمات خارجی گفت:

«دلایلی وجود دارد که انسان باور کند، خرابی اقتصادی ایران به خاطر جنگ و کاهش قیمت نفت<sup>۷</sup>، توانایی ایران را برای انجام نوعی هجوم که موجب پیروزی نظامی شود، تضعیف کرده است.»

این موضوع به اندازه‌ای اهمیت داشت که فرمانده نظامی نیروهای امریکا در خلیج‌فارس نیز به آن اشاره کرد.<sup>۸</sup>

در پاره‌ای از تحلیل‌ها "عدم جذب نیروی کافی" به عنوان عامل اصلی ناتوانی ایران در انجام دادن یک رشته عملیات گسترده مورد توجه و تأکید قرار گرفت.<sup>۹</sup> به عقیده کردزمن، نخستین شکست ایران این بود که نتوانست

<sup>۶</sup> نشریه نظامی جینز دیفننس، چاپ لندن در همین زمینه کاهش درآمد ارزی ایران را به علت سقوط دلار و کاهش صادرات نفت به دلیل حملات پی‌درپی عراق به کشتی‌های حامل نفت ایران مورد توجه قرار داد.

(خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، ۱۳۶۷/۱/۱۳، به نقل از جینز دیفننس، ۱۳۶۷/۱/۱۲)

یک بسیج ملی که برتری قاطع از لحاظ نیروی انسانی آموزش دیده را نصیب آن کشود می‌کرد، عملی سازد.<sup>۱۰</sup> روزنامه "نیویورک تایمز" ضمن توجه به این عامل، علت آن را "نگرانی و نارضایتی از محرومیتهای اقتصادی ناشی از جنگ" ذکر کرد.<sup>۱۱</sup>

در فروردین سال ۱۳۶۷ به دلیل تحولاتی که به تدریج در حال وقوع بود، ساختار الگوهای موجود از کنش و واکنش‌های حاکم بر جنگ دست‌خوش تغییر شد. صاحب‌نظران و تحلیل‌گران رسانه‌های خبری نیز برخلاف ظاهر فریبند و ضعیت حاکم بر جنگ که اوضاع را به‌سود ایران نشان می‌داد، معتقد شدند که تحولات رخ داده نشانه‌های آشکاری از تغییر اوضاع به‌سود عراق است و از این پس عامل تعیین‌کننده در روند تحولات جنگ پیش از آن که متأثر از برتری ظاهری ایران باشد، متکی بر علل برتری ساز عراق خواهد بود.<sup>۱۲</sup>

صرف نظر از ملاحظات سیاسی و نظامی که به‌طور آشکاری به‌سود عراق در حال تغییر بود، اوضاع داخلی ایران نیز به‌دلیل افزایش اختلاف نظرات سیاسی و مناقشات جناحی در آستانه فرا رسیدن انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی در نیمه دوم فروردین، از حساسیت خاصی برخوردار بود. فضای داخلی کشور عمیقاً درگیر انتخابات مجلس و فارغ از وضعیت حساس و نگران کننده روند جنگ بود، چراکه پیروزی در عملیات والفجر، نوعی احساس آرامش نسبت به جبهه‌ها ایجاد کرده بود. طبیعتاً، عراقی‌ها همان‌گونه که به ملاحظات نظامی توجه داشتند، اوضاع داخلی ایران را نیز در طرح‌ریزی تهاجم به فاو نادیده نگرفتند.

سرانجام، سومین دوره انتخابات در ۱۹ فروردین ۱۳۶۷ وزیر مoshکباران تهران و سایر شهرها برگزار شد، اما با توجه به حساسیت‌های موجود در جبهه‌ها، امام خمینی (ره) در آستانه این انتخابات فرمودند:

«امروز روز مقاومت است، امروز روز درنگ نیست، امروز روز صیقل انسانیت

انسان هاست ، روز جنگ است .... درنگ امروز ، فردای اسارت باری را به دنبال

دارد . »<sup>۱۳</sup>

آقای هاشمی نیز در خطبه‌های نماز جمعه تهران تأکید کرد :

« زمان پر کردن جبهه‌ها است و جوان‌ها باید به سوی جبهه بشتابند .... ما در

یکی از حساس‌ترین مقاطع جنگی مان هستیم . اگر جبهه‌ها پر از جوان‌ها باشد ،

هر شرارتی را که دیدیم ، می‌توانیم فوراً پاسخ بدیم . »

وی سپس با استناد به سخنان امام (ره) در پیام نوروزی مبنی بر این‌که

”حسینیان آمده باشید“ ، خطاب به جوانان گفت :

« شما همه مخاطب امام هستید و ما باید در جبهه حاضر باشیم . »<sup>۱۴</sup>

## تهاجمات استراتژیک عراق

### سقوط فاو

در حالی که ایران در آستانه برگزاری انتخابات مجلس سوم و فرار سیدن ماه مبارک رمضان بود و نیروهای خودی پس از انجام عملیات والفجر<sup>۱۰</sup> به شهرهای خود بازگشته بودند ، ارتش عراق در ساعت ۵ بامداد روز یکشنبه ۲۸ فروردین ۱۳۶۷ با اجرای آتش‌تهیه سنگین در سراسر خطوط وعقبه یگان‌های خودی در فاو و اجرای حمله شیمیایی به صورت گسترده ، تهاجم خود را به فاو آغاز کرد .<sup>۱۵</sup> عراق برای حمله به فاو ، ۲۶ ماه زیرسازی‌های لازم را به عمل آورده بود<sup>۱۶</sup> و ضمن انجام تلاش‌های گسترده ، در انتظار فرصت مناسب برای حمله به فاو بود .<sup>xx</sup>

<sup>xx</sup> برابر گزارش نشریه ”لوس آنجلس تایمز“ ، امریکایی‌ها در تعیین استراتژی عراق برای بازپس‌گیری فاو و ارائه تاکتیک‌های نظامی با ماكت‌سازی شبیه فاو مشارکت داشته‌اند .

( محمد صفری ، ما اعتراف می‌کنیم ، حوزه هنری ، زمستان ۱۳۷۰ ، ص ۶۰ )

<sup>xx</sup> فرمانده اسبق سپاه گارد عراق می‌گوید :

» پس از تصرف فاو به وسیله ایرانی‌ها ، صدام حسین بارها فرماندهان نظامی را فرا خوانده و در اجلاس‌های متعدد بر ضرورت آزادسازی شهر فاو تأکید کرد . سرانجام ، پس از یک سلسله بحث‌های متعدد ، کلیه طرح‌های لازم برای

استعداد نیروهای دشمن در این عملیات بالغ بر ۴۸ تیپ، بیش از ۱۲۰۰ تانک و نفربر و ۳۵ گردن توپخانه با سازمان سپاه هفت و سپاه گارد بود.<sup>۱۷</sup>

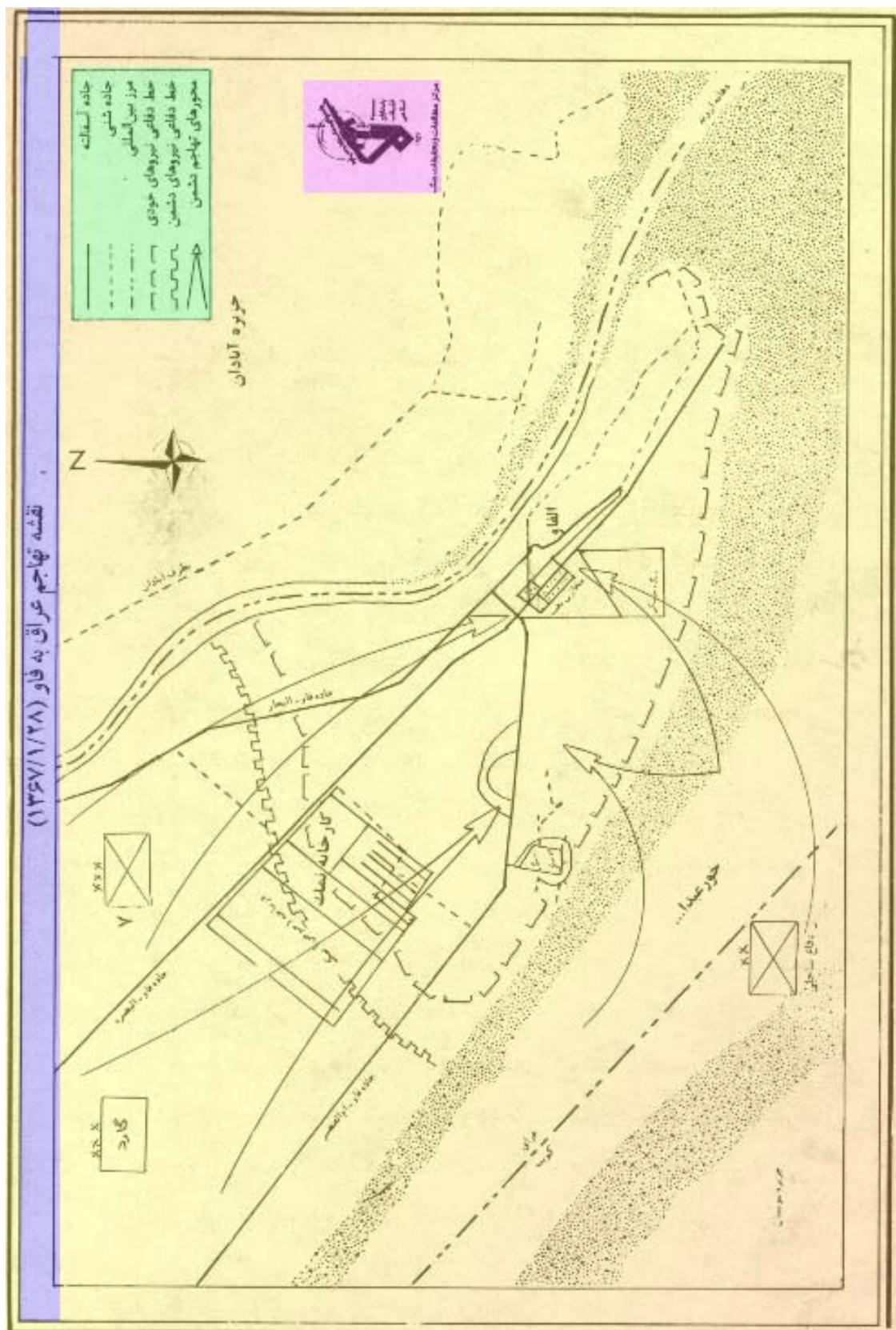
با توجه به نگرانی‌هایی که نسبت به هجوم احتمالی دشمن به منطقه فاو وجود داشت، از یک هفته قبل از تهاجم دشمن، قرارگاه سیدالشهدا (ع)<sup>x</sup> به یگان‌های پدافند کننده در خط فاو آمده‌باش صدرصد داده بود، اما به دلیل تحرکات نسبتاً مداوم دشمن در این منطقه طی دو سال گذشته و اعلام آماده‌باش‌های مکرر، یگان‌های یاد شده، اعلام آماده‌باش جدید رانیز همچون گذشته ارزیابی کردند، علاوه بر آن استحکامات خطوط پدافندی خودی در منطقه فاو، نوعی اطمینان به وجود آورده بود.<sup>۱۸</sup> بخشی از نیروهای گان‌های مستقر در خط فاو نیز که در منطقه عملیات والفجر ۱۰ شرکت داشتند، در مرخصی به سر می‌برند و غیر از نیروهای موجود در خط، نیروی دیگر وجود نداشت.<sup>۱۹</sup>

در غروب روز ۲۷ فروردین ۱۳۶۷ فرمانده یکی از گردن‌های لشکر امام حسین (ع) مشاهده می‌کند که یک گردن از نیروهای دشمن با کلاه آهنی و برانکارد در حال حرکت بودند. علیم نشان می‌داد که نیروهای عراقی در حال آفند به سر می‌برند. با افزایش احتمال حمله دشمن، تنها کمتر از ۱۲ ساعت قبل از آن، بار دیگر به نیروها اطلاع داده شد که عراق می‌خواهد حمله کند.<sup>۲۰</sup> با تاریک شدن هوادر ساعت ۲۴، آتش‌تھیه جلوی خط لشکرهای امام حسین (ع) و شار الله اجرا شد. به دلیل نگرانی‌های موجود، نیروها

← حمله به فاو آماده گردید. در طول دو سال گذشته ما به طور مستمر اطلاعات لازم را از نحوه آرایش نیروهای ایرانی مستقر در شهر فاو دریافت می‌کردیم و در عین حال نیروهای رزمی و تخصصی خود را برای انجام عملیات بزرگ آزادسازی شهر فاو انتخاب کرده بودیم. وسائل مورد نیاز و امکانات لجستیکی و پشتیبانی در طول این دو سال فراهم شد و در چند نوبت نیروهای شرکت کننده مانور لازم را انجام دادند.

(خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه" ، ۱۳۶۷/۱۲/۲۷ ، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی)

<sup>x</sup> منطقه عملیاتی فاو پس از تصرف به دست جمهوری اسلامی ایران، در حالت پدافند تحت اداره و نظارت قرارگاه سیدالشهدا (ع) قرار گرفت.



نقشه تهاجم عراق به فاو (۱۳۶۷/۱/۲۸)

تاصبح بیدار بودند و سیستم ارتباطی فعال بود.<sup>۲۱</sup> در این زمان استعداد نیروهای خودی در خط شش تا هفت گردان و در احتیاط پنج گردان بودند و استعداد توپخانه نیز ۱۵ گردان بود.<sup>۲۲</sup> به عبارت دیگر، استعداد نیروهای خودی از یک لشکر تجاوز نمی‌کرد، حال آن‌که دشمن با دو سپاه و با استعدادی بیش از ۱۲ لشکر آماده حمله بود.

با وجود آمادگی نیروهای خودی، سلاحها و ادوات موجود در خط دوم بر اثر حجم گسترده آتش دشمن منهدم و بر اثر حملات شیمیایی<sup>۲۳</sup> نیز نیروهای مسئول و خدمه یگان‌های ادوات، ضدزره و توپخانه زخمی و شهید شدند و امکان پشتیبانی آتش از نیروهای درگیر در خط، در همان آغاز عملیات از میان رفت.<sup>۲۴</sup> یگان‌های زرهی و پیاده دشمن از ساعت ۵:۳۰ دقیقه بامداد از معابری که پیش از این شناسایی شده بودند، هجوم خود را آغاز کردند. به همراه یگان‌های زرهی، دستگاههای مهندسی دشمن نیز در حرکت بودند و بریدگی‌های موجود بر روی جاده را پر کرده و موانع را به سرعت بر طرف می‌کردند و به پیش روی خود ادامه می‌دادند.<sup>۲۵</sup> در این عملیات، یگان‌های سپاه گارد عراق در حد فاصل جاده "استراتژیک" تا "خور عبدالله" و یگان‌های سپاه هفتم عراق در حد فاصل اروند تا جاده استراتژیک گسترش یافته و به اجرای عملیات پرداختند.<sup>۲۶</sup> در این حال، فشار دشمن بر روی جاده استراتژیک برای ایجاد رخنه در خط خودی متمرکز بود. تانکها و نفربرهای دشمن که بر روی جاده منهدم شده بودند، بلا فاصله از روی جاده خارج شده و پیش روی ادامه یافت. بر اثر این فشارها، سرانجام نیروهای دشمن خطوط پدافندی نیروهای خودی بر روی جاده استراتژیک و وسط کارخانه نمک را شکستند.<sup>۲۷</sup> بخشی از نیروهای دشمن که لباسی شبیه لباس بسیج به تن داشتند و برخی نیز به زبان فارسی صحبت می‌کردند، به داخل نیروهای خودی رخنه

<sup>۲۳</sup> دشمن در حملات شیمیایی به توپخانه خودی، از گاز سیانور استفاده کرد.

کردند.<sup>۲۷</sup> علی‌رغم برتری قابل ملاحظه نیروهای دشمن که خط دفاعی نیروهای خود را بر اثر آتش و فشار نیروی زرهی در هم شکسته و پیش روی می‌کردند، اما بر اثر مقاومت نیروهای خودی بار دیگر به عقب رانده شدند و رخنه‌ها ترمیم شد.<sup>۲۸</sup> سماحت نیروهای عراقی در پیش روی با وجود تلفاتی که بر آنها وارد آمده بود، نشان می‌داد که از وضعیت خطوط خودی و نیروهای موجود در آنها اطلاعات کافی داشته و براین باور هستند که این مقاومتها شکسته خواهد شد.<sup>۲۹</sup>

ساعت ۷ صبح، خبر حمله به فاو از منطقه عملیاتی به آگاهی مسئولان و فرماندهان سپاه رسید و تلاش برای آزاد کردن یگان‌های سپاه از سایر مناطق بهویژه مأمورت و حلبچه در شمال غرب - که تا فاو ۱۰۰۰ کیلومتر فاصله داشت - با جایگزین کردن یگان‌های ارتش در آن مناطق آغاز شد. همچنین، برای به کارگیری هلی کوپتر و هوپیما و فعال کردن سیستم ضد هوایی "هگ" ارتش، تماس با تهران نیز شروع شد.<sup>۳۰</sup> فرماندهانی که برای همایش در کرمانشاه حضور داشتند، به سرعت به سمت منطقه فاو حرکت کردند و از ساعت ۸:۳۰ صبح به تدریج در منطقه حضور یافتند.<sup>۳۱</sup> به دلیل نبودن اطلاعات و ارزیابی صحیح از حرکت دشمن، احتمال داده می‌شد که حرکتی شبیه حرکات متکی به استراتژی دفاع متحرک در حال اجراست؛ لذا برخی فرماندهان در خصوص هدف نهایی دشمن و احتمال این که می‌خواهد تمامی فاو را تصرف کند تردید داشتند.<sup>۳۲</sup>

به موازات پیش روی نیروهای دشمن در فاو، ۵۰ فروند قایق و تعدادی ناو و ناوچه عراقی در خور عبدالله آماده شدند تا در ساحل فاو نیرو پیاده کنند.<sup>۳۳</sup> بر اثر فشار دشمن، در حوالی ظهر تقریباً رخنه نیروهای دشمن در برخی از محورهای باشکسته شدن خط کامل شد و سپس، در پشت مواضع نیروهای

<sup>۲۷</sup> برابر گزارش‌های موجود، منافقین در این عملیات مشارکت داشتند.

خودی به پیش روی ادامه دادند.<sup>۳۴</sup> در پی موفقیت دشمن در این مرحله، رادیو عراق در ساعت ۱۵:۱۵ دقیقه بعد از ظهر اعلام کرد که عملیات "رمضان المبارک" برای آزادسازی فاو با شرکت سپاه هفتم و سپاه گارد آغاز شده است.<sup>۳۵</sup> بدین ترتیب، از بعد از ظهر همان روز تقریباً جمع‌بندی نسبتاً روشی از اهداف دشمن به دست آمد و بر دامنه نگرانی‌ها افزود.

از عصر روز ۲۸ فروردین ۱۳۶۷ ارتش عراق هم‌زمان با پیش روی در منطقه فاو، در منطقه شلمچه اقدام به تحرک زرهی و استفاده از سلاح شیمیایی و در منطقه خرم‌شهر اوایل شب مبادرت به اجرای آتش شدید کرد. به نظر می‌رسید، دشمن دو هدف را پی‌گیری می‌کرد، نخست از بین بردن تمرکز فرماندهی و ایجاد تشتت در افکار فرماندهانی که به منظور مقابله با دشمن در فاو متوجه شده بودند و دوم جلوگیری از انتقال نیرو و امکانات از مناطق نزدیک، به منطقه فاو.<sup>۳۶</sup> وضعیت نیروهای خودی با وجود حضور فرماندهان سپاه، همچنان به دلیل فقدان نیرو و آتش پشتیبانی، نامطلوب بود. در پی تهاجم شیمیایی دشمن و تلفات وارد به توپخانه از ساعت ۱۱ صبح روز اول عملاً هیچ‌گونه آتشی علیه دشمن وجود نداشت.<sup>۳۷</sup> در مقابل، آتش توپخانه دشمن با هلیکوپتر هدایت می‌شد و دارای حجم بسیار بالایی بود. از ساعت ۱۷:۳۰ آتش دشمن به تدریج کاهش یافت و این موضوع، نشان‌دهنده تغییر موضع توپخانه به سمت جلو بود.<sup>۳۸</sup>

باتاریک شدن هوا در پایان روز ۲۸ فروردین ۱۳۶۷، فشار دشمن همچنان تائیمه شب ادامه یافت. به نظر می‌رسید نیروهای دشمن تلاش می‌کنند در موضع پدافندی مناسبی مستقر شوند.<sup>۳۹</sup> وضعیت حاکم در صحنه درگیری و گزارش‌های واصله در پایان روز نشان می‌داد که حفظ فاو بسیار دشوار است. در این شرایط، ضرورت حمله به دشمن بر همگان روشی بود<sup>۴۰</sup>، زیرا نیروهای دشمن با وجود پیش روی‌های انجام شده، همچنان گیج و

آسیب‌پذیر بودند، لذا تهاجم شبانه به دشمن می‌توانست علاوه بر تحمیل تلفات بر دشمن، از توان آنها برای تهاجم در روز بعد بکاهد. بر پایه این ملاحظه، پی‌گیری برای انتقال نیرو، هلی‌کوپتر، هواپیما، توپخانه، ضدزره و پدافند هوایی در دستور کار مسئولان و فرماندهان خودی قرار گرفت.<sup>۴۲</sup> و طرح مانور برای حمله به دشمن نیز آماده شد.<sup>۴۳</sup> تأخیر در اعزام نیرو باعث شد تا عملیات نیز ساعت ۴ تا ۳۰<sup>۴۴</sup> بامداد روز ۲۹ فروردین ۱۳۶۷ با تأخیر انجام شود. در این عملیات نیروهای سه لشکر نجف، کربلا و امام حسین (ع) به دشمن حمله کرده و شمار زیادی از نیروهای از آنان را کشته و امکاناتشان را منهدم کردند.<sup>۴۵</sup>

باروشن شدن هوا، مرحله سوم عملیات دشمن از ساعت ۵ صبح ۲۹ فروردین ۱۳۶۷ و با اجرای آتش‌تهیه آغاز شد. برابر گزارش شنود رادیویی<sup>۴۶</sup> و دستور اجرای مرحله سوم عملیات در روز دوم حمله دشمن، این مسئله روشن شد که طرح دشمن در سه مرحله به شرح زیر بوده است: مرحله اول، شکستن خط بود که پیش از ظهر روز اول انجام گرفت. مرحله دوم، پیش روی تا دروازه شهر فاوبود که در بعدازظهر روز اول تا اندازه‌ای تأمین شد و مرحله سوم، تصرف شهر فاو و پیش روی تا دهانه ارونده بود.<sup>۴۷</sup>

نیروهای دشمن در روز دوم با روحیه مضاعف پیش روی خود را آغاز کردند، اما هنوز درخواست نیروهای خودی برای هواپیما و هلی‌کوپتر که از ۲۴ ساعت قبل آغاز شده بود، به نتیجه نرسیده بود.<sup>۴۸</sup> سرانجام، ساعت ۶:۴۰ دقیقه فرمانده نیروی هوایی ارتضی اعلام کرد، جاده‌های دشمن را دوبار بمباران کردند.<sup>۴۹</sup>

عراقی‌ها که در آستانه ورود به شهر فاو بودند، پل بعثت را که تنها پل ثابت و اصلی‌ترین راه تدارک نیروهای خودی در منطقه بود، هدف راکت قرار دادند و چند نقطه از آن را تخریب کردند. بر اثر ادامه حملات، پل دچار آسیب

زیادی شد به گونه‌ای که امکان ترمیم آن وجود نداشت. در پی این حادثه تردد خودی از روی پل به تدریج کند شد و به موازات آن، تلاش نیروهای خودی برای خروج از شهر فاو افزایش یافت.<sup>۴۹</sup> در واقع، ورود دشمن به شهر فاو به منزله آغاز شمارش معکوس برای سقوط منطقه فاو بود، زیرا کلیه خطوط دفاعی درهم شکسته شده بود و تشکیل خط دفاعی جدید نیز به امکانات مهندسی و زمان نیاز داشت. تشدید حملات هوایی دشمن به پل بعثت بیش از پیش بر مشکلات پشتیبانی و تردد نیروها افزود. عوامل روانی ناشی از این وضعیت به تدریج زمینه تخلیه شهر فاو را فراهم ساخت.

با وجود تلاش فرماندهان و گرفتن قول مساعد برای استقرار سیستم موشکی هاگ در منطقه بهمنظور مقابله با تهاجم هوایی دشمن به پل بعثت، تا نزدیک ظهر هیچ گونه اقدامی صورت نگرفت.

فرماندهان سپاه تلاش‌های زیادی برای دریافت امکانات اعم از نیرو، هلی کوپتر، هواپیما، سیستم پدافندی هاگ انجام دادند، ولی همانند سایر نیازمندی‌های سپاه، این درخواست‌های نیز تأمین نشد. فرماندهی سپاه طی روز اول و دوم تلاش زیادی برای مقاعد ساختن مسئولان بهمنظور اعلان بسیج عمومی انجام داد، ولی به نتیجه نرسید و تنها در ساعت ۱۱:۲۰ دقیقه روز دوم امام خمینی (ره) به مسئولان کشوری دستور لازم را برای در اختیار گذاشتن امکانات به سپاه صادر کردند و فرمودند که همانند عملیات کربلای ۵ هر چه را که سپاه نیاز دارد در اختیار قرار دهند.<sup>۵۰</sup>

در گام بعدی دشمن با پیش‌روی در شهر فاو به ساحل اروندرود نزدیک شد و با تصرف اسکله فاو، امکان تردد قایق‌های خودی را برای پشتیبانی نیروها و یا تخلیه آنها از منطقه فاو از میان برد. با روشن شدن وضعیت منطقه، همه تلاش‌های برای نجات نیروهای محاصره شده متوقف شد.<sup>۵۱</sup> در این وضعیت که عملاً امکان درگیری وجود نداشت، تنها راه عقبنشینی، این بود

که نیروها از طریق چولان‌ها<sup>۵۳</sup> به ساحل رسیده و با شنا از رودخانه ارون دعبور کنند.<sup>۵۴</sup> محل قرارگاه فرماندهی سیدالشیره‌ها (نیز از نزدیکی شهر فاو به نزدیکی پل بعثت منتقل و اسناد آن تخلیه شد).<sup>۵۵</sup>

بعد از ظهر روز دوم، بهدلیل از هم پاشیدگی نیروهای خودی و فقدان خط دفاعی و به موازات آن، وسعت و حجم پیش روی نیروهای دشمن، امکان مهار و اداره اوضاع به کلی از میان رفت.<sup>۵۶</sup> و به همین دلیل، دستور عقبنشینی و تخلیه منطقه رسماً صادر شد.<sup>۵۷</sup> با تاریک شدن هوا، تلاش برای ترمیم پل بعثت تاساعت ۲۴ به طول انجامید و همچنان تلاش برای تخلیه نیرو و امکانات ادامه داشت.<sup>۵۸</sup> هر چند نیروهای دشمن - با وجود سلط بر منطقه - از نزدیک شدن به پل بعثت وحشت داشتند اما امکان ادامه حضور نیروهای خودی وجود نداشت و منطقه فاو پس از دو سال و سه ماه به‌طور کامل تخلیه شد.<sup>۵۹</sup>

### ارزیابی علل سقوط فاو

سقوط فاو در مدت ۳۶ ساعت<sup>۶۰</sup> و تأثیرات ناشی از وقوع این حادثه در تغییر توازن قوا به سود عراق، سؤالات و ابهامات بسیاری را در آن زمان مطرح کرد که تاکنون پاسخ روشنی برای آنها را نشده است. سرعت سقوط فاو با توجه به ذهنیت موجود در جامعه در مورد توانایی قوای نظامی ایران و ضعف و ناتوانی نیروهای دشمن باعث شد، حتی برخی اشخاص و محافل با تحلیلی هر چند غیر منطقی و عجولانه، این واقعه را به عنوان اقدام عمدی ایران، با هدف پایان بخشیدن به جنگ ارزیابی کنند. این تحلیل نشان‌دهنده حیرت و

<sup>۵۳</sup> نیزارهای بلند.

<sup>۵۴</sup> دو تن از راویان مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه که همراه فرمانده کل و فرمانده نیروی زمینی سپاه در حادثه سقوط فاو حضور داشتند، جزوی مفصلی در ۲۰۰ صفحه رحلی از رخدادهای ۴۸ ساعته فاو تهیه کرده‌اند که در آن، ساعت به ساعت وقایع سقوط فاو در دو سطح فرماندهی و عملیاتی گزارش شده است.

شگفتی از سقوط فاو و اجتناب از پذیرش برتری عراق بود. <sup>x</sup> چنین ذهنیتی بیش از آن که متأثر از واقعیات حاکم بر جنگ باشد، ناشی از تبلیغاتی بود که به طور پیوسته از موقعیت خودی و دشمن، ترسیم می‌شد و ذهنیت جامعه را شکل می‌داد. به عبارت دیگر، شکاف موجود میان واقعیات جنگ و درک مردم از آن، برداشت و تحلیل‌های متفاوت و گاه غیر واقع بینانه را در جامعه به وجود آورد که تنها با تداوم حملات دشمن در سایر مناطق و پیش روی به سمت خرم‌شهر و اهواز در هم شکسته شد، هر چند با تشدید نگرانی و احساس خطر از وضعیت جدید بار دیگر نیروهای داوطلب به سمت جبهه‌ها گسیل شدند. در هر صورت، اکنون با گذشت بیش از ۱۱ سال از زمان سقوط فاو و تغییر شرایط، تا اندازه‌ای زمینه تجزیه و تحلیل علل سقوط سریع فاو فراهم شده است که به اجمال در این بخش به آن اشاره خواهد شد.

سقوط فاو در یک نگاه اجمالی و کلی حاصل برتری کمی فوق العاده عراق از نظر نیرو و تجهیزات و نیز تغییر استراتژی آن کشور از پدافند به آفند در پایان جنگ بود. حضور نیروهای ایران در شمال غرب <sup>xx</sup> در فاصله ۱۰۰۰ کیلومتری از فاو و غافل بودن جمهوری اسلامی ایران از تغییر استراتژی عراق، علل مؤثر دیگری در سقوط فاو بودند.<sup>۵۹</sup> البته تاکنون به دلیل نگاه سطحی برخی تحلیل‌گران داخلی و با تأثیرپذیری از تحلیل رسانه‌های خارجی آنچه در مورد علل سقوط فاو به صورت محوری‌تر مورد تأکید قرار گرفته است، غافل‌گیری ایران و استفاده عراق از سلاح شیمیایی می‌باشد، حال آن که این مسئله در مقایسه با برتری عراق و تغییر استراتژی این کشور - که با حمایت

<sup>x</sup> در این زمینه بسیاری از کارشناسان نظامی نیز تصور نمی‌کردند که ارتش عراق به دلیل برخوردار نبودن از آموزش کافی و روحیه تهاجمی، دست به تهاجم بزند.

(معاونت سیاسی سپاه، نشریه "بررسی"، خرداد ۱۳۶۷، ص ۲، به نقل از نیویورک تایمز، ۱۳۶۷/۲/۹)

<sup>xx</sup> برای آگاهی بیشتر، نگاه کنید به کتاب بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، جلد دوم، ص ۴۱۵ تا ۴۲۷، مقاله جنگ، انقلاب و روحیه: قدرت ایران در جنگ خلیج فارس، نوشته جیمز بیل.

گسترده جهانی همراه بود - نقش و تأثیر کمتری داشته است.

پدیده غافل‌گیری ایران نیاز به بررسی بیشتری دارد. چنان‌که پیش از این اشاره شد و اسناد و مدارک آن موجود است، حساسیت و اهمیت منطقه فاوا و تلاش‌های مکرر عراق برای بازیس‌گیری آن، سبب شده بود که احتمال حمله دشمن به این منطقه و نگرانی نسبت به نتایج آن همواره وجود داشته باشد و حتی در زمستان سال ۱۳۶۶ نیز بار دیگر بر این مسئله تأکید شد.

در اسفند سال ۱۳۶۶ برادر غلامعلی رشید، معاونت طرح و برنامه قرارگاه خاتم ۱ (سپاه) اظهار داشت:

«امسال ، سالی است که هم ما باید از حمله دشمن در جنوب خوف داشته باشیم ، و هم او خوف دارد مثل هر سال .»<sup>۶۰</sup>

وی با توجه به این‌که در سال‌های گذشته همواره دشمن نگران هجوم بزرگ‌ما بود ، تأکید کرد:

«امسال به عکس ، ما بایستی مثل او خوف داشته باشیم .»<sup>۶۱</sup>

برادر رضایی ، فرمانده کل سپاه نیز با توجه به حملات مکرر منافقین و سایر ملاحظات ، در ۲ فروردین ۱۳۶۷ گفت:

«ما نگران خطوط پدافندی هستیم .»<sup>۶۲</sup>

وی همچنین پیش‌بینی کرد:

«با توجه به شرایطی که وجود دارد ، از جمله مشکلات جذب نیرو ، بودجه ، زمین‌گیر شدن نیروهای سپاه در خطوط پدافندی ، عدم انطباق مأموریت سپاه با وسعت سازمان آن و سایر عوامل ، یک سال طول می‌کشد تا از خطوط پدافندی اطمینان حاصل کنیم و طی این مدت ، احتمالاً دو تا سه ضربه محکم خواهیم خورد .»<sup>۶۳</sup>

با وجود این حساسیت‌ها ، هوشیاری و دقیقت همراه با ارائه تحلیل و پیش‌بینی لازم درباره احتمال تغییر استراتژی عراق از پدافند به آفند وجود

نداشت. <sup>۵۷</sup> سردار "غلامعلی رشید" در مصاحبه اخیر خود در ۲۳ مهر ۱۳۷۶، در توضیح این مسئله گفت: تمام حرکتهای عراق به عنوان یک استراتژی، در ذهن مانبود. سه مسئله بر تفکر ماسایه افکنده بود: نخست، تحلیل غلط از تلفات دشمن در سال ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ که بیشترین خسارت را متوجه ما کرد. دوم، بنبست در جنوب و رفتن به شمال‌غرب و مهم‌تر از همه، عدم تصور از تغییر استراتژی دشمن بود.<sup>۵۸</sup> در این میان، حضور نیروهای ایران در شمال‌غرب با فاصله ۱۰۰۰ کیلومتری از فاو که به منزله تغییر استراتژی ایران بود، مسئله بسیار مهمی محسوب می‌شد، زیرا شبکه فرماندهی، لجستیک و نیروهای ایران در جنوب مستقر بود.

مسطح بودن زمین، نزدیکی فواصل جبهه‌ها، تکرار یک سلسله عملیات آفندی و پدافندی در این زمین و رفع ضعفهای کاستی‌ها موجب برتری ایران بر عراق شده بود. حال آن که این برتری‌ها در منطقه شمال‌غرب نبود.<sup>۵۹</sup>

در نتیجه، زمان لازم و مناسب برای عراق به منظور انتقال نیروها و امکانات و استقرار آن در منطقه جنوب فراهم شد. این همان فرصتی بود که این کشور همواره مترصد بهره‌برداری از آن بود که در عمل حاصل شد. حال با این ملاحظه کلی جای سؤال وجود دارد که "با وجود نگرانی‌های موجود به برتری عراق و احتمال تهاجم عراق به فاو، چرا همچنان نیروهای ایران در منطقه شمال‌غرب به حملات خود ادامه می‌دادند؟". پس از پاسخ به این سؤال مسلمًا سؤال دیگری وجود دارد که باید به آن پاسخ داد؛ "آیا حضور نیروهای ایران در منطقه جنوب می‌توانست علاوه بر حفظ فاو، تهاجمات دشمن را در سایر مناطق مهار کند؟"

**حضور نیروهای ایران در منطقه شمال‌غرب در پاییز و زمستان سال ۱۳۶۶**

<sup>۵۷</sup> بعدها روزنامه نیویورک تایمز نوشت:

«فرماندهان ایرانی در فاو فکر نمی‌کردند عراقی‌ها خواست و یا توان حمله به مواضع دفاعی قوی آنها را داشته باشند و عراقی‌ها از این احساس امنیت غلط بهره‌برداری کرده و ایرانی‌ها را صبح یکشنبه غافل‌گیر کردند.»  
(خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه" ، ۱۳۶۷، ۲۰۲، نیویورک تایمز، ۱۳۶۷، ۱۰۲)

و بهار سال ۱۳۶۷ حاصل بن‌بست در منطقه جنوب بود. مهم‌تر آن که چینین پیش‌بینی می‌شد، با تداوم پیش‌روی در منطقه غرب و تهدید شهرهای کرکوک و تصرف سلیمانیه، نیروهای عراقی سرانجام از جنوب جاکن شده و به غرب خواهند آمد. در زمستان سال ۱۳۶۶ و به هنگام انجام عملیات بیت‌المقدس<sup>۲</sup> بر روی ارتقاعات "قمیش"، "دولبشك" و سایر ارتقاعات مشرف به "سلیمانیه"، برادر رضایی گفت:

«ما پیش‌روی می‌کنیم و این جا دو احتمال وجود دارد: یا دشمن به منطقه

غرب می‌آید یا وقتی مشاهده کند ما در جنوب نیستیم، حمله می‌کند.»<sup>۶۵</sup>

پیروزی در عملیات والفجر ۱۰ و ستون کشی دشمن به غرب در اسفند سال ۱۳۶۶ (برابر گزارش قرارگاه کربلا)<sup>۶۶</sup> صحت این تحلیل را می‌اند و به خوش‌بینی موجود دامن زد و این تصور وجود داشت که نیروهای لشکر گارد نیز به منطقه غرب آمده‌اند. حملات دشمن در منطقه سپاه یکم و دوم در ۲۶ فروردین ۱۳۶۷ بر روی شاخ شمیران و در ۲۸ فروردین ۱۳۶۷ بر روی ارتقاعات "ربشن"، در تداوم این خوش‌بینی‌ها تأثیر داشت.<sup>۶۷</sup>

با توجه به وضعیت حاکم بر صحنه نظامی جنگ در منطقه جنوب، اساساً سه راه کار <sup>x</sup> فرا روى ايران قرار داشت: نخست، بر پایه این احتمال که دشمن سرانجام به منطقه جنوب حمله خواهد کرد، با پدافند در این منطقه برای مقابله با تهاجم احتمالی عراق، آمادگی لازم حاصل شود. این راه حل با توجه به این که منطقه مورد تهاجم در جنوب مشخص نبود، تأثیر چندانی بر ممانعت از غافل‌گیری ایران نداشت، ضمن این که انجام ندادن عملیات خودی نیز زیان‌های خاص خود را در پی داشت، به‌ویژه این که عادت نیروهای بسیجی

<sup>x</sup> تیمسار شمخانی در دوره عالی جنگ سپاه طی بحث‌هایی که در این زمینه انجام شد، بر این نظر بود که ما سه راه حل داشتیم: اول پدافند در برابر تهاجم عراق و کسب آمادگی برای انجام آن؛ دوم آفند به نقاط حساس که با تداوم جنگ در منطقه غرب کشور دنبال شد؛ و راه حل سوم صلح بود که برای انجام آن تلاش می‌شد.

(دوره عالی جنگ سپاه، ۱۳۷۴/۱۱/۱۲)

حضور در آفند و مراجعت به شهرها در هنگام پدافند بود بنابراین، در صورت اتخاذ استراتژی پدافندی، حداقل در کوتاه مدت امکان استفاده وسیع از نیروهای بسیج وجود نداشت. راه دوم، انجام عملیات در منطقه شمال غرب با امیدواری به جا کن شدن دشمن از جنوب بود که این کار انجام شد ولی به نتیجه نرسید. راه حل آخر، برقراری صلح بود که تلاش برای انجام آن با چانه‌زنی سیاسی در مورد تغییر بندهای قطع نامه ۵۹۸ به وسیله وزارت خارجه ایران بی‌گیری می‌شد.

بر پایه این ملاحظات به دلیل افزایش توان رزمی ارتش عراق، حضور یا عدم حضور در منطقه جنوب تأثیر تعیین‌کننده‌ای در روند تحولات جنگ - در صورت آغاز تهاجم عراق - به سود ایران نداشت. حتی با فرض تمرکز نیروهای ایران در منطقه فاو، سقوط این منطقه تنها با تأخیر صورت می‌گرفت.<sup>۶۸</sup> به همین دلیل، پس از استماع گزارش فرماندهان از سقوط فاو، آقای هاشمی رفسنجانی گفت:

«اگر ۴۰ گردان هم نیرو داشتیم، باز دشمن فاو را می‌گرفت.»<sup>۶۹</sup>

به نظر می‌رسد ریشه مشکلات و آن‌چه ایران را در وضعیت نامطلوب و شبیه به بن‌بست قرار داده بود در واقع متأثر از عقب‌ماندگی استراتژیک ایران در برابر عراق طی شش سال - پیش از سقوط فاو - بود. آن‌چه در سال‌های قبل و پس از فتح خرم‌شهر انجام گرفت با وجود تلاش‌ها، رشدات‌های ممکن و موفقیت‌های بزرگ، در سطح نظامی فاقد ویژگی جنگ تمام عیار و همه جانبی بود و در بعد سیاسی نیز از مشخصه تلاش جدی و زمینه‌ساز برای صلح برخوردار نبود. حال آن‌که عراق با اصلی پنداشتن جنگ تمام عیار،

<sup>۶۸</sup> یکی از نمایندگان شورای اسلامی در اظهارات خود در نطق پیش از دستور در مورد شرایط دوگانه ایران گفت: «وضعیت امروز حکایت دارد که هم جنگ در جبهه باشد و هم زندگی عادی در پشت جبهه. عده‌ای می‌جنگند و عده‌ای زندگی می‌کنند. شرایط این‌گونه حکم می‌کند که این وضعیت قابل استمرار نیست و اگر تصمیمی گرفته نشود، برای جامعه شکنندگی به وجود می‌آید.»

استراتژی نظامی را اتخاذ کرد. ترسیم چگونگی استقرار ایران در وضعیت دوگانه تا اندازه‌ای می‌تواند مشکلات و چالش‌های ایران را روشن کند. به همین دلیل، پس از سقوط فاو، برخی از فرماندهان با بررسی شرایط و دشواری‌های موجود پیشنهادهایی را برای پایان جنگ ارائه کردند، زیرا شرط ادامه جنگ، آمدن همه و بسیج کلیه امکانات بود. با این وضعیت، ادامه جنگ عملی نبوده و راهی جز اتمام جنگ وجود نداشت.<sup>۷۰</sup> در جلسه‌ای که در قرارگاه امام‌علی (در ۱۰ کیلومتری شمال شلمچه برگزار شد، ضرورت بسیج امکانات و آمدن نیروها به عنوان یک ضرورت مطرح شد.<sup>۷۱</sup>

### دیگر دلایل سقوط فاو

صرف نظر از ملاحظات کلی که مورد تأکید قرار گرفت، در سطوح پایین‌تر، آن‌چه که به پیروزی عراق در فاو کمک کرد، عمدتاً ناشی از عوامل زیر بود:

۱- برنامه‌ریزی دقیق و دراز مدت برای بازپس‌گیری فاو؛ چنان که در فرصت‌های مختلفی عراق در این زمینه تلاش کرد که به نتیجه نرسید، ولی سرانجام با گسترش سازمان و برگزاری مانورهای مناسب بر روی مراکت منطقه فاو از آمادگی لازم برخوردار شد. پیش از این عدنان خیرالله، وزیر دفاع وقت عراق اعلام کرده بود، تصرف دوباره فاو مشروط به برقراری توازن روحیه و توان است.<sup>۷۲</sup> این امر در ارتش عراق پس از دو سال و اندی حاصل شد.

۲- جمع‌آوری اطلاعات بسیار دقیق از مواضع استقرار نیروهای ایران در منطقه فاو<sup>۷۳</sup> با استفاده از عکس‌های هوایی، ماهواره‌ای و کمک اطلاعاتی امریکا و منافقین.

۳- رعایت حفاظت به نحو مطلوب با جابه‌جایی نیروها در تاریکی شب؛<sup>۷۴</sup> در شرایطی که دشمن در ۲۷ فروردین ۱۳۶۷ تا صبح روز بعد بالغ بر

۱۵۰۰ دستگاه خودرو وارد فاو کرد<sup>۷۵</sup>، لیکن تحرکات خود را کاملاً عادی نشان می‌داد و حتی آتش دشمن کاوش یافته بود. به همین دلیل، هیچ گزارش اطلاعاتی در مورد تقویت دشمن در فاو منتشر نشد.<sup>۷۶</sup>

۴- اجرای طرح فریب با تظاهر به ستون کشی به غرب و اجرای تک در منطقه سپاه اول و دوم.

۵- طرح ریزی عملیاتی مناسب و استفاده از گاز سیانور در بمباران شیمیایی پشت خطوط، توپخانه‌ها و خمپاره اندازه‌های خودی که از همان آغاز عملیات، آتش توپخانه ایران را از کار انداخت.

۶- بهره‌برداری از فرصت با توجه به غافل‌گیری ایران که دشمن با توجه به حضور نیروهای ایران در منطقه شمال‌غرب در مدت ۱۲ ساعت با استفاده از فرصت توانست با تکیه بر برتری توان، اوضاع را به‌طور کامل بهسود خود ثابت کند.

۷- استعداد اندک نیروهای ایرانی در منطقه فاو که کمتر از یک لشکر بود و تمرکز اصلی نیروها در منطقه غرب در فاصله ۱۰۰۰ کیلومتری از منطقه فاو.

## آثار و بازتاب سقوط فاو

دو مشخصه برجسته ناشی از سقوط فاو، "تغییر توازن" و "برهم خوردن تعادل روانی" در جنگ بود. پیدایش این وضعیت به عنوان یک "نقطه عطف"، منجر به تقویت این احتمال شد که با "تغییر سیر جنگ"، زمان پایان دادن به آن فرا رسیده است.

سقوط فاو سبب شد، علت برتری یافتن عراق و پیروزی این کشور در فاو مورد توجه کارشناسان و تحلیل‌گران قرار گیرد. "حمله غیرمنتظره عراق"

برخی از مقامات غربی و تحلیل‌گران را دچار شگفتی کرد<sup>۷۷</sup>، زیرا تا آن زمان آنها می‌پنداشتند که عراق همچنان موضع دفاعی خود را حفظ خواهد کرد، لذا این تغییر استراتژی سبب شد تا نقش مشاوره‌ای امریکا و شوروی و فرانسه برای سازمان دهی مجدد گارد ریاست جمهوری عوامل اصلی تغییر وضعیت شناخته شوند.<sup>۷۸</sup> پیش از این، بسیاری از کارشناسان نظامی جنگ معتقد بودند که ارتیش عراق از آموزش یا روحیه تهاجمی لازم برای دست‌زن به حمله برخوردار نیست، اما تحولات عمده‌ای که در سال ۱۳۶۶ در ارتیش عراق انجام شد، تحلیل‌گران پنتاگون را نیز به تجدید نظر در تفکر خود داشت.<sup>۷۹</sup> دیپلمات‌های مقیم بغداد نیز بازپس‌گیری فاو را نشانه بهبود توانایی رزمی و تقویت روحیه ارتیش عراق ذکر کردند.<sup>۸۰</sup>

همچنین، بازپس‌گیری فاو باعث شدن نیروهای عراق با به دست‌گرفتن ابتکار عمل<sup>۸۱</sup> از یک "موقع استراتژیک"<sup>۸۲</sup> و برتر برخوردار شوند. پیدایش این وضعیت منجر به شکل‌گیری مفاهیم جدیدی شد، بدین معنا که توازن موجود - قرار داشتن ایران در موقع تهاجمی و برتر و در مقابل قرار داشتن عراق در موقع پدافندی و ضعف - دست‌خوش تغییر شود و به باورهای پیشین مبنی بر این که ارتیش عراق فاقد روحیه و مهارت لازم می‌باشد، پایان دهد.<sup>۸۳</sup> در این میان، برخی از دیپلمات‌های در خلیج فارس تأکید کردند، این تهاجم می‌تواند استراتژی عراق را تغییر دهد.<sup>۸۴</sup> بر اساس همین ملاحظه، فرمانده پیشین سپاه گارد گفت:

«آزادسازی شهر فاو، سرنوشت جنگ را تغییر خواهد داد.»<sup>۸۵</sup>

سقوط فاو، استراتژی ایران را مبنی بر متقاعد ساختن حامیان عراق برای دادن امتیاز به ایران - به خاطر داشتن موقع برتر به دلیل ادامه حملات به مواقع عراق و در اختیار داشتن مناطق تصرف شده در خاک عراق - آسیب‌پذیر کرد و در معرض تغییر قرار داد. زیرا در میان مناطق تصرف شده،

"فاؤ" برای ایران همانند "خرمشهر" برای عراق با اهمیت بود. ضمن این که خروج عراق از لاک دفاعی و قرار گرفتن در موضع آفند، نیازمند تغییر استراتژی نظامی ایران برای مقابله با سلسله تهاجمات عراق بود که نیاز به زمان داشت و از این مهمتر، سقوط فاودر مدت ۳۶ ساعت، ضربه روانی غیر قابل جبرانی بر ایران وارد ساخت که بهبود آن به سهولت امکان پذیر نبود. بر پایه همین ملاحظه، آقای هاشمی رفسنجانی در تحلیلی از روند جنگ تأکید کرد:

«از این پس زمان به نفع ما نخواهد بود. »<sup>۸۶</sup>

"گری سیک" مشاور "کارترا"، رئیس جمهور وقت امریکا در امور ایران نیز در مورد تغییر موضع ایران و آمادگی امریکا برای پایان دادن به جنگ معتقد بود: «اگر ایران مشاهده کند که ادامه جنگ واقعاً به اهداف انقلاب اسلامی و بقای حکومت اسلامی لطمه می‌زند، سعی خواهد کرد هر طور شده است از این وضع نجات یابد. »<sup>۸۷</sup>

برخی از تحلیل‌گران معتقد بودند، ضربات ناشی از باز پس‌گیری فاو به دست عراق، سبب شده است که رهبران ایران در استراتژی کهنه خود در مورد این که طولانی شدن جنگ فرسایشی با عراق منجر به از پای درآمدن حکومت بغداد خواهد شد، تجدیدنظر کنند.<sup>۸۸</sup> حتی، برخی منابع دیپلماتیک تأکید کردند، تمایل ایران به یک ابتکار صلح بین‌المللی بیش از گذشته افزایش یافته است.<sup>۸۹</sup>

امريکاي‌ها پيش از اين، با اسکورت نفت‌کش‌های کويت و تلاش برای

<sup>X</sup> "شائلو بخاش" یکی از کارشناسان و استاد دانشگاه "جرج تاوان" در مورد تمایل ایران برای صلح و موانع آن گفت: «کادر رهبری ایران به حل مشکل جنگ از راههای دیپلماتیک علاقه نشان داد، اما به سبب سرسختی عراق و حمایت امریکا از آن کشور و کندی ایرانیان در تصمیم‌گیری، این فرصت از دست رفت. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه" ، ۱۳۶۷/۲/۲ ، راديو امريكا ، ۶۷/۲/۱ ، به نقل از "كريستين ساينس مانپتور")

تصویب قطعنامه ۵۹۸، در نظر داشتند، با در دست گرفتن ابتکار عمل، مقدمات پایان دادن به جنگ را فراهم کنند. مهم‌ترین معضل امریکا مقاومت ایران بهدلیل در اختیار داشتن مناطق تصرف شده بود. ایران بر اساس همین وضعیت، در پی دریافت امتیاز لازم مبنی بر متجاوز شناختن عراق بود و امریکا از پذیرفتن و تأمین این خواسته خودداری می‌کرد. <sup>x</sup> امریکایی‌ها ضمن حمایت صدرصد از عراق، پس از ماجراهای مک‌فارلین فشار مستمری را بر ایران وارد ساختند. <sup>y</sup> «باسقوط فاو، در واقع، موانع موجود تا اندازه‌ای برطرف شد، به همین دلیل "ریچارد مورفی"، معاون وزارت خارجه امریکا با اظهار خرسندی از سقوط فاو و فراهم شدن شرایط پایان جنگ، گفت:

«پیروزی ماه گذشته [عراق] در شبه جزیره فاو ممکن است امکان جدیدی را برای پیش‌رفت از کانال دیپلماتیک فراهم سازد. »<sup>۹۰</sup>

در عین حال، نگرانی امریکا از تداوم حملات عراق و تغییر موازنیه، سبب شد تا "مورفی" در "سمینار خلیج‌فارس" بر این مسئله تأکید کرده و بگوید: «ما می‌خواهیم توازن در جنگ برهم نخورد. »<sup>۹۱</sup>

روزنامه امریکایی نیویورک‌تایمز نیز با توجه به تحولات جدید، خطاب به سیاستمداران امریکا نوشت:

«با توجه به این که گرایش امریکا به سمت بغداد میان ایران و عراق تعادل نظامی

<sup>x</sup> امریکایی‌ها معتقد بودند مشخص ساختن عراق به عنوان متجاوز ممکن است موجب سقوط رژیم عراق شود و ایران از آن به عنوان یک پیروزی که در جبهه جنگ قادر به کسب آن نبود، برخوردار شود.

(معاونت سیاسی سپاه، نشریه "بررسی" ، اردیبهشت ۱۳۶۷ ، ص ۱۹ ، ترجمه مقاله بازپس‌گیری فاو ، شیرین هانتر)

<sup>y</sup> "شیرین هانتر" ، معاون بخش خاورمیانه مرکز مطالعات بین‌المللی و استراتژیک دانشگاه جرج تاون طی مصاحبه‌ای با رادیو امریکا در مورد سیاست امریکا گفت :

«بعد از ایران - کنtra (ماجرای مک‌فارلین) سیاست امریکا به طور کلی و صدرصد جانب سیاست طرفداری از عراق را دارد.... از این زمان، سیاست امریکا مبنی بر زیاد کردن فشار بر ایران به طور مستمر بوده است. » وی در مرحله اول، این فشار را تعویض پرچم نفت‌کش‌های کویت و قرار دادن پرچم امریکا، و مرحله دوم را حضور نظامی امریکا در خلیج‌فارس و سپس درگیری نظامی ایران و امریکا ذکر کرد.

(خبرگزاری جمهوری اسلامی ، "گزارش‌های ویژه" ، ۱۳۶۷/۲/۴ ، رادیو امریکا ۱۳۶۷/۲/۳)

ایجاد کرده است، اکنون زمان آن است که امریکا دیپلماسی خود را با شرایط جدید منطبق سازد. »<sup>۹۲</sup>

از این پس، بر اساس درکی که امریکایی‌ها از وضعیت حاکم بر صحنه سیاسی-نظامی جنگ داشتند، تلاش مضاعفی را برای متقاعد ساختن ایران برای پایان دادن به جنگ - با ارسال پیام‌های آشکار و پنهان - آغاز کردند. بر اساس همین ملاحظات، برخی از مقامات امریکایی خواهان شرکت جشن دولت امریکا در نوعی گفت و گوهای صلح با ایران بودند<sup>۹۳</sup>، زیرا منافع گوناگون امریکا در خلیج فارس پایان جنگ و بهبود روابط ایران و امریکا را به یک امر ضروری تبدیل کرده بود.<sup>۹۴</sup> در این حال، ادامه جنگ مانع بهبود روابط ایران و امریکا ارزیابی می‌شد.<sup>۹۵</sup> ایران تحت شرایط جدید، از یکسو از روند تحولات جنگ و سیاست‌های مداخله جویانه امریکانگران بود<sup>۹۶</sup> و از سوی دیگر، برای پایان دادن به جنگ، خواستار شناخته شدن این حقیقت بود که عراق مت자و اصلی بوده و ایران مورد تجاوز قرار گرفته است. شناسایی این موضوع در محافل بین‌المللی برای ایران با اهمیت بود.<sup>۹۷</sup> اما از نظر کارشناسان امریکایی تحقق هرگونه شرایطی که منجر به سقوط دولت عراق شود، به منزله برهمن خوردن توازن در خلیج فارس و تهدید دوستان و متحدان امریکا در منطقه و در نتیجه، تهدید منافع استراتژیک غرب ارزیابی می‌شد.<sup>۹۸</sup>

آقای هاشمی با توجه به رخدادهای جدید در صحنه نظامی و سیاسی در گفت و گو با تلویزیون ایتالیا گفت:

«اگر واقعاً مصلحت را در این تشخیص دهیم که باید مصالحه کرد، ما این سیاست را می‌پذیریم. »<sup>۹۹</sup>

وی با توجه به موانعی که برای تأمین خواسته‌های ایران وجود داشت، افزود:

« فعلایاً این مصالحه برای ما و منطقه و حتی مردم عراق خیلی گران تمام

۱۰۰ می‌شود . »

نماینده وقت ایران در سازمان ملل نیز در این باره گفت :

« قطع نامه ۵۹۸ شامل بندی بود که مهم‌ترین خواسته ما را تأمین می‌کرد و آن این که ، دبیر کل موظف است که کمیته‌ای برای تعیین متجاوز تشکیل دهد .... پس از سفر دبیر کل سازمان ملل برای تهییه طرح اجرایی برای قطع نامه با جابه‌جا کردن بعضی از بندها نظرات ما تا حدودی تأمین شد ، ولی دولت بعضی عراق با پیشنهاد دبیر کل مخالفت کرد . »<sup>۱۰۱</sup>

سقوط فاو ، به‌طور طبیعی موضع عراق را در مقایسه با گذشته تقویت کرد و همین مسئله بر پیچیدگی اوضاع برای یافتن راه حل مناسب تا اندازه‌ای افزود. دبیر کل ، یک طرح پنج ماده‌ای تهییه کرد که می‌توانست نقطه آغازی برای حل و فصل دیپلماتیک جنگ ایران و عراق باشد.<sup>۱۰۲</sup> اما ، عراق با این پیشنهاد مخالفت کرد ، هر چند پاسخ ایران به آن مثبت بود.<sup>۱۰۳</sup> "دکوئیار" ، دبیر کل وقت سازمان ملل در توضیح مشکلات جدید گفت :

« ایران مفاد ده گانه قطع نامه را پذیرفته است ، ولی با ترتیب اجرای آن مخالف است .... ایران می‌خواهد که اجرای این قطع نامه با تشکیل کمیسیونی که مسبب آغاز جنگ را معلوم کند آغاز شود ، ولی عراق ایجاد هرگونه تغییر در مفاد این قطع نامه را نمی‌پذیرد . »<sup>۱۰۴</sup>

از سوی دیگر ، تلاش امریکا برای صدور قطع نامه‌ای به‌منظور تحریم ایران نیز به‌دلیل مخالفت چین و شوروی به‌عنوان دو عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل که از حق و تو برخوردار بودند ناکام ماند و امکان فشار امریکا به ایران کاهش یافت .

"والترز" نماینده وقت امریکا در سازمان ملل در سفر به منطقه خاورمیانه به مخالفت چین و شوروی اشاره کرد.<sup>۱۰۵</sup> "نیکسون" ، رئیس جمهور اسبق امریکا نیز در مصاحبه با شبکه تلویزیونی "سى. ان. ان" امریکا در مورد موضع گیری

## شوروی گفت:

«اتحاد شوروی در خلیج فارس دست به بازی "رولت روسی" می‌زند و امریکا می‌بایست به وضوح به اطلاع "میخائیل گورباچف" رهبر شوروی برساند که کشورش برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق به امریکا بپیوندد. »

وی اضافه کرد:

«باید ریگان به گورباچف اطلاع دهد، در صورت عدم پیوستن شوروی‌ها به تلاش‌های واشنگتن برای پایان دادن به جنگ، بر روابط امریکا و شوروی خدشه وارد خواهد آمد. »<sup>۱۰۶</sup>

این توصیه‌های هشدارآمیز نیکسون، در آستانه چهارمین ملاقات گورباچف و ریگان به عنوان رئسی دو کشور شوروی و امریکا انجام می‌گرفت. در چنین شرایطی که روس‌ها بر اساس قرارداد ژنو (۲۵. ۱. ۱۳۶۷) میان افغانستان، پاکستان، امریکا و شوروی، در حال اجرای نخستین مرحله خروج نیروهای شوروی از افغانستان بودند<sup>۱</sup>، تمرکز توجهات به تحولات جنگ ایران و عراق به جای توجه به خروج نیروهای شوروی از افغانستان، عملاً به سود مقامهای مسکوارزیابی می‌شد. از سوی دیگر، روس‌ها با توجه به ثمر نشستن کمک‌های تسليحاتی و مشاوره‌ای خود به عراق و متقدعاً ساختن فرماندهان ارتش آن کشور برای تغییر استراتژی از پدافند به آفند و فراهم کردن لوازم و امکانات اجرای این امر مهم، اوضاع را در سطح استراتژیک کاملاً به سود عراق ارزیابی می‌کردند و در نظر داشتند با به دست گرفتن ابتکار عمل، روند جنگ را اداره و هدایت کنند. مشاهده برتری قابل ملاحظه عراق پس از بازیس‌گیری فاو، روس‌ها مانند عراقی‌ها و برخلاف امریکایی‌ها متقدعاً ساخت که

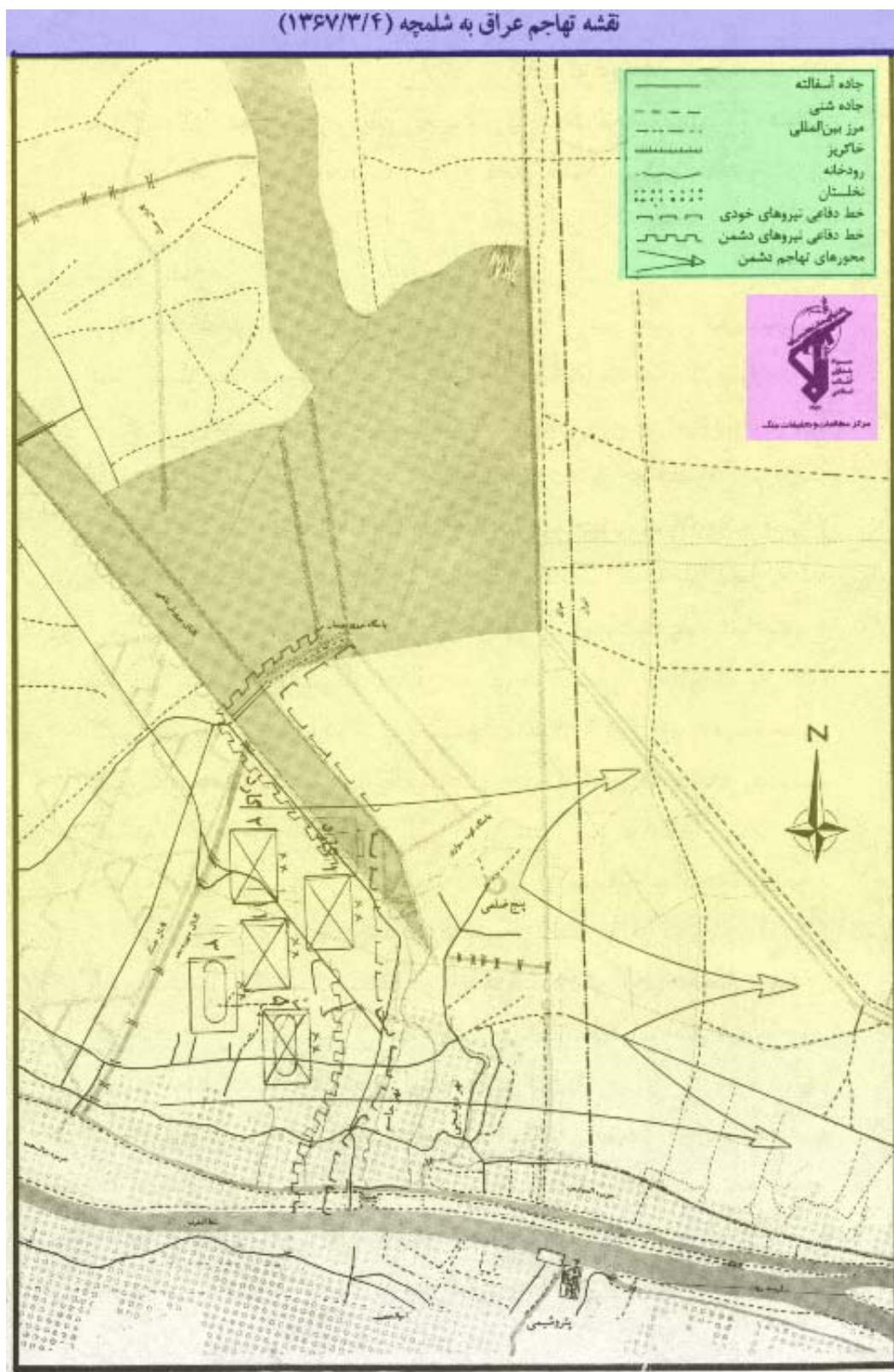
<sup>۱۰۶</sup> منابع غربی، نیروهای شوروی را در افغانستان ۱۱۵ هزار نفر ذکر می‌کردند. برابر این آمار، در اولین مرحله باید ۲۰ تا ۳۰ هزار نفر خارج می‌شدند. "قرارداد ژنو" شوروی را متعهد می‌کرد، ۵۰ درصد از نیروهایش را تا اواسط ماه اوت (۲۴ مرداد ۱۳۶۷) و باقی مانده آنها را ظرف شش ماه یعنی تا فوریه ۱۹۸۹ (بهمن و اسفند ۱۳۶۷) از افغانستان خارج کند.

هیچ‌گونه اقدام تعجیلی برای پایان بخشیدن به جنگ انجام ندهند، زیرا دلیلی برای انجام این کار وجود نداشت و اوضاع کاملاً بهسود مسکو و بغداد بود.

### سقوط شلمچه

فرایند سقوط فاو با توجه به تأثیرات تعیین‌کننده آن بر تغییر توازن بهسود عراق، بسیار حائز اهمیت بود. در وضعیت جدید، قابلیت تدافعی ایران برای تمرکز قوابه‌منظور مقابله با حملات عراق و در مقابل، توانایی عراق برای حفظ ابتکار عمل و تداوم تهاجم به سایر مناطق، نقش قابل ملاحظه‌ای در تغییر روند تحولات آینده جنگ داشت. بر پایه همین ملاحظات، بلافاصله پس از حادثه سقوط فاو، طی بررسی‌هایی که به عمل آمد و با توجه به احتمال حمله ارتش عراق به منطقه شلمچه یا "جزایر مجنون" پیشنهاد عقبنشینی مطرح شد با این استدلال که در فاو به دلیل حضور در شمال غرب نتوانستیم دفاع کنیم، پس باید نیروهای را در منطقه شلمچه متمرکز کرد. در این زمینه، چون هنوز باور عمیق نسبت به واقعیت‌های جدید به وجود نیامده بود، لذا تصمیم‌گیری لازم انجام نشد.<sup>۱۰۷</sup> با این حال علاوه بر اقدامات مهندسی در جزایر مجنون، ترمیم و تقویت خطوط دفاعی در منطقه شلمچه نیز مورد توجه قرار گرفت.<sup>۱۰۸</sup> در مقابل، عراقی‌ها پس از حمله به فاو، در زمانی کمتر از ۴۸ ساعت نقل و انتقال از منطقه فاو را با هدف آمادگی برای عملیات بعدی، آغاز کرده<sup>۱۰۹</sup> و ۳۸ روز پس از حمله به فاو، سرانجام در ساعت ۸ صبح روز چهارم خرداد ۱۳۶۷ به منطقه شلمچه حمله کردند.

چند روز پیش از آغاز تهاجم دشمن، فعالیت‌های دشمن در این منطقه به نحو آشکاری افزایش یافت. همزمان، در منطقه "ام الرصاص" نیز دشمن به جمع‌آوری موانع شامل خورشیدی و سیم‌های خاردار در حاشیه ساحل ارونده اقدام کرد.<sup>۱۱۰</sup> واحد ترابری لشکر گارد جمهوری نیز نفرات، تجهیزات،



نقشه تهاجم عراق به شلمچه (۱۳۶۷/۳/۴)

سلاحهای ضدهوایی و مهمات را از منطقه هور، فاو و مناطق غرب به منطقه شرق بصره انتقال داد.<sup>۱۱۱</sup> برابر گزارش‌های شنود رادیویی، نیروهای دشمن از اول خرداد ۱۳۶۷ (پیش از شروع عملیات) فرانس بی‌سیم‌های خود را در منطقه آزمایش می‌کردند.<sup>۱۱۲</sup>

دشمن، تهاجم به شلمچه را با سه سپاه سوم، هفتم و گارد آغاز کرد. در این عملیات، نیروهای سپاه گارد از محور کانال پرورش ماهی (محور شمالی)، سپاه دوم از محور جاده شلمچه (محور وسط) و سپاه هفتم از محور جزیره "ام الطویل" (محور جنوبی) با پشتیبانی واحدهای توپخانه، زرهی و هوایی وارد عمل شدند.<sup>۱۱۳</sup> برابر تحلیل سردار "محسن رضایی" فرمانده کل سپاه در آن هنگام، در حالی که نیروهای خودی از زمان و مکان تهاجم دشمن آگاه بودند، ولی شلمچه تنها در مدت هشت ساعت سقوط کرد. در مقایسه با فلو، از ساعت "س" (حمله دشمن) اطلاعات به دست آمده بود، نیروهای به ظاهر آماده‌تر بودند، غافل‌گیری هم وجود نداشت و خطوط دفاعی نیز تقویت شده بودند. البته نیروی احتیاط کمی در اختیار بود. ولی در هر حال اراده لازم برای مقابله با دشمن و حفظ شلمچه وجود نداشت.<sup>۱۱۴</sup> سقوط شلمچه نشان‌دهنده برتری عراق و تغییر تاکتیک آن در تهاجم بود.<sup>۱۱۵</sup> پیش از ۷۰ درصد توان دشمن در جنوب مرکز شده بود.<sup>۱۱۶</sup> پیش از این پیش‌بینی شده بود که اگر عراق در موضع تهاجم قرار بگیرد، نیروهای خودی در موضع پدافندی قادر به مهار تهاجمات عراق نخواهد بود.<sup>۱۱۷</sup> در کتاب "تئوری عملیات و جنگ"، در مورد دشواری‌های حفظ ابتکار عمل و مقابله با قوای عمدۀ دشمن، آمده است:

«حفظ ابتکار نظامی بسیار سخت‌تر از به دست‌گیری آن است. همه نویسندگان نظامی با این گفته "مولتکه" موافقند که یک اشتباه در تمرکز اصلی ارتقش به سختی می‌تواند در طی جریان کامل نبرد اصلاح شود و آن که هیچ طرح عملیاتی در برخورد اولیه با عمدۀ نیروهای اصلی دشمن پا بر جا نمی‌ماند.

فرسایش نیروها شناس توانایی حفظ ابتکار را تضعیف می کند . »<sup>۱۱۸</sup>

### بازتاب سقوط شلمچه

سقوط شلمچه - نظر به اهمیت و نتایج آن در روند تحولات جنگ - بازتاب نسبتاً گسترده‌ای در رسانه‌های خبری داشت. پیش از این، سقوط فاو با آن که بسیار با اهمیت بود، ولی به دلیل غافل‌گیری ایران، به منزله برتری کامل عراق ارزیابی نمی‌شد. اما با سقوط شلمچه، تحلیل کارشناسان دست‌خوش تغییر شد و به تدریج برتری عراق و ضعف‌های ایران مورد توجه قرار گرفت. افزون بر این، تغییر استراتژی نظامی عراق، افزایش روحیه سربازان عراقی، بهبود روحیه عراق در محافل کارشناسی و هدایت عملیات به دست صدام مورد اشاره قرار گرفت.<sup>۱۱۹</sup> روزنامه "واشنگتن پست"، چاپ امریکا پیروزی عراق در شلمچه را به منزله "شکست عظیمی" برای نیروهای ایران ذکر کرد و نوشت:

«اکنون شکست سریع نیروهای ایرانی در شرق بصره این سؤال را در میان تحلیل‌گران مطرح می‌سازد که پس از سرگرمی با جریانات انتخابات مجلس و مانورهای سیاسی در مورد مسائل داخلی، چه به سر رهبری ایران آمده است.»<sup>۱۲۰</sup>

رادیو لندن نیز در تحلیلی گفت:

«تغییر سیر جنگ، همه و به خصوص ایران را غافل‌گیر کرده است.»

در این تفسیر سقوط شلمچه به عنوان "مهمترین عقب‌نشینی ایران" مورد تأکید قرار گرفت.<sup>۱۲۱</sup>

پیش از این، با وجود افزایش توان عراق، همچنان بر برتری ایران تأکید می‌شد. این مسئله متاثر از چند عامل بود: نخست، قدرت تهاجمی و روحیه نیروهای ایران با حملات پی‌درپی و تصرف برخی از مناطق در داخل خاک عراق و دیگری، برتری نیروی انسانی ایران، وسعت سرزمینی و عمق

جغرافیایی بود که به عنوان عوامل برتری ساز ایران بر عراق مورد توجه قرار داشت. نظر به این که از عامل دوم به طور کامل استفاده نشد، لذا بلا فاصله پس از این که ماشین جنگی عراق از موضع پدافند به آفند به حرکت درآمد، مسیر جنگ به سود عراق تغییر کرد و به تدریج برخلاف گذشته، برتری عراق مورد تأکید قرار گرفت. مقامات پنتاگون براین نظر بودند، شکست ایران نشان‌دهنده رشد فزاینده نیروهای مسلح عراق است و این مسئله به مفهوم شکسته شدن بنسبت جنگ می‌باشد.<sup>۱۲۲</sup> کرد زمان نیز در کتاب خود می‌نویسد:

«نیروهای مهاجم عراقی "حروفه‌گرایی" خود را، هم در سرعت عملیات‌شان و هم در استفاده از تسلیحات مرکب که برای نخستین بار در فاو به کار گرفته بودند،<sup>۱۲۳</sup> نشان دادند.»

مقامات عراقی که پیش از این، مواضع جدیدی را مبنی بر آمادگی عراق برای بازپس‌گیری مناطق متصرف شده اعلام کرده بودند، با کسب پیروزی‌های جدید، از استراتژی جدیدی سخن گفتند.<sup>۱۲۴</sup> روزنامه واشنگتن پست در این باره نوشت:

«اقدامات ارتش عراق در جبهه جنگ استراتژی تازه کادر رهبری سیاسی کشور را روشن می‌سازد و هم اکنون نیز نشانه‌هایی از کارآیی این استراتژی آشکار شده است.»<sup>۱۲۵</sup>

مجموعه وضعیت جدید باعث شد تا کارشناسان براین مسئله تأکید کنند که موازنۀ قدرت بیش از پیش به نفع نیروهای عراقی تغییر کرده است.<sup>۱۲۶</sup> در مقایسه با وضعیت عراق و در حالی که برتری امکانات نظامی عراق تا چندین برابر ایران مورد اتفاق نظر قرار داشت، تنها کارشناسان نظامی براین باور بودند، "ایران هم پول ندارد و هم نمی‌تواند از کشورهای مختلف سلاح تهیه کند. تنها برتری ایران بر عراق روحیه مردم در جنگ بود که تغییر کرده

است".<sup>۱۲۷</sup> "شهرام چوبین" از مؤسسه عالی مطالعات استراتژیک در زنگ، با توجه به وضعیت ایران و عراق، مشکلات اساسی ایران را شکاف میان توانایی‌های نظامی ایران و اهداف سیاسی این کشور ذکر کرد.<sup>۱۲۸</sup> بدین معنا که از یک سو، ایران توان دست یافتن به پیروزی نظامی برای تأمین اهداف سیاسی خود راندارد و از سوی دیگر، نمی‌تواند پس از هشت سال جنگ، اهداف خود را محدود یا تغییر دهد.

کارشناسان امریکایی طی یک میزگرد تلویزیونی در امریکا، با تصدیق این مسئله که عراقی‌های در مقایسه با گذشته بهتر می‌جنگیدند، به این موضوع اشاره کردند که عمده‌ترین تغییر در جنگ این است که ایران قادر نیست، همانند گذشته برای جبهه نیرو بسیج کند. برخی کارشناسان، ترکیبی از ضایعات شدید جنگی و مخالفتهای سیاسی داخلی را عامل تضعیف روحیه ایران ذکر کردند.<sup>۱۲۹</sup> در برخی از منابع نیز نابسامانی اقتصادی به عنوان یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در پیدایش وضعیت جدید و کاهش توانایی نظامی ایران مورد تأکید قرار گرفت.<sup>۱۳۰</sup>

مهمنترین بحثی که در رسانه‌های خبری و در محافل کارشناسی و در میان تحلیل‌گران مسائل سیاسی و نظامی جنگ مطرح شد، احتمال پایان یافتن جنگ بود. در این میان، پیروزی‌های عراق به منزله افزایش شناس حقیقی برای پایان یافتن جنگ ارزیابی می‌شد.<sup>۱۳۱</sup> در واقع، شرایط بحرانی و دشواری که ایران در آن به سر می‌برد، منشأ تغییر موضع ایران برای پایان جنگ ارزیابی می‌شد.<sup>۱۳۲</sup> مقامات امریکایی معتقد بودند که موضع ایران در برابر عراق از موضع "تنdro به میانه" و "تغییر یافته" است.<sup>۱۳۳</sup> پیدایش عنصر میانه‌رو در موضع ایران نسبت به پایان جنگ، علاوه بر مسائلی که پیش از این ذکر شد، عمده‌تاً به دلیل غافل‌گیری ایران نسبت به تغییر استراتژی عراق از پدافند به آفند بود. در واقع، اشتباه ایران این بود که تصور می‌کرد، عراق

نمی‌تواند به تهاجم عمدۀ علیه ایران دست بزند و به این جهت، آماده مقابله با حمله بزرگ عراق نشده بود.<sup>۱۳۴</sup> لذا مسئولان جمهوری اسلامی در جستجوی راه حلی برای پایان دادن به جنگ بودند. مقامات دیپلماتیک عراق نیز به این نتیجه رسیده بودند که ایران نسبت به یک ابتکار تازه بین‌المللی برای استقرار صلح متمایل‌تر شده است.<sup>۱۳۵</sup> گری سیک نیز طی مصاحبه‌ای با مجله نیوزویک گفت:

«در میان کادر رهبری ایران افرادی وجود دارند که مایلند راهی پیدا نمایند تا خودشان را از این موقعیت خلاص نمایند.»<sup>۱۳۶</sup>

به موازات تغییر در موازنۀ جنگ، موضع گیری و تحلیل برخی از مقامات رسمی و شخصیت‌های امریکا قابل ملاحظه بود و حتی، روزنامه «واشنگتن تایمز» احتمال تغییر سیاست امریکا در برابر ایران و تلاش برای یافتن راه حل مورد پذیرش برای پایان دادن به جنگ را مورد اشاره قرار داد. «ونون والتر»، فرستاده ویژه امریکا به منطقه در مصحابه‌ای، در مورد ضرورت مذاکره میان ایران و عراق تأکید کرد، دو طرف باید کوتاه بیایند. ولی وی به هنگام ترک بحرین در حالی که تأکید می‌کرد، «به ایرانی‌ها اجازه نمی‌دهیم خواسته‌های خود را دیکته کنند.»، گفت:

«ما می‌توانیم در مقابل ایرانی‌ها انعطاف داشته باشیم.»<sup>۱۳۷</sup>  
ریچارد مورفی، معاون وزیر خارجه امریکا نیز در گردھمایی «امنیت خلیج فارس و جنگ ایران و عراق» موضعی را اعلام کرد که آشکارا به سود ایران بود. وی گفت:

«تشکیل هیئتی را خواستاریم که علل و ریشه‌های جنگ را مشخص کند.»

و سپس تأکید کرد:

«البته، اذعان داریم که نخستین بار واحدهای عراقی بودند که وارد خاک ایران شدند.»<sup>۱۳۸</sup>

کسینجر، وزیر خارجه اسبق امریکا که پیش از این نیز در نظرات و تحلیل‌هایی که ارائه می‌کرد همواره منافع امریکا را در عدم پیروزی هریک از دو طرف درگیر در جنگ ارزیابی می‌کرد، با مشاهده برتری عراق بار دیگر طی سخنانی که در رادیو امریکا نیز منعکس شد، گفت:

«به‌سود امریکا نیست که طرفی در این جنگ بر دیگری پیروز گردد.»<sup>۱۳۹</sup>

وی سپس درباره روابط ایران و امریکا افزود:

«بعید به‌نظر نمی‌رسد که در آینده‌ای دور و نه چندان نزدیک، ایران بار دیگر به غرب روآورد. به حکم چنین تحلیلی، مسئله ایران اساساً مشکلی پیچیده و بغرنج است و باید در انتظار بود، گرایش به بنیادگرایی در ایران دوره خود را طی کند.»<sup>۱۴۰</sup>

نیکسون، رئیس‌جمهور اسبق امریکا نیز با توجه به عقب‌نشینی نیروهای شوروی از افغانستان و موضع گیری این کشور در خصوص پایان جنگ عراق و ایران گفت:

«باید تصمیم گورباچف برای تخلیه افغانستان مورد استقبال قرار گیرد، ولی باید صریحاً به وی خاطرنشان سازیم که این اقدام شوروی کافی نخواهد بود، چرا که موضع "میخائیل گورباچف" در ارتباط با جنگ ایران و عراق بسیار مهم‌تر از اشغال افغانستان است.... گورباچف در منطقه صلح را بازی گرفته است.»

این تحلیل نیکسون بر این پایه بود که به گفته وی:

«در واقع شوروی، هم با ایران قول و قرار می‌گذارد و هم با عراق.»<sup>۱۴۱</sup>

گورباچف که در حال برگزاری چهارمین اجلاس میان سران شوروی و امریکا بود و پیش از این نخستین مرحله خروج نیروهای شوروی از افغانستان را اجرا کرده بود، پس از پایان اجلاس به ریگان گفت:

«راه حلی که برای مسئله افغانستان به دست آمده است، خواهد توانست برای حل و فصل صلح آمیز دیگر مسائل منطقه‌ای نیز مورد استفاده قرار گیرد.»

این اظهارات نشان‌دهنده تمایل شوروی به مشارکت فعال و مستقیم برای حل سایر مسائل منطقه بود. وی در این مصاحبه خواهان کاهش نیروهای دریایی امریکا در خلیج فارس شد.<sup>۱۴۲</sup>

نتایج برخاسته از سقوط شلمچه، منجر به آن شد که جمهوری اسلامی ایران دست به اقداماتی بزند. نخستین اقدام، افزایش فعالیتهای دیپلماتیک و پی‌گیری روند جابه‌جایی در بندهای قطع نامه ۵۹۸۴ بود. دومین اقدام دعوت از مردم برای پشتیبانی از جبهه‌ها بود که در این راستا و با توجه به برگزاری سومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی که در ۱۹ فروردین ۱۳۶۷ آغاز شد و همچنان فضای داخلی کشور را به خود مشغول کرد<sup>۱۴۳</sup> بود، امام خمینی (ره) در پیامی به مجلس سوم و خطاب به مردم فرمودند:

«مردم عزیز ایران بعد از فراغت از انتخابات همچون گذشته بر پشتیبانی مادی و معنوی خود از جبهه‌های نبرد و رزمندگان ادامه دهند و سپاهیان نور را حمایت نمایند.»<sup>۱۴۴</sup>

امام با توجه به سقوط شلمچه و تداوم حملات عراق و آثار و نتایج روحی و روانی این حوادث در پیام خود فرمودند:

«برای ملت بزرگ هیچ پیروزی بالاتر از تصمیم و عزم و اراده استقرار آنان برای رسیدن به حق نیست که بحمدالله خداوند آن را به مردم کشور ایران عنایت فرموده است.»<sup>۱۴۵</sup>

امام در این پیام تأکید فرمودند:

«هر روز ما، روز موفقیت و امتحان جدیدی بوده است. بعد از این نیز در راه خدا ادامه می‌دهیم.»<sup>۱۴۶</sup>

پیش از این با توجه به شرایط حساس جبهه‌های نیز ستاد کل سپاه طی صدور بیانه‌ای به فراخوانی نیروهای بسیجی مبادرت کرد.<sup>۱۴۷</sup> سومین اقدام بر جسته‌ای که ایران انجام داد، انتصاب

حاجت‌الاسلام‌والمسلمین هاشمی رفسنجانی به عنوان جانشین فرماندهی کل قوا در ۱۲ خرداد ۱۳۶۷ بود. این اقدام به منزله ایجاد تغییرات جدید در سطوح عالی فرماندهی نظامی تفسیر شد.<sup>۱۴۷</sup>

زمینه‌های انتصاب آقای هاشمی به مسئولیت جدید، اساساً پس از عملیات فال ایجاد شد. بدین ترتیب که ضرورت بسیج امکانات کشور سبب شد تا سپاه، آقای هاشمی را به عنوان فرماندهی کل به امام پیشنهاد کند.<sup>۱۴۸</sup> به نظر می‌رسید، این انتصاب با توجه به موقعیت آقای هاشمی، می‌توانست زمینه برخی از پشتیبانی‌های لازم برای جنگ را فراهم و تسهیل کند.

امام پس از سقوط شلمچه، حکم آقای هاشمی را به عنوان جانشین فرماندهی کل قوا صادر فرمودند.<sup>۱۴۹</sup> و در آن به درگیری و رویارویی امریکا علیه اسلام و ایران و هم‌آهنگی غرب و شرق در مبارزه با انقلاب اسلامی اشاره کردند.<sup>۱۵۰</sup> همچنین، در این حکم به ایجاد ستاد فرماندهی کل، هم‌آهنگی کامل ارتش، سپاه، بسیج و نیروهای انتظامی، سعی در استفاده هر چه بهتر از امکانات و نیروهای تمرکز امور تبلیغی و فرهنگی، استفاده درست از قوانین دادگاه نظامی در زمان جنگ و بهره‌برداری صحیح از کمک‌های مردمی اشاره شده بود.<sup>۱۵۱</sup> برادر رضایی، فرمانده وقت سپاه پاسداران در واکنش به انتصاب آقای هاشمی گفت:

«امید است، این حسن انتخاب و تفویض اختیارات در بسیج امکانات کشور در امر جنگ و ایجاد وحدت بین نیروهای بسیج که جزو آروزهای دیرینه روزمندگان اسلام هست، شوری نوین برای سرکوبی هر چه سریع‌تر متجاوز در میدان نبرد ایجاد نماید.»<sup>۱۵۲</sup>

آقای هاشمی نیز طی مصاحبه مطبوعاتی با بیان این‌که حکم امام دارای دو موضوع اصلی و سه موضوع فرعی است، تأکید کرد:

«موضوع اصلی، یکی این که باید از امکانات نیروهای مسلح برای جنگ و دفاع

بهتر استفاده شود که به خاطر چندگانگی نیروهای مسلح ، از امکانات به خوبی استفاده نمی شود . «

وی پس از اشاره به موضوعات فرعی حکم امام ، در مورد تأثیر فوری آن گفت :

« مردم را برای جنگ جدی می کند و روی دشمن هم اثر خود را خواهد گذاشت . »<sup>۱۵۳</sup>

آقای هاشمی همچنین در نماز جمعه تهران وضعیت جدید جنگ را به وضعیت پس از عملیات والفجر<sup>۸</sup> که عراقی ها دفاع متحرك را آغاز کردند ، تشبيه کرد و گفت :

« این بار ما نیاز داریم ، وضعیت را جدی تر بگیریم که این کار را شروع کرده ایم . »<sup>۱۵۴</sup>

وی تأکید کرد :

« در حالی که وزارت خارجه تلاش می کند ، ما هم از جنگ غفلت نمی کنیم و باید در جبهه حاضر باشیم . »

نظر به این که پیش از این ، آقای هاشمی به عنوان فرماندهی عالی جنگ در صحنه سیاسی - نظامی جنگ حضور داشتند ، لذا انتساب ایشان به جانشینی فرماندهی کل قوا این گونه ارزیابی شد که " این تغییر به منظور آماده شدن برای نوعی مصالحه صورت گرفته است ".<sup>۱۵۵</sup> عراقی ها نیز انتساب آقای هاشمی را به منزله تلاش ایران برای صلح ارزیابی کردند.<sup>۱۵۶</sup>

در هر صورت ، تغییرات حاصله و از جمله تشکیل ستاد کل قوا ، گرچه مهم و مؤثر بود ، ولی با توجه به اوضاع سیاسی - نظامی و شرایط هنگام تشکیل و نیز تأخیری که در فعل کردن آن به وجود آمد ، بیشتر در اداره و هدایت اوضاع سیاسی - نظامی و فراهم ساختن زمینه های صلح مؤثر واقع شد تا این که بتواند شرایط ادامه جنگ را تأمین کند .

حملات پی در پی دشمن باعث شد تا پس از سقوط شلمچه، به منظور فائق آمدن بر روند تهاجمات و برتری روحی دشمن، عملیات بیت المقدس<sup>۷</sup> طرح ریزی و در ساعت ۲۲: ۳۰ روز ۲۲ خرداد ۱۳۶۷ با ۱۰ یگان سپاه و در مجموع با استعداد ۷۰ گردان نیرو اجرا شود. در این عملیات، حدفاصل کانال "شهید ادب" تا کانال ماهی و منطقه پنج ضلعی در منطقه عمومی شلمچه به تصرف نیروهای خودی درآمد.<sup>۱۵۷</sup>

یک روز بعد، پنج لشکر آزاد دشمن شامل دو لشکر از گارد ریاست جمهوری و لشکرهای اول مکانیزه و ۳۶ زرهی که در منطقه احتیاط قرار داشتند، خود را به صحنۀ نبرد رساندند و در روز ۲۳ خرداد ۱۳۶۷ دست به پاتک زدند.<sup>۱۵۸</sup> نیروهای خودی که هدف ثبیت منطقه را دنبال نمی‌کردند، برای جلوگیری از تلفات احتمالی در برابر پاتکهای دشمن، عقبنشینی کردند.<sup>۱۵۹</sup> پیش روی سریع نیروهای خودی و انهدام دشمن در عملیات بیت المقدس<sup>۷</sup> اثر مثبتی در روحیه نیروهای خودی داشت.

آقای هاشمی طی سخنانی، در مورد انگلیزه عملیات، به "گرم نگهداشت" میدان نبرد، جلوگیری از تلاش دشمن در ایجاد استحکاماتی جدید در منطقه، ارزیابی توان دشمن و وارد کردن ضربه کاری به دشمن قبل از انجام تحرکات دیگر" اشاره کرد. همچنین، وی از تغییر جهت و خنثی کردن تبلیغات کفر جهانی که تضعیف روحیه رزمندگان و تقویت نیروهای عراق را پی‌گیری می‌کرد، به عنوان هدفهای دیگر این عملیات یاد کرد.<sup>۱۶۰</sup> آقای هاشمی در اظهارات خود با توجه به تقویت نیروهای خودی پس از اجرای عملیات بیت المقدس<sup>۷</sup>، در مورد پایان جنگ گفت:

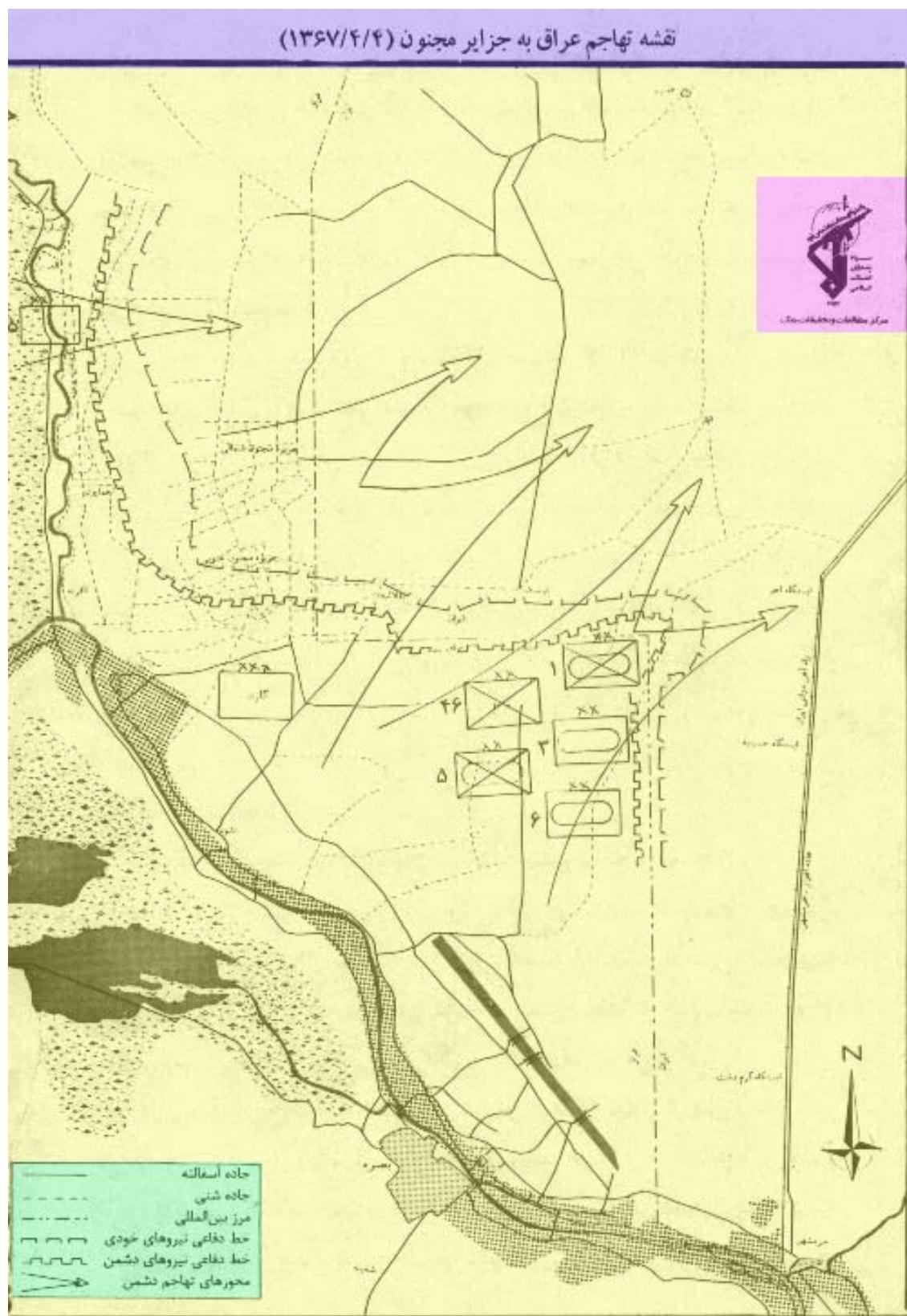
«در مورد اصل جنگ ما تابع نظر مقام معظم رهبری هستیم و راه پایان جنگ در غیر میدان را هم مشخص کرده‌ایم که اگر آماده تسلیم حق شده باشند، راه پایان جنگ آسان است.»<sup>۱۶۱</sup>

همچنان آقای هاشمی در خطبه‌های نماز جمعه تهران از نیروهای مردمی برای حضور در جبهه دعوت کرد تا در اعزام بزرگ سراسری که قرار است در تیرماه انجام شود، شرکت کنند.<sup>۱۶۳</sup> واحد بسیج نیز با اعلام برنامه اعزام‌های ویژه سپاه محمد(ص)، از کلیه نیروهای بسیجی جهت ثبت نام و اعزام به جبهه دعوت کرد.<sup>۱۶۴</sup>

عراق در ادامه حملات خود، در ۲۴ خرداد ۱۳۶۷ در محور "ماووت" (جبهه‌های شمالی) وارد عمل شد اما موقعیت چشم‌گیری به دست نیاورده پس از ۸ روز درگیری، تنها قسمتی از این منطقه را از دست نیروهای خودی خارج کرد.<sup>۱۶۵</sup> همچنان، عراق در اقدامی مشترک با منافقین در ۲۹ خرداد ۱۳۶۷ به مهران حمله کرد. در این عملیات، نیروهای عراقی با استعداد یک لشکر ارتفاعات "قلعه‌آویزان" که مسلط بر شهر مهران بود، به اشغال در آوردند. پس از آن نیروهای منافقین با برخورداری از حمایت یگان‌های دشمن، وارد شهر مهران شدند.<sup>۱۶۶</sup>

## سقوط جزایر مجنون

**سقوط منطقه شلمچه و تداوم حملات دشمن در سایر مناطق و احتمال حمله به جزایر مجنون**، به عنوان آخرین منطقه‌ای که در جبهه‌های جنوبی همچنان در اختیار قوای نظامی ایران قرار داشت، باعث شد تا ضرورت تخلیه دو جبهه مأووت و حلبچه در غرب کشور و انتقال نیروهای ابده جنوب مورد توجه قرار گیرد.<sup>۱۶۷</sup> چنان‌که پیش از این اشاره شد، گسترش و زمین‌گیر شدن نیروهای سپاه در خطوط پدافندی در طول ۱۲۰۰ کیلومتر مرز، علاوه بر این‌که قدرت آفندی سپاه را کاهش داده بود، بر توانایی پدافندی این نیرو تأثیرات فراوانی گذاشته بود. به عبارت دیگر استراتژی دشمن از پدافند به آفندی تغییر کرده بود و به‌طور طبیعی، نیروهای خودی در موضع پدافندی



( نقشه تهاجم عراق به جزایر مجنون (۱۳۶۷/۴/۴) )

قرار گرفته بودند. تمرکز نیرو برای مقابله با تهاجمات دشمن ضروری بود، بنابراین بر تخلیه برخی از مناطق تأکید می‌شد. در بحثهایی که به میان آمد، حتی چنین استدلال می‌شد که وقتی ما خرم‌شهر را از دشمن گرفتیم، با احتمال حمله ایران به سمت بصره، دشمن نیروهایش را از قصر شیرین، مهران و سایر مناطق عقب کشید و در منطقه شرق بصره متمرکز کرد.<sup>۱۶۸</sup> در شرایطی که دشمن برای حمله به جزایر آماده می‌شد، به نظر می‌رسید حفظ این منطقه بر سایر مناطق ارجحیت داشت. نظر به اهمیت این بحث و ضرورت تصمیم‌گیری و اقدام مقتضی، فرماندهی سپاه (برادر رضایی) تلاش می‌کرد، نیروهای ارتتش مسئولیت پدافند یکی از چهار منطقه مأووت، چنگوله، مهران و ترجیحاً حلبچه را که به وسیله سپاه پدافند می‌شد، بر عهده بگیرند تا نیروهای سپاه برای پدافند در جزایر، آزاد شوند.<sup>۱۶۹</sup> پیچیدگی و دشواری‌های موجود سبب شد، تصمیم‌گیری در این زمینه به زمان دیگری موکول شود.<sup>۱۷۰</sup> مهم‌ترین علت تأخیر در تصمیم‌گیری برای عقبنشینی، این بود که مسئولان و فرماندهان هنوز به حفظ مواضع امیدوار بوده و عقبماندگی خود و برتری فوق العاده عراق به لحاظ توان رزمی را باور نداشتند. تصور می‌شد که علت حوادث قبلی، تنها اشکالات در خطوط دفاعی و ضعفهای تاکتیکی بوده است و بارفع آنها می‌توان دفاع کرد.<sup>۱۷۱</sup> با این ملاحظه کلی و در وضعیت دشواری که برای حفظ جزایر وجود داشت، تصمیم گرفته شد که برای حفظ جزایر شمالی در آنجا پدافند شود و در جزیره جنوبی برای انهدام دشمن و گرفتن زمان برای حفظ جزیره شمالی به دشمن حمله شود.<sup>۱۷۲</sup>

بانزدیک شدن روزهای پایانی ماه خرداد، عراق بر حجم تحرکات خود و در همین راستا، در ۲۸ خرداد ۱۳۶۷ و روزهای پس از آن نیروهایش را در این جزایر تقویت کرد.<sup>۱۷۳</sup> نکته قابل ملاحظه در تحرکات عراق، اجتناب از حفاظت و غافل‌گیری بود. به نظر می‌رسید، دشمن قصد داشت، تحرکات خود

رانشان دهد<sup>۱۷۴</sup>، تابا ایجاد رعب در نیروهای ایرانی، ضریب موفقیتش را افزایش دهد.

در این حال، روزنامه واشنگتن تایمز به نقل از مقامات وزارت دفاع امریکا نوشت:

« عراق یک نیرو به تخمین ۲۰۰ هزار نفر را در نزدیکی شهر بندری بصره مستقر کرده است تا در عرض چند هفته به جزیره مجنون، ناحیه نفت خیزی از خاک عراق که در سال ۱۹۸۴ به دست ایران افتاده بود، حمله کند. »<sup>۱۷۵</sup>

سرانجام، یک ماه پس از سقوط شلمچه، دشمن کلیه مواضع نیروهای خود را در جزایر مجنون و "کوشک" باشناصایی قبلی از ساعت ۱۲ شب تا ساعت ۳ بامداد با استفاده از حجم شدید آتش توپخانه، زیرآتش قرار داد.<sup>۱۷۶</sup> عملیات دشمن در جزیره برابر گزارش نشریه رویدادها و تحلیل سپاه به شرح زیر می‌باشد:

ارتیش بعث عراق از اولین ساعت بامداد ۴ تیر ۱۳۶۷ به اجرای آتش تهیه سنگین روی خطوط دفاعی، جاده‌های ارتباطی، مواضع توپخانه مقرها، عقبه‌ها و مراکز تجمع نیروهای خودی و همچنین بمباران شیمیایی منطقه که دامنه آن تا حدودی هویزه گسترش یافته بود، اقدام کرد. سپس در ساعت ۳:۴۵ صبح، عملیات خود را از محورهای جاده خندق جنوبی "طلایه" و پیچ کوشک آغاز کرد. در محور جاده خندق نیروهای دشمن با تیپ‌های ۲۱ کماندویی از سپاه ششم، تیپ ۶۰۱ پیاده و لشکر ۲۵ وارد عمل شد و پس از رسیدن به تقاطع جاده بدر و ضلع شمالی جزیره شمالی (حدود ساعت ۹ صبح)، به طرف جاده همت (شمال شرقی) به پیش روی خود ادامه دادند.

در محور جزیره جنوبی که محور اصلی تک دشمن بود، لشکرهای مدنیّة المنوره و "حمورابی" از سپاه گارد ریاست جمهوری پس از پیاده کردن نیرو روی جاده قمربنی‌هاشم (جاده اتصالی بین دو جزیره) به طرف ضلع

جنوبی جزیره شمالی ادامه تک داده و با سقوط پدشماره یک در جنوب غربی جزیره شمالی به وسیله پل های شناور جی. اس. پی ادوات و تجهیزات را به داخل جزیره شمالی انتقال داد و پس از آن به سمت اضلاع دیگر جزیره پیش روی کرد. همزمان، دشمن با ۳۰ فروند هلی کوپتر <sup>x</sup> نیروهایش را روی جاده شهید همت هلی برده کرده و عقبه نیروهای خودی را در قسمت شمالی جزیره شمالی مسدود کرد. ساعت ۱۱ صبح نیروهای عمل کننده عراق در محورهای اصلی و فرعی در جزیره شمالی با هم "الحق" کردند.

باسقوط جزایر جنوبی و شمالی، رزمندگان اسلام مواضع خود را در مناطق "ابوذاکر" و "ترابه"، تخلیه نمودند که پس از چند ساعت به وسیله یگانهایی از سپاه ششم عراق اشغال گردید.

در محور طلائیه یک تیپ از نیروهای گارد جمهوری در ساعت ۷ صبح با هدف ایجاد اختلال در پشتیبانی نیروهای خودی و بستن عقبه یگانها عملیات فرعی خود را آغاز کرد و حدود ساعت ۹ صبح به سه راهی فتح و جاده سیدالشهدا (رسید و سپس تا پاسگاه "خاتمی" پیش روی کرد.

در محور کوشک، لشکرهای ۳۶ زرهی و ۱۵۵ مکانیزه از دو محور تک خود را آغاز و پس از پیش روی به سمت "جفیر"، تا ساعت ۹ صبح این منطقه را تصرف کردند و به دنبال آن، با گسترش به سمت غرب (سه راهی فتح) این منطقه را پاکسازی و در منطقه کانال "سلمان" (که به موازات جاده جفیر - سه راهی فتح کشیده شده بود) پدافند نمودند. در محور دوم کوشک واحدهای عراقی خود را به جاده اهواز - خرمشهر (کیلومتر ۵۵) رساندند و با استن جاده، چندین پل و قسمتی از راه آهن را تخریب کردند.

دشمن با آغاز تاریکی، از محور طلائیه و جاده سیدالشهدا (ع) به سمت

---

<sup>x</sup> هلی کوپترهای دشمن در این عملیات فعالیت شدید و کم نظری در زمینه پشتیبانی آتش، هلی برد نیرو، اسلینگ مهمات و ادوات و نیز هدایت یگانهای مانوری خصوصاً واحدهای زرهی داشتند.

مرز شروع به عقبنشینی کرد و با استقرار در حوالی نوار مرزی پس از قطع نمودن جاده‌های سیدالشهدا (و همت به تثبیت موضع خود پرداخت.<sup>۱۷۷</sup> صدام در دیدار با فرماندهان و افسران نیروهای گارد تأکید کرد:

« همکاری میان سپاه سوم و گارد ریاست جمهوری در دو نبرد اصلی - در شلمچه و مجنون - نشان دهنده وضعیت جدید در برتری انسانی در تمامی رسته‌های ارتش عراق می‌باشد .... نبرد مجنون، آخرین حلقه بسیار مشکل در راه آزادی خاک ما بوده است. »<sup>۱۷۸</sup>

در روند تهاجمی دشمن که از فاو آغاز شد، حمله به جزایر اوج قدرت عراق بود<sup>۱۷۹</sup> که به نمایش گذاشته شد. عراق در این عملیات که به لحاظ تاکتیکی، پیش‌رفته بود به بهترین شکل آفند کرد و بر خلاف عملیات در فاو که خط و عقبه را شیمیابی زد، در جزایر می‌خواست اسیر بگیرد. این عملیات دو معنا داشت: نخست، تسلط نیروهای عراق در آفند و امیدواری به کسب پیروزی و اطمینان نسبت به عقبنشینی نیروهای ایران و دوم تلاش برای به اسارت گرفتن نیروها و فرماندهان ایرانی.<sup>۱۸۰</sup>

بازپس‌گیری تمام مناطق متصرفه در منطقه جنوب، در مدت سه ماه، موقعیت سیاسی- نظامی عراق را به نحو قابل ملاحظه‌ای بهبود بخشید. اظهارات "نزار حمدون" "معاون وقت وزیر امور خارجه این کشور نشان دهنده تداوم حملات عراق بود. وی در اظهارات خود تصريح کرد:

« عراق از این پس تصمیم ندارد تمامی مساعی خود را در صحنه دیپلماتیک متمرکز کند .... فشار خود را برای بازپس‌گرفتن تمامی موضع اشغال شده توسط ایران ادامه خواهیم داد. »<sup>۱۸۱</sup>

عرائی‌ها پیش‌بینی می‌کردند که به‌زودی نتیجه جنگ روشن خواهد شد. "طه یاسین رمضان"، معاون وقت نخست وزیر عراق در مصحابه‌ای با یک نشريه تونسی گفت:

## «ما مطمئن هستیم که نتیجه جنگ در روزها، هفته‌ها و ماه‌های آینده روشن

<sup>۱۸۲</sup> خواهد شد.»

عراقی‌ها چنین ارزیابی می‌کردند که زمان به نفع آنها است<sup>۱۸۳</sup>، لذا تشدید فشارهای همه جانبه به ایران بخشی از تلاش و اقدامات عراق، در حال طرح ریزی و اجرا بود.

وضعیت جدید ایران در مقایسه با گذشته نامطلوب بود. زیرا از یک سو، با از دست دادن مناطق تصرف شده در داخل خاک عراق، فاقد موضع قوی برای فشار آوردن به سازمان ملل بود و از سوی دیگر، نمی‌توانست جنگ را آن‌گونه که مناسب است، در برابر فشارهای همه جانبه عراق ادامه دهد.<sup>۱۸۴</sup> در چنین وضعیت دشواری، شورای عالی پشتیبانی جنگ با صدور بیانیه‌ای ضمن تشریح شرایط جنگ، تصمیمات جدیدی را برای مهار معضلات اقتصادی و بسیج نیرو به جبهه‌ها اعلام کرد که در رسانه‌های خبری منعکس شد.<sup>۱۸۵</sup> برخی از تحلیل‌گران، دو تحول عمده را ناشی از رخدادهای نظامی و تصمیم‌گیری‌های جدید شورای عالی پشتیبانی جنگ و تحرکات اخیر ایران در زمینه دیپلماتیک ذکر کردند.<sup>۱۸۶</sup> مجله امریکایی نیوزویک به نقل از مقامات این کشور نوشت:

«ایران ممکن است با توجه به تحولات نظامی، تمایل بیشتری برای خاتمه

بخشیدن به جنگ و بهبود روابط ایران با امریکا نشان بدهد.»

به همین دلیل، در این نشریه به دولت امریکا توصیه شد، به طرفداری از عراق پایان داده و در جنگ موضعی کامل‌ای طرف پیش گیرد.<sup>۱۸۷</sup> دریی

رادیو لندن با توجه به برقراری مجدد روابط ایران با فرانسه و مذاکره با انگلیس و کانادا به منظور تجدید مناسبات، طی تفسیری گفت:

«ایران ظاهراً در پاسخ به پیروزی‌های نظامی عراق برای بهبود در روابطش با غرب کوشش می‌کند.»

(خبرگزاری جمهوری اسلامی، ”گزارش‌های ویژه“، نشریه شماره ۹۹، ۱۳۶۷، ۶.۴.۲۸، ص ۴۱۳/۵) (۱۳۶۷/۴/۵)

انتشار اخبار مربوط به تماس ایران و امریکا، سرانجام "شولتز" وزیر خارجه وقت امریکا اعلام کرد:

«ایران در سال گذشته [۱۹۸۷ میلادی (۱۳۶۶ خورشیدی)] چندبار به‌طور غیر مستقیم با امریکا تماس گرفته و مقام‌های بلندپایه ایران این تماس‌ها را در زمان‌های گوناگون و از طریق کانال‌های مختلف برقرار کرده‌اند.... اگر ایران مایل به مذاکره باشد، امریکا از تهران خواهد خواست به جنگ خلیج فارس پایان دهد و از کارهای تروریستی دست بردارد!»<sup>۱۸۸</sup>

مبادله پیام‌های آشکار و پنهان میان ایران و امریکا در رسانه‌های خبری بازتاب گستردگی داشت. روزنامه کوتی "التباء"، هدف امریکا را از تماس‌های خود با ایران، شکستن حلقه محاصره و خارج کردن ایران از آنزوا یاد کرد و نوشت:

«امریکا و غرب در پی پیروزی‌های اخیر عراق در جبهه‌های جنگ، رو به ایران آورده‌اند تا نگذارند ایران شکست بخورد.»<sup>۱۸۹</sup>

"رابرت هانتر"، کارشناس و محقق ارشد مرکز مطالعات استراتژیک دانشگاه جرج تاون در امور خاورمیانه نیز به دولت امریکا توصیه کرد:

«باید بر اساس برنامه‌ای که به صلح تکیه داشته باشد، در شرایطی که دولت ایران از این حوادث به شدت تکان خورده است، در یک مسیر که همانا صلح در جنگ خلیج فارس است، حرکت کند.»

وی پیش‌بینی کرد:

«احتمال این‌که این تراژدی به یک کاتالیزوری برای تشنجه‌زدایی میان ایران و امریکا مبدل شود، زیاد است.»

وی همچنین تأکید کرد:

«زمان برای حل مشکلات و اختلافات ایران و امریکا و پایان دادن به جنگ ایران و عراق مساعد شده است، به شرطی که ایران و امریکا به صورتی سازنده عمل

کند و بر عراق نیز فشار وارد آورده شود ، تا از ادعای خود در مورد تمایل به  
خاتمه جنگ طفره نرود . »<sup>۱۹۰</sup>

به موازات ظهور عالیم آشکار مبنی بر مناسبات ایران و امریکا ، شواهد و  
قرائن موجود ، بر افزایش تنیش میان امریکا و عراق دلالت داشت . نظر به این که  
قبل از آغاز تهاجم عراق به جزایر مجنون ، امریکایی‌ها از نقل و انتقالات  
عراقی‌ها و آمادگی آنها برای تهاجم به جزایر اخبار را منتشر ساختند ، صدام  
بلافاصله پس از کسب پیروزی در بازپس‌گیری جزایر مجنون ، امریکارا متهم  
ساخت که از طریق ماهواره‌هایش در مورد تدارکات عراق برای انجام یک  
تهاجم در جزایر مجنون ، اطلاعاتی به دست آورده و در اختیار ایران قرار داده  
است .<sup>۱۹۱</sup> اما یک سخن‌گوی وزارت دفاع امریکا در واکنش به ادعای صدام ، آن  
را تکذیب کرد .<sup>۱۹۲</sup> مدتی بعد ، یک دیپلمات عراقی در پاریس به روزنامه  
نیویورک تایمز گفت :

« انگیزه امریکا از تحويل این اطلاعات به ایران از سرگیری تلاش برای جلب نظر  
عناصری معتدل در حکومت ایران بوده است . »<sup>۱۹۳</sup>

» یوسف ابراهیم "خبرنگار این روزنامه در پایان گزارش خود نوشت :

« اتهام صدام علیه امریکا نشانه فزاینده‌ای دیگر از رو به زوال رفتن عراق و امریکا  
است . »<sup>۱۹۴</sup>

مجله نیوزویک نیز نوشت :

« واشنگتن اخیراً به عراق فشارهای سیاسی وارد آورده و سعی می‌کند عراق را  
راضی کند که با راه حل دیپلماتیک مورد قبول ایران ، موافقت کند . »<sup>۱۹۵</sup>

ملاقات امریکایی‌ها با "جلال طالبانی" رهبر "اتحادیه میهنی کردستان" یکی  
دیگر از مسائلی بود که مورد اعتراض عراقی‌ها قرار گرفت . ریچارد مورفی ،  
مدیر کل امور خاورمیانه در وزارت خارجه امریکا با توجه به فضای ایجاد شده در  
رسانه‌های غربی مبنی بر روابط ایران و امریکا و تنیش در روابط عراق و امریکا ،

در سخنانی گفت:

«پذیرفتن طالبانی از سوی امریکا نباید این گونه تعبیر شود که این اقدام مداخله در امور داخلی عراق بوده است.»

وی تأکید کرد:

«دیدار طالبانی تدبیری پنهانی برای برقراری روابط با ایران نبوده است.»<sup>۱۹۶</sup>

مorfی همچنین در مورد ملاقات و گزارش‌های منتشره در اروپا مبنی بر تماس‌های محramانه امریکا با نمایندگان دولت ایران، این گزارش‌ها را قاطع‌انه تکذیب کرد و گفت:

«منافع کشورهای خلیج‌فارس در این است که این جنگ تمام شود.»

وی در تشریح سیاست امریکا در وضعیت جدید، گفت:

«امریکا معتقد است که سیاست کنونی که، مبتنی بر قاطعیت و به‌طور همزمان، آمادگی برای گفت‌وگو است، سیاست درستی است و همچنان پی‌گیری خواهد شد.»<sup>۱۹۷</sup>

مدیرکل امور خاورمیانه در وزارت خارجه امریکا در ادامه اظهار امیدواری کرد:

«پیروزی‌های عراق بر ایران این واقعیت را به تهران بفهماند که این جنگ را نمی‌توان برد. این، جنگی است که باید به آن خاتمه داد و مذاکره برای اعمال قطع نامه ۵۹۸ را آغاز کرد.»<sup>۱۹۸</sup>

## حمله موشکی امریکا به هواپیمای مسافربری ایران

ناوه‌هواپیمابر نیروی دریابی امریکا به نام "وینسنس" در یک اقدام جنایت‌کارانه، در ۱۲ تیر ۱۳۶۷ با شلیک دو فرونده موشک به سوی هواپیمای جمهوری اسلامی ایران که از بندر عباس عازم دبی بود، جان ۲۹۰ تن انسان غیر نظامی را گرفت.<sup>۱۹۹</sup> این حادثه به عنوان یک فاجعه انسانی، بازتاب نسبتاً

گسترهای داشت. امریکا که از عمل کرد خود آگاه بود، برای محدود کردن اثرات منفی این اقدام در افکار عمومی، در نخستین واکنش مدعی شد که هواپیمای منهدم شده، نظامی بوده و قصد تجاوز به ناو امریکایی را داشته<sup>۲۰۰</sup>. که پس از هشدار و بی توجهی خلبان به آن، هدف موشک قرار گرفته است. امریکایی‌ها که در ابتدا برای کاهش عواقب منفی حرکت فاجعه‌آمیز خود رسانه‌ها را جهت داده بودند و در گام بعدی پس از آن که مشخص شد در آن هنگام هیچ هواپیمای دیگری جز "ایریاس" مسافربری ایرانی در آسمان نبوده است مدعی شدند که اقدامشان کاملاً دفاعی بوده است.<sup>۲۰۱</sup> در همین راستا، رئیس ستاد نیروهای مسلح ارتض امریکا بیان کرد، کشتی‌های امریکایی برای دفاع از خودشان اقدام کردند. سران امریکایی از سویی مانع از هجوم افکار عمومی علیه خود بودند و از سوی دیگر تمایل داشتند به طرف ایرانی تفهیم کنند که امریکا برای به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ از هرگونه اقدام فاجعه‌آمیزی علیه مردم ایران خودداری نخواهد کرد. به همین دلیل، رئیس جمهور امریکا اقدام کشتی امریکایی را یک اقدام شایسته ذکر کرد.<sup>۲۰۲</sup>

دریی تشدید درگیری میان ایران و امریکا و نگرانی از واکنش ایران، وزارت خارجه امریکا به تمام سفارتخانه‌های این کشور توصیه کرد به عنوان اقدامی احتیاطی در برابر تلافی احتمالی ایران، تدبیر امنیتی ویژه‌ای را اعمال کنند. سپس برای فروکش کردن التهاب مردم ایران سخن‌گوی وزارت خارجه امریکا نیز اعلام کرد: هدف امریکا پیان دادن به جنگ ایران و عراق است و کشورش به هیچ‌وجه خیال دیگری با ایران ندارد.<sup>۲۰۳</sup> در همین راستا، ریگان بار دیگر در توضیح این حادثه تصریح کرد:

«ناوهای جنگی امریکا به اشتباه یک هواپیمای مسافربری جمهوری اسلامی را مورد هدف قرار داده‌اند.»<sup>۲۰۴</sup>

در پی گسترش دامنه نگرانی امریکایی‌ها، برخی از اعضای کنگره امریکا

خواستار ارزیابی سیاست کشورشان در خلیج فارس شدند.<sup>۲۰۶</sup> "ترنر"، رئیس پیشین سیا در واکنش به این درخواست، گفت:

«چنین ارزیابی در زمان حاضر کار درستی نیست.»

وی تصريح کرد:

«ما باید دقت کنیم که حادثه مصیبت‌بار در خلیج فارس، سیاست فشار بر ایران را - که به نظر مؤثر می‌آید - تغییر ندهد.»<sup>۲۰۷</sup>

"رابین رایت" از "بنیاد کارنگی" نیز معتقد بود که امریکا باید خروج یا کاهش حضور را [در خلیج فارس] قبول کند، زیرا این مسئله به معنای گریز امریکا از رویارویی با ایران محسوب خواهد شد.<sup>۲۰۸</sup>

کردزمن نیز بر این باور بود که واقعیات اساسی، امریکا را به خلیج فارس آورده است و این واقعیات اکنون هیچ تغییری نکرده و این حادثه باید منجر به تغییر سیاست امریکا در منطقه شود.<sup>۲۰۹</sup> ریگان، رئیس جمهور امریکا با توجه به مباحث مطرح شده در کنگره، در میان کارشناسان امریکایی در پیامی به کنگره ضمن تأکید مجدد بر ماهیت اقدام دفاعی امریکا، تصريح کرد:

«ایران هیچ‌گونه اقدام خصم‌های انجام نداده است و این موضوع خاتمه یافته است.»<sup>۲۱۰</sup>

ریگان همچنین طی بیانیه‌ای علاوه بر دفعاتی قلمداد کردن این اقدام تأکید کرد:

«نفع امریکا در خلیج فارس فقط در صلح است و همین امر ضرورت دست‌یابی هرچه سریع‌تر به هدف یاد شده را تقویت می‌کند.»<sup>۲۱۱</sup>

شوری‌ها که در سیاست‌های جدید خود مترصد بهره‌برداری از اشتباهات امریکا بودند، با تأکید بر خروج نیروهای امریکا از خلیج فارس، گفتند:

«این فاجعه ثابت کرد که امریکا هرچه زودتر باید در خط‌مشی خود در خصوص خلیج فارس تجدید نظر کند.»

مفسر رادیو لندن در تفسیر رادیویی خود تأکید کرد، "اتحاد شوروی خواهد کوشید، از این واقعه برای مقاصد دیپلماتیک بهره‌برداری کند".<sup>۲۱۳</sup>

سقوط هواپیمای ایرباس جمهوری اسلامی ایران به وسیله ناو امریکایی در فضای سیاسی - نظامی حاکم بر جنگ بازتاب گستردگی نیز در داخل کشور داشت. واکنش و تحلیل آقای هاشمی رفسنجانی به عنوان جانشین فرماندهی کل قوا به دلیل موقعیت و اعتبار و نفوذ وی بسیار مورد توجه بود. وی در مجلس شورای اسلامی این واقعه را آزمایش برای مجتمع بین‌المللی دنیا دانست و گفت:

«باید ببینیم که سازمان ملل چه می‌کند؟ شورای امنیت چه می‌کند؟ چشم انسان‌های صالح و همه عدالت‌خواهان دنیا به دروازه این مرکز دوخته شده است تا ببینند این‌ها وظیفه‌شان را چگونه انجام می‌دهند.»<sup>۲۱۴</sup>

با توجه به درگیری نظامی و پاسخ‌گویی ایران به اقدامات خصم‌انه امریکا در خلیج فارس، این اظهارات به معنای تغییر موضع ایران ارزیابی شد. به‌نظر می‌رسید، ایران سیاست خارجی جدیدی را در پیش گرفته است و قصد ندارد در وضعیتی که در برابر تهاجمات پی‌درپی عراق گرفته و فضای تبلیغاتی بین‌المللی نیز با حادثه سقوط ایرباس به‌سود ایران تغییر کرده بود، با اقدامی تلافی‌جویانه علیه امریکا، اوضاع را تغییر دهد. در ادامه این خطمشی، ایران خواستار تشکیل فوری جلسه شورای امنیت شد. رئیس هیئت نمایندگی ایران در سازمان ملل اعلام کرد: "شورای امنیت باید هرچه سریع‌تر قتل عامی را که اقدامات تروریستی دیگر را نیز در بی خواهد داشت، مورد بررسی قرار دهد".<sup>۲۱۵</sup>

مفسر بخش شرقی رادیو لندن در مورد اظهارات آقای هاشمی گفت:

«پیام آشکاری که از جانب ایران داده شد، حاکی از آن است که ایران می‌خواهد

برای محکوم کردن ایالات متحده امریکا به جامعه بین‌المللی روی بیاورد.»<sup>۲۱۶</sup>

این مفسر در تأیید نظر خود اظهار کرد:

« لاریجانی ، معاون وزیر خارجه ایران که در وین به سر می برد ، گفته است : ” موضوع انتقام جویی ایران مطرح نیست ، بلکه این مطرح است که ایران به نحوی واکنش نشان دهد که از تکرار چنین وقایعی جلوگیری شود ” . »<sup>۲۱۷</sup>

اظهارات نمایندگی وقت ایران در سازمان ملل و معاون وقت وزیر خارجه ایران بیانگر نوعی نگرانی از سیاست های امریکا علیه ایران بود. در حالی که دیپلمات های سازمان ملل با تعجب به تصمیم ایران مبنی بر رسیدگی به اقدام جنایت کارانه امریکا می نگریستند<sup>۲۱۸</sup> ، ریگان با تغییر موضع گفت :

« در مورد این حادثه به اندازه کافی از ایران عذر خواهی کرده است . »<sup>۲۱۹</sup>

در راستای کلاهش تنش بین ایران و امریکا ، ” سازمان جهاد اسلامی ” که پیش از این اعلام کرده بود یک گروگان امریکایی را به قتل خواهد رساند ، اعلام کرد که به درخواست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی این اقدام را به تعویق انداخته است .<sup>۲۲۰</sup>

وضعیت جدید منجر به نوعی گفت و گوی مستقیم و غیر مستقیم میان ایران و امریکا شد. نماینده وقت امریکا در سازمان ملل انها را میان را ” جان گذاز و خوف انگیز ” ذکر کرد و گفت :

« مع هذا می تواند انگیزه تازه ای برای پایان دادن به خصوصیات در خلیج فارس را فراهم آورد . »

وی در مورد موضع امریکا در برابر ایران گفت :

« ما نه در صدد رنجاندن آنها هستیم و نه تحقیر آنها . »<sup>۲۲۱</sup>

رادیو امریکا در ۱۷ تیر ۱۳۶۷ طی برنامه ای تحت عنوان نظرات رسمی دولت امریکا گفت :

« تنها نفعی که امریکا در خلیج فارس دارد ، برقراری صلح است و این فاجعه انسانی ضرورت دست یابی به آن هدف را به حداقل شتاب [ رسانده ] و دو چندان ساخته است . »<sup>۲۲۲</sup>

برقراری روابط ایران و امریکا، پس از سقوط هواپیمای ایرباس بار دیگر مورد بحث مقامات امریکایی و رسانه‌های خبری قرار گرفت. سخنگوی کاخ سفید در این زمینه تصریح کرد:

«امریکا مدت مديدة است که تمایل به برقراری تماس با ایران دارد. ما این تمایل را در هر موقعیتی ابراز داشته‌ایم.»

وی در توضیح دیدگاه امریکا درباره ضرورت برقراری رابطه با ایران و گفت:

«امریکا دو هدف عمده را دنبال می‌کند: هدف اول کمک به پایان بردن جنگ ایران و عراق است و هدف دوم، ترغیب ایران به این مسئله که چنانچه سیاست‌های بنیادگرانه خود را در خارج از ایران معتمد تر کند، موضع بین‌المللی خود را بهبود خواهد بخشید.»

وی در اظهارات خود هدف بلند مدت رابطه با ایران را جلوگیری از نفوذ شوروی و به دست آوردن جا پاد ایران ذکر کرد. وی سه مانع را برای برقراری روابط برشمرد که عبارت بودند از: "ادامه تلاش ایران در ادامه جنگ"، "حمایت از به اصطلاح تروریسم" و "نگهداری گروگان‌های امریکایی در لبنان".<sup>۲۲۳</sup> به تدریج، در میان عوامل یاد شده، پایان دادن به جنگ و بحث پیرامون آزادی گروگان‌های امریکایی در لبنان به مسئله اصلی در گفت و گوهای مستقیم ایران و امریکا تبدیل شد.<sup>۲۲۴</sup>

آقای هاشمی، در نماز جمعه با رائے تحلیلی درباره عدم واکنش ایران در مقابل سقوط هواپیمای ایرباس، گفت:

«آنها قبلًا به کشتی‌ها و هواپیماها و سکوهای نفتی ما حمله می‌کردند و می‌دیدند، ما جواب مناسب را می‌دهیم. اینها فکر کردند که ایران با آمادگی که دارد، یک کاری متناسب با این می‌کند و خودشان هم که در منطقه چیزی نداشتند، فکر کردند که ممکن است این قضیه نسبت به هواپیمای دیگری در

منطقه اتفاق بیفتند. آنها شاید این طور فکر می‌کردند، شاید هم زمینه‌سازی پیشین را خودشان در این رابطه کرده بودند و اگر کار خاصی به عنوان مقابله به مثل می‌شد، هم امریکا به هدفش رسیده بود و هم موج تبلیغاتی را علیه ما درست می‌کرد، اما قضیه جور دیگری شد.<sup>۲۲۵</sup>

آقای هاشمی ضمن ابراز تردید از تداوم حضور نیروهای امریکا در خلیج فارس، افزود:

«آیا واقعاً شما برای حفظ امنیت آمده‌اید؟ و آیا امنیت را در خلیج فارس حفظ کرده‌اید؟ شما آمده‌اید که نگذارید صلح بشود، آمدید که نگذارید امنیت باشد، آمدید زیر بال صدام را بگیرید که نیفتند.<sup>۲۲۶</sup>

وی بار دیگر به تصمیم‌گیری شورای امنیت و انتظار ایران برای محکوم شناختن امریکا در این حادثه اشاره کرد.

بلافاصله یک مقام پنتاگون که نخواست نامش فاش شود، در واکنش به سخنان آقای هاشمی گفت:

«به نظر می‌رسد که این یک تغییر در تهدیداتی می‌باشد که ما در طول تمام این هفته شنیده‌ایم و اگر درست باشد، ما از آن استقبال می‌کنیم.<sup>۲۲۷</sup>

دیپلمات‌ها معتقد بودند، این تصمیم ایران مبنی بر خودداری از دستزدن به اقدام تلافی‌جویانه علیه "واشنگتن"، به دلیل کسب حمایت بین‌المللی در جنگ این کشور علیه عراق می‌باشد.<sup>۲۲۸</sup>

## فراخوانی عمومی نیروهای بسیجی

امام خمینی (ره) با توجه به ماهیت اقدام تجاوز‌کارانه امریکا و فضای سیاسی-نظامی حاکم بر جنگ و ضرورت بسیج نیروهای بسیجی مقابله با وضعیت جدید، به مناسبت فاجعه سقوط هواپیمای ایرباس پیامی را صادر کردند که در آن با توجه به "ابهام و تردیدهایی که نسبت به روند تحولات جنگ" و

شایعه معامله پنهانی برای پایان دادن به جنگ که پس از سقوط فاو، به وجود آمده بود، فرمودند:

«امروز تردید به هر شکلی خیانت به اسلام است. غفلت از مسائل جنگ خیانت به رسول الله است.»

ایشان در جای دیگری از این پیام تأکید فرمودند:

«باید نگذاریم که تلاش فرزندان انقلابی مان در جبهه‌ها از بین برود.... امروز باید دست اتحاد به یکدیگر داده، محکم و استوار برای جنگی تمام عیار علیه امریکا و اذنا بش به سوی جبهه‌ها رو کنیم.»<sup>۲۲۹</sup>

پیام امام شور و هیجان فوق العاده‌ای در جامعه به وجود آورد. مردم نیز با شرکت در تشییع جنازه شهدای حادثه هوایی، تنفر خود را نسبت به امریکا ابراز کردند و همزمان، نوعی زمینه برای حضور گسترده در جبهه‌های جنگ به وجود آمد. چند تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز طرح قانونی مبارزه مستمر با استکبار و ادامه جنگ تاکسیب پیروزی را به عنوان استراتژی جمهوری اسلامی ایران با قید یک فوریت تقدیم مجلس کردند.<sup>۲۳۰</sup> نخست وزیر وقت، مهندس میرحسین موسوی نیز در پیامی به امام و اعلام آمادگی برای تحقق نظرات ایشان در بخشی از پیام خود تأکید کرد:

«امروز وقت استقامت، امروز وقت جهاد و امروز روز برنامه‌ریزی، تلاش و پیروزی است.»<sup>۲۳۱</sup>

گرچه پیش از این، فراخوانی نیروهای بسیجی تحت عنوان سپاه محمد(ص) هفت استان از هفتم تیر آغاز شده بود، ولی به نظر می‌رسید که تعداد داوطلبان با شرایط حساس سیاسی-نظمی تناسب لازم را ندارد. براین اساس شورای عالی پشتیبانی جنگ در بیانیه مهم خود در ۱۱ تیر ۱۳۶۷ تأکید کرد:

«مرحله‌ای بسیار حساس برای انقلاب و امتحانی بس بزرگ برای ملت قهرمان

ماست و ملت باید در این مرحله همه توان و نیروی ذاتی و معنوی و مادی خود

را به کار گیرد و از هرگونه ساده‌انگاری **×** هل انگاری بپرهیزد . »<sup>۲۳۳</sup>

آقای هاشمی نیز در نماز جمعه تهران با توجه به بیانیه شورای عالی

پشتیبانی جنگ گفت :

« ماشرایط را امروز بسیار حساس می‌بینیم ، دعوتی که شورای عالی

پشتیبانی جنگ کرد و دعوتی که امروز ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح کرد ،

هدایتی که حضرت امام کردند و از مردم خواستند که امکانات و نیروها را

متوجه جبهه‌ها کنند ، این یک دعوت بسیار جدی است ... اگر ما با این

وسعت در جبهه‌ها حاضر باشیم و آنها بدانند که ما مصمم هستیم و این‌گونه

حوادث تلح ، ما را به زانو در نمی‌آورد ، ممکن است ترجیح بدهند که از راه

شناخت متجاوز مسئله را حل کنند و یا راه دیگری انتخاب بکنند . »<sup>۲۳۴</sup>

ستاد فرماندهی کل قوا در نخستین بیانیه خود از مردم خواست ، بار وحیه

اسلامی و انقلابی ، بار دیگر پرده ابهام و تردیدی را که در خصوص آینده

انقلاب و سرنوشت جنگ پیش چشم جهانیان افتد و حاصل جنگ روانی

دشمن است ، پاره کنند . در این بیانیه از همه کسانی که توانایی حمل سلاح و

عزیمت به جبهه‌های نبرد را دارند ، درخواست شد ، جهت ثبت نام و اعزام به

جهه یا مراکز آموزشی نظامی به سرعت به پاسگاههای سپاه پاسداران

انقلاب اسلامی و رده‌های مقاومت مراجعه و ثبت نام کنند . »<sup>۲۳۵</sup> رادیولندن در

واکنش به بیانیه ستاد فرماندهی کل قوا اعلام کرد :

« زمان این فراخوانی به لحاظ روانی درست انتخاب شده است . زیرا پس از حادثه

**×** ندس موسوی در مصاحبه‌ای با مجله پاسداران اسلامی در مورد شرایط حساس جنگ گفت :

« چه بسا ما دچار خوشبینی شدیم وقتی که فتح و پیروزی در جنگ نصیب ما شد ... این فزاز و نشیب‌های جنگ به خوبی نشان می‌دهد که اگر ما هر چند اسیر توهمندی که مثلًا در درسر جنگ زیاد شده و بهتر است مقداری کوتاه بیاییم و نظایر اینها ، این تصور ما را به آنجا خواهد رساند که درست از همین نقطه دشمنان ما استفاده بکنند . »

( روزنامه اطلاعات ۱۳۶۷/۴/۱۱ ، ص ۷ )

سقوط ایرباس، امریکا مسئول شناخته می‌شود. این درخواست از نقطه نظر

سیاسی تأثیر خوبی دارد. »<sup>۲۳۶</sup>

## تمدید تهاجمات عراق و بازپس‌گیری زبیدات

پس از سقوط جزایر مجنون و بازپس‌گیری کلیه مناطق تصرف شده در جبهه‌های جنوبی، تهاجم نیروهای عراقی به منطقه شمالی آغاز شد و در ۷ تیر ۱۳۶۷ نیروهای دشمن به ارتفاعات شاخ شمیران در منطقه دربندیخان حمله کردند که به دلیل مقاومت نیروهای خودی وجود دو روز تلاش، موفق به تصرف منطقه نشدند.<sup>۲۳۷</sup> در همین هنگام نیروهای خودی برای تمرکز توان خود و خارج کردن ابتکار عمل از دست عراق، تصمیم گرفتند، مناطق تصرف شده در جبهه شمالی را تخلیه کنند. بدین ترتیب، مناطق حاج عمران، ماؤوت و پنجوین تخلیه شد، اما نیروهای عراق ونمود کردند که خود به چنین مهمی دست یافته‌اند. به طوری که در ۱۵ تیر ۱۳۶۷ نیز رادیو "صوت الجماهیر" به نقل از اطلاعیه نظامی ارتش عراق، آغاز عملیات نیروهای سپاه پنجم عراق را در منطقه حاج عمران، قلعه دیزه، پنجوین و ماؤوت و نیز آزادی آنها را اعلام کرد.<sup>۲۳۸</sup> در تمدید این حملات ارتش عراق طی پنج روز نبرد، کلیه مناطق شمالی کشور را که در سال ۱۳۶۶ و اردیبهشت سال ۱۳۶۷ با عملیات‌های کربلای ۱۰، نصر ۴، نصر ۸، بیت المقدس ۶ آزاد شده بود، بازپس گرفت.<sup>۲۳۹</sup>

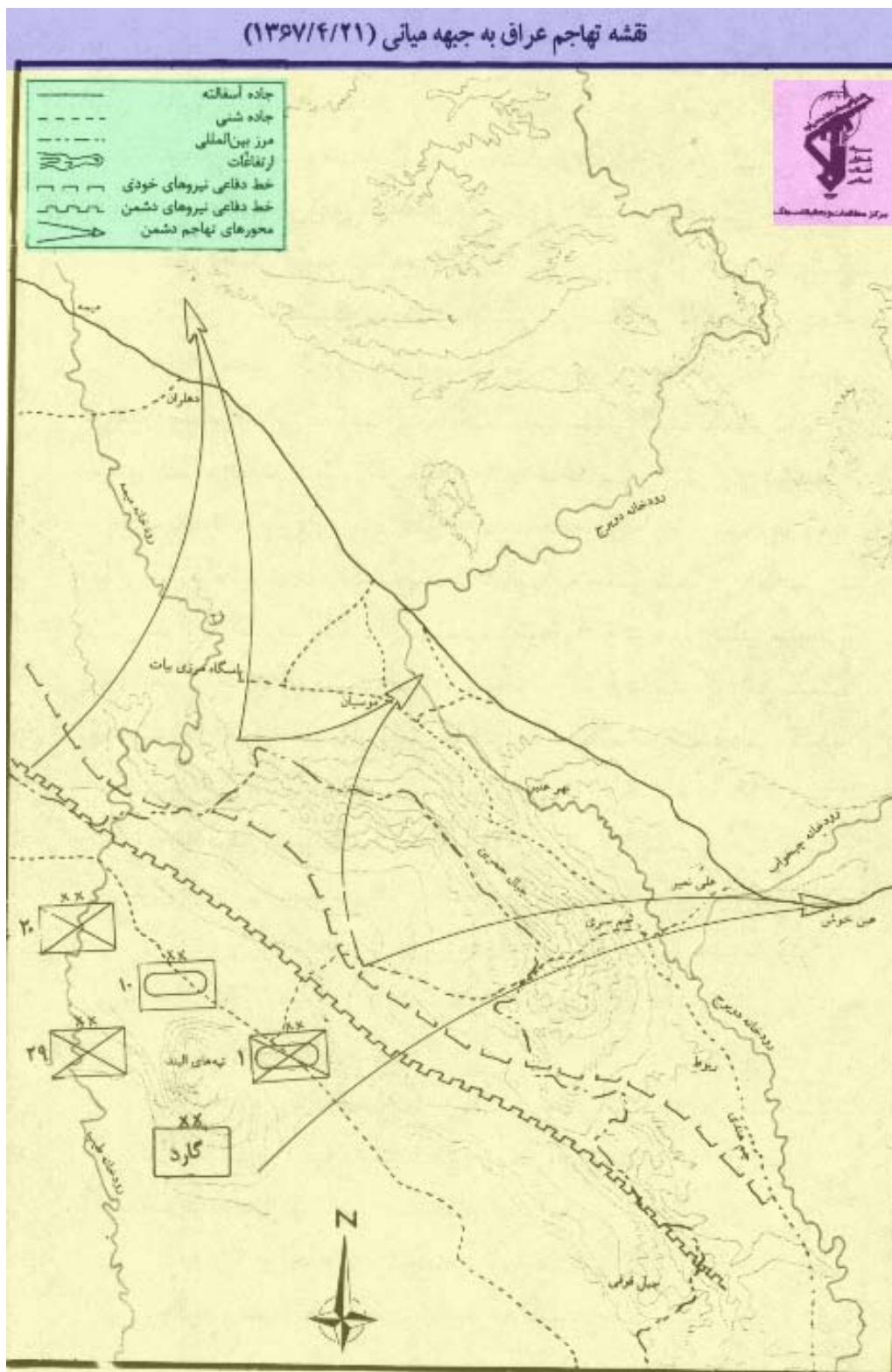
در ۲۱ تیر ۱۳۶۷ دشمن در طی یک حرکت گسترده و بانیرویی به استعداد ۱۱ لشکر، منطقه وسیعی را در غرب عین‌خوش، موسیان و جنوب دهلران به تصرف خود درآورد.<sup>۲۴۰</sup> رادیو بغداد در ۲۱ تیر ۱۳۶۷ به نقل از اطلاعیه نظامی شماره ۳۲۵۶ اعلام کرد، عملیات "توکل‌ناعلی‌الله" در منطقه زبیدات و اطراف آن، واقع در منطقه عملیات سپاه چهارم در شرق "میسان"،

پس از بمباران مقدماتی و آتش توپخانه، در ساعت ۷:۱۵ صبح آغاز شدو  
کلیه واحدها به اهداف خود رسیده‌اند.<sup>۲۴۱</sup>

در اطلاعیه نظامی شماره ۳۲۵۷ عراق اعلام شد، کلیه مناطق در زیستات  
در ساعت ۱۱ صبح تصرف شد. یک سخن‌گوی نظامی عراق در گزارش خود،  
به مقادیر عظیم جنگ‌افزار، مهمات و تجهیزات نظامی و اسناد به‌جا مانده در  
مقرهای فرماندهی، تانک و توپ‌های به‌غニمت گرفته شده، اشاره کرد.<sup>۲۴۲</sup>  
عراق در اطلاعیه نظامی ۳۲۵۹ توضیح داد که در این عملیات، نیروهای گارد  
ریاست جمهوری و سپاه چهارم، مقر لشکرهای ۲۱ حمزه و ۷۷ خراسان از  
ارتش ایران را به تصرف درآورده‌اند.<sup>۲۴۳</sup> عراق در این عملیات پادگان  
عین‌خوش، کلیه منطقه عمومی زیستات- شهرهایی و بخشی از جاده  
عین‌خوش- دهلران را به اشغال درآورد و تا حاشیه شهر دهلران پیش‌روی  
کرد که با قطع جاده عین‌خوش- دهلران، ارتباط دزفول با دهلران  
قطع شد.<sup>۲۴۴</sup>

دشمن در ادامه عملیات و در کمتر از پنج ساعت، شهر دهلران را نیز  
باردیگر به تصرف خود درآورد. خبرگزاری عراق به نقل از یک فرمانده عراقی  
گزارش داد، لشکر پنجم مکانیزه به طرزی سابقهای به سوی دهلران  
پیش‌روی کرد و موفق شد، شهر را به تصرف خود درآورد. به گفته این مقام  
نظامی، این عملیات در یک زمان بی‌نظیر، ۴.۵ ساعت به طول انجامید و طی  
این مدت، حتی مقر عملیاتی نیروی زمینی ارتش ایران در منطقه جنوب  
تصرف شد و بیش از ۵ هزار تن از نیروهای لشکرهای ۲۱ او ۷۷ به اسارت در  
آمدند. ضمن این که ۹۰ تانک و ۴۰ نفر بر زرهی و ۱۳۰ توپخانه به‌غニمت  
دشمن درآمد.<sup>۲۴۵</sup>

نیروهای دشمن که در این عملیات علاوه بر بازپس‌گیری مناطق متصرفه  
در عملیات‌های پیشین خودی، به آسانی توانستند دهلران را همانند زمان آغاز



## نقشه تهاجم عراق به جبهه‌های میانی (۱۳۶۷/۴/۲۱)

تجاویز به ایران، به تصرف خود درآورند.<sup>۲۴۷</sup> وقوع این حادثه بیشتر به یک فاجعه شبیه بود تا یک رخداد نظامی و سقوط یک جبهه عملیاتی، زیرا علاوه بر سرعت پیش روی نیروهای دشمن و از هم گسیختگی نیروهای خودی، شهر دهلران و مقر فرماندهی نیروی زمینی ارتش در جنوب - واقع در عین خوش - به تصرف نیروهای دشمن درآمد. این واقعه با توجه بی‌آمدهای آن بسیار تأثیرگذشت. برابر گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، نیروهای مستقر در این منطقه به هنگام عقبنشینی تنها تعداد کمی از ماشین آلات و ادوات جنگی را از مهلکه خارج ساختند و با پیش روی دشمن به سمت دهلران، اهالی این شهر اقدام به ترک خانه‌های خود کردند. سقوط ناگهانی این مناطق موجب نگرانی شدید اهالی ایلام نیز شد.<sup>۲۴۸</sup> همچنین، هزاران سرباز در اطراف جاده اندیمشک - خرم‌آباد و در بیابان‌های شمالی اندیمشک در حالت تأثیرگذشتی مستقر شدند. این سربازها برابر گزارش منتشر شده، بیش از ۷۰ کیلومتر را از دشت عباس تا اندیمشک پیاده طی کرده بودند. سرگردانی این نیروها که بیشتر آنها از لشکر ۷۷ خراسان و ۱۶ قزوین بودند، روحیه مردم را نیز تضعیف کرده و موجب تأثر آنها شده بود.<sup>۲۴۹</sup>

پیش روی عراق در عمق خاک ایران بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های خبری داشت. زیرا برای نخستین بار نیروهای عراقی پس از عقبنشینی از ایران در سال ۱۹۸۲ میلادی، بار دیگر وارد خاک ایران شده بودند.<sup>۲۵۰</sup> رادیو لندن در این باره طی تحلیلی گفت:

«اگر ادعای عراق درست باشد، این امر می‌تواند نشان‌دهنده درهم شکستن کامل مقاومت چهار ماه گذشته نیروی نظامی ایران باشد.»

درادامه این تحلیل در مورد علت اقدام عراق آمده است:

«غرض از این حمله، غافل‌گیر کردن آقای رفسنجانی، کفیل فرماندهی کل قوای ایران و تشدید بحران رهبری ایران در مورد مسئله جنگ می‌باشد، علاوه بر این،

نا امیدی عراق از ایران نسبت به پذیرفتن قطع نامه ۵۹۸ ، بخش دیگری از دلایل

ادامه حمله عراق و پیش روی در عمق خاک ایران ذکر شده است . »<sup>۲۵۱</sup>

عراقی ها نظر به اهمیت این مسئله ، ضمن تأکید بر اشغال موقت خاک ایران دلایلی را برای اقدام خود برشمردند . سخنگوی وزارت دفاع عراق در این باره اظهار داشت :

«این اقدام به دلایل تاکتیکی صورت گرفته و سربازان عراقی در ظرف چند روز آینده عقبنشینی خواهند کرد . »<sup>۲۵۲</sup>

همچنین ، به گزارش خبرگزاری "اینا" ، در بیانیه ای از تلویزیون عراق ، هدف از این اقدام را "انهدام مرکز نیروهای ایران در این منطقه " ذکر کرد . رئیس وقت مجلس عراق نیز ضمن موقت خواندن حضور نیروهای عراقی در خاک ایران ، تأکید کرد ، نیروهای عراقی با کسب تضمین در برتری استراتژیک خود ، عقبنشینی خواهند کرد .<sup>۲۵۳</sup>

در پی پیدایش وضعیت جدید در صحنه تحولات نظامی جلسه مشترک شورای فرماندهی انقلاب و رهبری منطقه ای حزببعث عراق به ریاست صدام تشکیل شد . بنابر گزارش رادیو بغداد در این جلسه نتایج پیروزی های نظامی اخیر گارد ریاست جمهوری و سپاه چهارم مورد تمجید قرار گرفت .<sup>۲۵۴</sup> به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران ، این دومین جلسه مشترک سران دولت عراق در ۴۸ ساعت گذشته بود که برگزار می شد . گوینده تلویزیون عراق ضمن گزارش عملیات عراق در زیارات که به نام " توکلناعلی الله " انجام گرفت ، بخشی از سخنان صدام را که حاوی نوعی تهدید علیه ایران بود ، پخش کرد . رئیس جمهور عراق در آن سخنان گفت :

«من در برابر ملت عراق می گویم که ایران فرصت را از دست ندهد و اراضی

اشغال شده عراق را سریعاً تخلیه کند ، زیرا اشغال زمین های عراق برای ایران

گران تمام می شود . »<sup>۲۵۵</sup>

چند روز بعد، صدام در سالگرد تأسیس حزببعث طی تحلیلی درباره این عملیات گفت:

«عملیات "زیبدات" حد فاصلی در راستای عملیات آزادسازی زمین‌ها و نابودی کامل دشمن در سال جاری بود و عملیات آینده در همین راستا خواهد بود.... اکنون شما با کسب تجربه از سالیان جنگ، دشمن را به ضعف رسانیده‌اید، به‌طوری که دیگر توانایی مقاومت در برابر شما را ندارد. »<sup>۲۵۸</sup>

این اظهارات به‌خوبی نشان می‌داد که حملات عراق در مرحله جدید با توجه به نتایج حاصله از مرحله آزادسازی مناطق و پیش‌روی در عمق خاک ایران در عملیات زیبدات، ادامه خواهد یافت. صدام در اظهارات خود تأکید کرد:

«استفاده کامل عراق از آبراه شط‌العرب [اروندروود]، بایستی در رأس مسائل در نظر گرفته شود، چون بنا بر حقوق عراق و مقررات بین‌المللی، شط‌العرب دهانه اصلی عراق به دریا به‌شمار می‌رود. »<sup>۲۵۹</sup>

در هر صورت، با وجود این‌که از مدت‌ها پیش بین مسئولان جمهوری اسلامی و فرماندهان نظامی بحث عقبنشینی از مناطق تصرف شده مطرح بود، لیکن امیدواری به مقابله با حملات عراق، مانع از تصمیم‌گیری لازم شده بود. با تصرف منطقه زیبدات و پیش‌روی نیروهای عراقی در عمق خاک جمهوری اسلامی-همانند روزهای نخست تجاوز عراق در شهریور سال ۱۳۵۹- و تصرف شهر دهلران، زمینه لازم برای اتخاذ تصمیم قطعی مبنی بر عقبنشینی فراهم شد.<sup>۲۶۰</sup>

## بازتاب و نتایج بازپس‌گیری مناطق تصرف شده به‌وسیله عراق

موفقیت‌های نظامی ارتش عراق در مدت سه ماه<sup>۲۶۱</sup>، بسیاری از ناظران و تحلیل‌گران امور جنگ را غافل‌گیر کرد، زیرا در این مدت، عراقی‌های نیروهای

ایران را ز مناطقی در جنوب بیرون رانند که با فدایکاری کمنظیری به دست آمده بود.<sup>۲۶۲</sup> به همین دلیل سؤال‌های بی‌شماری در محافل دیپلماتیک مطرح شد که به تعبیر خبرگزاری فرانسه، پاسخی برای آنها وجود نداشت ولی همان محافل در این باره که "چرخشی در جنگ پدید آمده بود"- که می‌توانست سرنوشت‌ساز باشد - هم‌سخن بودند؛ آنان معتقد بودند که در آن هنگام صفحه‌ای از تاریخ جنگ در حال ورق خوردن بود.<sup>۲۶۳</sup> یکی از مهم‌ترین پرسش‌هایی که در این باره مطرح شد این بود که "آیا این [به دلیل]، نیروهای تازه عراق است یا شکست و از هم پاشیدگی ارتش ایران که از دو ماه پیش تحت فرماندهی حجت‌الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس در دست بازسازی کامل قرار دارد؟"<sup>۲۶۴</sup>

در پاسخ به این پرسش، عراق، ایران و تحلیل‌گران غربی هر یک تحلیل و نظرات متفاوتی را رائیه کردند. وزیر فرهنگ و اطلاعات عراق در جلسه‌ای با نمایندگان رسانه‌ای خبری مدعی شد که ایران از نظر نظامی شکست خورده است.<sup>۲۶۵</sup> صدام نیز در تحلیلی گفت:

«شکست‌هایی که حاصل شد، شکست‌هایی در نبرد نیست تا آنها را اصلاح کند، بلکه شکست در سطح استراتژیک است.... شکست ایران، شکست فنّی یا بی‌نظمی در اداره و یا نقصی در سطح عملیات یا تدارکاتی فنّی نیست که اصلاح پذیر باشد.»<sup>۲۶۶</sup>

صدام در اظهارات خود مدعی شد:

«در برابر ما محمره [خرمشهر]، عبادان [آبادان] و الاهواز [اهواز] باز شد و هیچ کس نیست، بتواند بگویید، نمی‌توانستیم این مناطق را اشغال کنیم.»<sup>۲۶۷</sup>  
او همچنین در جمع وزیران جوانان کشورهای عرب ادعا کرد:

«پیروزی، معلوم کثرت و اندکی عده در مقایسه میان ارتش‌های ایران و عراق و یا فراوانی و کمبود جنگ‌افزار نیست، گرچه این مسائل در کشمکش میان دو

اراده حائز اهمیت می‌باشد ، اما اساس پیروزی‌ها این است که ایران پایگاه فکری خود را از دست داد و شکست خورد . »<sup>۲۶۸</sup>

صدام در اثبات نظر خود ، پیروزی منافقین در مهران را به عنوان افراد غیر نظامی ، دلیل بر ناکامی نظامی ایران ذکر کرد .<sup>۲۶۹</sup>

تحلیل‌گران غربی نیز با توجه به ملاحظات موجود ، تحلیل‌های گوناگونی را رائیه کردند. خبرگزاری "رویتر" در گزارش خود بر این نظر بود که تغییر استراتژی عراق و عدم تناسب موقعیت نیروهای مسلح ایران برای یک جنگ دفاعی به شیوه‌ای که ارتضی عراق در ماههای اخیر بر ایران تحمیل کرده است ، منجر به ناکامی ایران و موفقیت عراق شده است .<sup>۲۷۰</sup> به همین دلیل ، عقبنشینی‌های ایران بیش از آن که تاکتیکی ارزیابی شود ، به منزله "شکست نظامی" مورد تأکید قرار گرفت .<sup>۲۷۱</sup> روزنامه "لاریپوبليکا" ، چاپ ایتالیا نیز نوشت :

« در وضعیت فعلی ، ایران نه تنها ابتکار عمل را از دست داده است ، بلکه قادر نیست از پیش روی دشمن جلوگیری کند . »<sup>۲۷۲</sup>

در این حال ، خبرگزاری رویتر به نقل از دیپلمات‌های خارجی گزارش داد :

« بعید می‌نماید که ایرانیان در آینده نزدیک بتوانند به وضع دشواری که با آن روبرو هستند ، فائق آیند ، زیرا طرز استقرار نیروهای آنها ضعیف است . اسلحه کافی در اختیار ندارند و لجستیک آنها نارسا می‌باشد . »<sup>۲۷۳</sup>

سردبیر روزنامه انگلیسی تایمز مالی نیز در مورد علت پیدایش وضعیت جدید نوشت :

« برتری نسبی ایران در جنگ به خاطر روحیه قوی آن در ادامه جنگ بوده است . اکنون با از دست دادن آن (روحیه) توازن جنگ تغییر کرده است .... ایران به خاطر عقبنشینی نظامی اخیر خود قادر نیست از موضع قدرت سخن بگوید و یا در زمینه جنگ امتیازات بیشتری کسب کند . »

وی در مورد شرایط دوگانه‌ای که در برابر ایران قرار دارد ، نوشت :

« آنها (ایرانی‌ها) نه می‌توانند بر اساس شرایط محدود خود به جنگ ادامه دهند و نه به دست یابی راه حلی بر اساس حداقل شروط خود از جمله شناسایی و مجازات متجاوز یعنی صدام حسین امیدی دارند. »<sup>۲۷۴</sup>

روزنامه ستاره سرخ چاپ مسکو نیز نوشت:

« حرکت سریع و استراتژیک عراق در بازگرداندن این مناطق دلیل مؤگدی بر توانایی و برتری نیروهای عراقی در جبهه‌های جنگ است. ». در این مقاله، برتری روحیه نیروهای عراقی مورد تأکید قرار گرفته است.<sup>۲۷۵</sup>

رخدادهای صحنه جنگ در داخل ایران نیز بازتاب گستردہای داشت. بر اساس شایعات موجود چنین تحلیل می‌شد که ایران بر اساس یک توافق محترمانه<sup>۲۷۶</sup> و با هدف دست‌یابی به صلح، به عقبنشینی از مناطق تصرف شده دست زده است ولی تداوم حملات عراق و برخی رخدادهای دیگر نادرستی این شایعات را به اثبات رساند. به موازات آشکار شدن ماهیت غلط این گونه شایعات، سؤالات جدیدی نیز مطرح شد. رئیس جمهور وقت و رئیس شورای عالی دفاع آیت‌الله خامنه‌ای، در نماز جمعه تهران در توضیح وضعیت جدید و دلایل پیدایش آن گفت:

« حوادث دو ماهه اخیر سؤالاتی را در ذهن مردم ما و ناظران جهانی به وجود آورد و آن این بود که چرا نیروی اسلام با آن قدرتی که داشتند، عقبنشینی کردند؟ در این مدت، رسانه‌های استکباری و دشمن هم با تبلیغات خود سلسله حرف‌هایی را به صورت دقیق مطرح ساختند و جنگ روانی در جامعه به راه انداختند، به نحوی که گویا مسئولین یا رزمندگان از جنگ خسته شده‌اند.... عقبنشینی ما در فاو و شلمچه و غیره دارای عوامل و تحلیل‌های یکی دو ساله است و یک امر مقطوعی نیست... اگر ضعف‌های ما نبود ابزار جنگی دشمن نمی‌توانست بر قدرت ایمان نیروهای ما پیروز شود و تنبیه یک یا چند نفر

مقصر ، کار فوق العاده‌ای نمی‌باشد اما روش اسلامی‌ها این نیست ، در بعضی از کارها قصور هست اما مقصر ، فرد خاصی نیست . عواملی دست به دست هم داده‌اند تا یک قصوری پیش آمده که باید از این امر جلوگیری شود . یک مقدار از ضعف‌ها مربوط به جبهه و وسائل جبهه است . آمادگی‌ها ، سازمان‌دهی خطوط دفاعی و احتیاطات لازم بیشتر ، باید انجام شود . یک مقدار هم مربوط به پشت جبهه است . یک ملت ، با پرداختن به اختلافات و مسایل شخصی و حق کشی می‌تواند در جبهه خلل ایجاد کند ... اگر عده‌ای هم و غم خودشان بر این است که مشکلات را عالم کنند ، این در جبهه اثر خواهد گذاشت و ما نباید غافل باشیم . »<sup>۲۷۷</sup>

به منظور مقابله با وضعیت جدید ، نشانه‌هایی دال بر تغییر استراتژی ایران آشکار شد . آقای هاشمی رفسنجانی در مصاحبه‌ای رادیو و تلویزیونی گفت :

« ما نباید اجازه دهیم که دشمن در دنیا بتواند ما را به عنوان جنگ طلب و صدام را به عنوان صلح‌جو معرفی کند . »<sup>۲۷۸</sup>

وی در جای دیگری ، در توضیح این موضوع تأکید کرد :

« این روش ناصحیحی بود که برای جذب نیروهای انقلابی ، برای کشورمان دشمن درست می‌کردیم . یعنی کشورهایی که می‌توانستند بی‌تفاوت باشند ، آنها را روبروی خود و در حال عداوت با خود قرار دادیم . یا حداقل کاری برای جذب آنان نمی‌کردیم . »

آقای هاشمی همچنین در مورد سیاست خارجی جدید ایران گفت :

« سیاست خارجی ما به گونه‌ای خواهد بود که بی‌جهت میدان‌ها را در اختیار دشمن قرار ندهیم . خیلی از دولتها هستند که می‌توانند بی‌تفاوت باشند که ارتجاع یا عراق [آن] کشورها را جذب کرده‌اند . »<sup>۲۷۹</sup>

آقای هاشمی چند روز بعد ، در نماز جمعه تهران بر ضرورت ادامه جنگ تأکید کرد و گفت :

« همه معتقدند که ما باید همان راه را ادامه بدھیم تا حقمان را بگیریم و یا آن راهی را که ما تعیین کرده‌ایم برای ختم جنگ که اعلام عراق به عنوان متجاوز است . »<sup>۲۸۰</sup>

وی بر این باور بود که "ما غیر از این دوراه، راه دیگری نداریم" ، لذا، ضمن تأکید بر راه حل دیپلماتیک با اعلام عراق به عنوان متجاوز، معتقد بودند، "باید از آمادگی لازم برای ادامه جنگ برخوردار باشیم" .<sup>۲۸۱</sup> بر اساس همین ملاحظه کلی، بیانیه شورای عالی پشتیبانی جنگ صادر گردید و در آن تلاش مثلث امریکا، شوروی و ارتجاع عرب در واگذاری سلاح به عنوان مهم‌ترین عامل در پیدایش وضعیت جدید در صحنه نظامی جنگ بر شمرده شد. افزون بر این، حضور نیروهای امریکا در خلیج فارس در حمایت از عراق، حمله به شهرها، حملات شیمیایی به جبهه‌ها و موشکباران شهرها به عنوان بخشی از عوامل تأثیرگذار بر پیدایش روند فعلی جنگ مورد تأکید قرار گرفت.<sup>۲۸۲</sup>

## فهرست مأخذ فصل دوم

- ۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۳۶۳، ۱۳۶۶/۱۲/۲۷، خبرگزاری رویترز، ریچارد مورفی معاون وقت وزارت خارجه امریکا.
- ۲- پیشین. .
- ۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۱، ۱۳۶۷/۷/۱۱، واشنگتن پست، ۱۳۶۷/۷/۱۰، شاول بخاش، استنددانشگاه جورج میسور.
- ۴- واحد مرکزی خبر صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران، نشریه "ردیوهای بیگانه"، ۱۳۶۷/۱۰/۲۹، ردیو امریکا ۱۳۶۷/۷/۲۷.
- ۵- مأخذ. ۳.
- ۶- آئونی کردزم، آبراهام واگنر، درس‌های از جنگ‌های مدرن، جلد دوم، جنگ ایران و عراق، ترجمه: حسین یکتا، کارشناس مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، (چاپ نشده).
- ۷- بولتن خارجی وزارت اطلاعات، ۱۳۶۶/۱۲/۱۰، ۶۹۲.
- ۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۲۸، ۱۳۶۷/۷/۲۸، واشنگتن پست.
- ۹- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۳، ۱۳۶۷/۷/۱۳، نشریه قلقلی جنوزدفنس، چاپ لندن، ۱۳۶۷/۷/۱۲.
- ۱۰- مأخذ ۶، ص. ۲۰۵.
- ۱۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۲۳، ۱۳۶۷/۱۲/۲۴، نیویورک تایمز، ۱۳۶۷/۷/۲۳.
- ۱۲- مأخذ ۶، ص. ۲۸۹.
- ۱۳- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۷/۱۵، امام خمینی، ۱۳۶۷/۷/۱۱.
- ۱۴- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۷/۲۶.
- ۱۵- سند شماره ۶۹۷، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش سقوط فاو، اسفند ۱۳۶۷، ص. ۶۷.
- ۱۶- سردار محسن رضایی، درس‌های تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، دانشکده فرماندهی و سنتاد (دفوس)، سپاه پاسداران، دوره عالی جنگ، ۱۳۷۴/۱۱/۲۶.
- ۱۷- معاوحت سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نشریه
- "بررسی"، اردیبهشت ۱۳۶۷، ص. ۱۵.
- ۱۸- مأخذ ۵، ص. ۵۷.
- ۱۹- پیشین، ص. ۵۹.
- ۲۰- پیشین، ص. ۶۰، مصاحبه با یکی از فرماندهان گردان از لشکر لامام حسین (ع)، نوار ۱۳۶۷/۲/۲.
- ۲۱- پیشین، ص. ۶۱، مصاحبه با اماعون عملیات قرارگاه سیدالشهیده (ع)، نوار مصاحبه ۱۳۶۷/۲/۲.
- ۲۲- پیشین، ص. ۶۴.
- ۲۳- پیشین، ص. ۶۷.
- ۲۴- پیشین، ص. ۶۷.
- ۲۵- پیشین، باور قیصی، ص. ۶۸.
- ۲۶- پیشین، ص. ۶۸.
- ۲۷- پیشین، ص. ۶۹، جلسه قرارگاه نیروی زمینی، نوار ۱۸، ۱۳۶۷/۲/۲.
- ۲۸- پیشین، ص. ۷۷.
- ۲۹- پیشین، ص. ۷۷.
- ۳۰- پیشین، ص. ۷۰.
- ۳۱- پیشین، ص. ۷۲.
- ۳۲- پیشین، ص. ۷۸ و ۷۹.
- ۳۳- پیشین، ص. ۷۷.
- ۳۴- پیشین، ص. ۷۴ و ۷۵.
- ۳۵- پیشین، ص. ۸۱.
- ۳۶- پیشین، ص. ۱۱۲.
- ۳۷- پیشین، ص. ۸۲.
- ۳۸- پیشین، ص. ۸۳.
- ۳۹- پیشین، ص. ۹۶.
- ۴۰- پیشین، ص. ۹۶.
- ۴۱- پیشین، ص. ۱۰۳.
- ۴۲- پیشین، ص. ۸۷.
- ۴۳- پیشین، ص. ۱۰۸.
- ۴۴- پیشین، ص. ۱۱۵.
- ۴۵- پیشین، ص. ۱۱۷.

- .۱۳۶۷/۲/۲۸ .۴۶-پیشین، ص. ۱۵.
- .۷۶ .۴۷-پیشین، ص. ۱۱۷.
- ۷۷-خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۳۶۷/۲/۱۰، رادیو مریکا، ۱۳۶۷/۱/۳۱، واشنگتن پست.
- ۷۸-خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۳۶۷/۲/۱۳، خبرگزاری رویترز، به تقلیل از یک تحلیل گر خاورمیانه.
- ۷۹-مأخذ ۱۷، مقاله بازیس گیری فاو، نیویورک تایمز، ۱۳۶۷/۲/۹، صص ۱۲ و ۱۳.
- ۸۰-خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۳۶۷/۲/۷، بی‌بی‌سی، ۱۳۶۷/۲/۶.
- ۸۱-مأخذ ۷۳.
- ۸۲-خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۳۶۷/۱/۳۱، خبرگزاری فرانسه.
- ۸۳-مأخذ ۸۰، رادیو لندن، ۱۳۶۷/۲/۱۳.
- ۸۴-خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۳۶۷/۱/۳۰، خبرگزاری رویترز کوت.
- ۸۵-خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۳۶۷/۲/۲۷.
- ۸۶-مأخذ ۷۷، خبرگزاری آسوشیتدپرس.
- ۸۷-خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۳۶۷/۲/۳۰، خبرگزاری جمهوری اسلامی، نیویورک، ۱۳۶۷/۲/۲۹.
- ۸۸-خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۳۶۷/۲/۶، آسوشیتدپرس ۱۳۶۷/۲/۵.
- ۸۹-واحد مرکزی خبر صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران، نشریه "رادیوهای یگانه"، ۱۳۶۷/۲/۱۱، رادیو مریکا، ۱۳۶۷/۲/۱۲.
- ۹۰-مأخذ ۱۷، مقاله بازیس گیری فاو، اردیبهشت ۱۳۶۷، ص. ۶.
- ۹۱-مأخذ ۱۷، مقاله سیاست جدید مریکا، اردیبهشت ۱۳۶۷.
- ۹۲-خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۳۶۷/۲/۲۰، نیویورک تایمز.
- ۹۳-روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۲/۱۱، رئیس مرکز مطالعات لور خارجہ مریکا، "مایکل ولاهوس".
- ۹۴-پیشین، ص. ۱۵.
- ۹۵-پیشین، ص. ۱۱۸.
- ۹۶-پیشین، ص. ۱۲۱.
- ۹۷-پیشین، ص. ۱۳۹.
- ۹۸-پیشین، ص. ۱۳۰.
- ۹۹-پیشین، ص. ۱۳۱.
- ۱۰۰-پیشین، ص. ۱۳۲.
- ۱۰۱-پیشین، ص. ۱۳۲.
- ۱۰۲-پیشین، ص. ۱۳۵.
- ۱۰۳-پیشین، ص. ۱۴۲.
- ۱۰۴-پیشین، ص. ۱۳۵.
- ۱۰۵-مأخذ ۱۶.
- ۱۰۶-اصحابه اختصاصی با سردار غله‌علی رشید، درباره تحولات جنگ پس از سقوط فاو، ۱۳۶۷/۷/۲۳.
- ۱۰۷-مأخذ ۱۵، ص. ۴۳.
- ۱۰۸-پیشین، ص. ۲۱.
- ۱۰۹-پیشین، ص. ۷۷.
- ۱۱۰-مأخذ ۶۳.
- ۱۱۱-پیشین.
- ۱۱۲-مأخذ ۱۵، صص ۲۸ و ۲۹.
- ۱۱۳-مأخذ ۱۵، ص. ۴۲، فرماندهی قرارگاه کربلا در جنوب.
- ۱۱۴-پیشین، ص. ۴۵.
- ۱۱۵-پیشین، ص. ۱۵۴.
- ۱۱۶-پیشین.
- ۱۱۷-مأخذ ۵۹.
- ۱۱۸-پیشین.
- ۱۱۹-مأخذ ۷۰.
- ۱۲۰-پیشین.
- ۱۲۱-مأخذ ۱۷، ص. ۱۰.
- ۱۲۲-اداره کل مطبوعات و رسانهای خارجی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، "بررسی مطبوعات جهان"، نشریه شماره ۱۳۶۷/۳/۴، به تقلیل از "الدستور" چاپ انگلیس، ۱۹۸۸، ۷-۱۷، ۱۳۶۷/۲/۱۷، زنال "موگلن" کارشناس ظالمی فرانسه.
- ۱۲۳-مأخذ ۱۵، ص. ۵۱.
- ۱۲۴-پیشین، ص. ۵۳، برادر محابی مسئول اطلاعات قرارگاه کربلا.

- ۹۴- روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۲/۱۱، "جفری شالوس"، کارشننس لورمنتفهای در دفتر لور خاور نزدیک امریکا.
- ۹۵- پیشین.
- ۹۶- روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۲/۳۱، آقای هاشمی در خطبهای نماز جمعه تهران، ۱۳۶۷/۲/۳۰.
- ۹۷- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شریه شماره ۱/۱۷، ۱۳۶۷/۲/۲۹، رادیو لمبیکا، شیرین هاتر، معافون مؤسسه استراتیک جرجتاون.
- ۹۸- مأخذ ۹۴- روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۲/۵.
- ۹۹- روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۲/۵.
- ۱۰۰- پیشین.
- ۱۰۱- روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۲/۲۶، جعفر محلاتی، نماینده ایران در سازمان ملل.
- ۱۰۲- مأخذ ۹۶- گری سیک، عضو اسبق شورای امنیت در زمان کارتر، در مصاحبه با نیوزویک.
- ۱۰۳- روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۳/۴، جعفر محلاتی، نماینده ایران در سازمان ملل.
- ۱۰۴- روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۳/۴.
- ۱۰۵- روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۳/۲.
- ۱۰۶- روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۲/۱۱.
- ۱۰۷- مأخذ ۵۹.
- ۱۰۸- سند شماره ۵۹۸، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، گزارش سه‌ماهه با فرمانده کل، راوی: مجید ندف، بهار ۱۳۶۷ ص. ۴.
- ۱۰۹- پیشین.
- ۱۱۰- حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه، دفتر سیاسی، "رویدادها و تحلیل"، نشریه شماره ۲۳، ۱۳۶۷/۳/۲۳، ص. ۸.
- ۱۱۱- پیشین.
- ۱۱۲- مأخذ ۱۱۰، ص. ۸.
- ۱۱۳- پیشین، ص. ۹.
- ۱۱۴- مأخذ ۱۶.
- ۱۱۵- پیشین.
- ۱۱۶- مأخذ ۱۰۸، ص. ۶.
- ۱۱۷- مأخذ ۱۶.
- ۱۱۸- دانشکده فرماندهی و ستاد (دفوس)، سپاه پاسداران، معافون تحقیق و پژوهش، توری عملیات و جنگ، سال ۱۳۷۵، ص. ۹.
- ۱۱۹- مأخذ ۱۱۰، ص. ۹.
- ۱۲۰- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شریه شماره ۶۹، ۱۳۶۷/۲/۳/۶، واشنگتن پست.
- ۱۲۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شریه شماره ۶۸، ۱۳۶۷/۲/۳/۶، رادیو لوندن.
- ۱۲۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شریه شماره ۷۵، ۱۳۶۷/۲/۳/۱۳، آسوشیتدپرس، ۱۳۶۷/۲/۱۲، به نقل از مقالات پست‌گون.
- ۱۲۳- مأخذ ۶۶، صص ۴۳۶ و ۴۳۷.
- ۱۲۴- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شریه شماره ۹۳، ۱۳۶۷/۲/۳/۱۱، رادیو لمبیکا، نیویورک تایمز.
- ۱۲۵- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شریه شماره ۷۲، ۱۳۶۷/۲/۱۱، رادیو بی‌بی‌سی.
- ۱۲۶- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شریه شماره ۸۹، ۱۳۶۷/۲/۲۷، رادیو بغداد، سرشکر محمد کمال عبدالجلید، عضو مرکز طالعات استراتیک لنن.
- ۱۲۷- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شریه شماره ۸۲، ۱۳۶۷/۳/۲۰، رادیو ولتندن.
- چوبین، از مدرسه عالی طالعات استراتیک در زتو.
- ۱۲۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شریه شماره ۸۴، ۱۳۶۷/۲/۲۲، رادیو لوندن.
- ۱۲۹- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شریه شماره ۷۶، ۱۳۶۷/۳/۱۴، شبکه "ای‌بی‌سی".
- ۱۳۰- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شریه شماره ۷۳، ۱۳۶۷/۲/۱۱.
- ۱۳۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شریه شماره ۷۹، ۱۳۶۷/۳/۱۷.
- ۱۳۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، شریه شماره ۸۱، ۱۳۶۷/۳/۱۹، فیگارو.
- ۱۳۳- مأخذ ۱۲۷، واشنگتن تایمز.
- ۱۳۴- پیشین.

- ۱۳۵- مأخذ ۲۵، رادیو اند دن، ۱۳۶۷/۳/۱۰، به قتل از واشنگتن بست.
- ۱۳۶- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۷۸، ۱۳۶۷/۳/۱۶، واشنگتن تایمز، ۱۳۶۷/۳/۱۵.
- ۱۳۷- روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۳/۸.
- ۱۳۸- روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۳/۱۰.
- ۱۳۹- پیشین، رادیو امریکا، ۱۳۶۷/۳/۹.
- ۱۴۰- مأخذ ۱۳۸، رادیو امریکا، هنری کسینجر، وزیر خارجه اسبق امریکا.
- ۱۴۱- روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۳/۱۰، رادیو امریکا، ۱۳۶۷/۳/۹.
- ۱۴۲- روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۳/۱۲.
- ۱۴۳- روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۳/۷.
- ۱۴۴- پیشین.
- ۱۴۵- مأخذ ۱۴۳.
- ۱۴۶- روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۳/۵.
- ۱۴۷- مأخذ ۶ ص ۴۰۳.
- ۱۴۸- مأخذ ۵۹.
- ۱۴۹- مأخذ ۱۴۲.
- ۱۵۰- پیشین.
- ۱۵۱- پیشین.
- ۱۵۲- پیشین.
- ۱۵۳- روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۳/۱۶.
- ۱۵۴- روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۳/۱۴، نماز جمعه تهران، ۱۳۶۷/۳/۱۳.
- ۱۵۵- مأخذ ۶ ص ۴۳۱.
- ۱۵۶- مأخذ ۵۹.
- ۱۵۷- سند قضایی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، گزارش تک عراق به جزیره در ۱۳۶۷/۳/۲۲، راوی: یحیی‌الله ایزدی، قرارگاه کربلا، ص ۱ و ۲، مقدمه.
- ۱۵۸- مأخذ ۵۹.
- ۱۵۹- حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه، دفتر سیاسی، "رویدادها و تحلیل"، نشریه شماره ۴۵، ۱۳۶۷/۴/۵، ص ۱۳.
- ۱۶۰- مأخذ ۵۷.
- ۱۶۱- روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۳/۲۵.
- ۱۶۲- پیشین.
- ۱۶۳- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، راهنمای عملیات جنگ ۸ ساله، تهران، آبان ۱۳۶۹، ص ۹۰.
- ۱۶۴- روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۳/۲۸، خطبهای نماز جمعه تهران، ۱۳۶۷/۳/۲۷.
- ۱۶۵- روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۳/۳۰.
- ۱۶۶- مأخذ ۱۶۳.
- ۱۶۷- مأخذ ۱۰۸، ص ۱۷.
- ۱۶۸- پیشین.
- ۱۶۹- پیشین، ص ۲۷ و ۲۸.
- ۱۷۰- مأخذ ۱۰۸، ص ۱۷.
- ۱۷۱- مأخذ ۵۹.
- ۱۷۲- مأخذ ۱۵۷، ص ۸.
- ۱۷۳- پیشین، ص ۵.
- ۱۷۴- پیشین، ص ۶.
- ۱۷۵- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۳۶۷/۴/۱۹، ص ۲۲ و ۲۴، رادیو امریکا، ۱۳۶۷/۳/۲۱.
- ۱۷۶- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۳۶۷/۴/۵، ص ۹۸.
- ۱۷۷- حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه، دفتر سیاسی، "رویدادها و تحلیل"، نشریه شماره ۴۵، ۱۳۶۷/۴/۵، ص ۱۳.
- ۱۷۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۳۶۷/۴/۶، بغداد، خبرگزاری عراق، ۱۳۶۷/۴/۵، ص ۱۳.
- ۱۷۹- مأخذ ۱۶.
- ۱۸۰- مأخذ ۵۹.
- ۱۸۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۳۶۷/۴/۴، خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۷/۴/۴.
- ۱۸۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۳۶۷/۴/۱۰، آسوشیتد پرس، ۱۳۶۷/۴/۹.
- ۱۸۳- پیشین، نیازحمدون، معافون وزیر خارجه عراق.
- ۱۸۴- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۳۶۷/۴/۹، ۱۰۲، بی.بی.سی، ۱۳۶۷/۴/۸، به قتل از فاینسنال تایمز.

- ۲۰۷- پیشین.
- ۲۰۸- مأخذ ۲۰۶، ص ۱۵، خبرگزاری جمهوری اسلامی، شماره ۱۰۴، ۱۳۶۷/۴/۱۱، رادیولندن، ۱۳۶۷/۴/۱۰.
- ۲۰۹- پیشین.
- ۲۱۰- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۰۸، ص ۲۶، ۱۳۶۷/۴/۱۵، رادیولریکا، ۱۳۶۷/۴/۱۴.
- ۲۱۱- مأخذ ۲۰۶، ص ۹، خبرگزاری فرانسه.
- ۲۱۲- مأخذ ۲۰۶، ص ۳۹ و ۳۸، رادیولندن، ۱۳۶۷/۴/۱۴، به نقل از خبرگزاری تلس.
- ۲۱۳- پیشین.
- ۲۱۴- روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۷/۴/۱۵.
- ۲۱۵- پیشین.
- ۲۱۶- مأخذ ۲۱۲، ص ۵۵، رادیولندن، ۱۳۶۷/۴/۱۴.
- ۲۱۷- پیشین.
- ۲۱۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۱۰، ۱۳۶۷/۴/۱۷، رادیولندن، ۱۳۶۷/۴/۱۶.
- ۲۱۹- مأخذ ۱۸۸، ص ۱۷، خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۷/۴/۱۵.
- ۲۲۰- پیشین، ص ۲۷، خبرگزاری کوت، ۱۳۶۷/۴/۱۵.
- ۲۲۱- مأخذ ۲۱۸، ص ۱۲، خبرگزاری فرانسه، ورنون والترز.
- ۲۲۲- پیشین، رادیولریکا، ۱۳۶۷/۴/۱۶، سلت ۲۱۳۰.
- ۲۲۳- پیشین، ص ۴۹ و ۵۵، خبرگزاری رویتر، ۱۳۶۷/۴/۱۷، مارتین فیتزواتر.
- ۲۲۴- پیشین، ص ۵۷، رادیولندن، ۱۳۶۷/۴/۱۶، راین رایت، به نقل از لاریجانی، معاون وزیر خارجه ایران.
- ۲۲۵- روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۷/۴/۱۸، ص ۱۲، نماز جمعه تهران.
- ۲۲۶- پیشین.
- ۲۲۷- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۱۲، ۱۳۶۷/۴/۱۹، ص ۱۱۱، خبرگزاری رویتر، ۱۳۶۷/۴/۱۸.
- ۲۲۸- پیشین، ص ۱۲، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۱۸.
- ۲۲۹- روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۷/۴/۱۴.
- ۲۳۰- روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۷/۴/۱۳.
- ۱۸۵- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۱۴، ۱۳۶۷/۴/۱۱، رادیولندن، ۱۳۶۷/۴/۱۰.
- ۱۸۶- مأخذ ۱۸۴، رادیولندن، ۱۳۶۷/۴/۸، به نقل از فاینشال تایمز.
- ۱۸۷- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۹۶، ۱۳۶۷/۴/۳، نیوزویک، ۱۳۶۷/۴/۲.
- ۱۸۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۰۹، ۱۳۶۷/۴/۱۶، رادیولریکا، ۱۳۶۷/۴/۱۵.
- ۱۸۹- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۰۶، ۱۳۶۷/۴/۱۳، ص ۱۳، سرمهقاله روزنامه کوئیتی الابه.
- ۱۹۰- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۱۱، ۱۳۶۷/۴/۱۸، ص ۴۲ تا ۴۷، رادیولریکا، سلت ۲۰۳۰.
- ۱۹۱- مأخذ ۱۸۴، ص ۳.
- ۱۹۲- پیشین، ص ۷، رادیولریکا، ۱۳۶۷/۴/۸.
- ۱۹۳- مأخذ ۱۸۲.
- ۱۹۴- پیشین.
- ۱۹۵- مأخذ ۱۸۷، ص ۵۸، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۲.
- ۱۹۶- مأخذ ۱۸۵، ص ۱۱، رادیولریکا، ۱۳۶۷/۴/۱۰.
- ۱۹۷- پیشین.
- ۱۹۸- مأخذ ۱۸۵.
- ۱۹۹- مأخذ ۱۸۹، رادیولریکا، ۱۳۶۷/۴/۱۲، سلت ۲۰۳۰.
- ۲۰۰- حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه، دفتر سیاسی، "رویدادها و تحلیل"، نشریه شماره ۴۵، ۱۳۶۷/۴/۲۵، ص ۲۸.
- ۲۰۱- مأخذ ۱۸۹، ص ۱۸، خبرگزاری رویتر، به نقل از یک مقام امریکایی.
- ۲۰۲- پیشین.
- ۲۰۳- پیشین.
- ۲۰۴- پیشین.
- ۲۰۵- پیشین.
- ۲۰۶- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۰۷، ۱۳۶۷/۴/۱۴، ص ۱۵ و ۱۶، رادیولریکا، ۱۳۶۷/۴/۱۳.

- .۲۵۴-مأخذ ۲۴۶، ص. ۶، بخش عربی رادیو بغداد، ۱۳۶۷/۴/۲۳.
- .۲۵۵-مأخذ ۲۴۴، ص. ۳، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۲۲.
- .۲۵۶-پیشین، ص. ۳، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۲۲.
- .۲۵۷-مأخذ ۲۴۶، ص. ۳، وزارت خارجه، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۲۳.
- .۲۵۸-خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۲۰، ۱۳۶۷/۴/۲۷، ص. ۶ تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۲۶.
- .۲۵۹-پیشین.
- .۲۶۰-مأخذ ۵۹.
- .۲۶۱-مأخذ ۱۸۵، ص. ۲۳، خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۷/۴/۱۰.
- .۲۶۲-خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۰۰، صص ۱۲ و ۱۳، ۱۳۶۷/۴/۷، رادیولندن، ۱۳۶۷/۴/۶.
- .۲۶۳-خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۰۴، ۱۳۶۷/۴/۱۱، صص ۲۴ و ۲۵، خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۷/۴/۱۰.
- .۲۶۴-مأخذ ۲۴۶، صص ۲۵ و ۲۶، منه، خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۷/۴/۲۳.
- .۲۶۵-خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۰۲، ۱۳۶۷/۴/۹، ص. ۹، رادیو تهران، صوت‌الجمان، ۱۳۶۷/۴/۱۸.
- .۲۶۶-خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۰۵، ۱۳۶۷/۴/۱۲، صص ۵ و ۶، بخش عربی رادیو بغداد، ۱۳۶۷/۴/۱۱.
- .۲۶۷-پیشین، ص. ۹.
- .۲۶۸-مأخذ ۱۰۴، صص ۳ و ۴، خبرگزاری عراق، ۱۳۶۷/۴/۱۵.
- .۲۶۹-پیشین.
- .۲۷۰-خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۱۸، ۱۳۶۷/۴/۲۵، ص. ۱۴ و ۱۵.
- .۲۷۱-پیشین، صص ۱۶ و ۱۷، بخش انگلیسی رادیوسوئیس، در مصاحبه با یک کارشناس لورجنگ، ۱۳۶۷/۴/۲۴.
- .۲۷۲-مأخذ ۲۵۰، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۲۵.
- .۲۳۱-روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۷/۴/۱۵.
- .۲۳۲-روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۷/۴/۶.
- .۲۳۳-روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۷/۴/۱۱.
- .۲۳۴-مأخذ ۲۲۵، ص. ۱۴، خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۷/۴/۷.
- .۲۳۵-پیشین.
- .۲۳۶-مأخذ ۱۹۰، ص. ۷، رادیولندن، ۱۳۶۷/۴/۷.
- .۲۳۷-مأخذ ۱۶۳.
- .۲۳۸-مأخذ ۲۳۱، ص. ۱ و ۲، صوت‌الجمان، ۱۳۶۷/۴/۱۴.
- .۲۴۰-مأخذ ۱۶۳.
- .۲۴۱-خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۱۵، ۱۳۶۷/۴/۲۲، ص. ۱.
- .۲۴۲-پیشین، ص. ۲.
- .۲۴۳-پیشین، ص. ۷.
- .۲۴۴-خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۱۶، ۱۳۶۷/۴/۲۳، ص. ۱، رادیو بغداد، ۱۳۶۷/۴/۲۲.
- .۲۴۵-پیشین، ص. ۵، به تقلیل مقام قلمی در جنوب.
- .۲۴۶-خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۱۷، ۱۳۶۷/۴/۲۴، ص. ۴، ۱۳۶۷/۴/۲۴.
- .۲۴۷-پیشین، ص. ۲۵، منه، خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۷/۴/۲۳.
- .۲۴۸-مأخذ ۲۴۴، ۱۳۶۷/۴/۲۲، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۲۲.
- .۲۴۹-پیشین، ص. ۷.
- .۲۵۰-خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۱۹، ۱۳۶۷/۴/۲۶، ص. ۶، روزنامه تایمز مالی، خبرگزاری جمهوری اسلامی، لندن، ۱۳۶۷/۴/۲۵.
- .۲۵۱-مأخذ ۲۴۶، رادیولندن، ۱۳۶۷/۴/۲۳.
- .۲۵۲-مأخذ ۲۴۴، ص. ۱۰، بغداد، خبرگزاری آلمان، ۱۳۶۷/۴/۲۳.
- .۲۵۳-پیشین.

- ۲۷۳- مأخذ ۲۷۰، رادیو اسرائیل، ۱۳۶۷/۴/۲۴.
- ۲۷۴- مأخذ ۲۶۵، صص ۲۴ و ۲۳، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۸.
- ۲۷۵- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه" نشریه شماره ۱۲۴، ص ۵۴، مسکو، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۳.
- ۲۷۶- مأخذ ۲۶۰، ص ۸، رم، خبرگزاری جمهوری اسلامی، به نقل از یک روزنامه ایتالیایی.
- ۲۷۷- مأخذ ۲۳۳، ص ۱۵، خطبهای نماز جمعه تهران، ۱۳۶۷/۴/۱۰.
- ۲۷۸- روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۷/۴/۱۲، ص ۱۴.
- ۲۷۹- پیشین، ص ۲، ستون نقد حال.
- ۲۸۰- مأخذ ۲۲۵.
- ۲۸۱- پیشین.
- ۲۸۲- مأخذ ۱۸۹، صص ۷ تا ۱۰، خبرگزاری رویتر، ۱۳۶۷/۴/۱۲.

## فصل سوم

### تلاش ایران برای مهار حملات عراق

عقبنشینی از حلبچه  
افزایش تحرکات دیپلماتیک  
قطع نامه ۵۹۸ از تصویب تا جرا  
تجاوز مجدد عراق به خاک ایران  
عملیات مرصد  
تغییر اوضاع به سود ایران  
تلاش برای برقراری آتش بس

## تلاش ایران برای مهار حملات عراق

روند حملات عراق - از سقوط فاو تا تصرف مجدد دهلران - ایران را در برابر وضعیت دشواری قرار داد <sup>x</sup> که چیره شدن بر این وضعیت بدون اتخاذ استراتژی مناسب امکان پذیر نبود. از سوی دیگر، عراقی ها بر اساس دو ملاحظه کلی مبنی بر "توانایی نظامی ارتش خود" و همچنین "احتمال <sup>xx</sup> موافقت ایران با قطعنامه ۵۹۸" ، در نظر داشتند، در روزهای پایانی جنگ، با تداوم حملات به عمق خاک ایران، از موقعیت برتری به هنگام آغاز مذاکرات صلح بین دو کشور برخوردار شوند. اظهارات مقامهای رسمی عراق بیانگر این واقعیت بود؛ نزار حمدون، معاون وزیر خارجه عراق در مورد ادامه فشار به ایران گفته بود :

«ما تمام سعی خود را برای اعمال تمام فشارهای نظامی، سیاسی و اقتصادی بر

---

<sup>x</sup> رادیو لندن طی تحلیلی در مورد وضعیت ایران گفت : «وضع چه در زمینه های سیاسی و چه در جبهه های جنگ بر وفق مراد ایران نیست، در حالی که ایران نمی تواند روی یک موفقیت دیپلماتیک در شورای امنیت حساب کند، در زمینه های نظامی نیز، در داخل کشور توجیه از هم پاشیدگی ظاهری هدف های جنگی و استراتژی نظامی خود را امری دشوار یافته است . »

(خبرگزاری جمهوری اسلامی "گزارش های ویژه " ، نشریه شماره

(۲۳. ۴. ۱۳۶۷، ۱۱۷، ۲۹ و ۲۸، صص ۲۴. ۴. ۱۳۶۷، رادیو لندن ،

<sup>xx</sup> برابر توضیحاتی که در صفحات بعد ارائه خواهد شد، شواهد و証ائی بسیار زیادی وجود داشت که ایران در حال آمادگی و مذاکره برای پذیرش قطعنامه ۵۹۸ می باشد .

ایران تا قبول صلح جامع از جانب ایران به کار خواهیم بست . »<sup>۱</sup>  
طه یاسین رمضان، معاون اول نخست وزیر عراق نیز در مراسم پایانی  
یازدهمین اجلاس وزیران امور جوانان و ورزش عرب تأکید کرد:

« حمله های بعدی علیه متجاوزین ایرانی شدیدتر خواهد بود . »<sup>۲</sup>

در همین راستا، صدام در مراسم تشویق خلبانان عراقی در اظهارات بسیار  
مهم خود با تأکید بر استعداد ارتش عراق و نیز تهدید ایران گفت:

« حجم ارتش عراق به پنجاه لشکر و حتی فراتر از آن رسیده است . .... عراقی ها  
می توانند دشمن را در داخل خاکش جهت خدمت به صلح و استرداد  
سرزمین های ملی در هم کوبند . »<sup>۳</sup>

وی در بخش دیگری از سخنان خود به پیش روی منافقین در عمق خاک  
ایران اشاره کرد و گفت:

« مدتی دیگر می بینید که مجاهدین خلق به عمق بیشتری در دل ایران نفوذ  
می کنند . »<sup>۴</sup>

در این حال، مفسر رادیولندن با توجه به وضعیت حاکم بر جنگ و  
تهدیدات عراق، این سؤال را مطرح کرد که "آیا عراق در هفته های آینده فشار  
بیشتری بر ایران وارد خواهد کرد یا خیر؟" این رادیو همچنین به نقل از  
ناظران دیپلماتیک، احتمال تشدید فعالیت های منافقین در داخل خاک ایران  
را مورد تأکید قرار داد. <sup>۵</sup> یک منبع دیپلماتیک عرب نیز به خبرگزاری کویت  
گفت:

« استراتژی جنگی عراق در مرحله بعدی، انجام تهاجمات محدود علیه مراکز  
تجمع نیروهای ایرانی در طول جبهه های جنگ و بازگرداندن نیروهای ایش به  
پشت مرزها پس از خاتمه این عملیات است . »<sup>۶</sup>

ایران در برابر وضعیت جدید و با توجه به ضرورت مهار حملات عراق،  
راه حل هایی فراروی خود داشت. بیشک، ادامه وضع موجود کاملاً به سود

عراق بود، زیرا پراکندگی نیروهای ایران در مناطق مختلف و حضور آنها در بخش‌هایی از خاک عراق و همچنین مخالفت ایران با قطع نامه ۵۹۸۵ بهانه مناسبی را در اختیار عراق قرار داده بود تا به تهاجمات خود ادامه دهد. ایران نیز به دلیل وضعیت نظامی حاکم بر جبهه‌ها، قادر به مهار تهاجمات عراق نبود. در همین حال، تغییر اوضاع به سود ایران مستلزم تحولات اساسی بود که بدون گذشت زمان امکان پذیر نبود. بدین ترتیب، ایران با هدف تمرکز نیروها برای رویارویی با حملات احتمالی عراق و همچنین تغییر شرایط بین‌المللی به سود خود، با اتخاذ استراتژی جدید، نخست از مناطق تصرف شده عقب‌نشینی کرد تا ضمن گرفتن بهانه از دست عراق، نیروهای خود را با سازمان‌دهی مجدد در برابر تهاجمات آن کشور، به کار گیرد و پس از آن، رسم‌آماً قطع نامه ۵۹۸۵ را - طی نامه رئیس جمهور وقت ایران به دبیر کل سازمان ملل در ۲۷ تیر ۱۳۶۷ - پذیرفت و دور خدادیاد شده به عنوان اقدامات ایران در چارچوب استراتژی جدید، روند تحولات را در جبهه‌های نبرد و صحنه‌های داخلی، و بین‌المللی به سود ایران تغییر داد. آن‌چه در این فصل بررسی خواهد شد، استراتژی جدید جمهوری اسلامی ایران برای مهار حملات عراق و نتایج آن در صحنه سیاسی - نظامی جنگ و داخل کشور خواهد بود.

### عقب‌نشینی از حلبچه

در پی عقب‌نشینی قوای ایران از جبهه شمالی، حلبچه آخرین منطقه‌ای بود که تخلیه شد. در ۲۲ تیر ۱۳۶۷ ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی طی اطلاعیه‌ای، عقب‌نشینی نیروها به مواضع دفاعی جدید را تأیید کرد.<sup>۸</sup> دولت نیز در بیانیه‌ای با تصریح بر این که "فرماندهی جنگ تصمیم به عقب‌نشینی از منطقه دشت حلبچه و بسیج قوا برای دفاع از حیاتی‌ترین نقاط کشور گرفته است"، به برنامه‌ریزی همه‌جانبه دشمن در دو سال گذشته و نیز عقب‌نشینی

از حلبچه اشاره کرد و این سؤال را مطرح نمود که "چه باید کرد؟" سپس این بیانیه به پرسش خود پاسخ داد: "با همان شیوه‌ای که دشمن به ما تعذی کرده است، باید با او مقابله نمود. اگر او به برنامه‌ریزی گستردگ دست زده، مانیز باید چنین کنیم. " در پایان بیانیه، براین‌که این امر به زمان نیاز دارد و دشمن این را می‌داند، تأکید شد.<sup>۹</sup>

آقای هاشمی رفسنجانی نیز عقبنشینی از حلبچه را حاصل تغییرات جدی در "برنامه جنگ و دفاع" خواند و گفت:

«باید توان بیشتری بگذاریم و خودمان را برای دوره طولانی آماده کنیم. حالا، اگر توانستیم این دوره را با جهش‌هایی، کوتاه‌تر کنیم، بهتر است و اگر نتوانستیم، باید برای رسیدن به اهداف مان در دراز مدت جنگ را ادامه بدهیم. »  
ایشان با اشاره به ضرورت ابعاد فرهنگی، تبلیغاتی و سیاسی به عنوان عوامل تکمیل کننده حرکت نظامی در چارچوب استراتژی جدید ایران گفت:  
«استراتژی جدید ما سیاسی، نظامی و فرهنگی است. »

جانشین فرماندهی کل قوا با توجه به احتمال ادامه حملات دشمن تأکید کرد:

«دشمن ممکن است فرصتی داشته باشد تا در این مدت در کار ما اخلال کند و در کوتاه مدت، ما چاره‌ای جز استفاده از نیروهای داوطلب نداریم. »<sup>۱۰</sup>

نظر به این که عقبنشینی از حلبچه در شرایط خاصی صورت گرفته بود، به عقیده بسیاری، این اقدام می‌توانست به منزله پایان دادن به جنگ باشد، حال آن‌که در استراتژی جدید ایران، این حرکت به موازات تلاش‌های دیپلماتیک برای ذیرش قطعنامه ۵۹۸ انجام شد. خروج از حلبچه، اساساً برای خارج کردن بهانه از دست عراق و تمرکز قوا برای مقابله با حملات احتمالی دشمن در مناطق دیگر انجام گرفت؛ به همین دلیل، شرایط حساس و سرنوشت‌ساز کشور در بیانیه یاد شده مهم دولت و ضرورت آمادگی برای گذر

از یک مرحله دشوار و طولانی در اطهارات اخیر جانشین فرماندهی کل قوا مورد توجه و تأکید قرار گرفت. در اطلاعیه فوق، صادره از ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح نیز از کلیه جوانانی که آمادگی حضور در جبهه‌ها داشتند، دعوت شد بدون فوت وقت به سوی جبهه‌ها بستاند. مهندس میرحسین موسوی، نخست وزیر وقت نیز با توجه به ضرورت حاکم کردن فضای جنگ بر کشور، گفت:

«امروز همه توجهات باید به جبهه‌ها باشد و بر رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها باید فضای جنگی حاکم گردد... همچنین، سیاست خارجی و داخلی و اقتصاد ما، همه و همه باید برای، پیروزی در جنگ بسیج شود که این مهم‌ترین مسئله کشور است.»

وی همچنین تأکید کرد:

«آن‌چه اسلام از ما می‌خواهد، صبر و مقاومت و روحیه قوی و پایدار در معركه است.»<sup>۱۱</sup>

بی‌گمان بدون غلبه بر شرایط بحرانی و وضعیت نامساعد روحی و روانی حاصل از آن، اداره اوضاع امکان‌پذیر نبود و می‌توانست به نوعی گسیختگی سیاسی-نظمی-اجتماعی منتهی شود. به عبارت دیگر، مدیریت و هدایت بحران سیاسی-نظمی-روانی موجود شرط اصلی برای چیره شدن بر دشواری‌های حاکم بر صحنه سیاسی-نظمی کشور بود.

عقبنشینی از حلبچه با توجه به این که عراق هیچ‌اقدام نظامی انجام نداده بود، در مقایسه با عقبنشینی‌های پیش از آن مورد توجه کارشناسان و تحلیل‌گران رسانه‌های خبری قرار گرفت. مفسر رادیولندن از این اقدام ایران به عنوان "تازه‌ترین شکست" نام برد.<sup>۱۲</sup> رادیو بغداد نیز در واکنش به عقبنشینی ایران از حلبچه، آن را نشانه "فرو ریختگی نیروهای ایران" خواندو در مورد علت آن گفت:

« ایران نیروهایش را قبل از این که نیروهای ما با آنها برخورد کنند ، به ویژه در دو بخش سپاه اول و سپاه پنجم وادر به ترک مواضع و تجهیزات خود نموده است . »<sup>۱۳</sup>

رادیو مونت کارلو نیز در تفسیری گفت :

« عقبنشینی نیروهای ایرانی به مرزهای بینالمللی متحقق گردید . »

این رادیو سپس پرسید :

« ایران خواستار پایان جنگ است یا از حلبچه به صورت تاکتیکی عقبنشینی نموده تا خود را برای یک حمله بزرگ آماده سازد ؟ »<sup>۱۴</sup>

در این حال ، عراقی‌ها براساس درکی که از استراتژی جدید ایران و دلایل عقبنشینی از حلبچه داشتند و همچنین ، با گمان این‌که ایران قطعنامه ۵۹۸ه را خواهد پذیرفت ، شرایط جدیدی را برای پایان دادن به جنگ اعلام کردند :

« ۱ - مبادله کامل و جامع اسرا ، ۲ - عدم تعرض به راه آبی و استفاده کامل عراق از آب‌های شط العرب [اروندروود] ، ۳ - همکاری بینالمللی و برخورد مسئولانه با امنیت خلیج [فارس] و کشورهای حوزه آن ، ۴ - عقد قرارداد صلح جدید ، ۵ - حسن هم‌جواری و عدم دخالت در امور و حق انتخاب دیگران . »<sup>۱۵</sup>

عراق اعلام شرایط پنج گانه را بدین منظور انجام داد که ، علاوه بر به نمایش گذاشتن و تحمیل موقعیت برتر خود بر ایران ، زمینه لازم را برای تداوم حملات فراهم کند ، در حالی که اگر عراقی‌ها در پی صلح بودند بایستی در چنین وضعیتی تنها بر موافقت ایران با قطعنامه ۵۹۸ه تأکید می‌کردند؛ حال آن‌که تعیین شرایط جدید که مغایر با مفاد قطعنامه ۵۹۸ه بود و به طور طبیعی با مخالفت ایران همراه می‌شد ، تنها به زمینه‌سازی تامین اهداف عراق کمک کرد. چنان‌که در ۲۵ تیر ۱۳۶۷ نیروهای ارتش عراق پس از اجرای آتش سنگین توپخانه بر منطقه صالح‌آباد با پیش‌روی در شمال شرقی مهران ، از مرزهای بینالمللی عبور کرده و روز شنبه در منطقه "سرکنجان‌چم" و

ارتفاعات اطراف آن مستقر شدند.<sup>۱۶</sup> در پی این حمله، روزنامه عراقی "الجمهوریه" در سرمهقاله خود نوشت:

« عراق ضربات خود را به دشمن ایرانی دنبال خواهد کرد تا این رژیم را به طور کامل فلک کند تا جایی که ایران ویران و از داخل متلاشی گردد. »  
در ادامه این مقاله تأکید شده بود:

« ایران بایستی منتظر عواقبی بدتر از آن‌چه تا کنون دیده است باشد! »<sup>۱۷</sup>

دلایل عقبنشینی ایران و ادامه حملات عراق مورد بررسی تحلیل‌گران و کارشناسان امور جنگ قرار گرفت. در این بررسی‌ها، تهاجم عراق به منزله مقابله با تلاش ایران برای بازسازی نیروهایش<sup>۱۸</sup> و همچنین، اصرار عراق برای دست‌یابی به صلح پایدار ارزیابی شد.<sup>۱۹</sup> گزارش‌گر روزنامه تایمز مالی بر اساس سخنان آقای هاشمی، این اقدام ایران را بخشی از استراتژی این کشور برای یک جنگ طولانی دانست.<sup>۲۰</sup> "دیوید هرسنت" نیز در مقاله‌ای با عنوان "جنگ‌زده" در روزنامه "گاردن" نوشت:

« آقای هاشمی امیدوار است، با بازسازی سیاست جنگی ایران، ابتکار نظامی را بار دیگر به چنگ آورد. اما این کار در بهترین شرایط، به زمان احتیاج دارد. در حال حاضر، شک و تردید عمیقی نسبت به شعارهای متهورانه در مورد ادامه جنگ به وجود آمده است. »<sup>۲۱</sup>

تحلیل‌های ارائه شده مبنی بر تغییر استراتژی ایران، تنها عاملی بود که می‌توانست علت عقبنشینی از حلبچه - بدون درگیری با نیروهای عراقی - را توضیح دهد، و اساساً، این تحلیل‌ها متأثر از اظهارات آقای هاشمی بودند، زیرا او آشکارا بر این مسئله تأکید کرد که استراتژی جنگی باید در قالب یک استراتژی کلی سیاسی و فرهنگی قرار داده شود.<sup>۲۲</sup> رادیو امریکانیز طی تفسیری در این باره، با اشاره به تغییر استراتژی ایران گفت:

« شکست‌های نظامی باعث شد که رهبران ایران استراتژی خود را مورد تجدید

## نظر قرار دهنده . »<sup>۲۲</sup>

رادیولندن نیز به نقل از منابع آگاه بر جسته ترین تأثیر استراتژی جدید ایران را تحکیم موضع این کشور در شورای امنیت سازمان ملل ذکر کرد<sup>۲۴</sup>، زیرا "در چنین شرایطی ، ایران ضرورت و لزوم حمایت بین المللی را درک کرده است ."<sup>۲۵</sup>

### افزایش تحرکات دیپلماتیک

واکنش ایران در برابر سرنگون شدن هواپیمای مسافربری "ایرباس" از طریق شکایت به شورای امنیت به جای اقدام تلافی جویانه ، بازتاب گستردگی داشت . آقای هاشمی در مصاحبه ای به عنوان جانشین فرماندهی کل قوا گفت :

« از همان اول اعلام کردیم که سیاست جمهوری اسلامی ایران در این مقطع فعلًا مقابله با این نوع نیست ، خوشبختانه اظهارات ما هم انعکاس وسیعی داشت . »

وی معتقد بود :

« نمی توان انتظار معجزه از شورای امنیت داشت ، ولی آنجا ، جایی است که مردم به حرف ها گوش می دهند و ما می توانیم حرف هایی که با مردم دنیا داریم ، از آن تریبیون مطرح کنیم .<sup>۲۶</sup> »

تفسیر جدید از نقش و جایگاه سازمان ملل و تغییر روش ایران با تکیه بر تحرکات دیپلماتیک ، بی آمده ای مثبتی را در پی داشت . پیش از این ، واکنش ایران در برابر قطعنامه ۵۹۸ مانع از همدردی اعضای شورای امنیت با آن کشور می شد ، ولی ماجراهی کشته شدن ۲۹۰ تن سرنشین یک هواپیمای مسافربری و نحوه برخورد جمهوری اسلامی باعث شد ، ایران از حمایت تازه ای در شورای امنیت برخوردار شود .<sup>۲۷</sup>

جمهوری اسلامی ایران در گزارشی ، از اعضای شورای امنیت درخواست

کرد، ضمن محکوم کردن امریکا به دلیل حمله به هواپیمای غیر نظامی، اقدامات مؤثری برای امنیت و رفت و آمد این نوع هواپیماها اعمال کند. در این گزارش همچنین تأکید شده بود، امریکا را مجبور کنند هر چه زودتر نیروهای خارج از آبهای خلیج فارس خارج کند.<sup>۲۸</sup>

جلسه شورای امنیت، سرانجام با تأخیر، در ۲۳ تیر ۱۳۶۷ با حضور نمایندگان کشورهای انگلیس، نیپال، یوگسلاوی (پیشین)، شوروی (پیشین)، ایتالیا، فرانسه، چین، آرژانتین، ژاپن، آلمان غربی و الجزایر تشکیل شد.<sup>۲۹</sup> در این نشست، وزیر خارجه وقت ایران به عنوان نماینده جمهوری اسلامی ایران و "جرج بوش"، معاون وقت رئیس جمهور امریکا و نامزد حزب جمهوری خواه، به عنوان نماینده دولت امریکا در این اجلاس شرکت کردند.<sup>۳۰</sup> آقای ولایتی در سخنرانی ۹۰ دقیقه‌ای خود در این اجلاس، موضع جمهوری اسلامی را بدون موضع‌گیری شدید و مستقیم علیه امریکا بیان کرد.<sup>۳۱</sup>

رادیو امریکا در واکنش به سخنان وزیر خارجه ایران گفت:

«سخنرانی ۹۰ دقیقه‌ای دکتر ولایتی ظاهراً بسیار سخت بود. ولی در های مذکوره را نبست.»<sup>۳۲</sup>

جرج بوش نماینده دولت امریکانیز در سخنرانی کوتاه، با ابراز تأسف شدید از تلفات جانی پرواز ۶۵۵ "ایران ایر"، از ایران خواست، در همین جلسه موافقت خود را با قطعنامه ۵۹۸۵ شورای امنیت اعلام کند.<sup>۳۳</sup> این جلسه در ساعت ۱۳:۳۰ پایان یافت و ادامه جلسه به صبح روز جمعه موکول شد.

طارق عزیز، وزیر خارجه وقت عراق در واکنش به سخنان جرج بوش گفت:

«در سخنرانی بوش عناصر مثبتی مانند برقراری ارتباط میان اوضاع عمومی منطقه و ادامه جنگ ایران و عراق بود.»

وی بوش را به دلیل این که ایران و عراق را در فرآخوان خود برای اتمام جنگ در رده مساوی قرار داد، سرزنش کرد.<sup>۳۴</sup>

روز جمعه ۲۴ تیر ۱۳۶۷ دومین جلسه شورای امنیت درباره سرنگونی هواپیمای "ایران ایر" برگزار شد و در آن نمایندگان کشورهای عضو با ابراز تأسف از بروز این فاجعه، خواستار پایان جنگ عراق و ایران و تضمین هرچه بیشتر اینمی پروازهای کشوری شدند.

جلسه بعدی شورای امنیتسازمان ملل متحد برای رسیدگی به این حادثه روز دوشنبه تشکیل شد<sup>۳۶</sup> و طی آن، شورای امنیت با صدور قطعنامه‌ای اندوه عمیق خود را به مناسبت سرنگون شدن هواپیمای مسافربری ایران ابراز داشت.<sup>۳۷</sup> شورای امنیت در این قطعنامه نه تنها امریکا را محکوم نکرد، بلکه همچون امریکا، فاجعه اخیر را به منزله ضرورت دست یابی به صلح <sup>X</sup> دانسته و در یکی از بندهای اجرایی آن، لزوم پایان جنگ بر اساس قطعنامه ۵۹۸ را مورد تأکید قرار داد.<sup>۳۸</sup> در این حال، نماینده وقت ایران در سازمان ملل در واکنش به این قطعنامه گفت:

« هنگام درخواست رسیدگی به اقدام امریکا ، ایران نسبت به روند تصمیم‌گیری در این شورا هیچ توهی نداشت و ما می‌دانستیم که طرف مقصو خود در این شورا بر مسند قضاوت خواهد نشست ، بنابراین میزان عدالتی که در تصمیم نهایی انتظار داشتیم ، بسیار محدود و حساب شده بود .... علی‌رغم این نقایص ، ما به نوبه خود آماده‌ایم با این قطعنامه کنار بیاییم . »<sup>۳۹</sup>

مناسبات ایران-امریکا و ایران-شوری در این مرحله قابل توجه بود. امریکایی‌ها لازمه به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ ایران و عراق را موافقت ایران با قطعنامه ۵۹۸ می‌دانستند و جرج بوش نماینده دولت امریکا این

<sup>X</sup> ریگان ، رئیس جمهور وقت امریکا در یک موضع گیری آشکار اعلام کرد : « تنها نفعی که امریکا در خلیج فارس دارد ، برقراری صلح است و این فاجعه انسانی ( سرنگونی ایرباس ) ضرورت دست یابی به آن هدف را با حداقل شتاب ، دو چندان ساخته است . »

( خبرگزاری جمهوری اسلامی ، " گزارش‌های ویژه " ، نشریه شماره ۱۱۰ ، ۱۳۶۷/۴/۱۷ ، رادیو امریکا ، ۱۳۶۷/۴/۱۶ )

موضوع را رسماً ابراز کرده بود. ضمن این که "آرم‌اکلست"، سخنگوی وزارت خارجه امریکانیز در گفت و گو با شبکه سراسری "سی.بی.اس" اعتراف کرد:

«ما به طور یک جانبه سعی کردیم بر ایران فشار آورده و او را مجبور به پذیرش قطع نامه نماییم.»<sup>۴۰</sup>

وی همچنین گفته بود:

«از هرگونه انعطاف ایران استقبال می‌کنیم اما ایران نمی‌تواند به انتخاب خود، بخش‌هایی از قطع نامه را بپذیرد.»<sup>۴۱</sup>

در این حال، مذاکره پیرامون آزادی گروگان‌های امریکا در بیروت بیشترین شایعات را درباره مذاکرات پنهانی ایران و امریکا دامن زد. خبرگزاری آسوشیتدپرس به نقل از یک مجله لبنانی گزارش داد:

«مذاکراتی بین ایران و امریکا در یک کشور اروپایی ادامه داشته و قرار بوده است در قبال تغییر موضع سیاسی امریکا در جنگ خلیج [فارس] و در جهت منافع ایران، تعدادی از گروگان‌های امریکایی در جنوب آزاد شوند.»<sup>۴۲</sup>

در هر صورت آمادگی ایران برای میانجی‌گری در آزادی گروگان‌های غربی شاید تأثیر بسزایی در پیدایش و گسترش این گونه شایعات داشت. در این راستا، "مارلین فیتزواتر"، سخنگوی کاخ سفید بر اساس ملاحظات جدید، گفت:

«امریکا مدت مديدة است که تمایل به برقراری تماس با ایران دارد. ما این تمایل را در هر موقعیتی ابراز داشتیم.»

وی هدف مهم امریکا برای تماس مجدد با ایران را علاوه بر کمک به پایان دادن جنگ ایران و عراق، ترغیب ایران به فاصله گرفتن از سیاست‌های بنیادگرایانه و پیمودن روش معقول تر ذکر کرد.<sup>۴۳</sup> وی مدتی بعد، در سخنانی تأکید کرد:

«بر عهده ایران است که نخستین گام را در جهت عادی سازی روابط بردارد .»

وی تصريح نمود :

«از منابع گوناگون پیام‌هایی دریافت کرده‌اند که حاکی از آمادگی ایران جهت برقراری تماس بوده است و در حال حاضر نشانه‌ای دال بر این که ایران آمادگی صحبت با ما را در شرایط فعلی داشته باشد ، وجود ندارد .»<sup>۴۴</sup>

در این حال ، به‌نظر می‌رسد اظهارات دو تن از نظریه پردازان امریکایی نقش بسزایی در توجه امریکا به ایران داشته است . کسینجر ، وزیر خارجه سابق امریکا طی مقاله‌ای در هفته نامه نیوزویک با عنوان "زمان گفت‌وگو با ایران فرا رسیده است " ، نوشت :

«کمتر کشورهایی در جهان هستند که مانند ایران و ایالات متحده هیچ دلیلی برای نزاع و همه دلایل را برای دوستی و همکاری داشته باشند .»

در این مقاله آمده است :

«حفظ تمامیت ارضی و پیش‌رفت اقتصادی ایران یکی از منافع اصلی ایالات متحده می‌باشد .»

کسینجر در پایان تأکید می‌کند :

«پرزیدنت ریگان صمیمانه خواهان بهبود مناسبات می‌باشد .»<sup>۴۵</sup>

برژینسکی ، مشاور سابق کارتر در شورای امنیت نیز گفت :

«برای ثبات منطقه در حفظ منافع حیاتی امریکا ، استقلال و تمامیت ارضی ایران ، اهمیت مشابه پاکستان را دارد .»

وی پیش‌بینی کرد :

«در حال حاضر و احتمالاً تا هنگامی که جنگ ایران و عراق متوقف نگردد ، روابط امریکا و ایران همچنان خصم‌انه خواهد بود .»<sup>۴۶</sup>

مناسبات ایران و شوروی در مرحله جدید متأثر از عوامل گوناگونی بود . از یک سو ، مقامات مسکو برای رهایی از مخصوصه افغانستان ، به همکاری ایران

نیاز داشتند و از سوی دیگر، برای به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ ایران و عراق، با تحریم تسليحاتی ایران که امریکا آن را پی گیری می کرد، مخالف بودند. در مورد موضوع نخست، خبر گزاری رویترز مسکو گزارش داد که "یولی ورنستف"، معاون اول وزیر خارجه سوری در دیدارش از تهران از مقام های ایرانی خواسته بود که در عادی شدن اوضاع افغانستان کمک کنند.

برابر گزارش های منتشره، در این دیدار همچنین توافق شده بود که دو کشور به طور سازنده این مسئله را مورد بحث و بررسی قرار دهند.<sup>۴۷</sup> در تداوم این توافق، سفر معاون وزیر خارجه ایران به سوری همراه با موافقت هایی صورت گرفت. به گزارش رادیو مسکو، اتحاد شوروی اظهار امیدواری کرد که ایران در آزاد کردن نظامیان شوروی اسیر شده به دست مجاهدان افغانی، همکاری لازم را به عمل آورد.<sup>۴۸</sup>

همان گونه که گفته شد، سوری با تحریم تسليحاتی ایران مخالف بود و این امر موجب می شد که عراقی ها در مناسبات های مختلف ناخوشنودی خود را از این موضوع ابراز کنند، حتی به هنگام حضور "سعدون حمادی"، عضو شورای فرماندهی انقلاب عراق در مراسم جشن "روزهای دوستی شوروی و عراق" این موضوع بیان شد. با این حال، سخنگوی وزارت خارجه سوری (پروفیلیف) گفت:

«قطع نامه ۵۹۸ برای پایان دادن به این خونریزی کافی است ... و همان طور که می دانید، گنجاندن تحریم های تسليحاتی در پرونده سازمان ملل مؤثر نبوده و بیش تر در حد حرف است .»<sup>۴۹</sup>

## قطع نامه ۵۹۸<sup>xx</sup>، از تصویب تا اجرا<sup>xx</sup>

### قطع نامه ۵۹۸ و مواضع جهانی

جمهوری اسلامی ایران در ۲۷ تیر ۱۳۶۷ با ارسال نامه‌ای به دکوئیار، دبیرکل سازمان ملل رسماً قطع نامه ۵۹۸ را پذیرفت. این اقدام با توجه به رفتار و مواضع سازمان ملل که در طول جنگ هشت‌ساله، به غیر از موارد بسیار محدود و غیر اساسی، عملأً به سود عراق رفتار می‌کرد، پرسش‌ها و ابهامات فراوانی را مطرح کرد. ضمن این‌که در آن ایام، با سقوط فاو، روند نظامی جنگ نیز برخلاف سال‌های گذشته به زیان ایران شد و عمیقاً بر روش جدید سیاسی ایران تأثیر گذاشت.

اکنون که نزدیک به یازده سال از آن ایام سخت و سرنوشت‌ساز می‌گذرد و با توجه به تغییراتی که در محیط بین‌المللی، منطقه و درون ایران صورت گرفته است، شاید بتوان تا اندازه‌ای اقدام جمهوری اسلامی ایران را بعنوان یکی از پدیده‌های بسیار مهم جنگ و انقلاب اسلامی<sup>۵</sup> که علاوه بر تأثیر آن در پایان بخشیدن به جنگ، آثار و نتایجی را بر روند تحولات جامعه ایران بر جای گذاشته و خواهد گذاشت، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد. در واقع، آن‌چه که مورد سؤال است، نحوه پایان دادن به جنگ در چارچوب قطع نامه ۵۹۸ و علل موافقت جمهوری اسلامی ایران با آن می‌باشد. بسیار روشن است که هرگونه درگیری و جنگ، با هر میزان شدت و قدمت، سرانجام بر اساس شرایط و عواملی به پایان خواهد رسید. بنابراین، خاتمه یافتن جنگ به عنوان یک رویداد ضروری و اجتناب‌ناپذیر مورد سؤال نیست و نمی‌توان انتظار داشت که جنگ میان دو کشور به صورت دائمی تداوم داشته

<sup>xx</sup> ر ک به : متن قطع نامه ۵۹۸ در پایان همین فصل .

<sup>xx</sup> به دلیل اهمیت شرایط و وضعیتی که منجر به تصویب قطع نامه ۵۹۸ شد، این موضوع در کتاب از سلمه تا حلیچه، جلد چهارم از همین مجموعه مورد بررسی قرار گرفته است .

باشد، بلکه آن‌چه حائز اهمیت است، چگونگی پایان یافتن جنگ است که در خصوص جنگ عراق علیه ایران با اقدام ایران در پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ تحقق یافت.

بر اساس ملاحظات یدشده و با توجه به تغییر روش ایران در پایان بخشیدن به جنگ، لازم است که بعد این موضوع و روند تحولاتی که طی هشت سال با هدف پایان دادن به جنگ و با تکیه بر راه حل‌های دیپلماتیک که شخصیتها، کشورها و مجامع بین‌المللی مطرح کردند و همچنین براساس کلیات مواضع و اقدامات جمهوری اسلامی در حد فاصل تصویب تا پذیرش قطع‌نامه، بررسی شود تا مواضع ایران در هنگام صدور این قطع‌نامه آشکار شده و هرگونه شایعه‌ای مبنی بر مخالفت ایران با راه حل‌های دیپلماتیک، از جمله صدور قطع‌نامه ۵۹۸ برای پایان دادن به جنگ، رد شود.

مهمنترین علت تداوم جنگ پس از فتح خرم‌شهر، متاثر از این موضوع بود که حامیان جهانی و منطقه‌ای عراق، پذیرش برتری ایران بر عراق و تامین خواسته‌های بر حق آن کشور را با توجه به پی‌آمد هایش، به زیان منافع خود و خلاف هدف اصلی وقوع جنگ ارزیابی می‌کردند. جمهوری اسلامی ایران پس از آزادسازی مناطق اشغالی و فتح خرم‌شهر، هم‌واره بر دو موضوع اساسی تأکید می‌کرد: نخست، "محکوم کردن عراق به عنوان متจلاز و مسئول جنگ"<sup>۵۱</sup> و دوم، "پرداخت غرامت به ایران به عنوان قربانی تجلاؤ". با آن‌که خواسته‌های ایران کاملاً منطقی و عادلانه بود، ولی بنابر ملاحظاتی، هیچ‌گاه این خواسته‌ها به‌طور جدی مورد توجه سازمان‌ملل قرار نگرفت. امام راحل در پیام خود به حاج بیت‌الله‌الحرام در سال ۱۳۶۶ در این باره فرمودند:

«دنیا از آغاز جنگ تاکنون در تمام مراحل دفاعی ما هیچ‌گاه با زبان عدالت و با بی‌طرفی با ما سخن نگفته است.»<sup>۵۱</sup>

بنابراین، تمام تلاش‌ها و فعالیت‌های سیاسی-تلیگراتی و نظامی ایران از

فتح خرمشهر تا پذیرش قطع نامه ۵۹۸ با هدف تأمین خواسته‌های برق ایران انجام گرفت. کسب پیروزی نظامی با انجام سلسله عملیاتی که در مناطق مختلف صورت گرفت، برای تضمین خواسته‌های ایران و تحمیل آن به عراق و حامیان جهانی و منطقه‌ای این کشور بود. در همان حال، تلاش برای بازداشت ایران از پیروزی نظامی بر عراق یاد است یابی به پیروزی سیاسی برپایه برتری نظامی، باعث شد تا فشارهای گوناگون و همه جانبه‌ای بر ایران وارد شود. ایران به موازات تشدید این فشارها، در برابر وضعیت کامل‌دوگانه و متضادی قرار گرفت، از یک سو، گسترش دامنه جنگ و تشدید فشارها و دشواری‌هایی که برای انجام عملیات نظامی گستردگی با تضمین پیروزی وجود داشت، بیش از پیش جمهوری اسلامی ایران را در تنگنا قرار می‌داد و امکان تأمین خواسته‌هایش را دشوار می‌ساخت و از سوی دیگر، با توجه به برتری بدست آمده از پیروزی‌های نظامی ایران بر عراق و خواسته‌های برق ایران، چشم‌پوشی از این خواسته‌ها برای مسئولان و تصمیم‌گیرندگان کشور امکان‌پذیر نبود. همچنین، با توجه به افکار عمومی جامعه که رخدادهای جنگ را با حساسیت زیادی پی‌گیری می‌کردند، اقدام به این تصمیم با چرخش از استراتژی پیشین، با هزینه بسیار زیادی در جامعه همراه بود. البته، این مسئله به این معنا نبود که ایران بدون در نظر گرفتن اصول و مصالح، در برابر واقعیات تسلیم شود و یا بدون در نظر گرفتن واقعیات، تنها برخی اصول و مواضع پیشین را مورد تأکید قرار دهد، برخورد ایران با قطع نامه ۵۹۸ و بعدها با فاجعه سقوط هوایپیمای "ایرباس" مؤید این موضوع می‌باشد.

قطع نامه ۵۹۸ تنها یک روز پیش از اولین اقدام امریکا در حفاظت از نفت‌کش‌های کویت در ۳۰ تیر ۱۳۶۶ تصویب شد و حضور نظامی امریکا در منطقه هیچ معنایی جز افزایش فشار به ایران بهمنظور پذیرفتن قطع نامه ۵۹۸ نداشت. با وجود این که قطع نامه در شرایطی تصویب شد که ایران بهدلیل در

اختیار داشتن مناطق نسبتاً حساس در خاک عراق، از برتری قابل توجهی برخوردار بود ولی روح قطعنامه برای نجات عراق بود و به گونه‌ای نسبتاً محسوس، نیمنگاهی نیز به ایران داشت. برابر تمهدیاتی که پیش از این صورت گرفته بود چنین پیش‌بینی شده بود که طرف امتناع کننده از پذیرش قطعنامه، با تحریم تسليحاتی تنبیه و تحت فشار قرار گیرد. جمهوری اسلامی ایران بر پایه ملاحظاتی که وجود داشت، قطعنامه را رد نکرد و به روند مذاکره با دبیرکل سازمان ملل روی توافق نشان داد و این بدان معنا بود که ایران راه دیپلماتیک را برگزیده است.<sup>۵۲</sup>

آقای هاشمی طی مصاحبه‌ای، درباره برخورد سازمان ملل با تجاوز گفت:

«سازمان ملل اول متجاوزین را معرفی کند، قدم بعدی این است که با متجاوز چه باید بکنیم؟ این کار را یک دادگاه بکند. حال، این دادگاه بین‌المللی باشد یا منطقه‌ای یا اسلامی که اعلام کند، مسئول جنگ کیست؟ وقتی این اعلام شد، ما نیاز زیادی به جنگ نداریم.»<sup>۵۳</sup>

نظر به اهمیت این موضوع یکی از مقامهای ترکیه در دیدار خصوصی با یکی از مسئولان ایران گفت:

«شورای امنیت هیچ‌گاه دادگاهی که عراق را متجاوز اعلام کند، تشکیل نخواهد داد.»<sup>۵۴</sup>

هم‌زمان با حضور آیت‌الله خامنه‌ای، رئیس جمهور وقت ایران در اجلاس عمومی سازمان ملل در شهریور ۱۳۶۶، ایشان در یک نشست مطبوعاتی با حضور اکثر رسانه‌های جهانی که در نیویورک برگزار شد، شرکت کردند. ایشان در پاسخ به پرسش یک خبرنگار در مورد چگونگی تنبیه متجاوز فرمودند:

«ما نوع تنبیه را به هیچ وجه از پیش تعیین نمی‌کنیم، اما اگر محکمه‌ای عادل برقرار شود، ما احکام آن محکمه را قبول خواهیم کرد.»

ایشان همچنین در پاسخ به پرسش دیگری که عنوان شد "آیا در چارچوب قطعنامه ۵۹۸ امکان صلح وجود دارد؟" گفتند:

«یقیناً وجود دارد و ما فرمول استفاده از این قطعنامه را برای رسیدن به آتش بس تهیه کرده و در اختیار دبیر کل قرار داده ایم و نکته اصلی، تنبیه متجاوز است که اگر این مسئله حل شود، تمامی مسائل حل خواهد شد. »<sup>۵۵</sup>

این اظهارات به روشنی نشان می‌داد که ایران بر راه حل دیپلماتیک، به موازات سایر راه حل‌ها و نیز پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به صورت مشروط تأکید داشت. این برداشت حتی برای وزیر خارجه کشور غناکه در زمان تصویب قطعنامه ۵۹۸ ریاست شورای امنیت را بر عهده داشت، آشکار شده بود، چنان‌که پس از دیدار با آیت‌الله خامنه‌ای، در مصاحبه‌ای با مطبوعات گفت:

«ایران قطعنامه را رد نکرده است. »<sup>۵۶</sup>

ایران ضمن پذیرش مشروط قطعنامه ۵۹۸ با ادامه گفتوگو با دبیر کل سازمان ملل، تمهداتی را برای تغییر ترتیب برخی از بندهای قطعنامه پی‌گیری کرد. این مسئله باعث شد تا دبیر کل در ادامه تلاش‌های خود و سفر به تهران و گفتوگویی نهایی با آیت‌الله خامنه‌ای در سازمان ملل بیانیه خود را در یک جلسه مشورتی غیرعلنی به اعضای شورای امنیت ارائه کند. در بند ۳ این بیانیه آمده است:

«ایران برای شروع اجرای قطعنامه دو گام هم‌زمان اولیه را ضروری می‌داند: الف - رعایت آتش بس، ب - برقراری یک هیئت بی‌طرف تحقیق. »

همچنین در بند ۴ این بیانیه آمده است:

«به نظر ایران، اولین وظیفه این هیئت، شناسایی متجاوز است و وظیفه دوم این هیئت، تعیین عواقب مسئولیت می‌باشد. »<sup>۵۷</sup>

دبیر کل در این جلسه در مورد نتایج مذاکره با عراق گزارش داد:

«عراق هیچ تغییری در موضع خود ندارد و روی اجرای قطعنامه به ترتیب

## پاراگراف‌های محتوایی اصرار دارد و عراق نسبت به تغییر اجرای مفاد آن مقاومت نموده و آن را رد خواهد کرد. »<sup>۵۸</sup>

با این حال، فعالیتهای ایران مؤثر واقع شد و دبیرکل طرحی را تهیه کرد که به "طرح اجرایی دبیرکل" مشهور شد. رئوس کلی این طرح را دبیرکل در نامه مورخ ۱۵ اکتبر ۱۹۸۷ میلادی (۲۳ مهر ۱۳۶۶) اعلام کرد.<sup>۵۹</sup> رادیو امریکا در گزارش خبری خود در این باره گفت:

« وی به ایران و عراق ۱۵ روز فرصت داده است تا پاسخ خود را به طرح مبسوط وی درباره برقراری آتش بس ارائه دهند. دبیرکل گفت: " پنج عضو دائمی شورای امنیت، خواستار آتش بس همراه با عقب‌نشینی نیروها شدند " و مهم‌ترین نکته طرح دبیرکل، تشکیل کمیته ویژه برای مشخص کردن آغاز کننده جنگ است. »<sup>۶۰</sup>

بعدها، نماینده وقت ایران در سازمان ملل در این باره گفت:

« دیدگاه مثبت ایران نسبت به قطع نامه ۵۹۸ اساساً به دلیلِ بندی بود که مهم‌ترین خواسته ایران را تأمین می‌کرد، زیرا بند یاد شده، دبیرکل را موظف می‌کرد، کمیته‌ای را برای تعیین متجاوز تشکیل دهد. »

پس از سفر دبیرکل به تهران، شورای امنیت سازمان ملل به دبیرکل مأموریت داد تا طرحی در زمینه اجرای قطع نامه ۵۹۸ تهیه کند. طرح اجرایی دبیرکل برای قطع نامه ۵۹۸ با جابه‌جا کردن بعضی از بندهای مستخرج از خود قطع نامه بود که نظرات ایران را تا حدودی تأمین می‌کرد، زیرا گام نخست در اجرای این طرح، تشکیل کمیته‌ای برای تعیین متجاوز بود.<sup>۶۱</sup> عراقی‌ها که با این اقدام مخالف بودند در یک موضع گیری صریح، اعلام کردند، با هرگونه تفکیک و جابه‌جایی در بندهای قطع نامه مخالف هستند.<sup>۶۲</sup> صدام علاوه بر موضع گیری فوق، در دیدار با وزیر خارجه ژاپن گفت:

« موضع ایران را که عراق باید متجاوز شناخته شود و مجازات گردد، نخواهد

۶۳ «پذیرفت .»

بعدها، طارق عزیز، وزیر خارجه وقت عراق نیز اعلام کرد، "عراق هرگونه تلاش برای تجدید نظر در متن و سلسله بندهای قطعنامه ۵۹۸ را رد می‌کند."<sup>۶۴</sup>

ادامه درگیری ایران و امریکا در خلیج فارس در ماههای شهریور، مهر و آبان باعث شد تا امریکایی‌ها طرح تحریم تسلیحاتی ایران را با مشارت فعال انگلیس پی‌گیری کنند. در این حال، شوروی‌ها نظر به ماهیت تلاش‌های امریکا، با این اقدام مخالف بودند. در این راستا، "پتروفسکی"، معاون وزارت خارجه شوروی در سفر به سازمان ملل، به خبرگزاری آسوشیتدپرس گفت:

«در حالی که امریکا مصراً از شورای امنیت و آن کشور (شوری) خواسته است که یک تحریم تسلیحاتی جهانی علیه ایران را مد نظر قرار دهد، کشورش می‌خواهد وقت بیشتری به مذاکرات داده شود.... ایران و عراق دچار تشریک مساعی با شورای امنیت هستند و ما وضعیت اساساً جدیدی داریم.»<sup>۶۵</sup>

در نیمه آذر ۱۳۶۶ دبیر کل سازمان ملل در پی مذاکره بانمایندگان ایران و عراق، در چکیده گزارش خود در این باره به شورای امنیت اعلام کرد، مذاکرات به بن‌بست عملی رسیده است. در این گزارش در مورد علل بن‌بست در مذاکرات آمده است:

«جمهوری اسلامی ایران به خاطر طرح مسئله غرامت و مرتبط کردن آن با مسئله عقب‌نشینی، از چارچوب قطعنامه ۵۹۸ خارج شده است و عراق به خاطر اعلام لزوم اجرای متواتی و بی‌وقفه آتش‌بس، عقب‌نشینی و مبادله کامل اسراء یا لااقل، انفکاک پذیر نبودن آتش‌بس و عقب‌نشینی، از طرح اجرایی دبیر کل فاصله گرفته است.»<sup>۶۶</sup>

بنابر این گزارش، ایران و عراق هر یک به نوعی در ایجاد بن‌بست در روند

مذاکرات مقصّر قلمداد می‌شدند. این در شریطی است که عراق بافرض این که ایران با قطعنامه ۵۹۸ مخالفت خواهد کرد، برای دستیابی به موضع بهتر سیاسی، پذیرش قطعنامه را اعلام کرده بود ولی در عمل، با وجود این که از موضع ضعیفتری در صحنۀ نظامی برخوردار بود، به این دلیل که تمام تمهیدات بین‌المللی و منطقه‌ای برای نجات آن سازمان‌دهی شده بود به مخالفت خود ادامه می‌داد. در همان حال، اگرچه جمهوری‌اسلامی ایران قطعنامه را به‌طور رسمی نپذیرفته بود، ولی با عدم رد آن و پذیرش گفت‌و‌گو در چارچوب قطعنامه ۵۹۸ و بر اساس طرح اجرایی دبیرکل که مصوب شورای امنیت بود، عملاً برای گشایش در روند صلح با هدف تأمین منابع ایران تلاش می‌کرد. بدیهی بود آن‌چه که موضع ایران را تقویت می‌کرد، تنها برتری نظامی بر عراق با استقرار در بخشی محدود ولی حساس در خاک عراق بود.

بی‌گمان اعلام آتش‌بس و عقب‌نشینی به مرزهای بین‌المللی، به منزله خارج کردن برگ برنده ایران برای مذاکرات بود بی‌آن که هیچ تضمینی برای تأمین خواسته‌های ایران مبنی بر اعلام عراق به عنوان مت加وز و پرداخت غرامت وجود داشته باشد. موضع یک سویه سازمان‌ملل در پشتیبانی از عراق همچون هفت سال گذشته تا تصویب قطعنامه ۵۹۸ و بی‌اعتمادی ایران به عمل کرد و موضع این سازمان و همچنین موقعیت برتر نظامی ایران، باعث شد تا جمهوری‌اسلامی ایران شرایط خود را برای پایان بخشیدن به جنگ مورد تأکید قرار دهد. بدون تردید اگر جمهوری‌اسلامی در چنان وضعیتی بدون هیچ تضمینی شرایط سازمان‌ملل را می‌پذیرفت، اکنون مهم‌ترین پرسشی که مطرح می‌شد، "علل تاخیر در پذیرش قطعنامه" نبود، بلکه این پرسیده می‌شد که "چرا جمهوری‌اسلامی در شرایط برتر نظامی قطعنامه‌ای را پذیرفت که نه تنها خواسته‌های ایران را تضمین نمی‌کرد، بلکه منافع طرف مت加وز را تأمین می‌کرد؟"

تشدید فعالیت اعراب بهویژه پس از برگزاری کنفرانس سران عرب در اردن در آذر سال ۱۳۶۶، سبب گردید دامنه فشار به ایران تا اندازه‌ای گسترش یابد. وزیر خارجه وقت عراق پس از این اجلاس در مصاحبه با رادیو فالانژهای لبنان گفت:

«کنفرانس سران عرب در اردن، ایران را تکان داد و در تنگنای شدیدی قرار داد و عراق امیدوار است فشارهای جدیدی برای اجرای قطع نامه ۵۹۸ از سوی کشورهای عرب و جهان علیه ایران وارد گردد.»

وی با انتقاد از موضع شوروی گفت:

«کشورهای غربی و امریکا حاضرند تا فشارهای خود را علیه ایران افزایش دهند ولی شوروی با ادامه سیاست‌های محتاطانه خود هنوز موضع سیاسی خود را در این خصوص اتخاذ نکرده است.»<sup>۶۷</sup>

گزارش دبیرکل سازمان ملل به شورای امنیت مبنی بر بنبست در مذاکرات، سبب شد تادر ۳ دی ۱۳۶۶ (۲۴ دسامبر ۱۹۸۸) بر اثر فشار امریکا و اعراب و در حالی که ریاست شورا بر عهده شوروی بود بیانیه‌ای صادر شود که در آن علاوه بر "لزوم ادامه تلاش‌های دبیرکل" بر برداشتن قدمهایی از جانب شورا برای اجرای بند ۱۰ قطع نامه - که به تحریم نظامی بهویژه علیه جمهوری اسلامی ایران اشاره دارد - تأکید شده بود.<sup>۶۸</sup> پس از انتشار این بیانیه، جمهوری اسلامی نسبت به آن اعتراض و اعلام کرد:

«پذیرفتن طرح دبیرکل از جانب جمهوری اسلامی ایران در واقع گامی فراتر از مسئله پذیرش قطع نامه است. در حالی که قطع نامه از ضعف‌های اصولی برخوردار است.»<sup>۶۹</sup>

در شرایطی که انگلیس ریاست شورا را بر عهده گرفته بود، به نمایندگی جمهوری اسلامی اعلام کرد:

«ما به عنوان رئیس به موازات تحرکات دبیرکل، جهت اقدامات دیگر (مقدمات

تحریم تسليحاتی ایران ) تلاش می کنیم . »<sup>۷۰</sup>

به موازات احتمال تحریم تسليحاتی ایران، نمایندگان وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران به رؤسای سه قوه پیشنهاد کردند، آقای ولایتی به مسکو سفر کند تا با افزایش حجم تحرکات دیپلماتیک، اقدامات احتمالی برای تحریم تسليحاتی ایران خنثی شود. سرانجام، پس از بحثهایی که انجام گرفت، قرار شد تا معاون وقت اروپا و امریکای وزارت خارجه، با سفر به مسکو، چین، فرانسه و بھویژه انگلیس، گفت و گو و مذاکرات بیشتری انجام دهد و همچنین مطرح شد که لازم است با کشورهایی، چون ژاپن، آلمان و ایتالیا که روابط خوبی با ایران دارند، گفت و گوهایی به عمل آید. در ادامه فعالیتها مقرر شد، با سفر و ارسال پیام به کشورهای نیپال، غنا، آرژانتین، برباد، زامبیا و سنگال که از اعضای غیر دائم وقت شورای امنیت بودند، نیز مذاکره شود.<sup>۷۱</sup>

همچنین، وزیر خارجه وقت ایران در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل، نوشته:

« ایران از اجرای قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت به طور کلی و به هم پیوسته پشتیبانی

می‌کند. تعیین روز D ( اشاره به طرح اجرایی دبیرکل ) باید با شروع آتشبس و

کار بر روی تعیین هیئت بی طرف همراه باشد. »<sup>۷۲</sup>

با توجه به این که، ریاست اداری شورای امنیت از اول فوریه (۱۲ بهمن) به امریکا واگذار می‌شد، احتمال تحریم تسليحاتی و افزایش فشار بر ایران، قوت می‌گرفت. در همین حال نماینده شوروی در سازمان ملل در ۳ بهمن ۱۳۶۶ اعلام کرد:

« نامه وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران (مورخ ۲۹ دی ۱۳۶۶) نکات مثبت و

خوبی داشته است که مهم‌ترین آنها قبول رسمی برنامه اجرایی دبیرکل

می‌باشد و جمهوری اسلامی ایران انعطاف پذیری خود را اثبات نموده است. »<sup>۷۳</sup>

در ادامه فعالیت‌های سیاسی ایران، نماینده جمهوری اسلامی در اسفند

## ۱۳۶۶ در گفت و گو با دبیرکل گفت:

«قطع نامه ۵۹۸ درخواست پذیرش رسمی از طرفین ندارد و قطع نامه فقط به اجرای مفاد خود عنایت دارد و جمهوری اسلامی قبول نموده است که بر اساس طرح دبیرکل ، قطع نامه اجرا گردد . »<sup>۷۴</sup>

دبیرکل نیز در پاسخ به اظهارات نماینده جمهوری اسلامی ایران گفت:  
 «مذاکرات باید در چارچوب چهار نکته مندرج در دستور جلسه صورت گیرد:  
 ۱ - آتش بس ۲ - کمیته بی طرف ۳ - بازگشت به مرزهای بین المللی ۴ - پرداخت غرامت . »<sup>۷۵</sup>

در این دیدار ، ایران بار دیگر تأکید کرد:  
 «جمهوری اسلامی ایران حاضر نیست بازگشت نیروها به مرحله اولیه ارتقا پیدا نماید . بازگشت نیروها مهم‌ترین برگ برنده در دست ما است و حاضر نیستیم بدون دریافت ضمانت‌های لازم و رسیدن به حقوق خود ، آن را از دست بدھیم . »<sup>۷۶</sup>

همچنین در ۳ اسفند ۱۳۶۶ نماینده ایران با سفير انگلیس در سازمان ملل دیدار کرد که اظهارات طرف انگلیسی با توجه به برداشتی که از مواضع ایران نسبت به قطع نامه ۵۹۸ داشت ، بسیار قابل ملاحظه است . وی در این ملاقات گفت:

«ما در عین حال که انعطاف اخیر ایران را در مذاکرات با دبیرکل درک می‌کنیم ، نمی‌فهمیم چرا حاضر به قبول قطع نامه ۵۹۸ نیست ؟ ... شما انعطاف خود را خیلی به تدریج و ذره ذره خرج کرده‌اید ، در حالی که اگر یک جامی گفتید ، اهمیت و انعطاف شما بیشتر روشن می‌گردید ! »<sup>۷۷</sup>

عراق چون روند اخیر را به زیان خود می‌دید ، علاوه بر مخالفت با طرح اجرایی دبیرکل ، از ۱۹ اسفند ۱۳۶۶ حملات موشکی به مناطق غیر نظامی در تهران را افزایش داد تا فضای هرگونه تحرك دیپلماتیک به شدت مسوم

شود. در همان حال بر اثر فعالیتهایی که انجام شد طرح تحریم تسليحاتی ایران به تعویق افتاد و وزیر خارجہ ایران در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل به صراحت اعلام کرد:

« دولتم بر این عقیده بود که طرح دبیرکل بر مبنای و جهت اجرای قطع نامه ۵۹۸ تنظیم شده است و بنابراین ، پذیرش آن (طرح اجرایی) مساوی با پذیرش قطع نامه ۵۹۸ است . »<sup>۷۸</sup>

برابر این سند ایران اگر نه رسمی ولی عملاً قطع نامه ۵۹۸ را پذیرفته بود. سفیر جمهوری اسلامی در سازمان ملل در گفت و گو با شبکه تلویزیونی "A. B. C" امریکا گفت:

« جمهوری اسلامی ایران اجرای قطع نامه ۵۹۸ را می‌پذیرد و بنابراین ، ما آمادگی خود برای همکاری با دبیرکل جهت اجرای آن را اعلام می‌نماییم . »<sup>۷۹</sup>

این شبکه تلویزیونی به نقل از منابع دیپلماتیک افزوغ:

« سفیر ایران در سازمان ملل روز ۱۳ اسفند ۱۳۶۶ با تسلیم یادداشتی به رئیس شورای امنیت اعلام نمود که ایران قطع نامه ۵۹۸ درباره آتش‌بس میان ایران و رژیم بعث ، عقب‌نشینی نیروهای طرفین به مرزهای بین‌المللی ، تبادل اسراء تشکیل کمیسیونی جهت شناسایی آغازگر جنگ را پذیرفته است و پرزدکوئیار را برای ترتیب دادن آن به منطقه دعوت کرد . »<sup>۸۰</sup>

در این حال ، دولت عراق در حالی که حملات موشکی به مردم بی‌دفاع و غیر نظامی را ادامه می‌داد ، در اطلاعیه نظامی خود اعلام کرد:

« حملات علیه ایران تا زمان موافقت رهبران این کشور با استقرار یک آتش‌بس ادامه خواهد داشت . »<sup>۸۱</sup>

در اوایل سال ۱۳۶۷ در شرایطی که ایران عملیات والفجر ۱۰ را در منطقه عمومی حلبچه انجام داد آقای " محلاتی " (سفیر ایران در سازمان ملل ) ، پس از بازگشت از نیویورک ، در نامه‌ای به معاونت سیاسی نخست وزیر نوشت:

«نفس قبول قطع نامه ۵۹۸ از نظر حقوقی و اجرایی با موضع جمهوری اسلامی نسبت به آمادگی برای اجرای قطع نامه هیچ تفاوتی ندارد .»  
وی در مورد ارسال نامه وزیر خارجه و اثرات آن افزود :

«این نامه باعث شد که تصویب قطع نامه تحریم تسليحاتی از طرف شورای امنیت که قطعی و محرز بود به تعویق افتاد و بهانه از دست امریکا گرفته شود .»<sup>۸۲</sup>  
بمباران شیمیایی مردم حلبچه و بعد این فاجعه انسانی ، سازمان ملل را به واکنش واداشت . اعزام یک هیئت کارشناسی و تشکیل جلسه شورای امنیت ۵۰ روز پس از جنایت عراق در حلبچه در ۱۹ خرداد ۱۳۶۷ منجر به صدور قطع نامه ۶۱۲ شد ، بدون این که محدودیت عراق در آن تصریح شود ! دبیر کل سازمان ملل بدون توجه به حادثه ای که رخداد بود ، طرح جدیدی را رائیه کرد که در رادیو "مونت کارلو" منعکس شد .<sup>۸۳</sup> همزمان ، حمله عراق به فاو و باز پس گیری این منطقه ، مقدمات تغییر شرایط به سود عراق و به زیان ایران را فراهم کرد . به موازات این تحولات ، "ورنون والترز" ، نماینده دائمی امریکا در سازمان ملل اعلام کرد :

«امریکا ، انگلیس و فرانسه مایلند شورای امنیت قطع نامه فوری در مورد اعمال تحریم تسليحاتی علیه طرفی که از برقراری آتش بس در جنگ خلیج افساس اسر باز می زند را صادر نماید .... چین و سوریه ، معتقدند باید فرصت بیشتری به دبیر کل داده شود تا در راه دست یابی به یک حل و فصل مبتنی بر مذاکره تلاش کند .»<sup>۸۴</sup>

دبیر کل سازمان ملل پیشنهاد جدید خود مبنی بر گفت و گو در سطح کارشناسان دو کشور ایران و عراق را رائیه کرد . در این باره رادیو امریکا گفت : «در طرح جدید به دو کشور پیشنهاد شده است ، در خرداد مذاکرات به مدت سه هفته در یک محیط خصوصی برگزار شود و در پایان ، دبیر کل تقویم به اجرا گذاردن طرح صلح را آماده خواهد کرد .»<sup>۸۵</sup>

در نخستین واکنش به پیشنهاد دبیرکل، عراقی‌ها که اوضاع را به سود خود ارزیابی می‌کردند در نامه‌ای که طارق عزیز، وزیر خارجه وقت عراق به دکوئیار نوشته بود، تصریح کردند:

« عراق معتقد است، گفت و گوها می‌باشد در سطح وزیر ادامه یابد نه در سطح

کارشناس، زیرا حل و فصل جنگ یک مسئله کاملاً سیاسی است. »<sup>۸۶</sup>

عراقی‌ها بار دیگر بر شرایط پنج گانه خود - که پیش از این صدام اعلام کرده بود - تأکید کردند. ایران نیز در واکنش به پیشنهاد دبیرکل، در نامه‌ای که در ۱۰ خرداد ۱۳۶۷ وزیر خارجه وقت ایران نوشت، تأکید کرد:

« ما از پیشنهاد شما استقبال کرده و آماده‌ایم در مذاکراتی که در نیویورک با

اعضای دبیرخانه بر اساس پیشنهاد شما انجام می‌گیرد، شرکت کنیم. »

در این نامه آمده است:

« مهم‌ترین گام اولیه در شروع اجرای طرح شما که همان تشکیل یک کمیته بی‌طرف برای تعیین متجاوز است، هنوز برداشته نشده است و همان گونه که ما مکرراً و موکداً در مذاکرات قبلی با شما پاافشاری کردیم، مستلزم هرگونه راه حل سیاسی، تعیین متجاوز در گام نخست می‌باشد. »<sup>۸۷</sup>

اما دبیرکل معتقد بود، چون در نامه ایران به پذیرش قطع نامه ۵۹۸ صریحاً اشاره نشده است، این امر دست و پایش را خواهد بست. <sup>۸۸</sup> وزیر خارجه ایران نیز در پاسخ به دبیرکل گفت:

« یک سال پیش در سفر تان به تهران که پیشنهاد تشکیل نهاد اعلام متجاوز را

آوردید، ما برخورد داشتیم، ولی ادامه این کار از طرف شما متوقف شد که ما

دلیل آن را نمی‌دانیم. »<sup>۸۹</sup>

بازتاب مذاکرات و موضع جدید ایران، برخی انتقادات نسبت به موضع و عمل کرد وزارت خارجه را در پی داشت. آیت‌الله خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه با بیان موضع ایران، به انتقادات اخیر پاسخ داده و تصریح کردند:

«ما اصراری نداریم براین که حتماً باید با جنگ این مقصود عملی شود. اگر آنها مقاصد ما را برآورده می‌کردند، ما حرفی نداشتیم. منتهی به تجربه معلوم شده که این‌ها نمی‌کنند.... البته راه حرکت سیاسی را هم هرگز نمی‌بندیم. بعضی‌ها شایعه می‌کنند که این کارهای سیاسی با جنگ منافات دارد، خیر! ابداً منافات ندارد.»

ایشان در تأیید ضرورت کار سیاسی به موازات کار نظامی گفتند:

«اگر ما قدرت جنگ نداشته باشیم، کار سیاسی ممکن است اثر کند که باز هم نمی‌گوییم حتماً اثر خواهد کرد، چون واقعاً هیچ اطمینانی به این محافل بین‌المللی نمی‌شود داشت، چون امریکا و دشمنان ما براین محافل تسلط دارند. ما به همه گفته‌یم، قطع نامه ۵۹۸ را امریکا علم کرد، منتهی ما که این قطع نامه را رد نکردیم، چون نکات مثبتی را در آن گنجانده بودند. ما آن نکات مثبت را نگه داشتیم اما قبول هم نکردیم، چون نکات منفی هم دارد.»<sup>۹۰</sup>

«جان لیتل» فرستاده کلیسای «کانتربری» و هیئت‌همراه در سفر به تهران

و پس از مذاکره با مسئولان ایرانی گفت:

«ایران دیگر خواستار سرنگونی صدام نیست و خود را مقید به این تأکید کرده [است] ولی ایران به تضمین‌های سیاسی احتیاج دارد که رهبر عراق دیگر جنگ را از سر نگیرد.»

وی به نقل از لاریجانی گفت:

«اکنون راه حل سیاسی غالب است و بر ملاحظات نظامی ارجح است.»<sup>۹۱</sup>

آقای هاشمی نیز در مصاحبه‌ای تلویزیونی موضع جدید ایران را بیان کرد:

«ما نباید اجازه دهیم که دشمن در دنیا بتواند ما را به عنوان جنگ طلب و صدام را به عنوان صلح‌جو معرفی کند.... هرگاه سخن از پیروزی در میدان نبرد به میان می‌آید بر موضوع لزوم جنگ از راه غیر نظامی هم تأکید شود.»<sup>۹۲</sup>

سرنگون شدن هواپیمای ایرباس ایران به وسیله ناو هواپیمابر «وینسنس» در

۱۲ تیر ۱۳۶۶ و درخواست ایران برای تشکیل جلسه فوق العاده شورای امنیت روند گفت و گو درباره اقدام تجاوز کارنه امریکا و همچنین مسئله پایان دادن به جنگ را تسریع کرد <sup>x</sup> در ۱۲ تیر ۱۳۶۷ آقای هاشمی طی مصاحبه‌ای، ضمن اعلام عقب‌نشینی نیروهای ایران از حلبچه و برخی خطوط دفاعی، به لحاظ شرایط جدید گفت:

«استراتژی جدید ما سیاسی، نظامی و فرهنگی است.» <sup>۹۳</sup>

### پاسخ رسمی جمهوری اسلامی ایران به قطع نامه ۵۹۸

پس از عقب‌نشینی ایران از برخی مناطق همچون حلبچه در ۲۲ تیر ۱۳۶۷، ادامه حمله‌های عراق و تشدید فشار بین‌المللی به ایران، سلسله جلساتی در داخل کشور با هدف اتخاذ تصمیم نهایی درباره جنگ تشکیل شد. در نشست مشترک رؤسای سه قوه، مجلس خبرگان و شورای نگهبان شرایط سیاسی-نظامی کشور مورد بررسی قرار گرفت.<sup>۹۴</sup> امام راحل نیز در روز پنج‌شنبه و جمعه، ۲۳ و ۲۴ تیرماه مشورت‌هایی را به صورت جداگانه انجام دادند. ولی نشست اصلی بر اساس دستور امام و با حضور چهل تن از شخصیت‌های مهم کشور در روز شنبه ۲۵ تیر ۱۳۶۷، تشکیل شد. امام در پیامی به این جلسه که مرحوم حاج سید احمد خمینی قرائت کرد، ضمن بیان نظرات خود، تصمیم‌گیری در مورد آینده جنگ را به جلسه واگذار کردند.<sup>۹۵</sup> چند روز پس از آن آقای هاشمی در این باره گفت:

«طی دو سه روزه گذشته، جلسات متعددی با حضور سران کشور تشکیل شده

و جمع‌بندی تمام این جلسات به حضور امام رسیده است. طی بحث‌هایی که صورت گرفت، مجموعه شرایط، جمهوری اسلامی را به این نتیجه رساند که برای مصلحت انقلاب قطع نامه ۵۹۸ پذیرفته شود.... ایران تا به حال خواستار

<sup>x</sup> در صفحات قبل به مواضع ایران و امریکا در سازمان ملل اشاره شد که از تکرار آن در اینجا اجتناب می‌شود.

آن بود که ابتدا کمیته تعیین مت加وز تعیین شود ولی فعلاً با توجه به شرایط جدیدی که پیش آمده است، از آن شرط خود صرف نظر کرده‌ایم ... وقتی به ما اطمینان دادند که ترکیب کمیته تعیین مت加وز به گونه‌ای خواهد بود که واقعاً به حق رسیدگی می‌کند، ما از شرط قبلی خود صرف نظر کردیم. »<sup>۹۶</sup>

بدین ترتیب، در جلسه‌ای که به ریاست رئیس‌جمهور وقت، آیت‌الله خامنه‌ای و با حضور مسئولان عالی رتبه کشور در ۲۶ تیر ۱۳۶۷ تشکیل شد، پایان جنگ با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به تصویب رسید<sup>۹۷</sup> و امام راحل بر آن صحه گذاشتند و پذیرفتد که قبول قطعنامه به صلاح نظام و انقلاب است. <sup>۹۸</sup> دریی این تصمیم رئیس‌جمهور در نامه‌ای به دبیر کل سازمان ملل نوشتند:

«ایران تصمیم گرفته است که رسمًا قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را به خاطر اهمیتی که برای حفظ جان انسان‌ها، برقراری عدالت و صلح و امنیت منطقه و بین‌المللی قائل است، بپذیرد. »<sup>۹۹</sup>

خاویر پرزدکوئیار، دبیر کل سازمان ملل نیز روز دوشنبه اعلام کرد، ایران قطعنامه ۵۹۸ را رسمًا و بدون قید و شرط پذیرفت. <sup>۱۰۰</sup> وی بلافاصله از رئیس شورای امنیت درخواست کرد تا اعضای شورای امنیت را برای مشورت گرد هم آورد. <sup>۱۰۱</sup> وی همچنین، اظهار امیدواری کرد که یک هفته تا ده روز دیگر آتش‌بس برقرار شود. <sup>۱۰۲</sup> همچنین، محلاتی، نماینده وقت جمهوری اسلامی در سازمان ملل با خوش‌بینی اعلام کرد:

«تصور نمی‌کنم عراقی‌ها در شرایطی باشند که بتوانند در برابر پایان بخشیدن به جنگ مقاومت کنند. »<sup>۱۰۳</sup>

## بازتاب پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در ایران

واحد پخش خبر را دیرو در ساعت ۲ بعدازظهر ۲۷ تیر ۱۳۶۷ بدون هیچ

مقدمه‌ای اعلام کرد، جمهوری اسلامی ایران قطعنامه ۵۹۸<sup>۱۰۴</sup> شورای امنیت را قبول کرده است. مردم، به‌ویژه رزمندگان و افراد حزب الله‌ی و متدین و تمام کسانی که در داخل و خارج کشور نسبت به نظام جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی تعلق خاطر داشتند، با انتشار این خبر، شگفتزده و کامل‌اغافل‌گیر شدند و موجی از نگرانی در میان مردم پدید آمد.<sup>۱۰۴</sup> برابر گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، در نخستین ساعت‌های برای بسیاری از مردم این اقدام قابل قبول نبود و قطرات اشک و چهره‌های برافروخته آنها حکایت از همین مسئله داشت.<sup>۱۰۵</sup> همچنین بیشتر کسانی که خبر نیم‌روزی رادیو را نشنیده بودند، بیانیه جمهوری اسلامی را شایعه‌ای بی‌اساس و دور از سیاست مسئولان خواندند. حتی شایعه شده بود که به‌دلیل فوت امام قطعنامه پذیرفته شده است!<sup>۱۰۶</sup>

واکنش اولیه مردم در داخل کشور حکایت از اهمیت موضوع و نشان‌دهنده احساس ناباوری درباره آن بود. پیش از این نیز، پس از سقوط فال و بازپس‌گیری برخی از مناطق تصرف شده به دست ارتش عراق، نوعی ابهام و ناباوری در میان مردم دیده می‌شد که با اعلام موافقت ایران با قطعنامه ۵۹۸<sup>۱۰۷</sup> این پدیده در ابعاد گسترده‌تری بار دیگر آشکار شد. باورهای مردم درخصوص جنگ که حاصل تبلیغات موجود مبنی بر برتری قوای خودی و ضعف دشمن بود باعث شد به تدریج میان درک مردم و واقعیات صحنه جنگ شکاف نسبتاً عمیقی به وجود آید که در نتیجه، برتری نظامی عراق در ماههای پایانی و قبول قطعنامه ۵۹۸ به‌وسیله ایران قبل فهم و هضم نبود.

با توجه به اهمیت تبیین پذیرش قطعنامه ۵۹۸ برای مردم، رهبر فقید انقلاب اسلامی، امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) در پیام استقلامت که به مناسبت فرار سیدن ایام حج تنظیم شده بود، توضیحاتی را فرمودند که بی‌شک موجب توجیه و التیام مردم، به‌ویژه رزمندگان اسلام شد که در غیر این صورت،

امکان مهار اوضاع در داخل کشور و جبهه‌های جنگ بسیار دشوار می‌شد. امام در این پیام در مورد علت قبول قطع نامه فرمودند:

« قبول قطع نامه که حقیقتاً مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود ، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم ، ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می‌کنم و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی - نظامی سطح بالای کشور که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم با قبول قطع نامه و آتش‌بس موافقت نمودم و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم . »<sup>۱۰۷</sup>

امام در این پیام علل پذیرش قطع نامه را تغییر شرایط بیان کردند ولی به دلیل مصالحی از ذکر آن خودداری و اظهار امیدواری کردند در آینده روشن شود.

امام در آن وضعیت ملتهب و دشوار برای جلوگیری از تشدید چند دستگی و بحران در کشور، بهترین روش را انتخاب کرده و از بیان مسائلی که بخشی از آنها ریشه در گذشته داشتند، خودداری کردند تا جمهوری اسلامی ایران بتواند استراتژی جدید خود را که ناشی از وضعیت سیاسی-نظامی جدید بود به خوبی پیگیری کرده و به موفقیت برساند و این هدف جز با وحدت و انسجام داخلی دست یافتنی نبود. امام در بخش دیگری از پیام خود با توجه به ضرورت پشت سر نهادن این مرحله حساس، فرمودند:

« در این روزها ممکن است بسیاری از افراد به خاطر احساسات و عواطف خود صحبت از چراها و بایدیها و نبایدیها کنند که هر چند این مسئله به خودی خود یک ارزش بسیار زیباست ، اما اکنون وقت پرداختن به آن نیست . »

امام بار دیگر با تعبیر دیگری در باه تلخی پذیرش قطع نامه فرمودند:

«قبول این مسئله [قطع نامه] برای من از زهر کشنده تر است، ولی راضی به رضای خدایم و برای رضاایت او این جرعه را نوشیدم.»

سپس امام اظهار امیدواری کردند، تلخی این روزها به شیرینی فرج حضرت بقیه الله (ارواح النّار) مقدمه الفداء) و رسیدن به لقای حق جبران شود.<sup>۱۰۸</sup> در این حال، اظهارات برخی از شخصیت‌ها و مسئولان نظام برای ایجاد اطمینان نسبت به پی‌آمدهای پذیرش قطع نامه ۵۹۸ه قابل توجه بود. آیت‌الله خامنه‌ای در نماز جمعه تهران فرمودند:

«پذیرفتن این قطع نامه معنای برگشت از شعارهای اصولی انقلاب اسلامی نیست.»<sup>۱۰۹</sup>

حجت‌الاسلام کروی، نایب‌رئیس وقت مجلس شورای اسلامی نیز گفت: «پذیرش آتش‌بس برای حفظ انقلاب است و جنگ هم برای حفظ انقلاب می‌باشد.»<sup>۱۱۰</sup>

آقای هاشمی، جانشین فرماندهی کل قوانیز این اقدام را به مصلحت انقلاب و نظام و در جهت مصالح اسلام و امت خواند. وی ابراز امیدواری کرد:

«در صورتی که عراق پس از این از قبول قطع نامه ۵۹۸ خودداری کند، این به نفع ما خواهد بود، زیرا حربه عوام فریبانه‌ای از عراق گرفته خواهد شد و دنیا نیز دیگر نمی‌تواند بگوید، ایران قطع نامه را قبول نکرده است.»

آقای هاشمی این اقدام را یک "گام سیاسی مؤثر" عنوان کرد و گفت: «من امکان رسیدن به صلح و آرامش را بعيد نمی‌دانم، ولی نسبت به آن هم زیاد خوشبین نیستم.»<sup>۱۱۱</sup>

اقدام ایران در پذیرش قطع نامه ۵۹۸ه، علاوه بر داخل، بازتاب نسبتاً گسترده‌ای در کشورها و رسانه‌های خبری جهان داشت. سخنگوی وزارت خارجه امریکا با استقبال از اقدام ایران، گفت:

«این اولین گام در راه صلح است.... تأکید ما بر اجرای کامل قطع نامه ۵۹۸ه

است و ایالات متحده در این راه تلاش خواهد کرد. »<sup>۱۱۲</sup>

امريکابي ها كه تصميم ايران را به منزله پيروزى مهم برای سياست خارجى ريگان ارزيايى مى کردند<sup>۱۱۳</sup>، کارشکنی در اجرای قطع نامه را به معنای مقابله با دست آوردهای سياست خارجی امريكا دانسته و در اندیشه تلاش برای سازمان دهی فشار بین المللی بر طرف خاطری و متمرد بودند.<sup>۱۱۴</sup> سخنگوی وزارت خارجه امريکا با توجه به اقدام ايران در پذيرش قطع نامه گفت:

«حال که ايران قطع نامه آتش بس را پذيرفته است، کوشش های امريکا برای تحمييل آن بر ايران به کنار گذارده خواهد شد. »<sup>۱۱۵</sup>

در اين حال، "شولتز"، وزير خارجه امريكا اعلام کرد:

«امريکا مайл به تجدید مناسبات مستقييم با نمايندگان معتبر دولت تهران است. »<sup>۱۱۶</sup>

مقامات وزارت خارجه امريکا معتقد بودند در عین حالی که قبول قطع نامه می توانست به رفع موانع در روابط ايران و امريكا کمک نماید ولی سه مسئله همچنان به عنوان موانع اصلی بر سر راه رابطه با تهران وجود داشت که گروگان گيري در لبنان يكی از آن مسائل بود.<sup>۱۱۷</sup>

شوروي هانيز با اعلام رضایت عميق خود از تصميم تهران تأكيد کردند، رهبران شوروی بارها در سطوح مختلف مسئولان ايران را به قبول قطع نامه ۵۹۸ دعوت کرده بودند.<sup>۱۱۸</sup> معاون وزير خارجه انگلیس هم با توجه به واکنش های عراق تأكيد کرد:

«باید در این زمینه مواظب باشیم و قبل از اتمام بازی، توپ را رها نکنیم.... اکنون باید دید که عراق نیز آماده پذيرفتن طرح اجرایی دبير كل سازمان ملل هست یا نه؟ »<sup>۱۱۹</sup>

"گنشر"، وزير خارجه وقت آلمان نيز تصميم ايران را سرنوشت ساز و گامي

برای پایان جنگ خواند و در سخنانی گفت:  
**«شخصاً در مذاکرات مقدماتی برای قبول قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل توسط ایران شرکت داشته است.»<sup>۱۲۰</sup>**

کشورهای منطقه با توجه به روند رو به گسترش جنگ در منطقه خلیج فارس، تصمیم ایران را به منزله یک گام اساسی و جدی برای پایان دادن به جنگ ارزیابی و از آن استقبال کردند و در این میان، بیش از همه دولتها کویت و سعودی از اقدام ایران تسکین یافتند.<sup>۱۲۱</sup>

”عوامل پذیرش قطع نامه ۵۹۸“ از سوی ایران، به صورت گسترده‌ای مورد تجزیه و تحلیل تحلیل‌گران و کارشناسان مسائل منطقه و جنگ ایران و عراق قرار گرفت و در رسانه‌های خبری منعکس شد. آنچه مورد توجه این تحلیل‌ها بود شامل عوامل نظامی در صحنه جنگ و عوامل مؤثر داخلی ایران می‌شد. عوامل دیگری نیز وجود داشت که به آنها اشاره خواهد شد.

در میان عوامل نظامی، ”استراتژی نیرومند عراق“<sup>۱۲۲</sup> در مقایسه با ایران و در نتیجه، شکست‌های نظامی ایران<sup>۱۲۳</sup> در جبهه‌ها و کاهش روحیه نیروهای نظامی ایران<sup>۱۲۴</sup> بیش از همه مؤثر بوده است، زیرا برتری عراق سبب شد تا این احساس در ایران به وجود آید که راه حل نظامی برای پایان جنگ امکان‌پذیر نیست. همچنین پیروزی‌های نظامی عراق عملاً یکی از مواد قطع نامه ۵۹۸ مبنی بر عقب‌نشینی به مرزهای پیش از جنگ را تحقق بخشید<sup>۱۲۵</sup> و زمینه‌های پایان جنگ را فراهم ساخت. افزون بر این، توانایی عراق برای کشاندن جنگ به داخل خاک ایران که با حمله به دهلران صورت گرفت<sup>۱۲۶</sup>، موجب نگرانی ایران شده بود. همچنین، عدم دست‌یابی به نتایج قطعی و تعیین‌کننده در حملات پرهزینه و پر تلفات سال گذشته آن (۱۳۶۵) به شهر بندری بصره، جمهوری اسلامی ایران را به این نتیجه رساند که قادر به پیروزی در جنگ نیست.<sup>۱۲۷</sup> ”پدیده جنگ شهرها“، استفاده فزاینده و

موقیت‌آمیز عراق از جنگ افزارهای شیمیایی و حملات عراق علیه تأسیسات نفتی و خطوط کشتیرانی ایران که باعث کاهش بنیه اقتصادی ایران شد<sup>۱۲۹</sup>، از دیگر عوامل نظامی در پذیرش قطعنامه شورای امنیت از سوی ایران بودند.

آن‌چه به عنوان عوامل داخلی ایران برای پذیرش قطعنامه ذکر شده است عمده‌اً شامل "وضعیت ناسامان و وخیم اقتصادی ایران"<sup>۱۳۰</sup>، "انزواه سیاسی ایران"<sup>۱۳۱</sup>، "اختلافات داخلی"<sup>۱۳۲</sup> وجود نوعی مبارزه قدرت<sup>۱۳۳</sup> و افزایش قدرت میانه روهای در دستگاه حکومت ایران<sup>۱۳۴</sup> می‌باشد. برخی از تحلیل‌گران نیز با توجه به خبرهای موجود مبنی بر تماس‌های محترمانه میان مقامات ایران و امریکا به منظور دست‌یابی به "تضمین" در خصوص موافقت رسمی ایران با قطعنامه ۵۹۸<sup>۱۳۵</sup>، بر این مسئله پاکشایی می‌کردند که ایران بر اثر فشارهای امریکا قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت. امریکایی‌ها نیز چنان‌که پیش از این اشاره شد این رخداد را به منزله پیروزی در سیاست خارجی خود ارزیابی کردند. "هارولد براون"، وزیر دفاع سابق امریکا با توجه به ملاحظات موجود، حضور امریکا را دارای اثر ذکر کرد ولی در همان حال گفت:

«ما در امریکا همواره خود را علت همه چیز می‌دانیم، اما واقعیت این طور نیست.»<sup>۱۳۶</sup>

برخی از تحلیل‌گران علاوه بر تأثیر حضور امریکا در منطقه، پشتیبانی یک جانب این کشور از عراق و کمکهای اطلاعاتی<sup>۱۳۷</sup> به آن را در اتخاذ تصمیم ایران مؤثر می‌دانستند.<sup>۱۳۸</sup> در مقابل گروهی دیگر از صاحب‌نظران معتقد بودند که این گونه تحلیل‌ها اساساً با هدف مخدوش کردن صلح‌جویی ایران است<sup>۱۳۹</sup>، زیرا از مدتی قبل، ایران برای یافتن راه پایان دادن به جنگ از طریق میانجی‌گری به جای یک راه حل نظامی، سرگرم بررسی وسائل و ابزارهای مختلف بوده است.<sup>۱۴۰</sup> یکی از تحلیل‌گران پذیرش قطعنامه را در ادامه سیاستی دانست که ایران از تابستان سال گذشته اتخاذ کرد. وی معتقد بود

که تمام کردن جنگ از طریق مذاکره صلح با عراق، مسئله‌ای صدرصد تازه نیست. وی سپس درباره علت اقدام ایران گفت:

«فرض کنید، اگر دو مسئله در مقابل ایران بود، یکی ادامه جنگ و دیگری، پایداری انقلاب ایران، برای دولتمردان ایران در حال حاضر مسئله مهم‌تر این بود که اگر قطع جنگ به نفع انقلاب ایران است، آن اشکالی ندارد. »<sup>۱۴۱</sup>

خبرگزاری رویتر در تأیید این نظر گزارش داد که برخی از دیپلماتها و تحلیل‌گران بر این باور بودند که رهبران ایران بیش از دوراه پیش روی خود نمی‌دیدند: یکی ادامه جنگی که دیگر نمی‌توانستند برنده آن باشند، و دیگری حفظ انقلاب اسلامی در شرایطی که تزلزل سیاسی روز افزونی موجودیت آن را به خطر انداخته بود.<sup>۱۴۲</sup> به همین دلیل، این تصمیم ایران را به عنوان موفقیت امام خمینی خوانند.<sup>۱۴۳</sup>

### واکنش عراق در برابر پاسخ مثبت ایران به قطع نامه ۵۹۸

رژیم عراق به دلیل برخورداری از برتری نظامی، خودداری ایران از پذیرش قطع نامه ۵۹۸ را به سود خود ارزیابی می‌کرد زیرا به آن کشور امکان می‌داد تا حملات خود را به داخل خاک ایران ادامه دهد. بنابراین، عراق از تصمیم ایران ناخشنود بود، چنان‌که تا چهار ساعت پس از اعلام پذیرش قطع نامه ۵۹۸ به وسیله ایران، رادیو عراق سکوت اختیار کرده و خبرگزاری عراق نیز هیچ گزارشی در این باره منتشر نکرد.<sup>۱۴۴</sup> "لطیف نضیف جاسم"، وزیر فرهنگ و اطلاعات وقت عراق در نخستین واکنش رسمی عراق گفت:

«ما و جهانیان خبری را که از رادیو تهران به زبان فارسی پخش شد، دایر بر این که ایران به دیرکل سازمان ملل رسماً موافقت خود را با قطع نامه ۵۹۸ اعلام داشته است، شنیدیم. »<sup>۱۴۵</sup>

وی در ادامه سخنان خود تمایل به صلح عادلانه و شرافتمندانه طبق

اصلی که در سخنان صدام حسین به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب ۱۷ ژوئیه آمده بود را مورد تأکید قرار داد.<sup>۱۴۶</sup> این موضع گیری با تأکید بر پیشنهاد صدام برای تحقق صلح به جای قطعنامه ۵۹۸۴، نخستین نشانه آشکار و احتیاط آمیز در مخالفت عراق با برقراری آتش بس بود.<sup>۱۴۷</sup>

پس از آن که معاون وقت خاورمیانه‌ای وزارت خارجه ایران عقبنشینی نیروهای ایران را به مرزهای شناخته شده بین‌المللی اعلام کرد، یک سخن‌گوی نظامی عراق در سخنان تهدیدآمیزی گفت:

«بخش‌هایی از خاک ما همچنان در دست ایران است که باید آنها را تخلیه کند، و آلا ایران را با تحمل تلفات بسیار به این کار وادار خواهیم کرد.»<sup>۱۴۸</sup>

در همین حال، رادیو عراق تا ۲۴ ساعت پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸۴ به وسیله ایران، همچنان بربتری نظامی عراق، و شکست و ضعف ایران و شرایط عراق برای پایان جنگ تأکید می‌کرد.<sup>۱۴۹</sup>

عراقی‌ها ضمن حفظ روحیه جنگی و تأکید بر هوشیاری نظامی، هدف صلح‌جویانه ایران را در پذیرش قطعنامه مورد تردید قرار می‌دادند. «عصمت کتانی»، نماینده عراق در سازمان ملل پس از دیدار با دبیرکل وقت، در گفت و گو با خبرنگاران گفت:

«آن‌چه که واقعاً اهمیت دارد، برقراری آتش بس نیست! بلکه آن است که بدانیم آیا ایران مانند عراق واقعاً آماده است، یک صلح فراگیر، پایدار و شرافتمندانه را پیذیرد یا خیر؟»<sup>۱۵۰</sup>

در همین چارچوب طارق عزیز، وزیر خارجه وقت عراق نیز گفت:

«احتمال می‌رود، تصمیم اخیر ایران یک تصمیم تاکتیکی باشد که به‌منظور کسب وقت و فریب دادن برای آماده شدن جهت تجاوز بیشتر باشد.»

وی در ادامه تأکید کرد:

«منطق حکم می‌کند که جنگ را هنوز بر قرار بدانیم.»<sup>۱۵۱</sup>

این موضع گیری‌ها به روشنی مقاصد احتمالی عراق را برای تهاجم به داخل خاک ایران آشکار می‌ساخت.

در شرایطی که امیدواری بسیار زیادی برای پایان جنگ به وجود آمده بود، عراق با ایجاد تردید در مقاصد صلح‌جویانه ایران، به منظور زمینه‌سازی و کسب آمادگی برای اقدام نظامی علیه این کشور، نگرانی‌های جدیدی را به وجود آورد. روزنامه گاردین چاپ لندن این اقدام عراق را تلاشی آشکار برای به تعویق انداختن آتش‌بس دانست و افزود:

« دیپلمات‌ها معتقدند ، این امر باعث " تداوم نامحدود جنگ " خواهد شد . »<sup>۱۵۲</sup>

برخی از نشریات امریکا نیز در سرمهالهای خود با بررسی اوضاع منطقه پیشنهاد کردند هدف اول طراحان سیاست خارجی امریکا باید این باشد که عراق را به پذیرش ابتكار سازمان ملل وادار کنند. <sup>۱۵۳</sup> مقام‌های رسمی امریکا در اظهارات خود تلویحاً عراق را در صورت ادامه این روند، تهدید کردند. یک مقام امریکایی در گفت‌وگو با روزنامه کویتی " القبس " گفت:

« طرفی که تلاش کند در اجرای قطع نامه ۵۹۸ کارشکنی نماید ، خود را درگیر مشکلاتی با امریکا خواهد دید و به وسیله جامعه بین‌المللی زیر فشار قرار خواهد گرفت . »<sup>۱۵۴</sup>

حتی سفیر وقت امریکا در سازمان ملل عراق را به تحریم تسلیحاتی تهدید کرد و گفت:

« تحریم اسلحه علیه هر کشوری که از تصمیمات شورا سرپیچی کند ، اعمال خواهد شد . البته ، اگر عراق نیز سرپیچی کند ، تحریم اسلحه مطرح خواهد شد . »<sup>۱۵۵</sup>

عراقی‌ها با پیش‌بینی و مشاهده نشانه‌هایی مبنی بر اعمال فشار × براین

---

× در این مرحله ، فشار امریکا بر کشورهای اروپایی و عربستان سعودی برای متقاعد کردن عراق جهت خاتمه جنگ به نحوی آشکار افزایش یافت و در رسانه‌های خبری نیز منتشر شد.

کشور برای پذیرش آتشبس، ضمن کسب آمادگی نظامی، بر دامنه اقدامات دیپلماتیک خود افزودند. به گزارش روزنامه کویتی "الاباء" یک فرستاده ویژه دولت عراق مأموریت یافت تا در سفر به کشورهای عربی حوزه خلیج فارس که از موافقت رسمی ایران با قطع نامه ۵۹۸ به گرمی استقبال کرده و خواهان برقراری فوری آتشبس و امنیت در منطقه بودند، سیاست جدید عراق مبنی بر لزوم ادامه عملیات نظامی علیه ایران را به تأیید این کشورها برساند.<sup>۱۵۶</sup> طارق عزیز نیز در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل، پنج پیشنهاد را در مورد قطع نامه ۵۹۸ به عنوان گامهای عملی، به ایران و دبیرکل ارائه کرد. در بندهای این نامه به مذاکره مستقیم میان نمایندگان صلاحیت‌دار عراق و ایران زیر نظر دبیرکل اشاره شده و در بندهای دو نیز با توجه به اهمیت مسئله اروندرود پیشنهاد شده بود که جهت فراهم کردن امکان کشتی رانی برای سازمان‌های متخصص در سازمان ملل این منطقه پاسخ مثبت داده شود. در بندهای این نامه، تضمین حقوق کامل عراق برای کشتی رانی در آبراه اروندرود، خلیج فارس و تنگه هرمز درخواست شده بود. تأکید بر این مفهوم در واقع، بازگشت به قبل از قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر بود که پیش از این، عراق به صورت یک جانبی آن را ملغی کرده بود. در پایان نامه نیز اظهار امیدواری شده بود که ایران به این پیشنهادها پاسخ مثبت داده و دبیرکل در برداشتن گامهای لازم برای اجرای آن، ابتکار عمل را به دست گیرد.<sup>۱۵۷</sup> این پیشنهادها همان گونه که از مفاد آن روشن بود نوعی مقابله با قطع نامه ۵۹۸ و اقدامات دبیرکل در اجرای این قطع نامه به شمار می‌رفت.<sup>۱۵۸</sup>

در همین روند، سخنگوی وزارت خارجه عراق اعلام کرد، خودداری ایران از مذاکره مستقیم به معنای رد قطع نامه شورای امنیت است. دیگر مقامهای عراقی نیز در اظهارات خود بر این موضوع تأکید کردند. همچنین در پی تصمیم دبیرکل برای اعزام یک تیم نظامی به بغداد و تهران، عصمت کتانی،

نماینده عراق در سازمان ملل مخالفت خود رااعلام کرد و گفت:

«تاریخی که باید توپ‌ها را ساکت کند، یک تصمیم سیاسی است که به وسیله

وزرای خارجه گرفته می‌شود... دولت متبععش بررسی می‌کند، آیا این تیم را

<sup>۱۶۰</sup> بپذیرد یا نه!»

در مقابل، نماینده دائمی وقت ایران در سازمان ملل با تحویل نامه وزیر خارجه به دبیرکل آمادگی جمهوری اسلامی ایران را برای پذیرش تیم اعزامی سازمان ملل اعلام کرد.<sup>۱۶۱</sup> برخی از دیپلمات‌های نیویورک با مقایسه واکنش ایران و عراق در برابر پیشنهاد دبیرکل برای اعزام تیم نظامی به دو کشور، برخورد عراق را "توسل به نیرنگ" خوانند.<sup>۱۶۲</sup> خبرگزاری آلمان غربی نیز با بیان این مطلب که عراق در موقعیت نامطلوب "اجبار به رد کردن آتش‌بس" قرار دارد، درخواست این کشور را برای مذاکره مستقیم صلح با ایران، به شرط قدیمی اسرائیل برای صلح با اعراب تشبيه کرد.<sup>۱۶۳</sup> تشدید تحرکات دیپلماتیک دو کشور و تلاش‌های فریب‌کارانه عراق برای جلوگیری از برقراری آتش‌بس باعث شد تا این مفهوم تداعی شود که "جنگ صلح" آغاز شده است.<sup>۱۶۴</sup>

در این حال، دبیرکل سازمان ملل اعلام کرد، از وزیران امور خارجه دو کشور خواسته است، به نیویورک سفر کنند تا در مورد اجرای قطع نامه ۵۹۸ بحث شود. وی در پاسخ به این پرسش که "آیا مذاکرات مستقیم انجام خواهد شد؟" گفت:

«من مذاکرات را با طرفین انجام خواهم داد و هیئت نظامی در هفته آینده به

<sup>۱۶۵</sup> منطقه اعزام خواهد شد.»

در حالی که دبیرکل سازمان ملل به تلاش‌های خود برای اجرای قطع نامه همچنان ادامه می‌داد، هیچ امیدواری برای مقابله با مانع تراشی‌های عراق و اقدامات احتمالی نظامی این کشور وجود نداشت. عراق با درک این مسئله، به

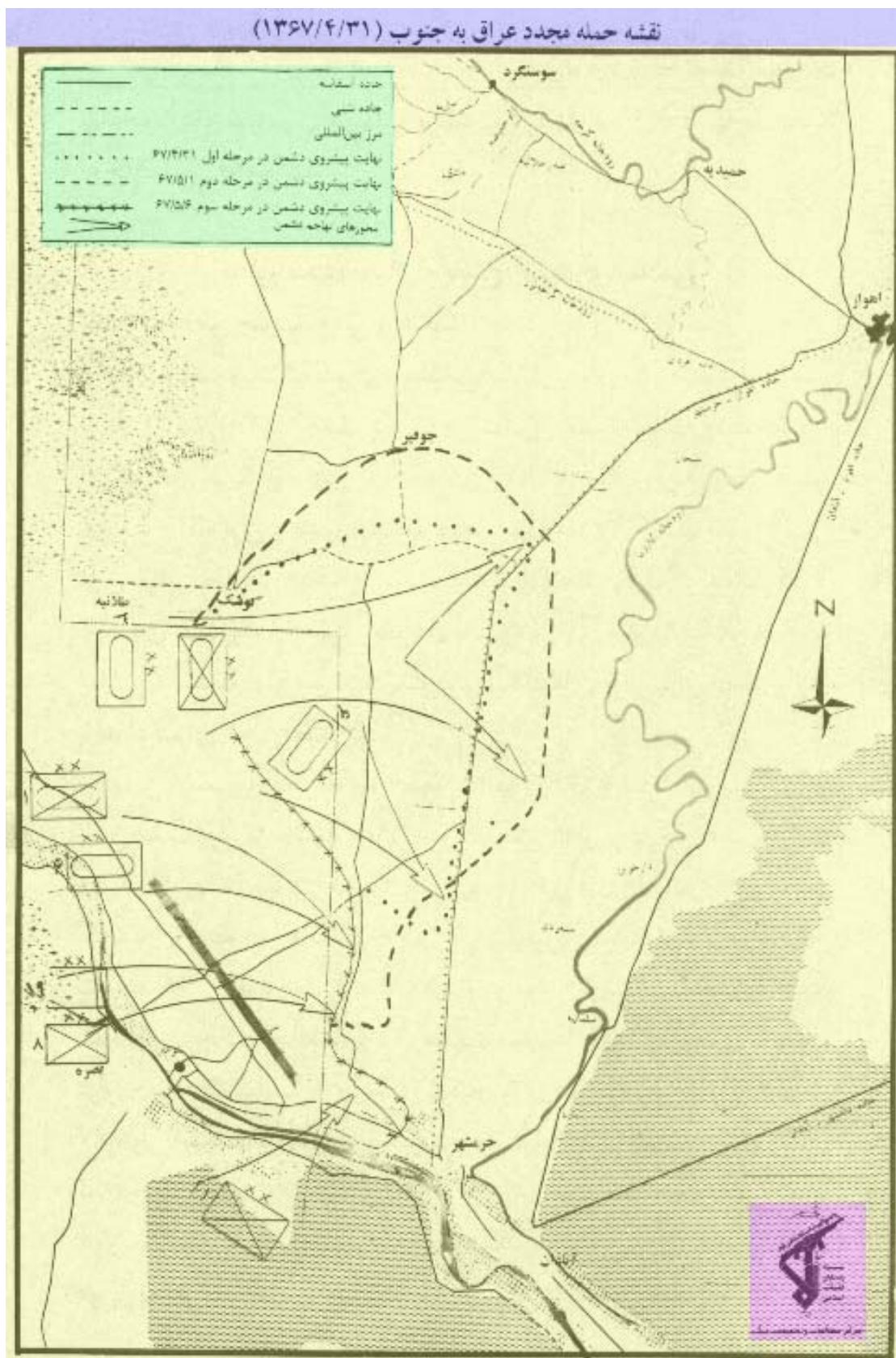
بهانه‌جویی‌های سیاسی و تبلیغاتی پرداخت تا زمینه را برای آغاز تهاجم مجدد به خاک ایران فراهم کند.

## تجاوز مجدد عراق و پاسخ جمهوری اسلامی

### تجاوز به مناطق جنوب، میانی و غرب

برگزاری جلسه مشترک شورای فرماندهی انقلاب عراق به ریاست صدام در تاریخ ۳۰ تیر ۱۳۶۷<sup>۱۶۶</sup>، نشان داد که دولت عراق تصمیم گرفته است دست به یک اقدام نسبتاً مهم بزند که نشانه‌های آن با آغاز پیش‌روی نیروهای ارتش عراق به خاک ایران و صدور اطلاعیه نظامی شماره ۳۲۶۹ آشکار شد. ارتش عراق در این اطلاعیه هدف از این عملیات را که عملیات "توکل‌ناعلی‌الله"<sup>۱۶۷</sup> نام‌گذاری شده بود، آزاد کردن باقی‌مانده سرزمین‌های عراق، انهدام نیروهای ایران و به اسارت درآوردن تعداد بیشتری از نیروهای ایرانی برای ایجاد برابری با تعداد اسرای عراقی اعلام کرد.<sup>۱۶۸</sup>

بدین ترتیب، از سحرگاه روز جمعه ۳۱ تیر ۱۳۶۷ و تنها سه روز پس از پاسخ مثبت ایران به قطعنامه ۵۹۸۴ و در شرایطی که وزیر خارجہ وقت ایران در حال مذاکره با دبیر کل سازمان ملل بود<sup>۱۶۹</sup>، نیروهای دشمن از دو محور "کوشک" و "سلمچه" به داخل خاک ایران پیش‌روی کردند. دشمن در محور شلمچه، کانال شهید ادب را تصرف کرد و در محور کوشک با تصرف جاده "المهدی" به حاشیه جاده اهواز-خرمشهر رسید. بنابراین گزارش‌های موجود، عراق حدود ۳۰ کیلومتر از جاده ۱۲۵ کیلومتری اهواز-خرمشهر را از کیلومتر ۶۰ اهواز به سمت خرم‌شهر به تصرف خود درآورد و با استفاده از نیروهای کماندویی و زرهی تلاش زیادی به عمل آورد تا از محور شلمچه و محور جاده اهواز-خرمشهر شهر خرم‌شهر را محاصره کند.<sup>۱۷۰</sup> در این میان، حجم حملات هوایی دشمن نیز افزایش یافت. در پایان این روز، نیروهای دشمن با پشت‌سر



نقشه حمله مجدد عراق به جنوب (۱۳۶۷/۴/۳۱)

گذاشتن جاده اهواز - خرمشهر حدود دو کیلومتر از جاده شهید "شرکت" × را تصرف کرده و در پنج کیلومتری قرارگاه کربلا مستقر شدند.

انتشار خبر پیش روی دشمن به سمت جاده اهواز - خرمشهر یادآور رخدادهای آغاز جنگ بود و بازتاب گستردگی در میان مردم به ویژه اهالی استان خوزستان داشت. در پی این حادثه، مردم بار دیگر احساس خطر کرده و بسیج شدند. نیروهایی که هشت سال در جبهه‌ها حضور داشته و بسیاری از آنها بارها زخمی شده بودند، دوباره به جبهه‌ها آمدند.<sup>۱۷۰</sup> استاندار خوزستان در گزارشی اعلام کرد:

«با وجود پیش روی دشمن تا آستانه شهر اهواز، اوضاع در تمام محورهای جنگ با توجه به حضور گسترده مردمی، کاملاً دگرگون شده است و وضع عمومی استان خوب است.... برای رفع تهاجم و پیش گیری از هر نوع حمله علیه شهرهای استان، مردم شهرهای سوسنگرد، اهواز، شوش، اندیمشک، دزفول را سازمان دهی و مسلح کرده‌ایم تا در صورت تهاجم دشمن، از شهرها محافظت کنند.»<sup>۱۷۱</sup>

در پی دگرگونی در روحیه و نگرش حاکم بر جامعه درباره تجاوز نیروهای ارتش عراق، سپاه نیز خطوط دفاعی را برای مقابله با پیش روی دشمن تشکیل داد. مجموعه این رخدادها که تا اندازه‌ای برای عراق غیر قابل پیش‌بینی بود، زمینه را برای تغییر اوضاع به سود ایران فراهم کرد. در چنین شرایط دشواری که خرمشهر و اهواز در معرض اشغال قرار داشتند، حاج سید احمد خمینی پیام امام را تلفنی برای فرمانده وقت سپاه این چنین قرائت کرد:

«این نقطه حیاتی کفر و اسلام است. یعنی نقطه شکست یا پیروزی، یا اسلام یا کفر است و باید متر به متر جنگید و هیچی از هیچ کس پذیرفته نیست و این جا

---

× جاده شهید شرکت، دارخوین را به کیلومتر ۸۰ جاده اهواز - خرمشهر (ایستگاه راه آهن حسینیه) متصل می‌کند. از آن جا که در هفت کیلومتری امتداد جاده شهید شرکت، قرارگاه کربلا قرار داشت، دشمن با این پیش روی در فاصله پنج کیلومتری این قرارگاه استقرار یافت.

نقطه‌ای است که یا موجب می‌شود سپاه حیات پیدا کند دوباره در کشور و یا برای همیشه یک سپاه ذلیل و مرده‌ای بشود. »<sup>۱۷۲</sup>

امام در شرایطی دشوار و سرنوشت‌ساز برای مقابله با استراتژی جدید دشمن، در این بیام، سپاه را مورد خطاب قرار داده. و به یک معنا، سرنوشت حاکمیت اسلام یا کفر را با نتیجه استراتژی جدید دشمن و نیز سرنوشت سپاه را با تلاش‌های دشمن پیوند داده‌اند.

پیام امام بلافضله در میان فرماندهان سپاه، قرارگاهها و رزمندگان بسیجی و سپاهی منتشر شد و روح مقاومت و حماسه را در آنها احیا کرد. چنان‌که به تعبیر جانشین فرماندهی کل قوا، بوی شاط و جهاد در همه جا به مشام می‌رسید. <sup>۱۷۳</sup> از بعدازظهر روز جمعه، با شکل‌گیری محورهای مقاومت و ظهرور رشادت و حماسه رزمندگان - همانند نخستین روزهای مقاومت در برابر دشمن در سال ۱۳۵۹ - به تدریج خسارات و تلفات فراوانی بر نیروهای دشمن وارد شد. در ادامه این تلاش‌ها، بعدازظهر روز شنبه، پادگان حمید از اشغال نیروهای دشمن خارج گردید. <sup>۱۷۴</sup> این رخداد نظامی که موجب تقویت روحیه نیروهای خودی شد، آغاز شکست نیروهای دشمن بود. در چنین شرایطی، سخن‌گوی نظامی عراق آمار اسرای عملیات "توکل‌ناعلی‌الله" (تھاجم عراق به خاک ایران پس از پاسخ مثبت ایران به قطعنامه ۵۹۸) را در منطقه جنوب × ۱۷۷۲ تن و در منطقه سپاه دوم ۶۸۶۳ تن و در مجموع ۸۶۳۵ تن ذکر کرد. <sup>۱۷۵</sup> البته، این سخن‌گو پس از پذیرش آتش‌بس به وسیله کشورش آمار و ارقام جدید و قابل تأییل درباره غنائم<sup>۱۷۶</sup> عملیات یاد شده ارائه داد که اگر

✗ مسئولیت پدافند منطقه جنوب از فاو تا چزابه بر عهده سپاه و از منطقه چزابه تا قصر شیرین بر عهده ارتش بود. ارتش عراق پس از حمله به منطقه تحت مسئولیت سپاه، به منطقه تحت مسئولیت ارتش حمله کرد.

✗ آمار و ارقام جدیدی که عراق پس از آتش‌بس گزارش داد به این شرح است : ۱۴۱ دستگاه مخابراتی، ۸۶ دستگاه تلفن صحرایی، ۵۸ قبضه کلت، ۴۹ قبضه تفنگ منور، ۳ قبضه تفنگ نارنجکاندار، ۴۹ عدد قممه، ۸۰۶ عدد کلاه‌خود نظامی، ۱۹ فروند موشک زمین به زمین، ۵۹ دستگاه موشکاندار، ۲۷۳ دستگاه تانک، ۸۶۷ قبضه خمپاره‌انداز، ۲۴۱ دستگاه نفربر زرهی، ۳۴۴ عدد موشک ضدتانک، ۵ ←

درست باشند به روشنی نشان می‌دهد، دشمن در تأمین اهداف خود که انهدام نیروهای خودی و گرفتن اسیر بود، با شکست مواجه شد. عراقی‌ها برای تقویت روحیه نیروهای خود و بیان این‌که آنها در تجاوز به خاک جمهوری اسلامی ایران پیروز بوده‌اند، آمار اسرای ایرانی را اعلام کردند.

عملیات دشمن در جبهه میانی و غرب کشور شامل قصر شیرین، سرپل ذهاب، گیلان‌غرب و سرنشت بیشتر به منظور کاهش تمرکز نیروهای خودی در جبهه‌های جنوبی صورت گرفت. این عملیات‌ها در ابتدا با موفقیت‌هایی همراه بود، ولی به تدریج در اثر مقاومت نیروهای خودی و احتمال گرفتار شدن نیروهای محاصره شده دشمن، زمزمه‌هایی مبنی بر عقب‌نشینی عراق از مناطق یاد شده - همانند روزهای نخست جنگ - به گوش رسید.

در پی ناکامی نیروهای نظامی عراق در جبهه‌ها و همچنین، تحولات ایجاد شده در داخل ایران و فراخوانی و بسیج نیروها و بازیابی مجدد روحیه مقاومت مردم ایران، دولت عراق تنها ۲۴ ساعت پس از آغاز عملیات توکل‌ناعلی‌الله<sup>۴</sup> در ساعت ۲۲:۲۵ روز شنبه، از طریق تلویزیون دولتی با قطع برنامه‌های عادی عقب‌نشینی نیروهای مسلح خود را از منطقه جنوب رسماً اعلام کرد.<sup>۱۷۶</sup> در این میان، سخن‌گوی نظامی عراق تأکید کرد، نیروهای عراق به منظور دست‌یابی به صلح و بنابه دستور فرماندهی، عقب‌نشینی کرده‌اند!<sup>۱۷۷</sup> وزیر فرهنگ و اطلاعات وقت عراق نیز اقدام ایران در فراخوانی و بسیج نیروهای

← دستگاه خودروی پل سازی، ۴۸۵ قبضه موشک‌انداز سبک، ۴۹ قبضه توب خودکشی، ۱۹۹ قبضه توب مختلف، ۳۸۴ سکوی پرتاپ موشک استریلا، ۱۰۲۴ قبضه تیربار مختلف، ۲۱۴۵۵ قبضه تفنگ، ۸۵۸ عدد دوربین مختلف، ۲۲۵۴ دستگاه بی‌سیم، ۴۷۵۵ عدد ماسک، ۵۴۶۹ دست لباس ماسک، ۱۱۶۰ دستگاه خودروی مختلف، ۶۸ دستگاه تریلر کمرشکن‌های مختلف، ۱۵ دستگاه ژنراتور برق مختلف، ۷۰ دستگاه ماشین آلات مهندسی، ۱۰ دستگاه ماشین آلات کشاورزی، ۱۵ دستگاه موتور سیکلت، ۱۲ دستگاه ماشین تایپ، ۱۱۵ عدد قطب‌نما، ۳۰۱۳۷ عدد موشک ضد تانک، ۵۷۲ عدد موشک استریلا، ۴۶۴۶۲ عدد گلوله توب مختلف، ۱۰۴۷۱۲ عدد گلوله خمپاره‌انداز مختلف، ۱۰۵۳۷۹ عدد نارنجک ضد تانک، ۳۹۸۸۹ عدد نارنجک دستی، ۸۶۸۹ عدد گلوله موشک‌انداز، ۷۹۶۳۵۶ عدد گلوله ضد هوایی.

داوطلب را بهانه‌ای برای سرپوش گذاشتن بر حادث و رخدادهای پیشین جنگ ذکر کرد.<sup>۱۷۸</sup>

ازسوی دیگر، ارتش عراق در ۳ مرداد ۱۳۶۷ طی اطلاعیه نظامی شماره ۳۲۷۳ عقبنشینی از جبهه میانی و غرب کشور را اعلام کرد. در این اطلاعیه آمده است:

«در این عملیات، شهرهای قصرشیرین، سرپل ذهاب، گیلانغرب، سومار و صالح آباد، شهرک‌های گولان، سرنی و امیرآباد اشغال شد که پس از دست یابی به اهداف خود، فردا روز سه‌شنبه ۲۶ ژوئیه ۱۹۸۸ میلادی مصادف با ۱۲ ذی‌الحجہ ۱۴۰۸ هجری [قمیری] تمام نیروهای ما از این شهرها و شهرک‌ها خارج خواهند شد.»<sup>۱۷۹</sup>

عصمت کتانی، نماینده وقت عراق در سازمان ملل نیز در مصحابهای با تلویزیون "سی. بی. اس" امریکا اعلام کرد که: روز سه‌شنبه کلیه نیروهای عراقی خاک ایران را ترک خواهند کرد.<sup>۱۸۰</sup> عراقی‌ها پیش از این گفته بودند، به دلایل صرفاً تاکتیکی تنها برای ۲۴ ساعت تا ۳۶ ساعت در آن سوی مرز (در خاک ایران) مستقر خواهند شد.<sup>۱۸۱</sup> حال آن‌که ارتش عراق برخلاف آن‌چه اعلام کرده بود، پنج روز بعد، آن‌هم به دلیل شکست و انهدام نیروهایش، مجبور به عقبنشینی از خاک ایران شد به‌گونه‌ای که تنها در منطقه جنوب، ۱۸ تیپ زرهی و مکانیزه که قدرت اصلی نیروهای عراق را تشکیل می‌دادند، منهدم شدند.<sup>۱۸۲</sup>

ارتش متجاوز عراق در شرایطی دست به عقبنشینی زد که اوضاع در سطح بین‌المللی و در صحنه نظامی به زیان این کشور تغییر کرده بود. افزون بر این، تغییر وضعیت درونی ایران و فراخوانی نیروهای مردمی برای رویارویی با تجاوز عراق موجب نگرانی این کشور شده بود، چنان‌که روزنامه "الجمهوریه" در تحلیلی نوشت:

«ایران با اعلام بسیج عمومی و دعوت مردم جهت اعزام به جبهه‌ها ، به بهانه این که عراق بار دیگر تجاوز را آغاز کرده می‌خواهد احساسات ملی گرایانه مردم را به هیجان درآورد و روحیه از دست رفته آنان را دوباره زنده نماید . »<sup>۱۸۳</sup>

تجاوز مجدد عراق به خاک ایران و سپس ، عقبنشینی به مواضع اولیه ، در رسانه‌های خبری جهان بازتاب گسترده‌ای داشت . خبرگزاری فرانسه اقدام عراق را در راستای تشدید فشار نظامی به ایران ، برای کسب برتری و برخورداری از موقعیت بهتر به هنگام مذاکره صلح خواند .<sup>۱۸۴</sup> برخی از دیپلمات‌های بغداد نیز معتقد بودند ، عراق قصد دارد از قدرت تازه نظامی خود برای دست یافتن به ، صلح آن‌گونه که خود می‌خواهد استفاده کند .<sup>۱۸۵</sup> خبرگزاری آلمان به نقل از مطبوعات این کشور گزارش داد که بغداد می‌کوشد ، همان‌گونه که جنگ را آغاز کرد ، صلح را نیز مطابق شرایط مورد نظر خود به ایران دیکته کند . روزنامه آلمانی "رونداشو" در این باره نوشت :

«صدام فکر می‌کند ، هم اکنون قادر به دست یافتن به هر چیزی است . »<sup>۱۸۶</sup>

**خبرگزاری فرانسه نیز به نقل از ناظران سیاسی گزارش داد :**

«عراق معتقد است ، از طریق اعمال فشار نظامی ، ایران را ناگزیر به پذیرش قطع نامه مذکور کرده است ، لذا با خواستار شدن مذاکرات مستقیم ، به‌گونه‌ای مشهود می‌خواهد پا را فراتر از قطع نامه مذکور بگذارد . »<sup>۱۸۷</sup>

همچنین هفته نامه انگلیسی "اکونومیست" طی تحلیلی نوشت :

«صدام ممکن است خیال کند ، اگر به نبرد ادامه دهد ، حکومت آیت الله‌ها را به کلی ساقط خواهد کرد . »<sup>۱۸۸</sup>

بازتاب و تأثیرات اقدام عراق در پذیرش آتش‌بس نیز مورد توجه رسانه‌های خبری جهان و تحلیل‌گران قرار گرفت . "گراهام فولر" از کارشناسان برجسته سازمان سیا با تأکید بر نیروی اراده و ایمان ایرانی‌ها می‌نویسد :

«اراده ایران قابل توجه بود و با توجه به کمبودها نیز نحوه پی‌گیری جنگ از

سوی ایران بسیار چشم‌گیر بوده است . »<sup>۱۸۹</sup>

تجاوز مجدد عراق به خاک ایران اراده و ایمان مردم ایران را بار دیگر زنده کرد و در صحنه جنگ موجب ناکامی دوباره عراق شد. در این حال، رادیو لندن در گزارش خبری خود گفت:

«در ایران بار دیگر حالتی شبیه به پاییز ۱۹۸۰ میلادی، زمان نخستین حمله عراق به خاک ایران زنده شد و دولت ایران می‌کوشد از این موضع هر چه بیشتر برای استحکام بخشیدن به موقعیت خود استفاده کند.»<sup>۱۹۰</sup>

در گزارش دیگری تأکید شده است:

«موج تازه هجوم‌های عراق، ماشین جنگی ایران را توان تازه‌ای بخشیده است، یکی از ناظران جنگ در مؤسسه بین‌المللی تحقیقات لندن معتقد بود اشغال خاک ایران به وسیله عراق از این نظر اشتباه است که مثل آغاز جنگ در سال ۱۹۸۸ میلادی احساسات مذهبی و ملی ایران را تحریک خواهد کرد.»<sup>۱۹۱</sup>

خرسندی و امیدواری نسبتاً گسترده کشورهای مختلف جهان از پاسخ مثبت ایران به قطع نامه ۵۹۸۵ و پایان جنگ، تا اندازه‌ای عراق را برای اعلام موافقت با برقراری آتش‌بس تحت فشار قرار داد. در این خصوص سخنگوی وزارت خارجه انگلیس رسم‌آعلام کرد:

«ما بدون شک از طرز رفتار عراق پس از پذیرش قطع نامه ۵۹۸۵ به وسیله ایران نگرانیم.»<sup>۱۹۲</sup>

زیرا این اقدامات عملاً باعث اخلال در تلاش‌های دبیرکل سازمان جهت اجرای آتش‌بس بود.<sup>۱۹۳</sup>

بر همین اساس نشريه تایمز مالی نیز به عراق هشدار داد:

«لازم است به پریزیدنت صدام حسین گفته شود، حمایتی که از امریکا، شوروی و فرانسه دریافت کرده است، به مثابه یک چک سفید نیست. قطع نامه ۵۹۸۵ به این منظور تنظیم شده است که هیچ‌کس در جنگ خلیج‌فارس برنده یا بازنشده

۱۹۴ نشود . »

رادیو لندن در گزارشی به نقل از دیپلمات‌ها در سازمان ملل گفت:

«این احساس پیش آمد ، که شاید فشار بین‌المللی ضرورت داشته باشد تا "صدام حسین" را به همکاری بیشتر وا دارد . دوستان عرب صدام به خصوص عربستان سعودی و کویت و نیز دو ابرقدرت و کشورهای اروپایی [باید] او را متلاuded کنند که اکنون موقعیت گران‌بهتر از آن است که به خطر انداختن امکان صلح روا باشد . »<sup>۱۹۵</sup>

### تجاوز مشترک ارتش عراق و نیروهای منافقین<sup>x</sup> به غرب

در حالی که آخرین تاکهای دشمن در ۳ مرداد ۱۳۶۷ در حال عقبنشینی از منطقه جنوب بودند<sup>۱۹۶</sup> و سخن‌گوی نظامی عراق نیز رسماً اعلام کرد که نیروهای عراق از دو شهر گilan غرب و صالح‌آباد عقبنشینی کرده‌اند<sup>۱۹۷</sup>، نیروهای منافقین بر اساس یک برنامه زمان‌بندی شده ۳۳ ساعته ، قصد داشتند ، با بهره‌گیری از ۲۵ تیپ که در مجموع چهار تا پنج هزار نفر را در برمی‌گرفتند ، در پنج مرحله ، خود را به تهران رسانده<sup>۱۹۸</sup> و نظام جمهوری اسلامی را سرنگون کنند!

یک سخن‌گوی نظامی سازمان منافقین در مورد اهداف سازمان اعلام کرد:

«استراتژی مجاهدین وارد آوردن هر چه بیش‌تر تلفات به نیروهای ایران و

باز کردن راه برای یک انقلاب عمومی ضد [امام] خمینی است! . »<sup>۱۹۹</sup>

منافقین براین باور بودند که ایران در شرایط استیصال مطلق ، به پذیرش قطعنامه تن در داده است و این روندی است که به فروپاشی و سرنگونی کامل نظام جمهوری اسلامی سرعت می‌بخشد .<sup>۲۰۰</sup> مسعود رجوی فرمانده سازمان منافقین نیز در اعلامیه‌ای اعلام کرد:

<sup>x</sup> اعضای سازمان مجاهدین خلق که به دلیل مواضع اعتقادی - سیاسی خود ، به منافقین مشهور شدند .

## «نباید اجازه داد، رژیم ایران فرصت دیگری برای دفع وقت بیابد و از امضای

قرارداد صلح طفره رود. »<sup>۲۰۱</sup>

پیش از این، منافقین در تحلیل درون گروهی خود امکان موافقت ایران با قطعنامه را غیر ممکن دانسته و به صراحت اعلام می کردند، تنها در صورتی جمهوری اسلامی قطعنامه را خواهد پذیرفت که به لحاظ سیاسی - نظامی و اقتصادی به بنست کامل برسد. به عقیده آنان، این اقدام به منزله فروپاشی نظام خواهد بود و با سرنگونی قطعی حکومت ایران، زمینه برای انتقال قدرت به سازمان آنان فراهم خواهد شد.<sup>۲۰۲</sup> روند حوادث نظامی این باور را در منافقین تقویت کرده بود که نیروهای نظامی ایران بر اثر حملات عراق متلاشی شده‌اند و رخدادهای نظامی و اقدام ایران در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ آسیب‌پذیری داخلی را افزایش داده است و در صورت یک ضربه نظامی، رژیم ایران فروخواهد ریخت. بر پایه این تصور، از چند ماه قبل، خروج منافقین از داخل کشور برای سازمان‌دهی در بیرون، شتاب بیشتری به‌خود گرفت. در این مرحله (طی مردادماه و پاییز ۱۳۶۶) نیروهای سازمان منافقین به عراق منتقل شدند، در همان حال به تشكیلات درون زندان‌ها اطلاع داده شد که به‌زودی نظام جمهوری اسلامی سرنگون خواهد شد بنابراین، از آمادگی برای پیوستن به سازمان و کمک به آزادسازی شهرها برخوردار باشند!<sup>۲۰۳</sup>

منافقین در طرح خود برای رسیدن به تهران قصد داشتند طی پنج مرحله، از شهرهای سرپل ذهاب، اسلام‌آباد، همدان، قزوین، عبور کرده و خود را به تهران برسانند. طبق اطلاعات بدست آمده رجوی فرماندهی کل عملیات را بر عهده داشت و از طریق مسیلان محورهای عملیات راه‌دایت می‌کرد. در طرح عملیات منافقین، برای هر محور به تناسب اهمیت ماموریت، دو یا چند تیپ در نظر گرفته شده بود. فرماندهان محورها و ماموریت آنها به شرح زیر بود:

- ۱- مهدی براتی، فرمانده محور اول و مسئول تسخیر اسلامآباد؛
- ۲- ابراهیم ذاکری، فرمانده محور دوم و مسئول تسخیر باختران؛
- ۳- محمود مهدوی، فرمانده محور سوم و مسئول تسخیر همدان؛
- ۴- مهدی افتخاری، فرمانده محور چهارم و مسئول تسخیر قزوین؛
- ۵- محمد عطایی با معاونت مهدی ابریشمچی، فرمانده محور پنجم و مسئول تسخیر تهران؛<sup>۲۰۴</sup>

همچنین در این عملیات دولت عراق ۱۲۰ دستگاه تانک، ۴۰۰ دستگاه نفریز، ۹۰ قبضه خمپاره‌انداز ۸۰ میلی‌متری، ۳۰ قبضه توپ ۱۲۲ میلی‌متری، ۱۵۰ قبضه خمپاره ۴۰۰ میلی‌متری، هزار قبضه تیربار کلاشینکف، ۳۰ قبضه توپ ۱۰۶ میلی‌متری و ۱۰۰۰ دستگاه کامیون و خودرو در اختیار منافقین قرار داده بود.<sup>۲۰۵</sup>

بدین ترتیب، روز دوشنبه ۳ مرداد ۱۳۶۷ در ساعت ۱۴:۳۰ پس از اجرای آتش سنگین و بی‌سابقه توپخانه ارتش عراق در محور سرپل ذهاب نیروهای منافقین در ساعت ۱۵:۳۰ با عبور از خط، حمله خود را آغاز کردند.<sup>۲۰۶</sup>

عملیات منافقین با حملات کامل ارتش عراق همراه بود؛ به موازات پیش روی نیروهای منافقین به سمت شهر "کرند"، نیروهای عراقی نیز ضمن اجرای آتش پشتیبانی، از جنوب گردنه "پاطاق" از نزدیکی سرپل ذهاب پیش روی کردند. سرانجام، در ساعت ۱۸:۳۰ نخستین تانکهای عراقی با آرم منافقین وارد شهر کردند<sup>۲۰۷</sup> و با پیش روی به سمت اسلامآباد، در حدود ساعت ۲۰:۲۰ آن شهر را به تصرف درآوردند.<sup>۲۰۸</sup> پس از آن که ایران اعلام کرد، شهر کرند به اشغال نیروهای عراقی درآمده است خبرگزاری عراق در واکنش به این خبر گزارش داد:

« همان طور که در مفاد اطلاعیه نظامی ۳۲۷۳ آمده است، نیروهای عراقی به طور دقیق همچنان در غرب تنگه پاطاق و در شرق شهر سرپل ذهاب و در

## شرق گیلان غرب مستقر هستند . »<sup>۲۰۹</sup>

پس از انتشار نخستین اطلاعیه نظامی عراق و تأیید تصرف شهرهای کرند و اسلامآباد، رادیو منافقین خطاب به مردم با ختران اعلام کرد نیروهای سازمان در حال پیش روی به سمت شهر کرمانشاه هستند و از مردم این شهر خواست، به نیروهای آنان بپیوندند.<sup>۲۱۰</sup>

بلغاصله پس از تصرف شهرهای کرند و اسلامآباد، مردم این دو شهر و روستاهای اطراف شب هنگام همان روز و سحرگاه روز بعد (سه شنبه) به سمت شهر کرمانشاه حرکت کردند. در همان حال، شهر کرمانشاه نیز به حالت نیمه تعطیل در آمد و تنها چند نانوایی و فروشگاه موادغذایی در شهر مشغول فعالیت بودند. همچنین بهدلیل کمبود بنزین در شهر صفحه ای طویلی در برابر جایگاههای فروش بنزین تشکیل شده بود.<sup>۲۱۱</sup>

پس از ورود نیروهای منافقین به کرند و اسلامآباد، درگیری تا چند ساعت در شهر ادامه داشت و شماری از نیروهای مردمی و سپاه با منافقین درگیر بودند، ولی تلاش آنان به دلیل عدم آمادگی، بی ثمر بود. منافقین بلاغاصله پس از ورود به اسلامآباد جریان برق و خطوط مخابراتی شهر را قطع کردند. نیروهای منافقین پس از تصرف اسلامآباد، تا منطقه حسن آباد در ۲۰ کیلومتری این شهر پیش روی کردند و برای تجدید سازمان، در همانجا مستقر شدند.<sup>۲۱۲</sup> بعدها، یکی از نیروهای منافقین که به اسارت نیروهای جمهوری اسلامی در آمده بود، در مورد این توقف گفت: چون منافقین مطمئن بودند، خط دفاعی ایران را در تنگه "چهارزیب" شکسته و می توانند به کرمانشاه دست یابند، لذا تمام امکانات خود را به صورت یک فنر جمع شده در پشت این تنگه آماده نگه داشتند تا به محض باز شدن راه در مدت ۳۰ دقیقه شهر کرمانشاه را تصرف کنند.<sup>۲۱۳</sup>

نیروهای خودی بلاغاصله پس از آگاهی از پیش روی منافقین، در منطقه

حسن‌آباد در فاصله ۲۰۰ متری نیروهای منافقین روی "ارتفاعات چهارزبر" خط پدافندی تشكیل داده و بانیروهای دشمن که تعدادشان به ۲۰۰۰ تن می‌رسید - که با هدف هجوم یکباره و سریع به شهر باختران، بدون هیچ‌گونه امکانات پدافندی در پایین ارتفاعات و پشت تنگه چهارزبر مستقر شده بودند - درگیر شدند. این تجمع بدون پدافند منافقین باعث شد که بسیاری از آنان هلاک شده و بخش وسیعی از تجهیزاتشان نیز منهدم شود. همچنین، از بعدازظهر همان روز، سه راه اسلام‌آباد-ملاوی با هدف جلوگیری از فرار منافقین مسدود شد.<sup>۲۱۴</sup>

در بامداد ۵ خرداد ۱۳۶۷، در پی پیش‌روی نیروهای منافقین بار دیگر درگیری آغاز شد. و در اثر سماحت نیروهای دشمن، سه دستگاه از خودروهای منافقین به مواضع نیروهای خودی نفوذ کردند، ولی پس از تحمل تلفاتی به عقب رانده شدند.<sup>۲۱۵</sup>

هم‌مان با پیش‌روی نیروهای منافقین در عمق خاک ایران، برای جلوگیری از عملیات هوایی هواپیماهای اهلی کوپترهای جمهوری اسلامی علیه آنان، هواپیماهای عراقی، پیگاههای شکاری نوزه همدان، وحدتی دزفول و همچنین پادگان تیپ ۲ سقزو پایگاه هوانیروز در کرمانشاه را بمباران کردند.<sup>۲۱۶</sup>

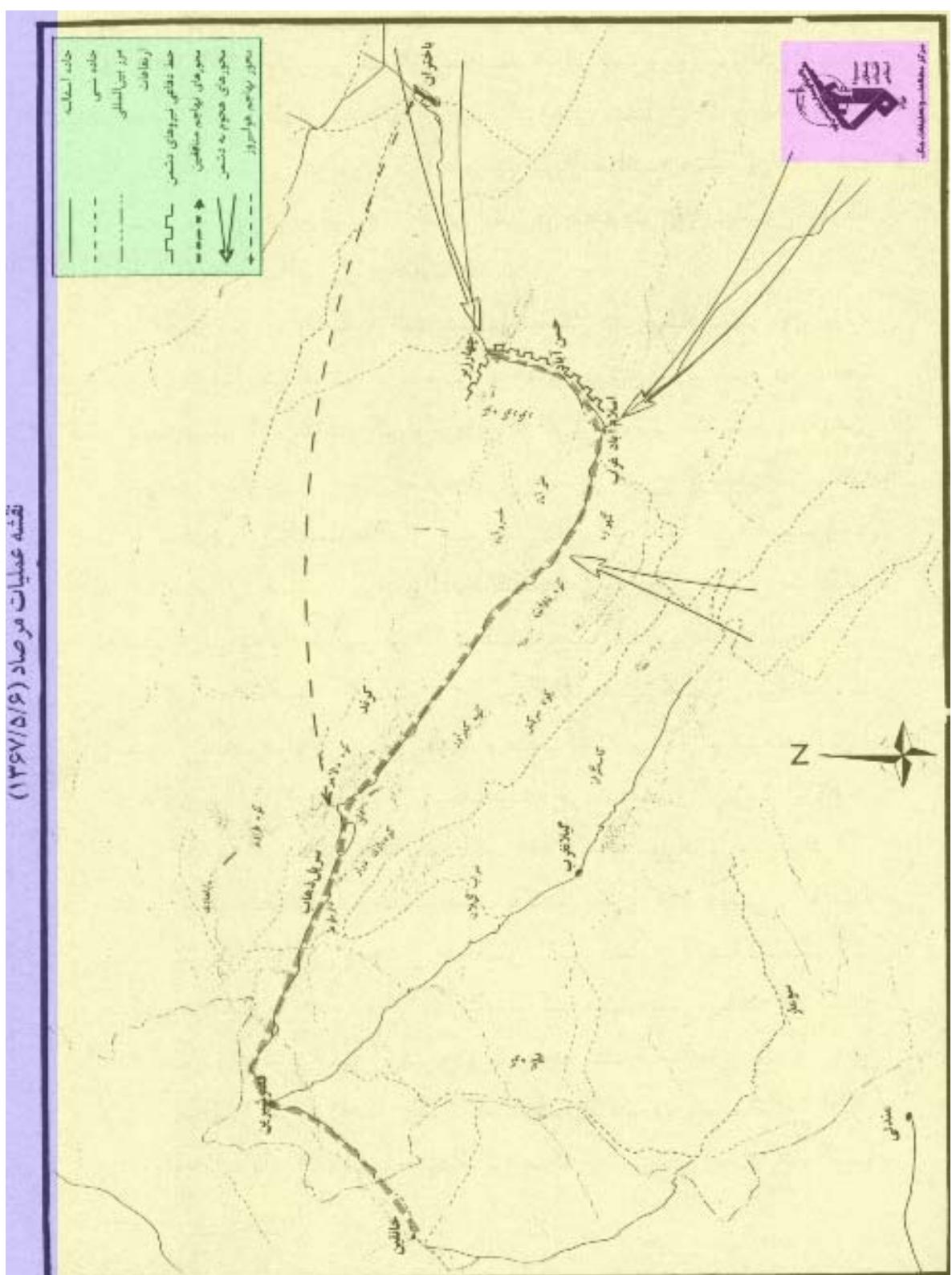
در حالی که درگیری در منطقه حسن‌آباد و ارتفاعات چهارزبر همچنان ادامه داشت، در پی انتشار اطلاعیه منافقین مبنی بر قصد ورود به باختران و همچنین ورود مردم شهرهای کرند و اسلام‌آباد به این شهر، شایعات آن قدر گسترش یافت که نخستین گروه از شهروندان کرمانشاهی، این شهر را به سمت همدان ترک کردند. چنان‌که، تائیمه شب روز سه شنبه، بیش از ۹۰ درصد از جمعیت ۹۰۰ هزار نفری باختران از این شهر خارج شده و به‌سوی "بیستون"، "صحنه"، "هرسین"، "سنقر"، "گلبانی" و همدان و حتی

برخی به سمت تهران حرکت کردند. حرکت سیل آسای مردم اعم از پیاده و سواره، ترافیک بسیار سنگینی در بلوار شهید بهشتی کرمانشاه و جاده همدان به وجود آورده بود و مردم نگران و مضطرب باشتاب، از شهر خارج می شدند.<sup>۲۱۷</sup>

### عملیات مرصاد ×

پس از مقاومت نیروهای اندک سپاه و بسیج (در حدیک گردان) در دشت حسن آباد، و زمین گیر شدن نیروهای دشمن در پشت ارتفاعات چهارزبر، به تدریج فرماندهی و نیروهای خودی برای آزادسازی مناطق تصرف شده و انهدام نیروهای منافقین، در منطقه متمرکز شدند. روز پنجشنبه، ۶ مرداد ۱۳۶۷ عملیات "مرصاد" با رمزیا "علی بن ابی طالب (ع)"، آغاز شد.<sup>۲۱۸</sup> در این عملیات، سه گردان از تیپ نبی اکرم (ص)، تیپ مسلم و یک گردان از اسلام از پشت به اسلام آباد حمله کردند. منافقین تصور می کردند، همانند روزهای قبل نیروهای عراقی همچنان در این مناطق حضور دارند، حال آن که عراقی ها عقبنشینی کرده و منطقه در دست نیروهای ایرانی بود. به همین دلیل، نیروهای خودی توانستند به راحتی از این محور وارد اسلام آباد شوند. پیش از این نیروهای یکی از گردان ها که اهالی اسلام آباد بوده و به تمام راه های شهر آشنایی داشتند، با نفوذ به داخل شهر باشمن در گیر شدند و سازماندهی منافقین را در داخل شهر بر هم زدند.<sup>۲۱۹</sup> منافقین برای ترمیم ضربات وارد، دو تیپ از نیروهای خود را از محور حسن آباد فرا خواندند تا با پیش روی نیروهای خودی مقابله کنند. همچنین، در این عملیات نیروهای لشکر ۲۷ محمد رسول الله (از سه راهی غرب اسلام آباد و از پشت پمپ بزنین دشمن را

<sup>۲۱۷</sup> برخلاف آن چه که در افکار عمومی، عملیات منافقین و مجموعه تحولات در پی آن به نام عملیات مرصاد نامیده می شود، منافقین عملیات خود را "فروغ جاویدان" نامیدند و بعدها مجموعه تلاش نیروهای سپاه، بسیج و هوایرزوی برای مقابله با دشمن و آزادسازی شهرهای اسلام آباد و کرند، "مرصاد" نام گرفت.



نقشه عملیات مرصد (۱۳۶۷/۵/۶)

دور زده و تلفات زیادی بر آنها وارد ساختند. در اثر پیش روی نیروهای خودی، در ساعت ۲ بعدازظهر، اسلامآباد از اختیار نیروهای منافقین خارج شد. در این حال، خلبانان نیروی هوایی با ۱۲۳ سورتی پرواز، مواضع منافقین را در هم کوبیدند. خلبانان هوانیروز نیز با اجرای آتش پر حجم بر روی دشمن، زمینه فروپاشی مواضع منافقین را فراهم ساختند.

بلافاصله پس از آزادسازی شهر اسلامآباد، یگانهای سپاه پیش روی را به سمت کرنده آغاز کردند. قبل از رسیدن نیروهای خودی به این شهر در ساعت سه نیمه شب، ۳ فروند هلی کوپتر ترابری در کرنده زمین نشستند و تعدادی از کادرهای منافقین و رهبری سازمان <sup>۱۲۳</sup> را از شهر خارج کردند. این واقعه نشانه آشکاری از شکست منافقین بود، چنان که پس از مدتی با پیش روی نیروهای خودی به سمت کرنده و انهدام تانکهای زره پوش بزرگی منافقین، دشمن هر آن چه داشت پس از ۴۸ ساعت بر زمین نهاده و متواری شد.

در این عملیات، ۱۶۰۰ تا ۲۰۰۰ تن از نیروهای منافقین به هلاکت رسیدند و حدود هزار تن زخمی شدند و میان کشته شدگان و اسرا تعدادی از کادرهای سازمان و فرماندهان تیپ هادیده می شدند.<sup>۱۲۴</sup> یکی از نیروهای منافقین که در این عملیات به اسارت در آمده بود، در اعترافات خود حرکت منافقین را در منطقه اسلامآباد، متناسب با ذهنیت های غلط قبلی و باعث از دست رفتن توان نظامی و به قول خودشان، اعتبار سیاسی آنها داشت. این حرکت منافقین، آنچنان آنها را آسیب پذیر کرد که حتی باعث اوج گیری اختلافات شدید درونی میان رهبری و باقی مانده اعضای سازمان شد.<sup>۱۲۵</sup> بدین ترتیب، منافقین پس از تحمل یک شکست استراتژیک در پشت تنگه "پاطاق" روز جمعه ۷ مرداد ۱۳۶۷ رسماً اعلام کردند که از شهرهای اسلامآباد و کرند عقبنشینی کرده‌اند!<sup>۱۲۶</sup>

<sup>۱۲۳</sup> برابر اطلاعات موجود، رهبر منافقین و همسرش طی مدت اشغال، در شهر کرند به سر می برندند.

## بازتاب و پیآمدها

اقدام مشترک عراق و منافقین در پیش روی به عمق خاک ایران بازتاب گسترده‌ای یافت و حساسیت‌های زیادی را برانگیخت، زیرا این تحرکات پس از موافقت ایران با قطعنامه شورای امنیت در حالی انجام گرفت که اراده بین‌المللی بر پایان جنگ مصمم شده بود، ولی اقدام عراق و منافقین عملاً به معنای ادامه جنگ بود.

«هاروی موریس» از روزنامه «ایندیپندنت» طی تحلیلی در مورد اهداف و استراتژی منافقین نوشت:

«استراتژی فعلی مجاهدین و عراق ظاهراً ایجاد یک منطقه آزاد شده در دست مجاهدین است تا این طریق، سازمان مخالف رژیم ایران، نقشی در توافق نهایی صلح داشته باشد.»<sup>۲۲۳</sup>

یک نشريه دیگر نیز، اقدام منافقین را، بهدلیل نگرانی آنها از سرنوشت خود در صورت موافقت عراق با آتش پس دانست.<sup>۲۲۴</sup>

پشتیبانی عراق از منافقین و پیوستگی آنها در انجام این عملیات مخالف جمهوری اسلامی مورد بحث محافل خبری قرار گرفت آنچنان که خبرگزاری رویتر در این باره به نقل از یک دیپلمات گزارش داد:

«تحلیل گران معتقدند، این عملیات نمی‌توانسته بدون پشتیبانی قوی ارتش عراق به ویژه بدون پوشش آتش توپخانه صورت گرفته باشد.»<sup>۲۲۵</sup>  
خبرنگار رادیو لندن نیز در این باره گفت:

«کمتر کسی معتقد است که مجاهدین به تنها یی دارای تجهیزات زرهی، افراد کافی یا حتی نیروی آتش‌باری باشند که بتوانند بدون پشتیبانی یک ارتش منظم تا این اندازه در داخل خاک ایران مقاومت نشان بدهند.»<sup>۲۲۶</sup>

روزنامه لوموند حدود یک ماه پیش از عملیات مشترک عراق و منافقین

تصویر کرده بود که "ارتش آزادیبخش ملی ایران" به عنوان جزیی لاینفک از آرایش نظامی ارتش عراق است و هرگونه فعالیت نظامی آن بدون اجازه فرماندهی عالی عراق غیر قابل تصور است.<sup>۲۲۷</sup> در همین راستا، خبرگزاری رویتر به نقل از دیپلمات‌ها اعلام کرد، با توجه به گفت و گوهای صلح که در مقر سازمان ملل در نیویورک ادامه دارد، دیپلمات‌ها گمان می‌کنند که بغداد از ارتش آزادیبخش ملی برای حفظ فشار نظامی بر تهران استفاده می‌کند.<sup>۲۲۸</sup>

در این حال، تأثیر و بی‌آمدهای استقرار منافقین در داخل عراق و همکاری آنها با ارتش عراق برای حمله به خاک ایران مورد توجه تحلیل‌گران قرار گرفت. رادیو لندن در تحلیلی گفت:

«حمله مجاهدین به هر منظوری که انجام گرفته باشد، در ظاهر تأثیر مطلوبی

در داخل ایران نداشته است.»

در این تفسیر همچنین تأکید شده است:

«درباره مقاصد عراق برای حمایت از مجاهدین و حملات آنها به داخل ایران،

نظریه‌های مختلفی وجود دارد که قدرت‌نمایی در مقابل مجاهدان عراقی

طرفدار ایران و نیز ایجاد پایگاهی برای نیروهای مسعود رجوی در داخل ایران

از آن جمله است. به عقیده ناظران، اگر رسیدن به اهداف بالا در نظر بوده

توفیقی حاصل نشده است زیرا شمار زیادی از مجاهدین در این نبردها کشته

شده‌اند.»<sup>۲۲۹</sup>

تفسیر نشریه گاردن چاپ لندن نیز نوشت:

«طرفداران رجوى قادر نیستند احساس واقعی مردم ایران را درک کنند و

نمی‌دانند که ایرانیان با هرگونه افراطی‌گری من جمله از نوع منافقین، بیزارند.

بزرگترین اشتباه رجوى این بوده است که تشکیلاتش را کاملاً به دامان صدام

انداخته و اکثر منتقدان رجوى می‌گویند، این کار خودکشی سیاسی است.»

"دیویده‌رست" در پایان مقاله خود آورده است:

« با این اقدام ، روحیه مردم ایران مجدداً زنده شد و به جای این که باعث از هم

پاشیدگی درونی ایران شود ، به تحکیم آن کمک کرد . »<sup>۲۳۰</sup>

تایمز مالی نیز نوشت :

« مجاهدین در داخل ایران از حمایت گسترده‌ای برخوردار نیستند . »<sup>۲۳۱</sup>

برتری ایران در صحنه نظامی که موجب عقیم ماندن طرح مشترک عراق و منافقین شده بود ، موضع سیاسی این کشور را که در حال مذاکره با دبیرکل سازمان ملل بود تقویت کرد . بر پایه همین ملاحظه کلی ، فرمانده عالی جنگ (آقای هاشمی رفسنجانی) در خطبه‌های نماز جمعه تهران گفت :

« اگر عراق به تجاوزات خود ادامه دهد ، شاهد پاسخ ما در میدان جنگ خواهد

بود . »<sup>۲۳۲</sup>

امریکایی‌ها که از تحرکات عراق و منافقین علیه ایران ناخشنود بودند ، همراه با اعضای دائمی دیگر شورای امنیت و عربستان سعودی ، عراق را تحت فشار قرار داده<sup>۲۳۳</sup> و از کشورهای عربی نیز خواستند ، به عراق درخصوص پیش روی غیرقابل اداره منافقین هشدار دهند . در این حال ، "چارلز ردمون" ، سخن‌گوی وزارت خارجه امریکا در موضع گیری آشکاری گفت :

« ارتش آزادی‌بخش ملی ایران ، مستقر در عراق با پشتیبانی عراق عمل می‌کند و

در پی سرنگون ساختن دولت ایران از طریق زور است . »

وی تأکید کرد :

« امریکا از گروههایی که در پی سرنگون ساختن دولت ایران از طریق زور هستند

حمایت نمی‌کند . »<sup>۲۳۴</sup>

## تغییر اوضاع به سود ایران

عراق و منافقین علاوه بر این که در چارچوب سیاست‌های منطقه‌ای شوروی عمل می‌کردند ، از لحاظ نظری و گرایش‌های فکری نیز متأثر از مبانی فکری

روس‌ها بودند. با توجه به نگرش سوسیالیستی روس‌ها نسبت به ریشه بحران‌های اجتماعی که معتقد بودند، ناکامی نظامی در ایجاد شورش، قیام و انقلاب مؤثر است، عراق و منافقین نیز می‌پنداشتند که ناکامی‌های نظامی ایران می‌تواند به بحران داخلی اعم از بی‌انطباطی اجتماعی و یا بحران "مشروعیت" منجر شود و فرصت مناسبی را برای بهره‌برداری در اختیار آنها قرار دهد. تجربه روسیه پس از شکست از ژاپن در ۱۹۰۵ میلادی و طرح تفکرات سوسیالیستی در سال ۱۹۱۷ میلادی که در میان جنگ اول به پیروزی کمونیست‌ها منجر شد، حاوی همین تجربه بود. بعدها، "استالین" در نامه‌ای به "پیشه‌وری" در توجیه علت عقب‌نشینی نیروهای شوروی از آذربایجان ایران، از آن به عنوان تاکتیک‌های "لنین" یاد کرد. استالین در این نامه آورده است:

«ایران درگیر یک جنگ با یک دشمن خارجی نیست که یک ناکامی نظامی بتواند محافل انقلابی ایران را تضعیف کند. نتیجه آن که، در ایران وضعیت وجود ندارد که بتواند با تاکتیک‌های لنین در ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ میلادی تطابق داشته باشد.»<sup>۲۳۶</sup>

آنچه عراق و منافقین را ناکام گذاشت و محاسبات آنها را در هم ریخت در واقع، در نقطه کانونی آنچه که آنها به سود خود، ارزیابی می‌کردند به وقوع پیوست؛ پاسخ مثبت ایران به قطعنامه ۵۹۸ و ادامه حملات عراق و منافقین، روند تحولات داخلی و سپس، اوضاع نظامی را به سود ایران و به زیان عراق و منافقین دستخوش تغییر کرد. به تدریج فشار بین‌المللی بر عراق افزایش یافت، به گونه‌ای که تمام ناظران و تحلیل‌گران به اقدامات عراق و منافقین با دیده تردید می‌نگریستند.

تلاش نیروهای عراقی در آستانه اشغال مجدد خرم‌شهر، پیام امام به سپاه و واکنش مردم نسبت به این رخدادها که حضور در صحنه‌های جنگ را

در پی داشت، وضعیتی همانند روزهای آغاز جنگ به وجود آورد. چنان که آقای هاشمی در ترسیم وضعیت داخلی کشور و روحیه نیروهای داوطلب گفت:

«بُوِي نشاط و جهاد در همه جا به مشام می‌رسد.»<sup>۲۳۷</sup>

مهندس موسوی، نخست وزیر وقت نیز در هیئت دولت گفت:

«جبهه‌ها امروز فضای غیر قابل وصفی دارد. حماسه آفرینی و دفاع و مقاومت

[شما] است که برای دشمن شکست و نابودی را در پی خواهد داشت.»<sup>۲۳۸</sup>

در این مرحله، در پی فرمان حضرت امام مبنی بر حضور هرچه بیشتر در جبهه‌ها، ۱۳۰ هزار بسیجی، عازم جبهه‌های جنگ شدند.<sup>۲۳۹</sup> استقبال مردم به قدری گسترشده بود که پذیرایی و سازماندهی نیروهای داوطلب برای مسئولان بسیاری از پادگان‌های نظامی مشکل آفرین شده بود. به گفته یکی از فرماندهان، در یک پادگان نظامی در محور میانی که حداقل، گنجایش ۱۰ هزار نیرو را داشت، ۱۶ هزار تن در آن جای گرفته بودند و قرار بود، ۴ هزار تن دیگر به آنان افزوده شوند. کمبود امکانات باعث شد، برخی از نیروهای فضای باز، شب را به صبح برسانند.<sup>۲۴۰</sup> به همین دلیل، معاونت نیروی انسانی ستاد فرماندهی کل قوا را درخواست از نیروهای داوطلب برای خودداری از عزیمت انفرادی و مراجعه به مراکز رسمی، تأکید کرد که داوطلبان با توجه به ظرفیت نیروهای رزمی و پشتیبانی یگان‌ها، در اولویت اعزام نیروهای رزمی ثبت نام کنند.<sup>۲۴۱</sup> در این مرحله بسیاری از نیروهایی که تنها در آغاز جنگ عازم جبهه‌های نبرد شده و یا بنا به دلایلی تاکنون در صحنه جنگ حضور نیافته بودند، به علت وضعیت سیاسی-نظامی حاکم بر جنگ، برای اعزام و حضور در جبهه‌ها ثبت نام می‌کردند.<sup>۲۴۲</sup> در این حال، حضور رئیس جمهوری وقت و رئیس شورای عالی دفاع، آیت‌الله خامنه‌ای، در جبهه‌های نبرد جهت تبیین تحولات جنگ برای زمیندگان و بررسی مشکلات آنان، نقش مؤثری داشت.

نادیده انگلستان خواسته‌های بر حق جمهوری اسلامی ایران مبنی بر محکومیت متجاوز و دریافت غرامت از آن موجب تداوم جنگ شده بود و تبلیغات گسترده و هم‌آهنگ مخالفان جمهوری اسلامی، مشروعیت مقاومت و پایداری مردم ایران را در معرض شک و تردید برخی از جهانیان قرار داده بود، ولی واکنش اخیر عراق و منافقین صلح طلبی دروغین صدام و حقانیت مقاومت ایران را برای دنیا آشکار کرد. آیت‌الله خامنه‌ای طی سخنرانی خود در اهواز در این باره فرمودند:

«ما از روز اول می‌گفتیم، عراق جنگ افروز است. بعضی‌ها این را قبول می‌کردند

<sup>۲۴۳</sup> و بعضی‌ها نمی‌خواستند قبول کنند. اما امروز حرف ما ثابت شده است.»

فرمانده عالی جنگ (آقای هاشمی رفسنجانی) نیز در این زمینه گفت:

«تا به حال مظلومانه دفاع می‌کردیم، اما متهم بودیم که جنگ طلبیم و صلح را نمی‌خواهیم. هیچ‌کس توجّهی نمی‌کرد که ملت ما می‌گوید، تا پیروزی می‌جنگیم، یعنی تا پیروزی در گرفتن حقمان و نه در گرفتن زمین دیگران. ما آن موضع صلح طلب و صاحب حق را داریم و در دنیا صدام، متجاوز، ناحق و انعطاف ناپذیر است.»<sup>۲۴۴</sup>

رسانه‌های خارجی و تحلیل‌گران غربی نیز تغییر اوضاع داخلی و افکار عمومی در ایران را مورد تأکید قرار دادند. رادیو لندن در این باره گفت:

«تهاجم تازه عراق پس از پذیرش آتش‌بس از سوی ایران، موضع دولت اسلامی را در برابر افکار عمومی تقویت کرده است. در ایران اکنون بار دیگر حالتی شبیه به پاییز ۱۹۸۰ (۱۳۵۹)، زمان نخستین حمله عراق به خاک ایران، زنده شده است. ... موج تازه هجوم‌های عراق ماسیح جنگی ایران را توان تازه‌ای بخشیده است<sup>۲۴۵</sup> و فعالیت‌های بسیج مردم را برای جنگ احیا کرده است.»<sup>۲۴۶</sup>

”هانس‌های توکویتس“ تحلیل‌گر انسستیتوی بین‌المللی مطالعات استراتژیک لندن با تغییر روند تبلیغات در رسانه‌های غربی تأکید کرد:

«ایرانیان در مطبوعات غربی پیروزی تبلیغاتی قابل ملاحظه‌ای به دست آورده‌اند.

... و مطبوعات غربی بر ضد عراق چرخش کرده‌اند. »<sup>۲۴۸</sup>

بعدها، یکی از نظامیان ارتیش عراق طی تحلیلی در روزنامه "السفیر" در مورد نتایج استراتژیک عراق نوشت:

« هنگامی که نیروهای ایرانی با آتش‌بس موافقت کردند، رهبری عراق ابتکار عمل را در دست داشت و در یک "اشتباه استراتژیک" بزرگ افتاد و شدیداً به ایران حمله کرد. به خصوص در منطقه خوزستان، به نزدیکی‌های اهواز که رسید، ناگهان تغییری در ایران مشاهده شد و ایرانی که از کمبود نیروهای داوطلب رنج می‌برد، ناگهان حرکت خروشان ملی را دید که شور و شوقی را در محافل مردمی ایران ایجاد کرد. »<sup>۲۴۹</sup>

در حالی که ایران بر اثر وضعیتش در صحنۀ نظامی و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ با پرسش‌ها و دشواری‌های بسیار پیچیده‌ای روبرو بود، اقدام مشترک عراق و منافقین در حمله به خاک ایران، پی‌آمدهایی را به همراه داشت که وضعیت داخلی ایران و سپس صحنۀ نظامی را تحت تأثیر قرار داد، بر انسجام درونی ایران افزود، ماهیت تجاوز‌کارانه دولت عراق و ضرورت مقاومت ایران در برابر این کشور را در دوران جنگ آشکار ساخت، زمینه تحمیل قطعنامه ۵۹۸ را به رژیم عراق که برای پذیرش آن پیش‌شرط‌هایی گذاشته بود، فراهم کرد و همچنین مقدمه‌ای برای برقراری آتش‌بس به‌وسیله سازمان ملل در مرازها شد. این وضعیت باعث گردید تا ایران بر مواضع سیاسی خود در قبال مذاکرات صلح تأکید کند، مبنی بر این‌که پیش از برقراری آتش‌بس نیز، هیچ شرط یا شروطی را که عراق همچنان بر آنها تأکید می‌کرد، نمی‌پذیرد و پس از برقراری آتش‌بس هیچ مذاکره‌ای بر سر مرازهای شناخته شده بین‌المللی با عراق، انجام نخواهد داد. »<sup>۲۵۰</sup>

## تلاش برای برقراری آتشبس

بی اعتمادی نسبت به خطمشی و روش و رفتار عراق به ویژه در واکنش آن کشور پس از موافقت ایران با قطعنامه ۵۹۸ و نیز تلاش برای پایان دادن به وضعیتی که اساساً بر پذیرش قطعنامه ۵۹۸ مؤثر بود، موجب شد، جمهوری اسلامی ایران بر اتمام سریع جنگ و اقدام سازمان ملل در اعلان زمان برقراری آتشبس اصرار ورزد. در مقابل، عراقی ها که مترصد نهایت بهره برداری از شرایط جدید برای تقویت مواضع سیاسی خود و تحمیل آن بر ایران بودند، بلا فاصله با ایجاد ابهام در صداقت جمهوری اسلامی ایران و تأکید بر مذاکره مستقیم پیش از برقراری آتشبس، تمہیدات لازم را برای تجاوز نظامی فراهم ساختند.<sup>۲۶</sup> و تنها ۳۶ ساعت پس از آن که ایران قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت، مجدداً همانند روزهای نخست جنگ، به عمق خاک ایران تجاوز کردند. <sup>۲۷</sup> در واقع، دورا حل (دیپلماتیک و نظامی) برای پایان جنگ وجود داشت؛ راه حل دیپلماتیک با مسئولیت سازمان ملل میسر می شد که لازمه آن، تلاش دبیر کل سازمان ملل برای فراخوانی وزیران خارجه دو کشور و اعزام هیئت های متخصص سازمان ملل برای به اجرا گذاشتن آتشبس و چگونگی نظارت بر آن بود.<sup>۲۸</sup> عراق بر خلاف ایران، تمایلی به راه حل دیپلماتیک نداشت، لذا راه حل نظامی را برگزید تا علاوه بر تحمیل شرایط خود بر ایران، ابتکار عمل را در صحنه دیپلماتیک نیز از دست سازمان ملل خارج کرده، و در اختیار خود بگیرد. اقدام عراق با آن که عمیقاً موجب ناخرسندی بود، اما غیر از فشار

<sup>۲۶</sup> "تیم لوئلین" ، خبرنگار رادیو لندن در مورد ماهیت و اهداف عراق در گزارشی گفت : « عراق می خواهد برتری ماشین نظامی خود را به کار گیرد و تلاش می کند که ایران را برای مذاکره مستقیم و یک موافقت صلح مناسب هر چه بیشتر تحت فشار قرار دهد .

( خبرگزاری جمهوری اسلامی ، " گزارش های ویژه " ، نشریه شماره ۱۲۸ ، ۱۳۶۷ ، ۴ . ۵ . ۹ ، رادیو لندن ، ۱۳۶۷ )

<sup>۲۷</sup> در صفحات قبل ، اقدام نظامی عراق و منافقین توضیح داده شد .

دیپلماتیک و تبلیغاتی که می‌توانست علیه عراق اعمال شود، هیچ سازوکار دیگری برای مقابله با این اقدام پیش‌بینی نشده بود و وجود نداشت؛ به همین دلیل، سرنوشت جنگ در روزهای پایانی آن به‌جای روش‌های دیپلماتیک در صحنه جنگ رقم می‌خورد. این موضوع، اهمیت مقابله با تهاجم نظامی عراق و نقش تعیین‌کننده آن بر افزایش تأثیرگذاری فشارهای دیپلماتیک و افکار عمومی را مشخص کرد. امام با هوشمندی و درایت و بر پایه درکی که نسبت به وضعیت حاکم بر صحنه سیاسی-نظامی جنگ و ضرورت‌های موجود برای اداره و هدایت روند تحولات تا اخذ نتیجه مطلوب داشتند، در سخنانی، چارچوب و خطّمشی تلاش‌ها و اقدامات سیاسی-نظامی جمهوری اسلامی را مشخص فرمودند:

«ما در چارچوب قطع نامه ۵۹۸ به صلحی پایدار فکر می‌کنیم و این، به هیچ وجه تاکتیک نیست. فرزندان انقلابیم! توجه کنید، امروز روز حضور گسترده در جبهه‌ها است. فکر نکنید که دیگر جنگ تمام شده است. خود را بسیج به سلاح ایمان و جهاد کنید و بر دشمن غدار رحم جایز نیست و این‌ها تمام حرف‌هایشان یک فریب است. ما خواستیم به دنیا ثابت کنیم که صدام معتقد به مجتمع بین‌المللی نیست و ما تا قبول قطع نامه از سوی عراق جواب دشمنان را در جبهه‌ها خواهیم داد.»<sup>۲۵۲</sup>

در حالی که ابهام و نگرانی زیادی از اقدامات عراق وجود داشت و دبیرکل سازمان ملل تلاش می‌کرد، با فراخوانی وزیران خارجه ایران و عراق، مذاکرات صلح را آغاز کند، نماینده وقت ایران در سازمان ملل درباره موضع ایران برای پایان دادن به جنگ تصریح کرد:

«ما امروز بار دیگر اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران آماده است، همین لحظه آتش‌بس در جنگ را بپذیرد، ولی طی شب گذشته و امروز، عراق به مناطق غیر نظامی و تأسیسات اقتصادی ایران حمله کرده است.»<sup>۲۵۳</sup>

وزیر خارجه وقت ایران نیز در نامه‌ای به دبیر کل وقت سازمان ملل نوشت:

«چه تصمیمی وجود دارد، رژیمی که در مرحله اولیه برقراری صلح بی‌اعتنابه تصمیمات مراجع بین‌المللی و تعهد خود در پذیرش قطع نامه ۵۹۸، کلیه اصول و مقررات بین‌المللی و حتی قطع نامه پذیرفته شده خود را چنین آشکارا نقض می‌کند، در مراحل بعدی تعهدات خود را در مورد صلح مجددًا نقض ننماید؟»<sup>۲۵۴</sup>

آیت‌الله خامنه‌ای، رئیس جمهور وقت ایران نیز در پیام به ائمه جمعه سراسر کشور با بر شمردن شرایط کشور و ضرورت هوشیاری تأکید فرمودند:

«همان‌هایی که تا دیروز ریاکارانه از صلح دم می‌زدند و ما را بر نپذیرفتند قطع نامه ۵۹۸ شماتت می‌کردند، امروز به طمع افاده‌های ایران اسلامی را به امضای قراردادی خفت‌بار مجبور کنند.»<sup>۲۵۵</sup>

در شرایطی که ایران، برگزاری جلسه شورای امنیت را که قرار بود درباره سرنگونی هواپیمای مسافربری ایرباس ایران تشکیل شود، پی‌گیری می‌کرد، واقعه جدیدی، روند فعالیت شورای امنیت و اولویت‌های ایران را دگرگون کرد. این واقعه، نامه عراق به دبیر کل سازمان ملل درباره قطع نامه ۵۹۸ بود. طارق عزیز در این نامه نوشتہ بود:

«تا روزی که ما از قصد واقعی ایران اطلاع نیاییم، جنگ ادامه خواهد داشت.»<sup>۲۵۶</sup>

بدین ترتیب، عراقی‌های باهه موازات تجاوز و پیش‌روی در عمق خاک ایران، رسمًا بر ادامه جنگ تأکید کردند. سفیر وقت جمهوری اسلامی در سازمان ملل با درخواست لغو جلسه شورای امنیت در مورد سقوط هواپیمای ایرباس، در دیدار با دبیر کل رسمًا اعلام کرد:

«اگر موضع تهران برای شما روشن نیست، از من توضیح بیشتری بخواهید، اگر روشن است به عراق بگویید که پذیرش صلح از طرف تهران برای شما مبهم نیست.»<sup>۲۵۷</sup>

فشار ایران بر دبیرکل برای اعلام موضع گیری و انتظار این کشور از شورای امنیت که پیش از این در نامه وزیر خارجه وقت ایران به دبیرکل مورد تأکید قرار گرفته بود<sup>۲۵۸</sup> باعث شد تاریخ شورای امنیت بدون این که قطعنامه‌ای در مورد سقوط هواپیمای ایرباس ایران داشته باشد، در سهشنبه شب (ساعت ۲۰) طی بیانیه‌ای که برای خبرنگاران قرائت شد، درخواست شورای امنیت را این گونه مطرح کند:

«با توجه به حوادث اخیر به دنبال پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به وسیله جمهوری اسلامی ایران، اعضای شورا از دو طرف در گیر مصراوه می‌خواهد، حداکثر خودداری را از خود نشان دهند تا دبیرکل بتواند قطعنامه ۵۹۸ را به اجرا گذارد.<sup>۲۵۹</sup>

شورای امنیت با وجود آگاهی از اقدام عراق و ملاحت آن و در شرایطی که ایران از پی‌گیری صدور رأی در مورد سرنگونی هواپیمای ایرباس صرف نظر کرده بود، تنها به دلیل ابهام نسبت به نتیجه اقدام عراق و نیز فقدان سازوکار مناسب برای مقابله مستقیم با تجاوز عراق به خاک ایران، در بیانیه خود به این عبارت بسنده کرد که: "از دو طرف در گیر درخواست می‌شود، حداکثر خودداری را نشان دهند". واکنش شورای امنیت به خوبی نشان داد، مسیر تأمین خواسته‌های ایران و مقابله با تجاوز عراق تنها از جبهه‌ها می‌گذرد. و بدین ترتیب امام بر سیچ نیروهای مردمی و فراخوانی آنها برای حضور در جبهه‌ها و مقابله با دشمن تأکید فرمودند.<sup>۲۶۰</sup>

در شرایط جدید، جمهوری اسلامی ضمن اعلام موافقت با اعزام تیم سازمان ملل برای سفر به ایران جهت بررسی جزئیات فنّی آتش‌بس، دعوت دبیرکل را برای سفر وزیر خارجه به مقر سازمان ملل در نیویورک پذیرفت.<sup>۲۶۱</sup> دبیرکل سازمان ملل نیز در مصحابه‌ای اعلام کرد:

«وزرای خارجه با دعوت من به نیویورک خواهند آمد تا با هر دو طرف به صورت

### جداگانه صحبت کنم . »<sup>۲۶۲</sup>

وی تأکید کرد، هیئتی از کارشناسان سازمان ملل نیز پس از اقامتی چند روزه در تهران، به بغداد خواهند رفت و پس از بازگشت آنها به نیویورک و ارائه گزارش مأموریت، وی خواهد توانست، تاریخ آغاز مtarکه جنگ را اعلام کند.<sup>۲۶۳</sup> در این حال، دبیرکل سازمان ملل هماند رئیس وقت شورای امنیت - که زمان احتمالی آتش بس را ۱۰ روز بعد اعلام کرده بود<sup>۲۶۴</sup> - زمان احتمالی برقراری آتش بس را ۱۰ تا ۱۲ روز دیگر اعلام کرد.<sup>۲۶۵</sup> بدین ترتیب، با توجه به سفر هیئت اعزامی سازمان ملل به دو کشور ایران و عراق - به شرط فراهم بودن کلیه مقدمات برای انجام مأموریت - در خوش بینانه‌ترین وضعیت، دست کم ایران تا دو هفته پس از آغاز تجاوز مجدد عراق، نمی‌توانست هیچ انتظاری برای برقراری آتش بس داشته باشد.

باسفر آقای ولایتی، وزیر خارجه وقت ایران به سازمان ملل تلاش‌ها و اقدامات دیپلماتیک ایران شکل جدیدتری به خود گرفت؛ در حالی که هیچ ساز و کار مشخصی برای مقابله مستقیم با تجاوز عراق - که همچنان در خاک ایران پیش روی می‌کرد - وجود نداشت و یا اگر موجود بود، بنابراین ملاحظاتی به کار گرفته نمی‌شد، به راحتی می‌توان دشواری‌های موجود بر سر راه تلاش‌های دیپلماتیک ایران در سازمان ملل را ترسیم کرد.

گرچه پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و در اعتراض به نحوه پایان جنگ و ضرورت بررسی علل آن، پرسش‌ها و ابهاماتی از سوی برخی شخصیت‌ها، محافل و جریان‌های داخلی کشور مطرح شد، ولی به دلیل ضرورت برخورداری از انسجام درونی برای گذار از مرحله جدید، امام پاسخ به علل پذیرش قطعنامه را به زمان دیگری واگذار کرد و در دیدار با فرماندهی وقت کل سپاه، مسئولیت مذاکرات صلح را بر عهده وزارت امور خارجه گذاشت و همگان را به سکوت و حمایت از این تصمیم دعوت کرد. بدین ترتیب، در

حالی که موقعیت سیاسی- نظامی ایران عمیقاً در معرض چالش قرار گرفته بود و نیاز به تصمیم‌گیری روشن و قاطع در مذاکرات صلح وجود داشت، سرانجام، با تصمیم‌گیری امام مبنی بر واگذاری اختیارات کامل به وزیر خارجه وقت - که در تلکسی به نقل از مرحوم حاج سید احمد خمینی ارسال شد - عمل‌آمدست وزارت خارجه برای مذاکره باز گذاشت. <sup>۲۶۶</sup> با این حال، اختلاف نظر در مورد میزان پایبندی به قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر موجب شدت‌ادر نخستین دور مذاکرات مربوط به برقراری آتش‌بس در نیویورک، طی تلکسی از امام در این باره استفسار شود و امام در پاسخ فرمودند که ملاک، قرارداد ۱۹۷۵ میلادی باشد و همین امر مسیر مذاکرات را روشن کرد. <sup>۲۶۷</sup>

چنان‌که اشاره شد، حضور وزیر خارجه وقت ایران در سازمان ملل و آغاز نخستین دور مذاکرات بارئیس بروزیلی شورای امنیت و ابلاغ تمایل اعضای شورا مبنی بر "تعیین تاریخی برای اعلام آتش‌بس" <sup>۲۶۸</sup> در حال انجام شد که نیروهای عراق پس از تجاوز مجدد به خاک ایران، همچنان در خاک ایران حضور داشتند و قبل از عقبنشینی نیز، نیروهای منافقین در عملیات مشترک با عراق در منطقه غرب کشور، تجاوز به خاک ایران را آغاز کرده بودند. با وجود قول همکاری رئیس شورا برای برقراری آتش‌بس و اظهار خشنودی وی نسبت به موضع ایران، اما، سازمان ملل هیچ سازوکار و یا ابزار قوی و کارآمد برای مقابله با پیش‌روی منافقین و یا واداشتن عراق به عقبنشینی از خاک ایران و برقراری آتش‌بس در اختیار نداشت. آن‌چه که می‌توانست در آن شرایط سخت و دشوار و سرنوشت‌ساز کارساز باشد، مقاومت نیروهای خودی و عقیم گذاشتن تلاش‌های اخیر عراق و منافقین بود.

در حالی که رئیس وقت شورای امنیت در نخستین دور مذاکرات با سفير عراق در سازمان ملل، به نقل از وی آمادگی عراق برای عقبنشینی را اعلام کرد <sup>۲۶۹</sup>، طارق عزیز معاون نخست وزیر و وزیر خارجه وقت عراق در مصحابه‌ای

"مذاکره مستقیم" را بعنوان شرط عراق برای دستیابی به هرگونه توافقی در مورد اجرای آتشبس، مورد تأکید قرار داد و گفت:

«اعلام آتشبس کامل، بستگی به توافق طرفین مذاکره کننده به‌طور مستقیم درباره اجرای مفاد قطع نامه دارد.»<sup>۲۷۰</sup>

در این مصاحبه، طارق عزیز به این دلیل که ایران در موازات اعلام پایبندی به صلح، دستور بسیج عمومی به جبهه‌ها را نبال می‌کند<sup>۲۷۱</sup>، مواضع جمهوری اسلامی را ضد و نقیض خواند. وی بدون اشاره به علت اعلام بسیج عمومی در ایران - که اساساً به دلیل تجاوز و پیش‌روی ارتشد عراق و منافقین در داخل خاک ایران صورت گرفته بود - گفت:

«به دلیل ناشناخته بودن مقاصد ایران، نبایستی عجولانه اقدام کنیم.»<sup>۲۷۲</sup>

وزیر خارجه ایران در نخستین ملاقات خود با دبیرکل سازمان ملل، با توجه به کارشکنی عراق در روند صلح گفت:

«روشن است که اگر آنها در داخل خاک ما باشند، ما با آتشبس موافقت نمی‌کنیم، مردم ما نمی‌پذیرند که شهرهای بزرگ آنها در اشغال عراق باشد و آتشبس اعلام کنیم.»<sup>۲۷۳</sup>

وی سپس در مورد مقاصد عراقی‌ها گفت:

«آنها می‌خواهند، وضعیت را به ابتدای جنگ، یعنی ۱۹۸۰ [میلادی]<sup>۲۷۴</sup> برسانند.»

وی در این دیدار با تأکید بر این موضوع که "اگر فارغ از وضعیت جدید به مذاکره بنشینیم، احتمالاً به نتیجه نخواهیم رسید"، از دبیرکل درخواست کرد، جلسه‌ای خصوصی با او داشته باشد، که با این درخواست موافقت شد.<sup>۲۷۵</sup> دبیرکل در جلسه خصوصی با وزیر خارجه ایران، ضمن گوش فرادادن به سخنان وی در مورد حملات اخیر عراق، در پاسخ گفت:

«قصد دارم به نحوی، از وضعیت این مسئله با خبر شوم.»

دبیرکل سپس تلاش کرد با استفاده از اطلاعات ماهواره‌ای امریکایی‌ها از صحت اظهارات آقای ولایتی در مورد عراق آگاه شود.<sup>۲۷۶</sup> وی سپس در جلسه بعدی اظهار داشت:

«خبری که از ماهواره‌ها توسط مقامات امریکا به دست من رسیده است، نظر ایران را تأیید می‌کند.»

وی در این جلسه با اعلام خبر آغاز فشار اعضای دائمی شورای امنیت بر عراق، گفت:

«عراق نمی‌تواند فشار افکار عمومی و شورای امنیت را نادیده بگیرد.»<sup>۲۷۷</sup>

همچنین، در این جلسه، دبیرکل از قول امریکایی‌ها، تمایل آنها را برای گشودن باب مذاکرات مطرح ساخت که مورد موافقت نماینده ایران قرار نگرفت.<sup>۲۷۸</sup>

در شرایطی که مذاکرات در سازمان ملل ادامه داشت و هیچ چشم‌انداز روشنی برای پیش‌رفت در روند صلح و برقراری آتش‌بس وجود نداشت، موقعیت ایران در پی تلاش نیروهای سپاه و بسیج در انهدام و عقب راندن نیروهای عراق و منافقین از جبهه‌های جنوب و غرب، به تدریج بهبود یافت و به موازات تغییر اوضاع در جبهه‌ها بهزیان عراق، در عرصه دیپلماتیک نیز شرایط برای بهبود اوضاع بهسود ایران فراهم شد و وزیر خارجه ایران پس از چند روز مذاکره، در مصاحبه‌ای با روزنامه "کریستین ساینس مانیتور" در مورد مرزهای دو کشور گفت:

«هیچ مستمسک حقوقی برای نقض قرارداد ۱۹۷۵ میلادی الجزایر وجود ندارد.»<sup>۲۷۹</sup>

از سوی دیگر، با آشکار شدن نشانه‌های شکست تلاش‌های نظامی عراق، نمایندگی دائم این کشور در نیویورک طی بیانیه‌ای اعلام کرد:

«عقب‌نشینی نیروهای عراقی آغاز شده است.»<sup>۲۸۰</sup>

در چهارمین جلسه دبیرکل باهیئت ایرانی که در روز جمعه ۷ مرداد ۱۳۶۷ برگزار شد، دبیرکل با اشاره به سفر تیم کارشناسان نظامی به بغداد که در روز سه شنبه گزارش خود را به وی تسلیم خواهند کرد، طرح اجرایی خود را برای برقراری آتشبس قرائت کرد. در این طرح پیش‌بینی شده بود، برابر بند ۱ قطع نامه به عنوان نخستین گام، ایران و عراق باید برای برقراری آتش‌بس، عقب‌نشینی به مزهای شناخته شده بین‌المللی را پذیرند و در مراحل بعد، با عقب‌نشینی کامل و اعزام گروه ناظران، همکاری دوکشور با کمیته بین‌المللی صلیب سرخ آغاز شود.<sup>۲۸۱</sup> در این جلسه قرار شد نماینده ایران در جلسه بعدی نظر نهایی خود را درباره طرح ۱۲ بندی دبیرکل اعلام کند.<sup>۲۸۲</sup> با وجود ناکامی نظامی، عراق در موضع سیاسی خود همچنان بر مذاکره مستقیم پافشاری داشت. در این باره، سعدون حمادی، وزیر مشاور در امور خارجه عراق تأکید کرد:

«ما انجام مذاکرات مستقیم را آغاز صحیحی بر اجرای مفاد قطع نامه می‌دانیم.»<sup>۲۸۳</sup>

رادیو صوت‌الجمahir نیز در تفسیری اعلام کرد:

«آتش‌بس پیش از انجام مذاکرات مستقیم ممکن است [موجب شود که] جریان مذاکره در نیمه راه و [با اجرای] بخشی از مفاد قطع نامه که در حال حاضر خواست ایران است و به اجرا در [نیامدن] بخشی که خواست ایران نیست، رها شود.»<sup>۲۸۴</sup>

همین امر سبب شد حتی در برخی از رسانه‌های خبری پافشاری عراق به مذاکره مستقیم به عنوان بزرگ‌ترین مانع برای دستیابی به توافق آتش‌بس مورد تأکید قرار گیرد. روزنامه "گاردین" در این باره نوشت:

<sup>۲۸۱</sup> برای آگاهی بیش‌تر نگاه کنید به: کتاب "تاریخ سیاسی جنگ تح�یلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران"، نوشته علی‌اکبر ولایتی، ص ۳۰۴.

« دبیرکل نه تنها در حال حاضر به هدف تحقیق آتشبس نزدیک نشده ، بلکه از آن فاصله گرفته است . »<sup>۲۸۵</sup>

نماینده امریکا در سازمان ملل نیز با توجه به شرایط به وجود آمده از عمل کرد عراق ، اعلام کرد :

« برقراری آتشبس طی ۱۰ روز آینده خیلی خوش بینانه است . »<sup>۲۸۶</sup>

در پی بازتاب روند مذاکرات ، دبیرکل سازمان ملل طی مصاحبه‌ای در پاسخ به پرسش خبرنگاران در مورد بن‌بست مذاکرات گفت :

« برعکس ، ما داریم به گونه‌ای بسیار مثبت کار می‌کنیم . من بسیار ، بسیار خوشنودم ، چون فکر می‌کنم کارها در جریان است و در جهت درست پیش می‌رود . »<sup>۲۸۷</sup>

در همین حال ، خبرگزاری جمهوری اسلامی از اهواز گزارش داد :

« تدریجاً روند تبلیغاتی رادیو عراق که بیشتر در ستایش صدام و "قادسیه" بود ، قطع شد و تنها به جز بیانیه‌های گاهی گاه نظامی ، هیچ تبلیغ یا تحلیلی علیه ایران پخش نمی‌شود . »<sup>۲۸۸</sup>

در ادامه مذاکرات ایران با دبیرکل سازمان ملل و پس از اعلام نظر درباره طرح پیشنهادی دبیرکل ، ششمین نشست دو طرف در ساعت ۵ بعدازظهر روز دهم مرداد ۱۳۶۷ تشکیل شد و دبیرکل نظرات خود را در مورد پیشنهادهای ایران بیان کرد . در جلسه‌ای خصوصی که در همین روز با دبیرکل برگزار شد ، وی پیشنهاد کرد که متن مشترکی تهیه و اعلام شود و وزیران خارجہ دو کشور نیز با وی ملاقات کنند ؛ این پیشنهاد را وزیر خارجہ ایران بنابه ملاحظاتی رد کرد .<sup>۲۸۹</sup> در مذاکرات خصوصی دبیرکل با آقای ولایتی ، وی از ایران خواست ، صبر و خویشتن داری نشان داده و در نیویورک بماند .<sup>۲۹۰</sup> در این حال ، سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل (محمد جعفر محلاتی) بارئیس شورای امنیت دیدار و گفت و گو

کرد. رئیس شورا در این دیدار گفت:

«دبیرکل گزارشی به شورا ارائه کرده است و امروز طارق عزیز با دبیرکل صحبت

داشته و موضع وی بیش از اندازه مثبت بوده است.»

وی در این ملاقات گوشاهای از گزارش خود به شورا برای آقای محلاتی خواند. در این گزارش آمده بود:

«من با همه اعضای شورا صحبت کردم. هیچ کس مخالف نبود که روز

«اعلام شود.» Day – D

وی در این گزارش پیشنهاد کرده بود:

«چند روز صبر کنید. ما در حال حاضر با طارق عزیز و کشورهای منطقه مانند

عربستان مشورت می‌کنیم و می‌خواهیم زمانی که Day – D را اعلام می‌نماییم،

دیگر کسی پشتیبان صدام نباشد.»<sup>۲۹۱</sup>

در حالی که بسیاری از ناظران براین باور بودند که اجرای آتشبس بدون موافقت دو طرف درگیر عمل‌غیرممکن است<sup>۲۹۲</sup>، دبیرکل در سخنانی اعلام کرد، حتی بدون موافقت دو کشور ایران و عراق، تاریخی برای اجرای آتشبس اعلام خواهد کرد.<sup>۲۹۳</sup> محافل دیپلماتیک در سازمان‌ملل، این موضع گیری را به معنای "فشار بر عراق" دانستند.<sup>۲۹۴</sup> در این حال، سعدون حمادی در مصاحبه با خبرنگاران، در مورد فشارهای بین‌المللی به عراق گفت:

«ما معتقدیم، برخی از کشورهای بزرگ در بازی مسابقه کسب نفوذ در داخل ایران به‌ویژه پس از پایان جنگ یا بعد از [امام] خمینی وارد شده‌اند.... اگر هدف آن باشد که به ایران جایزه‌ای بهزیان عراق داده شود و خسارت ایران در جنگ جبران و این امر بهزیان عراق تمام شود، این امر مردود و قابل قبول نیست و در برابر آن مقاومت می‌کنیم.»<sup>۲۹۵</sup>

با پیدایش شرایط جدید در صحنه سیاسی-نظامی جنگ، برخی شواهد

آشکارا نشان می‌داد که عراق آماده پذیرش برقراری آتش‌بس است. در این راستا، معاون اول نخست وزیر عراق طه یاسین رمضان به دستور صدام به پنج کشور عرب شامل بحرین، عربستان، کویت، یمن شمالی و اردن سفر کرد.<sup>۲۹۶</sup> با آن‌که رمضان در بازگشت از سفر خود اعلام کرد، کشورهای عرب از موضع عراق مبنی بر مذاکره مستقیم حمایت می‌کنند<sup>۲۹۷</sup>، ولی منابع عرب گزارش دادند، کشورهای "شورای همکاری" از صدام خواسته‌اند تا قبل از هرچیز، آتش‌بس را بپذیرد.<sup>۲۹۸</sup> ملک فهد، پادشاه عربستان سعودی نیز وزیر امور خارجه خود را به بغداد فرستاد و سفیر عربستان در واشنگتن (بندر بن سلطان) با سفرای پنج کشور عضو دائم و مقام‌های عراقی دیدار و گفت‌وگو کرد تا موافقت خود با تضمین آتش‌بس و حمایت از مذاکرات مستقیم پس از اعلام و برقراری آتش‌بس را اعلام کند.<sup>۲۹۹</sup>

روزنامه نیویورک‌تایمز که بیشتر، مواضع وزارت خارجه امریکا را منعکس می‌کند در مقاله‌ای نوشته:

«امریکا به عراق فشار می‌آورد تا آتش‌بس را قبول کند.»

در این مقاله تأکید شده است:

«یک مقام وزارت خارجه امریکا گفته این اشتباه است که تصور بشود، امریکا قادر است، عراق را به قبول امری که نمی‌خواهد وادر سازد.»

در بخش دیگری از همین مقاله آمده است:

«سعدون حمادی، مشاور وزارت خارجه عراق گفته است، علت این که امریکا می‌خواهد هرچه زودتر جنگ تمام شود، این است که نفوذ خود را بار دیگر در ایران برقرار سازد.»<sup>۳۰۰</sup>

سرانجام، با تغییر اوضاع بهزیان عراق و بر اثر فشارهایی که بر آن وارد می‌شد، این کشور در ۱۵ مرداد ۱۳۶۷ طی نامه‌ای به دبیرکل اعلام کرد، در صورتی که ایران موافقت خود را با مذاکرات مستقیم به صورت آشکار بدون

ابهام و رسماً اعلام کند، عراق نیز با آتش بس موافقت می کند.<sup>۳۰۱</sup> صدام نیز در سخنانی، رسماً اعلام کرد:

«ما آمادگی خویش را با آتش بس اعلام می کنیم .... پس از مشورت با برادران عرب و تشکیل جلسه های متعدد از سوی شورای فرماندهی انقلاب و فرماندهی کشوری، حزب بعث آمادگی خویش را با آتش بس اعلام می نماید.»<sup>۳۰۲</sup>

دبیر کل سازمان ملل در هشتمین نشست خود با وزیر خارجه وقت ایران در روز شنبه ۱۵ مرداد ۱۳۶۷ پس از قرائت بخشی از سخنان صدام، گفت:

«اگر در قبال پیشنهاد عراق نظر شما مثبت باشد، با طرف عراقی و شورا درباره آتش بس و D - Day صحبت خواهیم کرد.»<sup>۳۰۳</sup>

وزیر خارجه ایران نیز با تأکید بر این موضوع که شروع مذاکرات مستقیم پس از D - Day است و نه مسائل دیگر - که باید در جای خود حل و فصل شوند - قول مساعد داد که روز بعد، به اظهارات حکومت عراق پاسخ دقیق خواهد داد.<sup>۳۰۴</sup> سرانجام نهمین جلسه ملاقات با دبیر کل که در ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه ۱۶ مرداد ۱۳۶۷ برگزار شد، وزیر خارجه وقت ایران پاسخ جمهوری اسلامی ایران را مبنی بر قبول برقراری آتش بس اعلام کرد.<sup>۳۰۵</sup> پس از این جلسه وزیر خارجه ایران به خبرنگاران گفت:

«ما پیشنهاد دبیر کل سازمان ملل متحد را قبول می کنیم که مذاکرات مستقیم پس از اعلام آتش بس صورت بگیرد.»<sup>۳۰۶</sup>

قرار شد دبیر کل سازمان ملل در گزارشی به اعضای شورای امنیت، زمان برقراری آتش بس را اعلام کند. در همین روند، در نشستی غیر رسمی با اعضای شورای امنیت، دکوئیار پیشنهاد کرد، تیم ناظر بر آتش بس که آن را "یونیماگ" (گروه نظامی ناظر سازمان ملل در جنگ ایران و عراق) نامیده بود متشكل از ۳۵۰ تن: یک هیئت پشتیبانی کننده نظامی، یک واحد هوایی و احتمالاً یک واحد کوچک دریایی در مرحله اول، به مدت شش ماه در منطقه

مستقر شود.<sup>۳۰۷</sup> سرانجام، دبیرکل سازمان ملل اعلام کرد، تاریخ ۲۰ اوت ۱۹۸۷ میلادی (۲۹ مرداد ۱۳۶۷) زمان برقراری آتش بس خواهد بود<sup>۳۰۸</sup> و پس از آن، اقدامات لازم برای اجرای بندهای ۴، ۶، ۷ و ۸ قطع نامه انجام خواهد شد.<sup>۳۰۹</sup> در پی اعلام زمان برقراری آتش بس، آقای هاشمی رفسنجانی، جانشین فرماندهی کل قوا در پیامی اعلام کرد:

«نیروهای مسلح از امروز نباید شروع کننده هیچ گونه حرکت نظامی و مسلحانه باشند، ولی وظیفه دارند، آماده و هوشیار بمانند و هر گونه شرارت دشمن را در هوا، دریا و زمین به طور شایسته جواب دهند.<sup>۳۱۰</sup>

در همین حال، سرفرماندهی ارتش عراق نیز بیانیه‌ای صادر کرد، صدام در جشن و پایکوبی مردم عراق شرکت جست، تلویزیون بغداد با قطع برنامه‌های عادی خود، خبر زمان برقراری آتش بس را اعلان کرد و سه روز تعطیل عمومی در این کشور اعلام شد. چند روز پس از آن، صدام در جلسه هیئت دولت عراق درباره روند تحولاتی که منجر به پایان جنگ شد و در توجیه علل پذیرش آتش بس، پیش از مذاکره مستقیم، صحبت کرد. وی گفت:

«عراق از لحاظ نظامی پیروز شد و تمامی جهان به انتظار شنیدن تصمیم صلح از بغداد و نه از تهران و سورای امنیت و سازمان ملل بودند. از نظر قانونی، قطع نامه ۵۹۸ مرده بود و آن چیزی که قطع نامه را احیا کرد، ایران بود.<sup>۳۱۱</sup>

وی درباره وضعیتی که ایران قطع نامه ۵۹۸ را پذیرفت، گفت:

«اگر در آن روز ایران موافقت خود را با قطع نامه اعلام نمی کرد، حداقل تا دو ماه پس از آن هر چیزی که شما [عراقي‌ها] حتی در کاغذ می نوشتييد، از سوی ايران مورد قبول واقع می شد. اين دو ماه را به عنوان حداقل مدت محاسبه شده در برنامه‌ها و توانايی و قدرتی که در اختياض داشتيم، تعين کرده بوديم.<sup>۳۱۲</sup>

سرانجام، در فاصله کمتر از دو هفته از تعیین زمان برقراری آتش بس در

<sup>۳۰۷</sup> برای آگاهی بیشتر از بندهای یاد شده، به متن کامل قطع نامه در پایان همین فصل مراجعه شود.

۲۰ اوت ۱۹۸۷ (۱۳۶۷ مهرداد) تا اجرای آن، کلیه تلاش‌های دبیرکل سازمان ملل برای استقرار نیروهای "يونیماغ" در تهران و عراق انجام گرفت و بدین ترتیب، جنگ ایران و عراق پس از گذشت هشت سال از زمان تجاوز عراق به ایران به پایان رسید در حالی که هیچ دستاورد سیاسی یا نظامی برای عراق در بر نداشت و همین امر، زمینه جنگ دیگری (تجاوز عراق به کویت) را در منطقه فراهم ساخت.

\*\*\*

### پیوست: متن کامل قطع‌نامه ۵۹۸

شورای امنیت با تأیید مجدد قطع‌نامه (۱۹۸۶) ۵۸۲ خود؛ با ابراز نگرانی عمیق از این که علی‌رغم درخواست‌هایش برای آتش‌بس، منازعه بین ایران و عراق به شدت ساقی با تلفات شدید انسانی و تخرب مادی ادامه دارد؛ با ابراز تأسف از آغاز و ادامه منازعه، همچنین با ابراز تأسف از بمباران مراکز صرفاً مسکونی غیر نظامی، حملات به کشتی‌رانی بی‌طرف با هواپیماهای کشوری، نقض قوانین بین‌المللی انسان‌دوستانه و دیگر قوانین ناظر بر درگیری مسلحانه، به‌ویژه کاربرد سلاح‌های شیمیایی برخلاف الزامات پروتکل ۱۹۲۵ ژنو؛ با ابراز نگرانی عمیق نسبت به احتمال تشدید و گسترش بیشتر منازعه، مصمم گردید به تمامی اقدامات نظامی بین ایران و عراق خاتمه بخشد.

معتقد گردید که باید یک راه حل جامع، عادلانه، شرافتمندانه و پایدار بین ایران و عراق به دست آید؛ با یادآوری مفاد منشور ملل متحد، به‌ویژه تعهد‌همه دول عضو به حل اختلافات بین‌المللی خود از راههای مسالمت‌آمیز به نحوی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به مخاطره نیفتند؛ با حکم به این که در منازعه بین ایران و عراق نقض صلح حادث شده است؛ با اقدام بر اساس مواد ۴۰ و ۳۹ منشور ملل متحد،

- ۱- خواستار آن است که به عنوان قدم اولیه جهت حل و فصل (مناقشه) از راه مذاکره، ایران و عراق یک آتش‌بس فوری را رعایت کرده، به تمام عملیات نظامی در زمین، دریا و هوا خاتمه داده و تمام نیروهای خود را بدون درنگ به مرزهای شناخته شده بین‌المللی بازگرداند.
- ۲- از دبیرکل درخواست می‌کند که یک تیم ناظر ملل متحد برای بررسی، تأیید و نظارت بر آتش‌بس و عقب‌نشینی نیروها اعزام نماید و همچنین از دبیرکل درخواست می‌نماید بامشourt طرفین درگیر، تدابیر لازم را اتخاذ نموده، گزارش آن را به شورای امنیت ارائه نماید.
- ۳- مصرانه می‌خواهد اسرای جنگی آزاد شده و پس از قطع مخاصمات فعل کنونی، براساس کنوانسیون سوم ژنو در ۱۲ اوت ۱۹۴۹، بدون تأخیر به کشور خود بازگرداند شوند.
- ۴- از ایران و عراق می‌خواهد با دبیرکل در اجرای قطعنامه و در تلاش‌های میانجی‌گرایانه برای حصول یک راه حل جامع، عادلانه و شرافتمندانه مورد قبول دو طرف درخصوص تمام موضوعات موجود، منطبق با اصول مندرج در منشور ملل متحد، همکاری نمایند.
- ۵- از تمام کشورهای دیگر می‌خواهد که حداقل خویشتن داری را مبذول دارند و از هرگونه اقدامی که می‌تواند منجر به شدید و گسترش بیشتر منازعه گردد، احتراز کنند و بدین ترتیب اجرای قطعنامه را تسهیل نمایند.
- ۶- از دبیرکل درخواست می‌نماید که بامشourt با ایران و عراق، مسئله تفویض اختیار به هیئتی بی‌طرف برای تحقیق راجع به مسئولیت منازعه را بررسی نموده و در اسرع وقت به شورای امنیت گزارش دهد.
- ۷- ابعاد خسارات واردہ در خلال منازعه و نیاز به تلاش‌های بازسازی با کمک‌های مناسب بین‌المللی پس از خاتمه درگیری تصدیق می‌گردد و در این خصوص از دبیرکل درخواست می‌کند که یک هیئت کارشناسان

را برای مطالعه موضوع بازسازی و گزارش به شورای امنیت، تعیین نماید.

۸- همچنین از دبیرکل درخواست می‌کند که با مشورت با ایران و عراق و دیگر کشورهای منطقه، راههای افزایش امنیت و ثبات منطقه را مورد مذاقه قرار دهد.

۹- از دبیرکل درخواست می‌کند که شورای امنیت را در مورد اجرای این قطعنامه مطلع نماید.

۱۰- مصمم است برای بررسی اقدامات بیشتر جهت رعایت و اجرای این قطعنامه، در صورت ضرورت جلسات دیگری مجددًا تشکیل دهد.<sup>۳۱۳</sup>

## فهرست مأخذ فصل سوم

- شماره ۱۲۰، ۴.۱۳۶۷، ص ۲۷، رادیو لندن، ۱۳۶۷/۴/۲۶.  
مصالحه با شهرام چوین از کارشناسان لور ایران و حنگ.  
۲۰- مأخذ ۱۶، ص ۱۷، لندن، ۱۳۶۷/۴/۲۵.
- ۲۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره شماره ۱۲۱، ۴.۱۳۶۷، ص ۱۶، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۲۷.
- ۲۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۱۷، ۴.۱۳۶۷، ص ۳۰، رادیولندن، ۱۳۶۷/۴/۲۳.  
۲۳- پیشین، ص ۱۴، رادیولریکا، ۱۳۶۷/۴/۲۳.  
۲۴- مأخذ ۵.
- ۲۵- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۲۶، ۴.۱۳۶۷، ص ۲۳، رادیوسراپل، به تقلیل از مقاله بدبود آهاروت، ۱۳۶۷/۵/۱.
- ۲۶- روزنامه کیهان، ۴.۱۳۶۷، ص ۳، ۴.۱۳۶۷/۴/۲۳.  
۲۷- مأخذ ۱۲، تهران، خبرگزاری رویترز، ۱۳۶۷/۴/۲۱، به تقلیل از دیلماتها.  
۲۸- پیشین، ص ۳۰، رادیولریکا، ۱۳۶۷/۴/۲۱.  
۲۹- مأخذ ۷، ص ۳۳، رادیولریکا، ۱۳۶۷/۴/۲۴.  
۳۰- روزنامه کیهان، ۴.۱۳۶۷/۴/۲۷.
- ۳۱- مأخذ ۲۲، ص ۴۲ و ۴۳، تهران، خبرگزاری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۲۳.  
۳۲- مأخذ ۷، ص ۲۴ و ۲۵، بخش فارسی رادیولریکا، ۱۳۶۷/۷/۲۴.  
۳۳- پیشین.  
۳۴- پیشین.  
۳۵- مأخذ ۱۶، ص ۱۵، بغداد، خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۷/۴/۲۴.  
۳۶- مأخذ ۷، ص ۳۳، رادیولریکا، ۱۳۶۷/۴/۲۴.  
۳۷- روزنامه کیهان، ۴.۱۳۶۷/۴/۳۰.
- ۳۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۲۴، ۴.۱۳۶۷، ص ۶۰ و ۶۱، واشنگتن پست.  
خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۳۰.  
۳۹- پیشین.
- ۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۷، ۴.۱۳۶۷، ص ۱۰، خبرگزاری آسوشیتد پرس، ۱۳۶۷/۴/۲۹.  
۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۸، ۴.۱۳۶۷، ص ۳، خبرگزاری عراق، ۱۳۶۷/۴/۱۴.  
۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۱، ۴.۱۳۶۷، ص ۲، تاپ، خبرگزاری عراق، ۱۳۶۷/۴/۷.  
۴- پیشین، ص ۵.  
۵- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۶، ۴.۱۳۶۷، ص ۱۱، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۷/۴/۲۲.  
۶- پیشین.  
۷- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۸، ۴.۱۳۶۷، ص ۱۳، پاریس، خبرگزاری کویت، ۱۳۶۷/۴/۲۴.  
۸- روزنامه کیهان، ۴.۱۳۶۷/۴/۲۲، اطلاعیه س تلفرماندهی کل نیروهای مسلح.  
۹- پیشین، ص ۳.  
۱۰- روزنامه کیهان، ۴.۱۳۶۷/۴/۲۳.  
۱۱- روزنامه کیهان، ۴.۱۳۶۷/۴/۲۴.  
۱۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۲۱، ۴.۱۳۶۷، ص ۸، رادیولندن، ۱۳۶۷/۴/۲۱.  
۱۳- پیشین، ص ۶، رادیوبغداد، ۱۳۶۷/۴/۲۱.  
۱۴- مأخذ ۵، ص ۱۶.  
۱۵- مأخذ ۵، ص ۱۵، خبرگزاری عراق، ۱۳۶۷/۴/۲۲.  
۱۶- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۹، ۴.۱۳۶۷، ص ۵، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۲۶.  
۱۷- مأخذ ۱۶، ص ۴، بغداد، خبرگزاری عراق، ۱۳۶۷/۴/۲۵.  
۱۸- پیشین، ص ۷، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۲۵.  
۱۹- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه

- ۶۱- مأخذ، ۴۶، جعفر محلاتی، ناینده ایران در سازمان ملل.
- ۶۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۶۴، ۸.۶.۱۳۶۶، رادیوصوت‌الجمahir سخنان صدام در جمیع دانشگاهیان مقیم عراق، ۷.۶.۱۳۶۷.
- ۶۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۸۵، ۳۰.۶.۱۳۶۶، خبرگزاری "کیودو". ۲۹.۶.۱۳۶۶.
- ۶۴- پیشین، طارق عزیز، بیووک، خبرگزاری رویتر، ۴.۷.۱۳۶۷.
- ۶۵- مأخذ، ۵۴، ص. ۸۸، ۷.۹.۱۳۶۷.
- ۶۶- پیشین، صص ۸۸ و ۸۹، ۱۱.۹.۱۳۶۷.
- ۶۷- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۲۶۱، ۱۳.۹.۱۳۶۶، ۱۳.۹.۱۳۶۶.
- ۶۸- مأخذ، ۵۴، ص. ۸۹.
- ۶۹- پیشین، ص. ۹۰.
- ۷۰- پیشین.
- ۷۱- پیشین.
- ۷۲- پیشین، ص. ۹۱.
- ۷۳- پیشین، ص. ۹۲.
- ۷۴- پیشین، ص. ۹۱ و ۹۲.
- ۷۵- پیشین، ص. ۹۲.
- ۷۶- پیشین، ص. ۹۳.
- ۷۷- پیشین.
- ۷۸- پیشین، ص. ۹۴.
- ۷۹- پیشین.
- ۸۰- پیشین.
- ۸۱- پیشین، ص. ۹۶، ۱۵.۱۲.۱۳۶۶.
- ۸۲- پیشین.
- ۸۳- پیشین، ص. ۹۸، ۲۷.۱.۱۳۶۷.
- ۸۴- پیشین، ص. ۱۰۰، ۲۶.۲.۱۳۶۷.
- ۸۵- پیشین، ص. ۱۰۱، ۲۹.۲.۱۳۶۷.
- ۸۶- پیشین، ص. ۱۰۲، ۲۸.۲.۱۳۶۷.
- ۸۷- پیشین، ص. ۱۰۴.
- ۸۸- پیشین.
- ۸۹- پیشین.
- ۹۰- پیشین، ص. ۱۰۶، ۲۰.۳.۱۳۶۷، خطبه‌های نماز جمعه.
- ۴۰- مأخذ، ۱۲، ص. ۳۹، واشنگتن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۱.۴.۱۳۶۷.
- ۴۱- مأخذ، ۲۲، ص. ۲۷، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۳.۴.۱۳۶۷.
- ۴۲- مأخذ، ۷، ص. ۴۶، بیروت، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۲۴.۴.۱۳۶۷.
- ۴۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۱۰، ۱۷.۴.۱۳۶۷، واشنگتن، خبرگزاری رویتر، ۱۶.۴.۱۳۶۷.
- ۴۴- مأخذ، ۳۸، صص ۷۶ و ۷۷، خبرگزاری فرانسه، ۳۰.۴.۱۳۶۷.
- ۴۵- مأخذ، ۱۶، ص. ۴۴، رادیوسرائیل، ۲۵.۴.۱۳۶۷.
- ۴۶- روزنامه کیهان، ۲۶.۴.۱۳۶۷.
- ۴۷- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۲۵، ۱۵.۴.۱۳۶۷، ص. ۶۸، مسکو، خبرگزاری رویتر، ۳۱.۴.۱۳۶۷.
- ۴۸- مأخذ، ۲۵، ص. ۲۵، رادیومسکو، ۱.۵.۱۳۶۷.
- ۴۹- مأخذ، ۲۲، صص ۲۲ و ۲۳، مسکو، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۲۳.۴.۱۳۶۷.
- ۵۰- روزنامه کیهان، ۱.۵.۱۳۶۷، آیت‌الله خمینی، امام جمعه تهران، ۳۱.۴.۱۳۶۷.
- ۵۱- مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی، (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جلد ۲۰، ۱۳۶۹.۲۰)، صص ۱۰۹ تا ۱۳۳.
- ۵۲- مأخذ، ۵، ص. ۳۱، رادیو ریکا، ۲۲.۴.۱۳۶۷.
- ۵۳- حیدر فرهادی، بررسی تحولات جنگ، نخست وزیری، سال ۱۳۶۶، ص. ۷۳، مصاحبہ آقای هاشمی با روزنامه تهران تایمز، ۶.۶.۱۳۶۶.
- ۵۴- پیشین، ص. ۷۴، به نقل از تورگوت اوزال.
- ۵۵- پیشین، ص. ۷۶، ۱.۷.۱۳۶۶.
- ۵۶- پیشین، ص. ۷۷.
- ۵۷- پیشین، ص. ۷۸.
- ۵۸- پیشین، ص. ۷۹ و ۷۸.
- ۵۹- پیشین، ص. ۷۹.
- ۶۰- پیشین، ص. ۲۳.۷.۱۳۶۶.

- ۱۱۴- پیشین، ص ۲۶، کویت، خبرگزاری جمهوری اسلامی، تهران.
- ۱۱۵- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه" نشریه شماره ۱۲۳، ۱۳۶۷/۴/۳۰، رادیولریکار.
- ۱۱۶- مأخذ ۴۷، خبرگزاری رویتر، ۱۳۶۷/۴/۳۰.
- ۱۱۷- پیشین.
- ۱۱۸- مأخذ ۱۵، مسکو، خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۷/۴/۲۸.
- ۱۱۹- مأخذ ۲۱، ص ۳۰، انگلستان، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۲۷.
- ۱۲۰- مأخذ ۱۰۵، ص ۳۱، بن، خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۷/۴/۲۸.
- ۱۲۱- پیشین، ص ۱۵، ریاض، خبرگزاری رویتر، ۱۳۶۷/۴/۲۸.
- ۱۲۲- پیشین، ص ۱۳۶۷/۴/۲۹، ۶۳، رادیوبوبی، بی‌سی، ۱۳۶۷/۴/۲۸.
- ۱۲۳- مأخذ ۲۱، ص ۴۵، رادیولریکار، ۱۳۶۷/۴/۲۹، رایزن راست، گزارش‌گر صدای امریکا، ۱۳۶۷/۴/۲۷.
- ۱۲۴- پیشین، خبرگزاری رویتر، به نقل از دیلمات‌ها و تحلیل گران.
- ۱۲۵- مأخذ ۱۱۵، رادیولریکار، ۱۳۶۷/۴/۲۸، ۵، کتریمیل نخلی، استاد علوم سیاسی در کالج سنت مولی در مریلند.
- ۱۲۶- مأخذ ۲۱، ص ۶۵ و ۶۶، رادیولریکار، ۱۳۶۷/۴/۲۸.
- ۱۲۷- پیشین.
- ۱۲۸- مأخذ ۱۱۵، ص ۴۳، رادیولریکار، ۱۳۶۷/۴/۲۹، روزنامه واشنگتن پست.
- ۱۲۹- مأخذ ۲۱، ص ۲۹ و ۳۰، خبرگزاری رویتر، ۱۳۶۷/۴/۲۷.
- ۱۳۰- مأخذ ۱۰۵، ص ۷۱، رادیولریکار، ۱۳۶۷/۴/۲۸.
- ۱۳۱- مأخذ ۱۱۵، ص ۴۷، آنکارا، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۲۹.
- ۱۳۲- مأخذ ۲۵، خبرگزاری رویتر، هارولد براؤن، وزیر دفاع اسبق امریکا.
- ۱۳۳- مأخذ ۱۱۵.
- ۱۳۴- مأخذ ۱۰۵، ص ۶۳، رادیوبوبی، بی‌سی، ۱۳۶۷/۴/۲۸.
- ۹۱- پیشین، ص ۱۱، ۱۳۶۷/۴/۳.
- ۹۲- پیشین، ص ۱۱۱، ۱۳۶۷/۴/۱۱.
- ۹۳- پیشین، ص ۱۱۹.
- ۹۴- روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۴/۲۶.
- ۹۵- روزنامه رسالت، دکتر حسن روحانی، ۱۳۶۷/۴/۲۷.
- ۹۶- روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۴/۲۸.
- ۹۷- مأخذ ۹۵.
- ۹۸- مأخذ ۵.
- ۹۹- مأخذ ۲۱، ص ۱۵، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۲۷.
- ۱۰۰- پیشین، ص ۱۷، نیویورک، خبرگزاری کویت.
- ۱۰۱- پیشین، ص ۱۹، لندن، خبرگزاری رویتر، ۱۳۶۷/۴/۲۷.
- ۱۰۲- پیشین، ص ۳۱، نیویورک، خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۷/۴/۲۷.
- ۱۰۳- پیشین، ص ۷۱، رادیولریکار، ۱۳۶۷/۴/۲۸.
- ۱۰۴- روزنامه رسالت، ۱۳۶۷/۴/۲۷، "مقاله قبول قطع نامه ۵۹۸ مصلحت اسلام پذو تأثین رضایت خدا."
- ۱۰۵- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه" نشریه شماره ۱۲۲، ۱۳۶۷/۴/۲۹، ۸۹، اصفهان، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۲۸.
- ۱۰۶- پیشین ص ۹۰، اراک، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۲۸.
- ۱۰۷- امام خمینی، پیام استقلالت، ذیحجه ۱۴۰۸، تیرماه ۱۳۶۷، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرداد ۱۳۶۷، ص ۲۱.
- ۱۰۸- پیشین، ص ۲۴ و ۲۵.
- ۱۰۹- مأخذ ۵.
- ۱۱۰- مأخذ ۹۶.
- ۱۱۱- پیشین، مصاحب مطبوعاتی، آقای هاشمی رفسنجانی.
- ۱۱۲- مأخذ ۱۰۵، ص ۱۱ و ۱۲، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۲۸.
- ۱۱۳- پیشین، ص ۳۲، واشنگتن، خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۷/۴/۲۸.

- ۱۷۷- مأخذ، ص ۴، خبرگزاری عراق، ۱۳۶۷/۴/۲۹.
- ۱۷۸- مأخذ، ص ۴۷، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۳۱.
- ۱۷۹- مأخذ، ص ۷، رادیولندن، ۱۳۶۷/۴/۳۰.
- ۱۸۰- مأخذ، ص ۳۲، خبرگزاری یونایتد پرس، ۱۳۶۷/۴/۳۱.
- ۱۸۱- پیشین، ص ۵۱، رادیولریکا، ۱۳۶۷/۴/۳۱.
- ۱۸۲- پیشین، ص ۳۳، خبرگزاری آلمان، ۱۳۶۷/۴/۳۱.
- ۱۸۳- پیشین، صص ۳۴ و ۳۵، ۱۳۶۷/۴/۳۱.
- ۱۸۴- پیشین، ص ۵۰، رادیولریکا، ۱۳۶۷/۴/۳۱.
- ۱۸۵- پیشین، ص ۵۲، رادیولریکا، ۱۳۶۷/۴/۳۱.
- ۱۸۶- پیشین، ص ۵، بغداد، خبرگزاری عراق، ۱۳۶۷/۴/۳۱.
- ۱۸۷- پیشین، ص ۲، بغداد، خبرگزاری عراق، ۱۳۶۷/۴/۳۱.
- ۱۸۸- علی اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحملی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۶/ص ۲۹۱.
- ۱۸۹- مأخذ، ص ۸، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۳۱.
- ۱۹۰- آقای هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور وقت، ۱۳۷۲/۷/۲، روزنامه‌های همان روز.
- ۱۹۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گراش‌های ویژه" نشریه شماره ۱۳۳، ۱۳۶۷/۵/۹، اهواز، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۵/۷.
- ۱۹۲- سند شماره ۱۷۰، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، دفترچه ثبت جنگ، قرارگاه نیروی زمینی سپاه، راوی: برادر حمید رضا فراهانی، ۱۳۶۷/۵/۱ تا ۱۳۶۷/۵/۲، ص ۵۳.
- ۱۹۳- روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۵/۵، افکارهای آقای هاشمی رفسنجانی.
- ۱۹۴- مأخذ، ص ۲۵، اهواز، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۵/۱.
- ۱۹۵- پیشین، صص ۵ و ۶، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۵/۱.
- ۱۹۶- پیشین، ص ۹، اهواز، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۵/۱.
- ۱۹۷- پیشین، ص ۲، بغداد، خبرگزاری عراق، ۱۳۶۷/۵/۱.
- ۱۹۸- پیشین، ص ۳، رادیوصوت الجماهیر، ۱۳۶۷/۵/۱.
- ۱۹۹- مأخذ، ص ۲۸، کویست، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۲۹.
- ۲۰۰- روزنامه تایمز.
- ۲۰۱- مأخذ، ص ۲۹ و ۲۸، کویست، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۲۹.
- ۲۰۲- روزنامه کوفیت الائمه، ۱۳۶۷/۴/۳۰.
- ۲۰۳- مأخذ، ص ۳۸، خبرگزاری رویتر، ۱۳۶۷/۴/۳۰.
- ۲۰۴- مأخذ، ص ۳۲، بیروت، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۵/۱.
- ۲۰۵- مأخذ، ص ۲۹ و ۳۰، بحرین، خبرگزاری رویتر، ۱۳۶۷/۴/۲۷.
- ۲۰۶- مأخذ، ص ۴۷، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۳۱.
- ۲۰۷- مأخذ، ص ۷۱، رادیولریکا، ۱۳۶۷/۴/۲۸.
- ۲۰۸- راین رایت، کارشناس نیلد کارتگی برای صلح بین المللی.
- ۲۰۹- مأخذ، ص ۴۷، پرفسور رمضانی، استاد علوم بین المللی و دولتی دانشگاه ویرجینیا لمریکا.
- ۲۱۰- مأخذ، ص ۲۹، بحرین، خبرگزاری رویتر، ۱۳۶۷/۴/۲۷.
- ۲۱۱- مأخذ، ص ۳۴، رادیولریکا، ۱۳۶۷/۴/۳۱.
- ۲۱۲- مأخذ، ص ۲۱، تهران، خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۷/۴/۲۷.
- ۲۱۳- مأخذ، ص ۱۹، بغداد، خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۷/۴/۲۷.
- ۲۱۴- مأخذ، ص ۱۱، بغداد، خبرگزاری عراق، ۱۳۶۷/۴/۲۷.
- ۲۱۵- پیشین.
- ۲۱۶- مأخذ، ص ۲۷، بغداد، خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۷/۴/۲۷.
- ۲۱۷- مأخذ، ص ۲۷، بغداد، خبرگزاری عراق، ۱۳۶۷/۴/۲۷.
- ۲۱۸- مأخذ، ص ۷، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۲۸.
- ۲۱۹- مأخذ، ص ۱۰، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۲۸.
- ۲۲۰- مأخذ، ص ۱۱، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۲۸.
- ۲۲۱- مأخذ، ص ۸، بغداد، خبرگزاری عراق، ۱۳۶۷/۴/۲۸.
- ۲۲۲- مأخذ، ص ۳۸، اندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۳۰.
- ۲۲۳- پیشین، ص ۳۷، اندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۲۹.
- ۲۲۴- روزنامه کیهان، ۲.۵.۱۳۶۷، مصاحبہ ۲۰۵.
- ۲۲۵- مأخذ، ص ۳۸، رادیولریکا، ۱۳۶۷/۴/۲۹.
- ۲۲۶- مأخذ، ص ۲۸، کویست، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۲۹.

- سال جنگ، آبان ۱۳۶۹، ص ۶۱.
- ۱۹۷- مأخذ ۱۸۰، ص ۴، خبرگزاری عراق، ۱۳۶۷/۵/۴.
- ۱۹۸- روزنامه رسالت، ۱۳۶۷/۵/۴، اطهارات سردارشبانی، فرمائده سپاه چهارم بعثت از سپاه پاسداران.
- ۱۹۹- مأخذ ۱۷۱، دیلی تلگراف، ۱۳۶۷/۵/۸.
- ۲۰۰- مأخذ ۲۱۲، ص ۴۴، رادیو بریکا، ۱۳۶۷/۴/۲۷.
- ۲۰۱- مأخذ ۲۱۳، ص ۴۴، رادیو بریکا، ۱۳۶۷/۴/۲۷.
- ۲۰۲- دفتر سیاسی حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ولتن رویدادها و تحلیل، "نشریه شماره ۴۶" ۱۳۶۷/۴/۲۹، ص ۱۶.
- ۲۰۳- پیشین، ص ۲۲.
- ۲۰۴- پیشین.
- ۲۰۵- روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۵/۱۲، اطهارات برادر علی شمخانی، معاونت اطلاعات و عملیات فرماندهی کل قوا.
- ۲۰۶- مأخذ ۱۹۸.
- ۲۰۷- مأخذ ۲۰۲، ص ۱۷.
- ۲۰۸- مأخذ ۱۹۸.
- ۲۰۹- مأخذ ۱۸۰، ص ۳، خبرگزاری عراق، ۱۳۶۷/۵/۴.
- ۲۱۰- پیشین، ص ۲۶، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۵/۴.
- ۲۱۱- پیشین، ص ۱۰، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۵/۴.
- ۲۱۲- مأخذ ۲۰۲، ص ۱۷.
- ۲۱۳- مأخذ ۱۷۱، ص ۱۳ و ۱۴، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۵/۸.
- ۲۱۴- پیشین، مأخذ ۲۰۲، ص ۱۷.
- ۲۱۵- پیشین.
- ۲۱۶- مأخذ ۱۸۰، ص ۷، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۵/۴.
- ۲۱۷- مأخذ ۱۹۰، ص ۴۹ و ۵۰، باختن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۵/۶.
- ۲۱۸- مأخذ ۲۰۲، ص ۱۸.
- ۲۱۹- مأخذ ۱۹۸.
- ۲۲۰- مأخذ ۲۰۲، ص ۱۸.
- ۲۲۱- مأخذ ۱۹۸.
- ۲۲۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۳۶۷/۵/۸، ۲، بغداد، آسوشیتدپرس،
- ۱۷۹- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۲۸، ۱۳۶۷/۵/۴، ص ۱، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۵/۳.
- ۱۸۰- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۲۹، ۱۳۶۷/۵/۵، ص ۱۵، نیویورک، خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۷/۵/۴.
- ۱۸۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۲۷، ۱۳۶۷/۵/۳، ص ۲۳، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۵/۲، عبدالهیر لایبی، سفیر عراق.
- ۱۸۲- روزنامه السیفیر، ۱۹۸۹/۸/۲۹، میلاندی (خورشیدی)، احمد زیدی، سرهنگ سابق ارتش عراق، سفارت جمهوری اسلامی، بیروت.
- ۱۸۳- مأخذ ۱۷۹، ص ۵، بغداد، خبرگزاری عراق، ۱۳۶۷/۵/۳.
- ۱۸۴- مأخذ ۱۷۹، ص ۷، ۱۳۶۷/۵/۳.
- ۱۸۵- مأخذ ۱۵۸، ص ۵، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۲۱.
- ۱۸۶- مأخذ ۱۳۷، ص ۱۲، هلبورگ، خبرگزاری آلمان، ۱۳۶۷/۵/۱.
- ۱۸۷- مأخذ ۲۵، ص ۲۸ و ۲۹، بغداد، خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۷/۵/۱.
- ۱۸۸- پیشین، ص ۱۵، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۲۱.
- ۱۸۹- مأخذ ۱۶۰، ص ۲۲، رادیو بریکا، ۱۳۶۷/۵/۳، روزنامه واشنگتن پست.
- ۱۹۰- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۳۱، ۱۳۶۷/۵/۷، رادیولندن، ۶، ۱۳۶۷/۵/۶.
- ۱۹۱- مأخذ ۲۵، ص ۱۱، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۲۱.
- ۱۹۲- پیشین.
- ۱۹۳- پیشین.
- ۱۹۴- مأخذ ۴۷، ص ۱۶، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، تایمز مالی.
- ۱۹۵- مأخذ ۴۷، رادیولندن، ۱۳۶۷/۴/۳۱.
- ۱۹۶- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، راهنمای عملیات ۸

- .۲۴۷- سردار غلامعلی رشید، مصاحبه اختصاصی، آبان ۱۳۶۷ .۱۳۶۷/۵/۷
- .۲۴۸- روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۵/۱۲ .۲۴۹- مأخذ ۱۹۰، ص ۳۶ و ۳۷، رادیولندن، ۱۳۶۷/۵/۶
- .۲۴۹- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه" نشریه شماره ۱۳۹/۵/۱۵، ۱۳۶۷/۵/۱۵ .۲۴۹- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه" نشریه شماره ۱۳۹/۵/۱۴
- .۲۵۰- روزنامه السفیر، ۱۳۶۷/۸/۲۹، احمد زبیدی، سرهنگ سابق ارش عراق، ارسالی از سوی سفارت جمهوری اسلامی در بیروت .۲۵۰- روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۵/۱۲ .۲۵۱- مأخذ ۱۷۹، ص ۹، رادیولندن، ۱۳۶۷/۵/۳
- .۲۵۲- مأخذ ۱۷۸، ص ۱۸، رادیولندن، ۱۳۶۷/۴/۳۱ .۲۵۲- مأخذ ۱۷۸، ص ۱۸، رادیولندن، ۱۳۶۷/۴/۳۱
- .۲۵۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۳۰، گزارش خبرنگار بخش صدای امریکا زمین ملل در نیویورک .۲۵۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۳۰
- .۲۵۴- روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۵/۲ .۲۵۵- پیشین .۲۵۵- مأخذ ۱۷۸، ص ۲۰، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۳۰ .۲۵۵- مأخذ ۱۷۸، ص ۲۰، تهران، خبرنگار بخش فارسی صدای امریکا زمین ملل در نیویورک .۲۵۵- مأخذ ۱۷۸، ص ۲۰، تهران، خبرنگار بخش فارسی صدای امریکا زمین ملل در نیویورک .۲۵۶- مأخذ ۱۷۸، ص ۲۱، رادیولندن، ۱۳۶۷/۵/۱۲ .۲۵۶- مأخذ ۱۷۸، ص ۲۱، رادیولندن، ۱۳۶۷/۵/۱۲
- .۲۵۷- پیشین .۲۵۸- مأخذ ۱۷۸، ص ۲۲، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۳۰ .۲۵۷- پیشین .۲۵۸- مأخذ ۱۷۸، ص ۲۲، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۴/۳۰
- .۲۵۹- مأخذ ۱۷۸، ص ۲۳، رادیولندن، ۱۳۶۷/۵/۲ .۲۶۰- مأخذ ۱۷۸، ص ۲۴، رادیولندن، ۱۳۶۷/۵/۲
- .۲۶۱- مأخذ ۱۷۸، ص ۲۵، رادیولندن، ۱۳۶۷/۵/۲ .۲۶۲- مأخذ ۱۷۸، ص ۲۶، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۵/۲
- .۲۶۳- مأخذ ۱۷۸، ص ۲۷، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۵/۲ .۲۶۳- مأخذ ۱۷۸، ص ۲۷، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۵/۲
- .۲۶۴- مأخذ ۱۷۸، ص ۲۸، رادیولندن، ۱۳۶۷/۵/۲ .۲۶۵- مأخذ ۱۷۸، ص ۲۹، رادیولندن، ۱۳۶۷/۵/۲
- .۲۶۶- پیشین .۲۶۷- پیشین .۲۶۸- مأخذ ۱۷۸، ص ۳۰، رادیولندن، ۱۳۶۷/۵/۲ .۲۶۹- مأخذ ۱۷۸، ص ۳۱، رادیولندن، ۱۳۶۷/۵/۲
- .۲۷۰- مأخذ ۱۷۸، ص ۳۲، رادیولندن، ۱۳۶۷/۵/۲ .۲۷۱- مأخذ ۱۷۸، ص ۳۳، رادیولندن، ۱۳۶۷/۵/۲
- .۲۷۲- مأخذ ۱۷۸، ص ۳۴، رادیولندن، ۱۳۶۷/۵/۲ .۲۷۳- مأخذ ۱۷۸، ص ۳۵، رادیولندن، ۱۳۶۷/۵/۲
- .۲۷۴- مأخذ ۱۷۸، ص ۳۶، رادیولندن، ۱۳۶۷/۵/۲ .۲۷۵- مأخذ ۱۷۸، ص ۳۷، رادیولندن، ۱۳۶۷/۵/۲
- .۲۷۶- مأخذ ۱۷۸، ص ۳۸، رادیولندن، ۱۳۶۷/۵/۲ .۲۷۷- مأخذ ۱۷۸، ص ۳۹، رادیولندن، ۱۳۶۷/۵/۲
- .۲۷۸- مأخذ ۱۷۸، ص ۴۰، رادیولندن، ۱۳۶۷/۵/۲ .۲۷۹- مأخذ ۱۷۸، ص ۴۱، رادیولندن، ۱۳۶۷/۵/۲
- .۲۷۹- ناتالیا یکوروا، بحران آذربایجان از دیدگاه اسناد نیویورک شوروی، مجله گفتگو، شماره ۱۷، پاییز ۱۳۷۶، ص ۱۲۸، نامه استالین به جعفر پیشهوری .۲۷۹- ناتالیا یکوروا، بحران آذربایجان از دیدگاه اسناد نیویورک شوروی، مجله گفتگو، شماره ۱۷، پاییز ۱۳۷۶، ص ۱۲۸، نامه استالین به جعفر پیشهوری .۲۸۰- مأخذ ۱۷۸، ص ۴۲، رادیولندن، ۱۳۶۷/۵/۲ .۲۸۱- مأخذ ۱۷۸، ص ۴۳، رادیولندن، ۱۳۶۷/۵/۲
- .۲۸۲- روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۵/۲۵، اظهارات مسئول بسیج .۲۸۳- مأخذ ۱۷۸، ص ۴۵، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۵/۲۵ .۲۸۴- روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۵/۱۵ .۲۸۵- روزنامه کیهان، ۱۳۶۷/۵/۱۵

- شماره ۱۳۶/۵/۱۲، رادیو امریکا، ۱۳۶۷. ۲۶۴- مأخذ ۱۷۹، صص ۳۰ و ۳۱، نیوزورک خبرگزاری فرانسه، پیشین.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۳۷/۵/۱۳، خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۷/۵/۱۲. ۲۶۵- مأخذ ۱۸۰، ص ۱۱، واشنگتن، خبرگزاری کویت، ۱۳۶۷/۵/۴.
- مأخذ ۲۹۲، ص ۱۹ و ۲۰، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۵/۱۱. ۲۶۶- مأخذ ۱۶۸، ص ۲۷۶.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه شماره ۱۳۸/۵/۱۴، ص ۵، بغداد، خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۷/۵/۱۳. ۲۶۷- پیشین، ص ۲۷۶.
- پیشین. ۲۶۸- پیشین.
- پیشین. ۲۶۹- پیشین.
- ۲۷۰- مأخذ ۱۸۰، صص ۳ و ۴، بغداد، خبرگزاری عراق، ۴.۵.۱۳۶۷.
- پیشین. ۲۷۱- پیشین.
- پیشین. ۲۷۲- پیشین.
- ۲۷۳- مأخذ ۱۶۸، ص ۲۹۶.
- پیشین. ۲۷۴- پیشین.
- پیشین. ۲۷۵- پیشین.
- ۲۷۶- مأخذ ۱۶۸، ص ۲۹۷.
- پیشین. ۲۷۷- پیشین.
- پیشین. ۲۷۸- پیشین.
- ۲۷۹- مأخذ ۱۹۰، ص ۳۸، رادیو امریکا، ۱۳۶۷/۵/۶.
- ۲۸۰- مأخذ ۲۲۲، ص ۲۴، بغداد، خبرگزاری عراق، ۱۳۶۷/۵/۶.
- ۲۸۱- مأخذ ۱۶۸، ص ۳۰۶.
- ۲۸۲- مأخذ ۱۷۱، ص ۶، رادیو صوت الجملهير، ۱۳۶۷/۵/۸.
- پیشین. ۲۸۴- پیشین.
- پیشین، ص ۱۹، به تقلیل از خبرگزاری بوگسلاوی. ۲۸۵-
- ۲۸۶- مأخذ ۲۲۲، ص ۳۲، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۵/۷.
- ۲۸۷- مأخذ ۲۲۳، ص ۸، رادیو امریکا، ۱۳۶۷/۵/۸.
- ۲۸۸- مأخذ ۱۷۱، ص ۳۱، خبرگزاری رویتر، ۱۳۶۷/۵/۷.
- ۲۸۹- مأخذ ۲۳۳، ص ۴، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۵/۹.
- ۲۹۰- مأخذ ۱۶۸، ص ۳۱۳.
- پیشین، ص ۲۰. ۲۹۱-
- پیشین. ۲۹۲-
- ۲۹۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی، "گزارش‌های ویژه"، نشریه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، چاپ دوم، صص ۱۳۷/۴، ۱۴۰ تا ۱۴۲.

<http://www.ciw8.net>

## فصل چهارم

از آغاز مذاکرات صلح تا پذیرش مجدد  
قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به وسیله عراق

- ✓ بازتاب بیآمدهای احتمالی پایان جنگ
- ✓ آغاز مذاکرات بی حاصل زیرنظر دبیرکل سازمان ملل
- ✓ تلاش عراق برای به دست گرفتن ابتکار عمل
- ✓ آغاز صلح جویی با فرستادن نامه برای رهبران ایران
- ✓ پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر در پی اشغال کویت

## از آغاز مذاکرات صلح تا پذیرش مجدد

### قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به وسیله عراق

پایان جنگ ایران و عراق گذشته از دورنمای مبهم حل اختلافات دو طرف در پشت میز مذاکره، از دو نظر با اهمیت بود؛ نخست، پایان درگیری نظامی هشت ساله در منطقه استراتژیک خلیج فارس و احتمال آغاز دوران ثبات و آرامش در منطقه دوم، تأثیر پی‌آمدها و نتایج ناشی از پایان جنگ در ایجاد توازن در منطقه و تعیین رفتارهای احتمالی دوبازیگر منطقه، یعنی ایران و عراق. تمام تحولاتی که پس از پایان جنگ ایران و عراق تا اشغال کویت به دست عراق روی دادند، متأثر از این ملاحظات بودند.

در این فصل، برای توصیف و تحلیل روند تحولات، مباحث، در چهار محور کلی شامل "بازتاب پی‌آمدهای احتمالی پایان جنگ"، "آغاز مذاکرات بی‌حاصل تھتنظر دبیر کل سازمان ملل" ، "تلاش عراق برای به دست گرفتن ابتکار عمل" × و "اشغال کویت به وسیله عراق و پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر" ، ارائه شده‌اند. نظر به این که هدف اصلی در این فصل، تجزیه و تحلیل رخدادهایی است که در فاصله زمانی از برقراری آتش‌بس تا موافقت مجدد عراق با قرارداد ۱۹۷۵ میلادی الجزایر اتفاق افتاده‌اند، لذا بی‌آمدهای اقدام عراق در

---

× باید توجه داشت که ابتکار عراق در ارسال نامه‌های صلح طلبانه برای رئیس جمهوری اسلامی ایران به قصد زمینه‌سازی برای تجاوزی دیگر به همسایه‌ای دیگر انجام شد.

اشغال کویت و حمله نظامی امریکا به عراق و آزادسازی کویت مورد بحث و بررسی قرار نگرفته‌اند.

## بازتاب پی‌آمدهای احتمالی پایان جنگ

حوادث و رخدادهای ماههای پایانی جنگ ایران و عراق، گرچه بر شدت و دامنه جنگ افزود، اما اقدام ایران در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ه و در مقابل، ناتوانی نظامی عراق برای دستیابی به پیروزی نظامی و یادامه جنگ، شمارش معکوسی برای پایان جنگ هشت ساله ایران و عراق بود. این مسئله بهدلیل آن که سرانجام جنگ میان دو بازیگر منطقه خلیج‌فارس به پایان می‌رسید، حائز اهمیت بود و به این دلیل بازتاب نسبتاً گسترده‌ای در رسانه‌های خبری داشت و توجه کارشناسان و تحلیل‌گران امور منطقه و ایران را جلب کرد.

با توجه به این موضوع که تحولات ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران منجر به تغییر موازنه حاکم بر منطقه شد، همواره در سال‌های قبل (بعد از پیروزی انقلاب اسلامی) این هدف به وسیله قدرت‌های بزرگ و برخی کشورهای منطقه دنبال می‌شد که علاوه بر مهار و اداره تحولات متأثر از این رخداد بزرگ در داخل ایران و منطقه، نظم (سیاسی-نظامی) پیشین نیز به منطقه بازگردانده شود. در راستای همین هدف بود که جنگ عراق علیه جمهوری اسلامی به عنوان ابزاری برای مهار اثرات انقلاب اسلامی به وسیله مخالفان آن مورد استفاده قرار گرفت. بنابراین بررسی پی‌آمدهای پایان چنین جنگی - که ابزار مهار انقلاب اسلامی قلمداد می‌شد - بسیار پر اهمیت است و آن را می‌توان در این سه بخش دسته‌بندی و مورد بررسی قرار داد: الف - ارزیابی دست‌آوردهای جنگ، ب - فرآیند تحولات و توازن منطقه‌ای، ج - تجزیه و تحلیل روند تحولات ایران.

با توجه به بعد از گسترده بازتاب پایان جنگ، مسائل دیگری وجود دارد که

حائز اهمیت بوده و بررسی آنها لازم است، اما در این فصل تنها رخدادها و مسائلی مورد توجه و تأکید قرار می‌گیرند که به اشغال کویت و پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به وسیله عراق منجر شد؛ به همین دلیل است که بررسی بازتاب پی‌آمدهای جنگ تنها در سه محور یاد شده محدود گردیده است.

### الف - ارزیابی دست‌آوردهای جنگ

ارزیابی دست‌آوردهای پایان جنگ برای دو کشور ایران و عراق اساساً، نوعی ارزیابی از پیروزی یا شکست دو طرف یا یکی از آنها در جنگ می‌باشد. علاوه بر آن، این موضوع دامنه تحولات پایانی جنگ را نیز در بر گرفته است. چنین نگرش و برخوردي، نوعی مفهوم‌سازی برای تعیین درس‌های جنگ ایران و عراق و تفهیم آن به عنوان "یک جنگ بی‌معنا و بی‌حاصل" می‌باشد. در این باره، در مرداد ۱۳۶۷ رادیو امریکا در گفتاری سیاسی با عنوان "نظرات رسمی دولت امریکا" تأکید کرد:

«پایان گرفتن این جنگ فقط به سبب تحلیل رفتن بنیه دو طرف و یا آگاهی ایران و عراق از عدم امکان دست‌یابی به پیروزی نظامی نیست، بلکه پایان گرفتن این جنگ همچنین بدان سبب است که قطع نامه ۵۹۸ سازمان ملل یک راه حل سیاسی و عادلانه برای برقراری صلح را ممکن ساخته است.<sup>۱</sup>»

در این گفتار سیاسی علاوه بر راه حل سیاسی برای پایان جنگ، بر نقش امریکا نیز تأکید شد.

روزنامه امریکایی نیویورک‌تايمز نیز در ارزیابی موقعیت دو طرف جنگ و بررسی ادعا و تبلیغات عراق مبنی بر دست‌یابی به پیروزی نوشت:

«این تفاهم کلی وجود دارد که هرگونه ادعایی که عراق به هنگام پایان پذیرفتن جنگ درباره پیروزی می‌کند، ادعایی بی‌اساس است. پس از هشت سال شکست و پیروزی، پیش‌روی و عقب‌نشینی، اشغال و تخلیه مواضع، اکنون

نیروهای عراقی در جایی قرار گرفته‌اند که در آستانه جنگ در سپتامبر سال ۱۹۸۰ میلادی (شهریور ۱۳۵۹ خورشیدی) قرار داشته‌اند، یعنی "مرزهای بین‌المللی" .<sup>۲</sup>

هفته‌نامه "داناس" چاپ "زاگرب" طی تحلیلی درباره پایان جنگ نوشت:

«در این جا غالب یا مغلوب وجود ندارد و هر دو کشور در همان جایی هستند که هشت سال قبل بودند، هیچ‌یک از آن دو به هدف‌هایی که در سال ۱۹۸۰ میلادی تعیین شده بود، نرسیدند. بغداد انقلاب اسلامی را از پای در نیاورد، هر چند که ضربه محکمی به آن وارد کرد و جلوی صدور آن را گرفت و از طرف دیگر، تهران نیز نتوانست رژیم بی‌خدای عراق را سرنگون کند.»<sup>۳</sup>

روزنامه لبنانی السفیر نیز در خصوص پیروزی عراق و علت تصمیم‌گیری ایران این چنین تفسیر کرد:

«پیروزی عراق به مثابه شکست عراق در جنگ نمی‌باشد. چرا که ایران به‌خاطر عوامل و رویدادهای بین‌المللی و منطقه‌ای که انقلاب اسلامی از نظر سیاسی و نظامی با آن روبرو شد، این تصمیم را اتخاذ کرد.»<sup>۴</sup>

روزنامه "کوریره دلاسرا" چاپ ایتالیانیز ماهیت جنگ را از نظر "مبازه امام خمینی با غرب" مورد بررسی قرارداد و بدون ذکر دلایل خود نوشت:

«اسلام‌گرایی» موجب شکست جنگ شده است.<sup>۵</sup>

آنتونی کردزمن یکی از کارشناسان جنگ در امور ایران و عراق در کنفرانس ویژه‌ای که "انستیتو تحقیقاتی بین‌المللی بروگینز" در شهر واشنگتن برگزار شد، گفت:

«جنگ از چند نظر برای هر دو کشور یک شکست محسوب می‌شود، زیرا هیچ‌یک به هدف‌های سیاسی خود نرسیده و به عنوان قدرت مسلط بر منطقه ظهور نکرد. هیچ‌یک قادر به خروج از نفوذ قدرت‌های بزرگ نیست و هنوز آینده امنیتی ایران و عراق نامعلوم مانده است و هیچ‌یک قادر به تضمین امنیت خود با

**طرف دیگر نیست . «<sup>۶</sup>**

روزنامه نیویورک تایمز در مقاله‌ای تحلیلی، به ارزیابی عراق از "شرايط انقلابی" در ایران و امکان بـهـرـبـدارـی از آن برای تصرف خوزستان و اداره راهـآـبـی بـسـیـار مـهـم اـرـونـدـرـود و در پـیـآـمـدـ آـن، سـرـنـگـون شـدـن حـکـومـت انـقلـابـی اـیرـان و جـایـگـزـین شـدـن صـدـام بـهـعـنـوان قـدـرتـ منـطـقـهـای، نـوـشت:

«تجاوز صدام یکی از بزرگ‌ترین شکست‌های تاریخ معاصر بود. زیرا این تجاوز، ایرانی‌ها را پشت‌سر رژیم اسلامی آیت‌الله خمینی متحد کرد و منجر به یک جنگ هشت ساله گردید. <sup>۷</sup>

در این تحلیل‌ها، دست‌آوردهای جنگ و ارزیابی پیروزی یا شکست، از دیدگاه‌های گوناگونی مورد بررسی و توجه قرار گرفته است. نظر به این که عراق بـهـعـنـوان آـغـازـگـر جـنـگ و بـاـهـدـفـهـای مـشـخـص، اـزـ جـملـه: سـرـنـگـونـی نـظـام انـقلـابـی حـاـکـم بـرـ اـیرـان، تـصـرـف و تـجزـیـه خـوزـسـ坦 و لـغـوـ قـرـارـدادـ ۱۹۷۵ مـیـلـادـی الجـزـایـر بـهـ اـیرـان تـجاـوزـ کـرد، لـذـاـخـرـین مـوـقـعـیـت نـیـروـهـای عـرـاقـی پـس اـزـ گـذـشت هـشـتـ سـال اـزـ آـغـازـ جـنـگ، مـیـ تـوـانـدـ یـکـی اـزـ بـرـجـسـتـهـ تـرـین شـاخـصـهـاـ برـای اـرـزـیـابـی پـیـروـزـی یـاـ شـکـسـتـ حـکـومـت عـرـاقـ درـ جـنـگـ باـشـد. بـرـ پـایـهـ اـینـ مـلاـحظـهـ، نـهـنـهـاـ عـرـاقـ نـتوـانـتـ اـهـدـافـ خـودـ رـاـ تـأـمـيـنـ کـنـدـ، بلـکـهـ درـ طـولـ هـشـتـ سـالـ جـنـگـ تـنـهـاـ باـ پـشـتـيـبـانـیـ هـمـهـ جـانـبـهـ بـيـنـ المـلـلـيـ وـ مـنـطـقـهـایـ توـانـتـ بـهـ حـيـاتـ سـيـاسـيـ، نـظـامـيـ وـ اـقـتصـادـيـ خـودـ اـدـامـهـ دـهـدـ وـ هـمـيـنـ مـسـئـلـهـ اـبعـادـ وـ اـبـسـتـگـيـ عـرـاقـ رـاـ بـهـ قـدـرـتـهـايـ بـزـرـگـ تـعمـيقـ بـخـشـيدـ. درـ هـمـاـنـ حـالـ، اـگـرـچـهـ باـ وـجـودـ تمـهـيـدـاتـ قـدـرـتـهـايـ اـسـتـكـبارـيـ وـ تـمـامـ حـامـيـانـ عـرـاقـ، جـمـهـورـيـ اـسـلامـيـ اـيرـانـ نـتوـانـتـ بـهـ پـيـروـزـيـ نـظـامـيـ قـطـعـيـ دـسـتـيـابـيـدـ، ولـىـ تـنـهـاـ باـ حـمـاـيـتـ وـ پـشـتـيـبـانـيـ مرـدـمـيـ، دـفـاعـ هـشـتـ سـالـهـ رـاـ اـدارـهـ وـ نـظـامـ سـيـاسـيـ خـودـ رـاـ باـ شـاخـصـهـايـ انـقلـابـيـ دـيـنـيـ تـثـبـيـتـ کـرـدـ.

## ب - فرآیند تحولات و توازن منطقه‌ای

نخستین و مهم‌ترین پرسشی که با پایان جنگ برای ناظران و تحلیل‌گران و نیز تصمیم‌گیرندگان منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح شد، این بود که "ایران و عراقی که از این جنگ سر بر می‌آورند، چگونه ایران و عراقی خواهند بود؟"

با وجود تلاش دو کشور برای پُر کردن خلاء قدرت در منطقه، در طول هشت سال جنگ، این خلاء نسبت به گذشته گسترده‌تر شده بود.<sup>۸</sup> با پایان گرفتن جنگ، ابهام‌های زیادی نسبت به توانایی‌ها و مناسبات دو کشور همچنان خودنمایی می‌کرد و فرض و گمان‌های زیادی در این باره وجود داشت. برخی از تحلیل‌های بیانگر این معنا بود که ایران به‌سوی اعتدال گرایش یافته و عراق نیز ملایم‌تر و عاقل‌تر شده است. در این حال، تأکید می‌شد، تنها گذر زمان محک آزمایش برای فرض‌ها و گمان‌ها خواهد بود. ولی واقعیت‌ها حاکی از این بود که دو کشور منافع فوق العاده‌ای برای ایفای نقش گسترده‌تر در منطقه دارند.<sup>۹</sup>

با توجه به برتری عراق در توان نظامی - به‌دلیل حمایت‌های همه جانبه بین‌المللی - رفتار این کشور به‌دلیل احساس غرور پیروزی و در عین حال احساس عدم امنیت، قابل پیش‌بینی نبود.<sup>۱۰</sup> آمار و ارقام مربوط به افزایش توان نظامی عراق نیز قابل ملاحظه بود. کردزن براین باور بود که عراق، تنها برای نگهداری ماشین جنگی اش سالانه به بیست میلیارد دلار نیاز دارد.<sup>۱۱</sup> اسرائیلی‌های نیز براین باور بودند که عراق دارای ۵۵ لشکر، ۵۰۰ دستگاه تانک و یک نیروی هوایی مدرن و موشک‌های دوربرد مجهز به کلاهک‌های شیمیایی است.<sup>۱۲</sup> "شیمون پرز" نیز با توجه به برتری نظامی عراق، این سؤال را مطرح کرد که آیا عراق پس از جنگ تمام نیروی خود را برای بازسازی به کار خواهد گرفت و یا این که برای رهبری در جهان عرب تلاش خواهد کرد؟<sup>۱۳</sup>

یکی از کارشناسان مسائل جنگ در بررسی خود از آینده خلیج فارس معتقد بود که ایران به عراق فرصت خواهد داد تا نقشی را که پیشتر داشته است، در منطقه ایفا کند. با این حال، دشمنی میان ایران و عراق باقی خواهد ماند و در یک مسابقه تسليحاتی شدید در گیر خواهد شد.<sup>۱۴</sup> سایر تحلیل‌گران نیز مناسبات ایران و عراق را همچنان خصوصت‌آمیز ارزیابی می‌کردند.<sup>۱۵</sup> بدھی بالغ بر ۹۰ میلیارد دلاری<sup>۱۶</sup> عراق در مقایسه با بدھی ایران، نقطه ضعف عراق محسوب می‌شدو در مقابل، نقطه قوتی برای ایران بود. لذا بر اساس همین ملاحظه، برخی از تحلیل‌گران در پاسخ به این پرسش که زمان به نفع کیست؟ معتقد بودند، در کوتاه مدت، زمان به نفع عراق و در دراز مدت به نفع ایران است و با بازسازی اقتصادی، ارتقای روابط با سایر دولتها، توازن قدرت به نفع ایران تجدید شده و برتری عراق همچون برف زمستانی محو خواهد شد.<sup>۱۷</sup> در این حال، با توجه به موقعیت ایران و عراق و تأکید بر ادامه دشمنی میان آنها به عنوان یک واقعیت، توازن منطقه‌ای نیز در یک نگاه کوتاه مدت و دراز مدت، حول محور این دو کشور ارزیابی می‌شد. به همین دلیل، برخی تحلیل‌گران با توجه به ضعیف بودن کشورهای منطقه، بر این باور بودند که امنیت منطقه خلیج فارس در صورتی تضمین می‌شود که بین ایران و عراق توازن برقرار شود.<sup>۱۸</sup> و بر پایه همین ملاحظه، ضرورت توجه به ایران و متقابلاً بهبود روابط ایران با سایر کشورها را گوشزد می‌کردند.

پایان جنگ ضمن این که نیروهای ایران و عراق را از درگیری آزاد کرد، محور تقلیل توجه کشورهای منطقه را از جنگ ایران و عراق به سایر مسائل منطقه‌ای از جمله مسئله اعراب و اسرائیل سوق داد. در این باره رادیولندن یکی از پیامدهای احتمالی پایان جنگ ایران و عراق را تمرکز بر اختلافهای اعراب و اسرائیل ذکر کرد.<sup>۱۹</sup> بی‌گمان این تغییر و تحول خوشایند اسرائیلی‌ها نبود؛ برابر اظهارات "دان شومردن"، اسرائیلی‌ها از آغاز جنگ همواره تحولات

آن را زیر نظر داشته و براین عقیده بودند که نتیجه جنگ بر امنیت و درگیری اعراب - اسرائیل اثر مهمی خواهد داشت.<sup>۲۰</sup> به همین دلیل، پس از آن که ایران قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت و علائم پایان جنگ ایران و عراق آشکار شد، "اسحاق شامیر"، نخست وزیر وقت اسرائیل گفت:

«این ممکن است به معنای آغاز یک دوره جدید در سراسر منطقه باشد.»<sup>۲۱</sup>

حتی، برخی از تحلیل‌گران نظامی در "تل آویو"، در آن هنگام براین مسئله تأکید داشتند که "امنیت اسرائیل چهار دگرگونی‌های اساسی شده و ممکن است از این هم و خیم‌تر شود، زیرا نازارمی‌های چندماه اخیر در اراضی اشغالی، به موازات احتمال برقراری صلح میان ایران و عراق، می‌تواند منجر به تمرکز توجهات به قیام فلسطینی‌ها شود."<sup>۲۲</sup> با این که اسرائیلی‌ها بعید می‌دانستند عراق پس از جنگ ایران و عراق تمایلی برای حمله به اسرائیل داشته باشد<sup>۲۳</sup>، ولی از اعتماد به نفس ارتشم عراق و تشویق این کشور به انجام عملیات خارج از مرزهای عراق نگران بودند.<sup>۲۴</sup> در این حال، مرکز تحقیقاتی اسرائیل در تل آویو<sup>۲۵</sup> و دانشگاه "جafa"<sup>۲۶</sup> در بررسی منطقه‌ای، احتمال شکل‌گیری جبهه جدیدی در شرق علیه اسرائیل را پیش‌بینی کردند.

بدین ترتیب، آینده ایران و عراق و تأثیر آن در توازن منطقه خلیج فارس، موضع گیری و رفتار دو کشور درخصوص تحولات منطقه خاورمیانه، اختلافهای اعراب و اسرائیل و احتمال تغییر توازن منطقه به زیان اسرائیل از جمله مسائلی بودند که پس از پایان جنگ ایران و عراق مورد توجه اسرائیلی‌ها و حامیان جهانی آنها (امریکا و انگلیس) قرار داشت و موجب نگرانی آنها شده بود.

## ج - تجزیه و تحلیل روند تحولات ایران

در آن هنگام اظهارنظر و پیش‌بینی درباره روند تحولات داخلی ایران اساساً بر

پایه تأثیراتی که پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و نحوه پایان جنگ بر جامعه ایران و انقلاب اسلامی داشت، صورت می‌گرفت. "بروس لینیکن"، کاردار پیشین امریکا در تهران ضمن تأکید بر ضرورت توجه به اقدام ایران در پذیرش قطعنامه، بر این باور بود که تاکنون، ادامه جنگ با هدف اعلام شده ایران مبنی بر سرنگونی حکومت مرتد در بغداد بوده است و پیروزی در این راه می‌توانست نشانه نیروی انقلابی و جاذبه آن برای جامعه بزرگ‌تر اسلامی باشد.<sup>۲۷</sup> به همین دلیل، پایان جنگ، در غرب این امید را به وجود آورد که ایران فرصتی پیدا خواهد کرد تا به الگوی سنتی خود بازگردد و انقلاب فقط در برگیرنده سقوط شاه باشد.<sup>۲۸</sup> لذا، اقدام ایران به دلیل نتایج احتمالی آن به منزله ایجاد امید برای تغییر شیوه تفکر در تهران ارزیابی می‌شد.<sup>۲۹</sup>

برخی از تحلیل‌گران نیز تصمیم ایران را برای پایان دادن به جنگ، در چارچوب ضرورت حفظ انقلاب اسلامی مورد توجه قرار می‌دادند. به عقیده رابین رایت، یکی از کارشناسان منطقه خاورمیانه اقدام ایران نخستین گام از اجرای استراتژی گسترده‌تری برای آغاز مرحله‌ای جدید در انقلاب است. هدف از این استراتژی آن است که بقای انقلاب اسلامی اهمیت بیشتری یافته است.<sup>۳۰</sup> تحلیلی که صدام بلافضله پس از موافقت ایران با قطعنامه ۵۹۸ انجام داد بر اهمیت تحلیل بالا می‌افزاید. وی در تحلیل خود در توجیه دست یافتن به اهداف خود در مقابله با انقلاب اسلامی، اجرای اهداف عراق مبنی بر مقابله با انقلاب اسلامی گفته بود:

«مهم ترین نتیجه پیروزی‌های عراق شکست کامل بنیان ایدئولوژیکی دولت ایران بوده است.»<sup>۳۱</sup>

در مورد روند تحولات داخلی ایران همچنان نظرات متفاوتی ارائه می‌شد، برخی از تحلیل‌گران بر این باور بودند که چون ایران با پذیرش قطعنامه در حقیقت آمادگی خود را برای بازگشت به جامعه جهانی اعلام داشته است<sup>۳۲</sup>

در نتیجه، مجبور می‌شود توجه خود را به داخل کشور معطوف کند و بدین ترتیب خط تروریسم و شورش‌های اسلامی کاهش خواهد یافت<sup>۳۳</sup> البته، این مسئله به معنای پایان انقلاب نیست<sup>۳۴</sup>، زیرا اراده امام خمینی کماکان فائق است. هرچند دوره‌ای در حال گذر است و کشمکش، میان افراد امیدوار برای بهدست گرفتن قدرت پس از رفتن او، تشدید یافته است<sup>۳۵</sup> "گراهام فولر"، از کارشناسان سازمان سیاطی مقاله‌ای که در روزنامه واشنگتن پست به چاپ رسید، نوشت:

«در ایران ترک انقلاب مطرح نیست بلکه صحبت از چگونگی دنبال کردن آن است . . . با وجود بحث و حدسهای زیادی که در مورد جنگ صورت می‌گیرد، جنگ، آزمایش نهایی برای اعتبار انقلاب محسوب نمی‌شود، بلکه اکنون نیز چون دوران مناظرات "استالین" و "تروتسکی" در سال‌های دهه ۱۹۲۰ میلادی در شوروی، صحبت از تحکیم مبانی انقلاب در داخل و مسئله صدور انقلاب به دیگر کشورها است. در ایران مسئله پایان جنگ به منزله اعتدال در رویه ایران تلقی نمی‌شود، بلکه مسئله منافع درازمدت حکومت انقلابی است . . . البته شکست‌های اخیر ایران اتخاذ این تصمیم را تسريع کرد. »<sup>۳۶</sup>

همچنین بخشی از تحلیل کارشناسان رسانه‌های خارجی بر ظهر گرایش به غرب در ایران بهدلیل ابراز تمایل این کشور به برقراری روابط گسترده با جهان<sup>۳۷</sup>، ضرورت تلاش غرب برای نزدیک شدن به ایران بهدلیل موقعیت ژئوپلیتیک حاضر، میزان جمعیت، بازار مناسب و هم‌جواری آن با شوروی و نیز ناتوانی اعراب در رسیدن به ائتلافی که بتواند بلوک قدرتمند و با اهمیتی به وجود آورد<sup>۳۸</sup>، تأکید داشت. سفير اسبق امریکا در تهران (ریچارد هلمز) بر این باور بود که "ایران در دراز مدت مایل به کار کردن با امریکا بوده و با تغییر دستگاه رهبری ایران، مصلحت اندیشه‌ی بیشتری به کار خواهد بست و امریکا نیز بازیگر اصلی در ایران خواهد بود. "<sup>۳۹</sup>

نویسنده کتاب "عقاب و شیر" نیز طی سخنرانی خود در کنفرانس "انقلاب اسلامی ایران ده سال بعد" ، درباره ایران گفت :

« دو موضع کلیدی در مورد ایران وجود دارد : نخست موضعی که مرکز اصلی آن عربستان سعودی بود و در سال های ۸۳ - ۱۹۸۲ به شدت به صورت بر جسته بروز کرد ، که واگذاری ایران و عراق [به حال خود] در دو سال اول جنگ و سیاست حفظ فشار بر ایران و در منگنه قرار دادن این کشور از خطوط بر جسته این سیاست بود . موضع دوم ، [مربوط به] عمل گرایان طرفدار جغرافیای استراتژیک بود که به ایران به عنوان یک ابرقدرت منطقه‌ای می‌نگرد ; کشوری با منابع سرشار ، موقعیتی بسیار مهم و جمعیتی عظیم . آنها استدلال می‌کنند که ایران باید ایفای نقش کند و این نقش عاملی خواهد بود در حل آنچه که در افغانستان می‌گذرد . عمل گرایان می‌گویند ، امریکا و ایران در دراز مدت به هم نیاز دارند . این دو کشور دارای مشترکات زیادی هستند که می‌توانند با یکدیگر کار کنند . خطمشی این عمل گرایان آن بوده است که برای هموار کردن راه ، اندکی به ایران فشار آورند و نگذارند که از طریق طرفهای ثالث عالی رتبه ژاپنی و آلمانی مسائل حل نشود . »<sup>۴۰</sup>

فرض اصلی در تحلیل‌های ارائه شده - گذشته از درستی و نادرستی آنها - بر پایه دو ملاحظه کلی صورت می‌گرفت . نخست : تأثیر پایان جنگ پس از موافقت ایران با قطعنامه ۵۹۸ در سیاست‌های داخلی و خارجی این کشور و ایجاد تغییرهایی در این سیاست‌ها و دوم : ضرورت برقراری ارتباط امریکا و غرب با ایران - با در نظر گرفتن ملاحظه اول - به منظور موازنیه جدید در منطقه و نیز مهار بحران‌های احتمالی منطقه‌ای که اساساً می‌تواند از برتری غیر قابل تردید عراق ناشی شوند .

## آغاز مذاکرات بی حاصل زیر نظر دبیر کل سازمان ملل<sup>۱</sup>

### نخستین مذاکرات در ژنو

با وجود دشواری‌های فراوان، سرانجام در ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ آتش‌بس میان دو کشور ایران و عراق برقرار شد، اما با توجه به وضعیت حاکم بر صحنه سیاسی و جبهه‌های نظامی، به نظر می‌رسید، اوضاع به نحو آشکاری شکننده است و هرگونه حادثه یا واکنش نامناسب می‌تواند منجر به از سرگیری درگیری‌ها شود. بنابراین، برای "تحکیم آتش‌بس"، اجرای بند ۱ قطعنامه ۵۹۸ه مبنی بر عقب‌نشینی به مزهای بین‌المللی الزامی بود ولی این امر بدون انجام مذاکره میان دو کشور ایران و عراق، تحقق نمی‌یافتد. بدین منظور، دبیر کل سازمان ملل بلافضله پس از پایان مذاکرات آتش‌بس و با استناد به موافقت دو کشور برای انجام مذاکرات مستقیم، طی نامه‌ای از وزیران خارجه ایران و عراق خواست، در مذاکرات شرکت کنند.<sup>۲</sup> با وجود مخالفت عراق برای شرکت در جلسات که موجب تأخیر در برگزاری آن شد، سرانجام، با اعلام آمادگی این کشور و سفر وزیران خارجه ایران و عراق به ژنو، سوم شهریور ۱۳۶۷ نخستین دور مذاکرات آغاز شد.<sup>۳</sup> در این مذاکرات، "عقب‌نشینی به مزهای بین‌المللی" مورد اهتمام ایران بود، درحالی که عراقی‌ها لایروبی ارونده و آزادی کشتی رانی را با آتش‌بس مرتبط دانسته و حتی تلویحاً، تهدید می‌کردند، در صورت عدم پذیرش لایروبی و آزادی کشتی رانی، آتش‌بس در خطر است.<sup>۴</sup>

ضرورت مقابله با تلاش‌های جدید عراق که به منزله آغاز "جنگ صلح"

<sup>۱</sup> انتشار متن مذاکرات در غیر از رسانه‌های خبری که جنبه‌های تبلیغاتی و تحلیلی در آنها غلبه دارند، برای نخستین بار در کتاب "تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران" نوشته آقای علی‌اکبر ولایتی، وزیر خارجه وقت ایران، منتشر شد. نظر به اهمیت و ضرورت طرح این بحث و بهدلیل دسترسی نداشتن به سایر منابع، گزارش این مذاکرات عمدتاً با اتكاء به کتاب یاد شده تنظیم و تدوین شده است. لذا برای آگاهی بیشتر، خوانندگان محترم برای اطلاع بیشتر می‌توانند به این کتاب مراجعه کنند.

بود، باعث شد وزیر خارجه وقت ایران طرحی را برای مقابله با پیشنهادهای خارج از دستور جلسه تهیه کند. وی در ملاقات با دبیرکل ضمن ارائه طرح خود تأکید کرد:

«ما مخالف هر صحبتی یا طرحی هستیم که عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر را مخدوش نماید، ولو این که مذاکرات به بن بست برسد، این، از تعليمات مستقیم رهبر انقلاب امام خمینی به این جانب است.»

آقای ولایتی سپس افزود:

«لایروبی قاعده خاصی دارد که در قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر مندرج است.»<sup>۴۴</sup>

در واقع، با انجام نخستین دوره مذاکرات کامل‌آشکار شد که عراقی‌ها به هیچ وجه مایل به پیش‌رفت مذاکرات نیستند و با مطرح کردن مسئله لایروبی به جای عقب‌نشینی عملاً تلاش می‌کردند که قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را نادیده بگیرند. در این حال بود که دبیرکل سازمان ملل ژنورا ترک کرده و آقای "الیاسون" را به عنوان نماینده خود در مذاکرات معرفی نمود<sup>۴۵</sup> و در پی آن دومین دور مذاکرات به ریاست نماینده دبیرکل آغاز شد. تداوم سرسرختی عراق در مذاکرات سبب شد تا آقای "پیکو" یکی از دستیاران دبیرکل در ملاقاتی بگوید:

«نظر عراقی‌ها این است که نقش سازمان ملل حذف شود.»<sup>۴۶</sup>

سفیر وقت ایران در ژنو نیز برای توضیح وضعیت موجود با دبیرکل ملاقات کرد. در این دیدار، دبیرکل با اعلام حمایت از نظرات و برنامه‌های ایران، گفت:

«عراقی‌ها در کار خود سرسرخت و یک‌دنه هستند.... آتش‌بس در حال حاضر شکننده است.»<sup>۴۷</sup>

بدین ترتیب و پس از پایان دومین دور مذاکرات بدون دست‌یابی به نتیجه‌ای مفید، الیاسون اعلام کرد، از طرف دبیرکل به او دستور داده شده است که به مذاکرات پایان دهد. ایران نیز با آگاهی از ماهیت رفتارهای عراق

مبنی بر انجام مذاکرات دو جانبی و حذف نظارت بین‌المللی، تلاش کرد مذاکرات در نیویورک و تحت نظر دبیرکل ادامه یابد. بر همین اساس، آقای الیاسون، نماینده دبیرکل پس از قرائت بیانیه دبیرکل و تأکید بر "اجرای بند ۱ قطعنامه" بدون هیچ‌گونه تأخیر<sup>۴۸</sup>، از وزیران خارجه دو کشور دعوت کرد، در سپتامبر ۱۹۸۸ میلادی (شهریور - مهر ۱۳۶۷) در نیویورک به مذاکرات ادامه دهند.<sup>۴۹</sup> ولی وزیر خارجه عراق ضمن مخالفت با تعلیق مذاکرات، عدم موافقت کشورش را برای ادامه مذاکرات در نیویورک، به این دلیل که نیویورک شهر بی‌طرفی نیست، اعلام کرد. سرانجام پس از مشورت دبیرکل با ۱۵ عضو شورای امنیت و حمایت آنان از ادامه مذاکرات در نیویورک، آقای الیاسون طی بیانیه‌ای پیشنهاد دبیرکل را برای ادامه مذاکرات در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۸ (شهریور ۱۳۶۷) تکرار کرد.<sup>۵۰</sup> طارق عزیز در این باره اعلام کرد:

«ما نظر دبیرکل را برای تشکیل یک جلسه در نیویورک می‌پذیریم، اما تاریخ آن مناسب نیست.»<sup>۵۱</sup>

عراقی‌ها مایل بودند پس از مذاکره‌ای یک جلسه‌ای در نیویورک، جلسات بعدی در ژنو تشکیل شود. به همین دلیل، طارق عزیز گفت:

«تا تاریخ مذاکرات مجدد در ژنو تعیین نشود، مذاکرات فعلی را ما تمام شده نمی‌دانیم.»<sup>۵۲</sup>

### ادامه مذاکرات در نیویورک

پس از حضور وزیران خارجه دو کشور در نیویورک، نخستین جلسه مذاکرات سه جانبی با حضور دبیرکل در ۹ مهر ۱۳۶۷ (اول اکتبر ۱۹۸۸) آغاز شد. عراقی‌ها در این جلسه علاوه بر خواسته‌های پیشین، خواهان تغییر محل مذاکرات بودند. نظر به این که در بند ۱ قطعنامه تصريح شده بود، پس از برقراری آتش‌بس در زمین، هوا و دریا، عقب‌نشینی بدون تأخیر انجام پذیرد،

این اقدام عراق به منزله کارشناسی در انجام مذاکرات و ممانعت از بحث محتوایی بود. به همین دلیل، عراقی‌ها ضمن کارشناسی و اخلال در روند مذاکرات، تلاش می‌کردند که از چنین اتهامی رهایی یابند. بر پایه همین ملاحظات وزیر خارجه عراق در این جلسه گفت:

« نیویورک شهر بی‌طرفی نیست ، عراق در مورد مسائل محتوایی در ایالات متحده نمی‌تواند صحبت کند . »<sup>۵۳</sup>

بدین ترتیب ، نخستین دور مذاکرات در نیویورک به دلیل دست نیافتن به توافقی در مورد محل مذاکرات و شروع بحث محتوایی ، به پایان رسید. در حد فاصل زمان باقی‌مانده تا آغاز دومین دور مذاکرات ، الیاسون با توجه به پذیرش مواضع مثبت ایران و کارشناسی عراق به سفیر وقت ایران در نیویورک گفت:

« ما در بعضی اوقات می‌توانیم رأساً عمل کنیم ولی در بعضی اوقات دیگر ، نیاز به همکاری دو طرف داریم و نمی‌خواهیم بر عراق فشار زیادی بیاید که آتش بس شکننده شود . »<sup>۵۴</sup>

این اظهارات نشان می‌داد که سازمان ملل با وجود آگاهی از کارشناسی عراق ، به دلیل نگرانی از رفتار احتمالی عراق و شرایط شکننده‌ای که وجود داشت ، مایل به اعمال فشار بر این کشور نبود.

دومین دور مذاکرات با حضور دبیرکل در ۱۴ مهر ۱۳۶۷ (۱۹۸۸ اکتبر) آغاز شد. در این جلسه ، دبیرکل گفت:

« ما قادر نبوده‌ایم ، چیزی را که مایلیم به دست آوریم که آن مسئله نیست رسمی دو طرف به اجرای کامل " بند ۱ " در همین زمان و مکان است .... جریان مذاکرات باید ادامه یابد ، راه دیگری نیست . »<sup>۵۵</sup>

در این جلسه ، وزیر خارجه ایران بار دیگر تأکید کرد ، به دلیل کارشناسی‌های عراق نتیجه‌ای حاصل نشده است.<sup>۵۶</sup> بدین ترتیب ، دبیرکل پس از پایان دومین

دور مذاکرات که همچنان بی‌نتیجه مانده بود، در گزارشی به شورای امنیت، با ایجاد اطمینان مبنی بر "عدم خطر جدی برای شکستن آتش‌بس" و تأکید بر "ضرورت عقب‌نشینی به عنوان تنها راه برای مستحکم ساختن آتش‌بس"<sup>۵۷</sup>، زمان دور جدید مذاکرات را در ژنو اعلام کرد.

در همین حال، جمهوری اسلامی ایران در ادامه تلاش‌های دیپلماتیک خود، ضمن اعزام هیئت‌هایی به کشورهای عضو سازمان ملل و بعضی کشورهای مؤثر و ذی نفوذ، در ۲۵ مهر ۱۳۶۷ برای توجیه نمایندگان دیگر کشورهای مقیم تهران، تمام سفیران را به وزارت امور خارجه دعوت کرد.<sup>۵۸</sup>

### ادامه مذاکرات در ژنو

در مجموع هفت دوره مذاکرات با حضور دبیرکل در ژنو انجام شد که در مقایسه با مذاکراتی که پیش از این در ژنو و سپس نیویورک صورت گرفته بود، این دور از مذاکرات از نتایج چشم‌گیری برخوردار بود. نخستین دور مذاکرات مستقیم که زیرنظر دبیرکل در روز سه‌شنبه، دهم آبان ۱۳۶۷ برگزار شد، دکوئیار اظهار امیدواری کرد، برخلاف مذاکرات نیویورک، دو طرف در ژنو وارد بحث‌های ماهوی شوند.<sup>۵۹</sup> وزیر خارجه ایران در این جلسه مجدداً تأکید بر ضرورت اجرای بند ۱ قطعنامه مبنی بر عقب‌نشینی به مرزهای بین‌المللی<sup>۶۰</sup>، تصریح کرد، نقشه‌ها و مدارک، همان اسناد و نقشه‌های عهدنامه ۱۹۷۵ میلادی هستند که در سازمان ملل ثبت شده است وزیر خارجه عراق نیز مواضع پیشین را باز دیگر تکرار کرد.

دومین دور مذاکرات روز بعد (۱۱ آبان ۱۳۶۷) آغاز شد. دبیرکل با توجه به موافقت ایران و عراق با طرح چهار ماده‌ای دبیرکل که مورد حمایت شورای امنیت قرار داشت، تصریح کرد، دو کشور توافق کرده‌اند، نیروهای خود را به مرزهای شناخته شده بین‌المللی عقب‌بکشند و این اقدام، طی دو هفته

انجام خواهد گرفت و دو طرف متعهد شده‌اند از اقداماتی که منجر به تغییر آرایش نظامی آنان شود، خودداری کنند. در حالی که طارق عزیز مجدداً مواضع پیشین کشورش را تکرار می‌کرد، وزیر خارجه ایران در این جلسه نیز، موافقت خود را با متن ارائه شده در سخنان مقدماتی دبیرکل اعلام کرد.<sup>۶۳</sup> وی پیشنهاد کرد، اسناد مربوط به تأیید و تکمیل عقبنشینی که همان عهdenamah ۱۹۷۵ الجزایر هستند، در اختیار گروههای ناظر بر آتش‌بس قرار گیرند.<sup>۶۴</sup> طارق عزیز نیز در این مذاکرات گفت:

«آزادی کشتی رانی و لایروبی شط العرب [اروندروود] آتش‌بس را کامل می‌کند و اگر این‌ها درست شود، قطع نامه نیز اجرا خواهد شد. »<sup>۶۴</sup>  
وی سپس تهدید کرد:

«اگر وزیر خارجه ایران به عقبنشینی تقدم می‌دهد، باید بداند که ما آتش‌بس را مستحکم نکرده‌ایم. بنابراین، حالت آتش‌بس نمی‌تواند خیلی زیاد دوام بیاورد و باید آن را تحکیم کرد. »<sup>۶۵</sup>

با وجود این مجادلات، به تدریج دبیرکل سازمان ملل سایر بندهای توافق چهار ماده‌ای را قرائت کرد.

عدم تمایل عراق به پیش‌رفت مذاکرات و تکرار مواضع پیشین در مقابل پاسخ‌های وزیر خارجه ایران، محتوای مذاکرات را به مباحث تکراری تبدیل کرده بود و با وجود تلاش‌های دبیرکل در مذاکرات سه‌جانبه و دو‌جانبه با دو طرف، هیچ‌گونه گشایش قابل ملاحظه‌ای در گفت‌وگوهای حاصل نمی‌شد. در همان حال، نگرانی نسبت به احتمال درگیری مجدد سبب شده بود، مذاکرات تحت نظر دبیرکل ادامه یابد. بدین ترتیب، سومین دور مذاکرات سه‌جانبه روز ۱۴ آبان ۱۳۶۷ آغاز شد. دبیرکل در آغاز این مذاکرات، بر پایه تجارت به دست آمده از مذاکرات پیشین، گفت:

«در صورتی که موضوعات را به‌طور انفرادی بحث کنیم، هیچ‌یک از طرفین

### موضع خود را تغییر نمی‌دهند . »

دبیرکل که معتقد بود برای رسیدن به تفاهم مشترک، باید مسائل را در یک مجموعه (P ackage) بررسی کرد<sup>۶۶</sup> و افزود:

«فرض من بر این است که برای دست یابی به صلح به ژنو آمده‌ایم ، پیش‌رفت ما بستگی به تصمیم سیاسی و اراده طرفین دارد . تفاهم سیاسی کلید رسیدن به صلح است و هیچ یک از پیشنهادها جایگزین اراده سیاسی نخواهد شد . »<sup>۶۷</sup>

دبیرکل در ادامه اظهارات خود، دو طرف را ترغیب کرد تا گفت و گوها را زیر نظر الیاسون ادامه دهند.<sup>۶۸</sup> بدین ترتیب، دور سوم مذاکرات بدون دست یابی به نتیجه مشخصی پایان یافت و دبیرکل با برداشتی که نسبتاً به ماهیت مذاکرات داشت، مسئولیت مذاکرات را بر عهده نماینده خود، الیاسون گذاشت و ژنرال به مقصد نیویورک ترک کرد.

چهارمین دور مذاکرات باریاست الیاسون در ۱۶ آبان ۱۳۶۷ برگزار شد. الیاسون در این نشست، با توجه به این که دبیرکل پیش از رفتن به نیویورک، برایجاد کمیته مشترک نظامی و برداشتن گام‌های اولیه برای آزادی اسرای معلول و بیمار تأکید کرده بود<sup>۶۹</sup>، اظهار امیدواری کرد مذاکرات از روند سازنده‌ای برخوردار شود. در این دور از مذاکرات نیز هر یک از وزیران خارجه ایران و عراق بار دیگر مواضع و دیدگاه‌های خود را تکرار کردند. الیاسون پس از گوش دادن به سخنان دو طرف تأکید کرد:

«ما مشتاق به ادامه مذاکرات سازنده هستیم . »<sup>۷۰</sup>

وی ابراز تمایل کرد که در جلسات کارشناسان که روز بعد برگزار خواهد شد، موضوعات مورد علاقه دو طرف برای نیل به اهداف قطع نامه مورد بررسی قرار گیرد.

پنجمین دور مذاکرات نیز در ۱۷ آبان ۱۳۶۷ برگزار شد. در این جلسه، الیاسون با بیان نظریات دو طرف در پنج بند که در مذاکرات قبلی تاکنون

مطرح شده بود<sup>۷۱</sup> گفت:

« به نظر من ، این تفاوت‌ها غیر قابل حل نیستند ، ما نیاز به فرمول‌های عملی داریم و اگر نتوانیم ، با ابتکار این راه حل‌ها را به اتمام برسانیم ، تاخیر بیش‌تری را سبب خواهیم شد . »

وی دو طرف را به ارائه ایده‌ها و فرمول‌های اجرایی دعوت کرد .<sup>۷۲</sup> الیاسون در پایان جلسه پس از بیان موضع دو طرف به این دلیل که مسیر بحث‌ها سازنده می‌شود ، تشکر کرد و باز دیگر بر اهمیت ادامه بحث سازنده تأکید کرد .<sup>۷۳</sup>

ششمین دور مذاکرات در فضای مشابه گذشته ، در ۱۹ آبان ۱۳۶۷ برگزار شد . الیاسون در آغاز این جلسات گفت :

« باید درک کنیم که نیازی به پیش‌رفت در کارمان وجود دارد و گرنه محتمل است که جریان صلح در خطر قرار گیرد . »

وی در ادامه ، با اشاره به گفتوگوی جداگانه با وزیر خارجه ایران و عراق و بیان این که اراده ایجاد حسن هم‌جواری و روابط صلح‌آمیز در دو طرف وجود دارد گفت :

« هر چند که از مذاکرات بر می‌آید ، سوءظن متقابل از نیّات طرفین هم وجود دارد . »<sup>۷۴</sup>

وزیر خارجه ایران در این جلسه پس از توضیحاتی درباره خودداری از پراکنده‌گویی و تشتت‌آفرینی در اظهار نظرها ، گفت :

« عقب‌نشینی ارتباطی به پیش‌رفت مسائل مختلف ندارد و باید هر چه زودتر انجام شود . »<sup>۷۵</sup>

وی تأکید کرد :

« چیزی که آتش‌بس را تهدید می‌کند ، عقب‌نشینی نکردن است . »<sup>۷۶</sup>

الیاسون در پایان این دور از مذاکرات ، با ابراز خرسندی از مطالی که بیان

شد، گفت:

«ما به جهتی می‌رویم که آمادگی برای ایجاد کمیسیون مشترک نظامی بیشتر شده است.»

وی سپس پیشنهاد کرد که روز بعد، مجدداً جلسه مذاکرات با حضور وزیران خارجه دو کشور برگزار شود.<sup>۷۷</sup>

الیاسون در ابتدای هفتمین دور از مذاکرات که در ۲۰ آبان ۱۳۶۷ برگزار شد، گفت:

«به پایان دو هفته مذاکره در ژنو می‌رسیم و قدم‌های مثبتی در خصوص کمیته بین‌المللی صلیب‌سرخ و حل مسئله اسرا و شروع کار گروه نظامی برداشته شد.... به هر حال آنچه گفته شد، گام‌های کوچکی است که در راه پیش‌رفت برداشته شده است.»<sup>۷۸</sup>

وی سپس پیام دبیرکل را اقرائت کرد. در این پیام تصریح شده بود:

«اگر قرار است که پیش‌رفت قابل توجهی در نشست‌های آینده داشته باشیم، اتخاذ تصمیم سیاسی در این مورد ضروری است.»

در بخش دیگری از این پیام اظهار تلفیق شده بود که دبیرکل نمی‌تواند در گزارش به شورای امنیت از پیش‌رفت مذاکرات صحبت کند.<sup>۷۹</sup>

بدین ترتیب، مذاکرات در ژنو به پایان رسید و دبیرکل نیز در گزارش خود به شورای امنیت، ضمن مختصر خواندن پیش‌رفت در گفت‌وگوها، تأکید کرد، در تفسیر از آتش‌بس، زمان خروج نیروها و لاپرواپی اروندرود [شط‌العرب] اختلافاتی وجود دارد.<sup>۸۰</sup> ادامه مجادلات در مذاکرات موجب یأس و سرخوردگی دبیرکل سازمان ملل و شورای امنیت شد، به‌گونه‌ای که گمان می‌رفت، دبیرکل و شورای امنیت، موضوع مذاکرات را رهایی کنند<sup>۸۱</sup> و این به زیان ایران و برابر خواسته و خط مشی عراق بود.

## مذاکرات مجدد در نیویورک

در پی اقداماتی که پس از پایان مذاکرات ژنو تادر جدید مذاکرات انجام گرفت و نیز سفر نماینده ویژه دبیرکل به بغداد و ارسال نامه‌های وزیران خارجه ایران و عراق به دبیرکل، مجدداً در ۲۸ بهمن ۱۳۶۷ ملاقات سه جانبی در نیویورک با حضور دبیرکل انجام گفت. در این جلسه، دبیرکل با توجه به دیدگاه‌های دو طرف گفت:

«دو طرف نیاز دارند که از مذاکرات صلح، محترمانه و سرblند و سرافراز بیرون آیند و برای این که به یک صلح پایدار و بلند مدت برسیم، باید در این جریان پیروز و یا بازنهای وجود نداشته باشد.»<sup>۸۲</sup>

پس از سخنان دبیرکل طارق عزیز ضمن اعلام موافقت با اظهارات دبیرکل گفت:

«دیدارهای گذشته ما بیشتر شبیه به مجادله و جنگ تبلیغی بود و به مذاکره شباخت نداشت.»<sup>۸۳</sup>

آقای ولایتی هم در ابتدای اظهارات خود تصریح کرد:

«در سه نوبت مذاکرات گذشته، ما به هیچ نتیجه مطلوب و ملموس نرسیده‌ایم.»

وی خطاب به دبیرکل افزود:

«بنا به دعوت شما به نیویورک آمدیم، به رغم این‌که هیچ قرینه‌ای جدی از تغییر اوضاع نداریم.»<sup>۸۴</sup>

پس از اظهارات وزیران خارجه دو کشور، اجلاس نیویورک به پایان رسید و مقرر شد ادامه مذاکرات بار دیگر در ژنو انجام شود. در فروردین ۱۳۶۸ دبیرکل با انتشار بیانیه‌ای ضمن اشاره به مذاکرات کارشناسی اعلام کرد که دو طرف توافق کردند، دور جدیدی از مذاکرات مستقیم در سطح وزیران زیر نظر دبیرکل از ۲۰ آوریل ۱۹۸۹ (۳۱ فروردین ۱۳۶۸) در ژنو برگزار شود.<sup>۸۵</sup>

قبل از برگزاری نخستین دور مذاکرات جدید در ژنو، الیاسون در ملاقات با وزیر خارجه ایران گفت:

«ما مشکلی اساسی و جدی با عراق نداریم.»<sup>۸۶</sup>

### مذاکرات جدید در ژنو

در نخستین دور مذاکرات که در ۳۱ فروردین ۱۳۶۸ در ژنو برگزار شد، پس از سخنان دبیرکل، طارق عزيز گفت که از آغاز مذاکرات هشت ماه می‌گذرد، ولی نتیجه‌ای به دست نیامده است. و سپس ایران را به برخورد غیر منطقی متهم کرد. آقای ولایتی نیز در پاسخ به این اظهارات و تمایل ایران به صلح سؤال کرد:

«چگونه می‌شود که از حسن هم‌جواری و آینده خوب و سازنده روابط صحبت کرد در حالی که خاک این کشور توسط دیگری اشغال شده است؟»  
وی همچنین گفت:

«پس از برقراری آتش‌بس هیچ پیش‌رفت جدی در مسیر اجرای قطع‌نامه حاصل نشده است و این مغایر با هدف ما است.»<sup>۸۷</sup>

طارق عزيز در ادامه اظهارات خود همانند وزیر خارجه ایران تصریح کرد:  
«هر دو طرف به این نتیجه رسیده‌ایم که پیش‌رفت نداشته و به نتایج ملموسی دست نیافته‌ایم.»

دبیرکل در پایان، در واکنش به اظهارات وزیران خارجه دو کشور گفت:  
«این موجب نگرانی و ناراحتی من است.»<sup>۸۸</sup>

در دومین دور مذاکرات که روز دوم اردیبهشت ۱۳۶۸ برگزار شد، دبیرکل با صراحت اعلام کرد:

«این حرکت نامطلوبی است که ما پس از یک سال به چیزی جز همان آتش‌بس و استقرار نیروهای ناظر صلح سازمان ملل نرسیم.... عدم اجرای

قطع نامه بدون آثار نخواهد بود . »<sup>۸۹</sup>

دبیرکل سازمان ملل در پایان اظهارات خود خطاب به وزیران خارجه دو  
کشور درخواست کرد:

« به جای تکرار مواضع گذشته ، مذاکرات را در جهت اجرای مفاد قطع نامه به

پیش ببرید . »<sup>۹۰</sup>

با وجود درخواست دبیرکل ، نه تنها در این جلسه بلکه در سومین دور  
مذاکرات که یک روز بعد و در ۳ اردیبهشت ۱۳۶۸ برگزار شد ، هیچ نتیجه و  
پیش‌رفتی حاصل نشد و عملاً ، روند مذاکرات در حد فاصل اردیبهشت تا آبان  
سال ۱۳۶۸ بیش از شش ماه متوقف ماند .<sup>۹۱</sup>

در هر صورت این مرحله از مذاکرات با وجود صرف وقت ، نتیجه مشخصی  
در بر نداشت و همین امر ، منجر به یأس و سرخوردگی دبیرکل و اعتراض  
تلويحی وی به شکست مذاکرات شد . وی پس از شنیدن سخنان وزرای ايران  
و عراق گفت :

« غلبه بر مشکلات و موانع موجود ، جز با عزم جزم از سوی دو طرف میسر

نخواهد شد . »<sup>۹۲</sup>

در این حال ، در صحنه بین‌المللی از یک سو ، "صلح طلبی ایران" و در  
مقابل ، کارشکنی‌های عراق در روند صلح آشکار شد . همچنین ، سازمان ملل  
و شورای امنیت نشان دادند ، تمایلی به اجرای قطع نامه در شرایط خاص حاکم  
بر آتش‌بس نداشتند<sup>۹۳</sup> و اگر هم می‌داشتند ، ابزار لازم را برای اعمال فشار بر  
عراق و اجرای قطع نامه<sup>۹۴</sup> در اختیار نداشتند . بدین ترتیب ، در این مرحله از  
مذاکرات ، ایران مانند دوران جنگ ، تنها و غریب در صحنه مذاکرات برای  
احقاق حق خود به تلاش پرداخت و با هوشیاری و مقاومت ، امید گرفتن  
امتیاز را از دشمن سلب کرد و به استعمارگران اجازه سوءاستفاده از وضع نه جنگ و نه  
صلح را نداد .<sup>۹۵</sup>

## تلاش عراق برای به دست گرفتن ابتکار عمل

### تلاش تهدید آمیز

با وجود توقف در روند مذاکرات وزیران خارجه ایران و عراق، تحرکات سیاسی دیگری انجام شد. از جمله می‌توان به سفر الیاسون، نماینده دبیرکل سازمان ملل در آبان ۱۳۶۸ به تهران و بغداد اشاره کرد. وی ملاقات‌های متعددی را در سطوح مختلف انجام داد. پس از آن دبیرکل گزارش نتایج این سفر را در ۱۷ آذر ۱۳۶۸ در جلسه‌ای خصوصی به اطلاع اعضای شورای امنیت رساند.<sup>۹۵</sup> به موازات بنبست در مذاکرات، دو جریان دیگر در حال شکل‌گیری بود که به تدریج تأثیر و نتایج این جریان‌ها بر روند مذاکرات ایران و عراق مناسبات و عراق با برخی از کشورهای منطقه، امریکا و اسرائیل آشکار شد. جریان اول، تهدیدات عراق علیه ایران و جریان دوم، افزایش تنش میان عراق و برخی کشورها بود. طه یاسین رمضان، معاون اول نخست وزیر عراق در ۱۳ آذر ۱۳۶۸ طی مصاحبه‌ای اختصاصی با مجله "التضامن" گفت:

« همه شهروندان عراق می‌دانند که شط العرب [اروندروود] در طول تاریخ به عراق تعلق داشته و بایستی دیر یا زود به این کشور بازگردانده شود.... عراق هنوز از جانب ایران تهدید می‌شود و ما هنوز در وضعیت نه صلح و نه جنگ به سر می‌بریم ». »

رمضان سپس تهدید کرد:

« اگر ایران شرایط جدیدی فراهم آورد، این امر ادامه شرایط جنگی سابق نیست، بلکه جنگ تازه‌ای با شیوه و تاکتیک جدید خواهد بود. »

وی در توضیح جنگ تازه گفت:

« مقصودم این است، از نظر شیوه رزمی و حجم خسارات احتمالاً جنگی تازه خواهد بود، زیرا ما دیگر جنگ هشت ساله به ملتمنان تحمیل نخواهیم کرد. »<sup>۹۶</sup>

پس از رحلت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه در خرداد ۱۳۶۸ عراقی‌ها- با توجه به تبلیغات رسانه‌های خارجی- با این فرض که کشمکش تازه‌ای در عرصه قدرت سیاسی روی خواهد داد، تحولات داخل ایران را بادقت زیر نظر داشتند. رمضان در همین مصاحبه گفت:

«هنوز مراکز تصمیم‌گیری در ایران مشخص نشده و احتمال بروز تحولات تازه‌ای وجود دارد.»<sup>۹۷</sup>

این اظهارات به خوبی نشان می‌دهد که عراقی‌ها پس از رحلت امام و با این تصور که روند بی‌ثباتی سیاسی در ایران آغاز شده است، نخست از انجام مذاکرات سه‌جانبه خودداری کردند و با اعلام مواضع جدید، دست به تهدیدات ایران زند. آزمایش موشک ۴۸ تنی سه مرحله‌ای عراق و پرتال آن به فضاء در آذر ۱۳۶۸ در واقع نشان دادن قدرتمندی عراق و پشتونه اظهارات جدید مقامهای این کشور بود. طارق عزیز، وزیر خارجه عراق پس از آزمایش موفقیت آمیز این موشک، در سخنانی گفت:

«کشورش قادر است هر نقطه‌ای در جهان را مورد حمله قرار دهد.... عراق همچنان مورد تهدید ایران است، لذا باید قدرت دفاعی خود را افزایش دهد تا طرف مقابل را از هرگونه اقدامی باز دارد.»<sup>۹۸</sup>

طارق عزیز در مورد دلیل کاربرد موشک جدید نیز گفت:

«اگر هر کشوری در منطقه یا خارج از منطقه به عراق حمله کند، این کشور حق دارد که در مقابل متجاوز از خود دفاع کند.»<sup>۹۹</sup>

افزایش قدرت موشکی و تهدید عراق مبنی بر مقابله با هر کشوری در منطقه یا خارج از منطقه، حاوی مفاهیم بسیار گسترده‌ای بود که جریان جدیدی را در رسانه‌های غربی بر علیه عراق شکل داد و به تدریج زمینه‌های افزایش تنش در روابط عراق با امریکا و اسرائیل و برخی از کشورهای منطقه از جمله عربستان و کویت را فراهم ساخت و سرانجام، با اقدام عراق در اشغال

کویت، بحران گستردگی منطقه را فرا گرفت.  
عراقی‌ها با درکی که نسبت به اوضاع داخلی ایران پس از رحلت امام و منطقه داشتند، از این پس ادامه شرایط نه جنگ و نه صلح را به زیان خود ارزیابی می‌کردند، لذا در مرحله نخست، تلاش کردند، با تهدید ایران، این کشور را به نادیده انگاشتن قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و پذیرش صلح تحمیلی وادار کنند، لیکن مقاومت ایران منجر به ارائه طرح پیشنهادی<sup>۱۰۰</sup> صدام در ۱۵ دی ۱۳۶۸ شد. صدام به مناسبت شصت و نهمین سال گرد تأسیس ارتش عراق، طرح صلح خود را مطرح کرد که شامل موارد زیر بود:

۱- مبادله کلیه اسرای مجروح و معلول و نیز کلیه اسرایی که تا سال ۱۹۸۲ میلادی اسیر شده‌اند.

۲- ملاقات مقامهای ایرانی و عراقی در تهران و بغداد به منظور حل اختلافات و درک بهتر دیدگاه‌های طرفین در زمینه اجرای قطع نامه<sup>۱۰۱</sup>.

۳- گشودن مرزهای دو کشور و افتتاح دفاتر هوایی ایران و عراق در بغداد و تهران و فراهم آوردن تمکن‌های لازم برای مشتاقان زیارت اماکن متبرکه در دو کشور.<sup>۱۰۲</sup>

محتوای این پیشنهاد گرچه بیانگر خطمشی عراق مبنی بر حذف سازمان ملل و دبیرکل از روند مذاکرات یا تأکید بر مذاکرات مستقیم میان دو کشور بود و در گذشته صدام چندبار از طریق نمایندگی‌های عراق در آلمان و سوئیس و جاهای دیگر پیام خود را برای مقامهای ایرانی ارسال کرده بود.<sup>۱۰۳</sup> اما محتوای این پیام‌ها با توجه به اقدامات بعدی عراق، و همچنین محتوای نامه صدام به رئیس جمهور ایران نشان دهنده تلاش عراق برای به دست

<sup>۱۰۰</sup> صدام در نخستین نامه‌ای که برای رهبران ایران در اردیبهشت ۱۳۶۹ ارسال کرد به این پیشنهاد اشاره داشته است.

گرفتن ابتکار عمل و پایان دادن به شرایط نه جنگ و نه صلح بود.

جمهوری اسلامی ایران به دلیل بی اعتمادی نسبت به فعالیتهای عراق و نگرانی از تهدیدات این کشور علیه خود، ضمن نادیده گرفتن پیشنهاد جدید عراق، در جبهه‌های جنگ نیز آمادگی نظامی خود را آشکار ساخت. در این خصوص، مقام معظم رهبری، آیت‌الله خامنه‌ای، با توجه به نامه آقای ولایتی که در آن نگرانی خود را از اقدام نظامی عراق ابراز کرده بود، نیز ضمن دستور اعزام تیم بازرگانی از ستاد کل نیروهای مسلح، به خطوط مقدم و بررسی وضعیت منطقه، به نیروهای سپاه و ارتش ابلاغ فرمودند که از آمادگی و هوشیاری لازم برخوردار شوند.

بن‌بست حاکم بر مذاکرات در یک نگاه کلی، متأثر از عوامل گوناگونی بود، از یک سو عراق در نظر داشت، آنچه را که در جبهه‌های جنگ و متکی بر توان نظامی در ماههای پایانی جنگ به دست نیاورده بود در پشت میز مذاکره کسب کند و در سوی دیگر میز مذاکره، جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم دست‌نیافتن به پیروزی قطعی نظامی، به دلیل هشت سال مقاومت جنگ در برابر توسعه طلبی و اقدامات تجاوز کارانه عراق و تأکید بر تحقق خواسته‌های بر حق خود، نمی‌توانست، شرایط عراق را بپذیرد. همچنین، ایران، با تعیین اولویت‌های جدید و با تأکید بر بازسازی و توسعه اقتصادی، روند تازه‌های را پس از جنگ، در پیش گرفته بود. علاوه بر آن دورنمای روشی برای تحمیل اراده سیاسی و خواسته‌های ایران بر عراق با تأکید بر راههای غیر دیپلماتیک وجود نداشت، زیرا ایران از نظر نظامی در موقعیتی قرار نداشت که به اهداف خود با ابتکار عمل نظامی دست‌یابد. در همین حال امریکا، غرب و سازمان ملل نیز فاقد انگیزه، اراده و ابزار لازم برای اعمال فشار بر عراق بودند. در نتیجه به نظر می‌رسید، ادامه وضعیت "نه جنگ نه صلح" با توجه به دورنمای مبهم روند صلح و به دلیل خطرات موجود، موجب نگرانی کشورهای منطقه و تا اندازه‌ای

ایران و عراق شده بود. ریشه این مسئله - صرف نظر از هر گونه ملاحظاتی - اساساً به این موضوع باز می‌گشت که ایران و عراق هیچ‌یک به شکلی تعیین کننده، در جنگ پیروز نشده بودند، بنابراین، قادر نبودند راه حل مورد نظر خود را بر دیگری تحمیل کنند. در عین حال، هیچ‌یک از دو طرف در موقعیتی قرار نداشت که بتواند شکست را بپذیرد.<sup>۱۰۲</sup>

### تلاش صلح‌جویانه

در حالی که مذاکرات و روش صلح‌جویانه به صورتی اجتناب ناپذیر بر دو طرف تحمیل شده بود و عملاً امکان گشایش بن‌بست و پیش‌رفت در مذاکرات بسیار ضعیف به نظر می‌رسید، سه راه کار کلی برای پشتسرن‌هادن این وضعیت وجود داشت:

۱- اعمال فشار بین‌المللی بر عراق به منظور ایجاد تمکین در آن کشور برای پذیرش راه حل مسالمت‌آمیز زیر نظر سازمان ملل و دبیرکل؛ برخی از تحلیل‌گران معتقد بودند که بدون وارد آوردن فشار از خارج، چشم‌اندازی برای تحرک وجود ندارد؛ همان‌گونه که بدون فشار، امکان برقراری آتش‌بس وجود نداشت.<sup>۱۰۳</sup> این روش، بهدلیل نبود ابزار و تمایل همراه با واحدت اراده در اعضای شورای امنیت، نمی‌توانست نتیجه مطلوبی داشته باشد، چرا که در این برهه زمانی روس‌ها از موضع عراق حمایت کرده و خواستار مذاکره مستقیم میان دو طرف درگیر و یا میانجی‌گری مسکو بودند.

۲- آغاز مجدد درگیری نظامی به‌وسیله یکی از دو طرف علیه دیگری با هدف کسب برتری و تحمیل خواسته‌های خود بر طرف مقابل؛ بر پایه نظر برخی منابع، احتمال داشت عراق با توجه به پیش‌رفتهایش در تهییه و ساخت تسلیحات شیمیایی، میکروبی و موشکی، از آن‌ها استفاده کند. چنان‌که، برخی از مقام‌های رسمی عراق صریحاً به این مسئله اشاره کرده بودند. به نظر

می‌رسید، ظرفیت لازم برای شروع جنگی دیگر در منطقه، تا اندازه‌ای در داخل ایران و احتمالاً در داخل عراق وجود نداشت. با این حال وضعیت به گونه‌ای بود که معاون وزارت خارجه امریکا در کمیسیون روابط خارجی مجلس نمایندگان آن کشور گفت:

« طرفین از آتش بس راضی نیستند و هر دو طرف تهدید به از سرگیری فعالیت نظامی کرده‌اند. هیچ حرکتی در جهت اجرای قطع نامه ۵۹۸ وجود نداشته و هیچ حادثه خاصی وجود ندارد که ما را متقادع کند که احتمال آغاز جنگ از شش ماه بیش تر است. »<sup>۱۰۴</sup>

۳- تلاش دیپلماتیک دو طرف درگیر جهت به دست گرفتن ابتکار عمل برای خروج مذاکرات از بن بست؛ این راه کار که می‌توانست در روند مذاکرات گشایشی به وجود آورد، به وسیله عراق- نظر به اهداف و شرایطی که داشت- با ارسال نامه برای رئیس جمهور ایران آغاز شد و سرانجام، به پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به وسیله عراق و عقب‌نشینی نیروهای این کشور از خاک ایران و آزادی دوچانبه اسرا منجر شد.

### زمینه‌های تلاش صلح جویانه

شرایط و عواملی که به ابتکار عمل عراق در انتخاب روش صلح‌جویانه منجر گردید زمینه‌های متفاوتی داشت که به تدریج نشانه‌های آن آشکار شد. اما به طور مشخص، می‌توان گفت، موافقت جمهوری اسلامی با قطع نامه ۵۹۸هـ، رحلت امام خمینی در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸، تعیین اولویت‌های سیاست خارجی و داخلی ایران با تأکید بر توسعه اقتصادی و ابراز تمایل ایران به تنش‌زدایی و بهبود مناسبات با همسایگان<sup>x</sup> و در مقابل ادامه سیاست توسعه طلبانه عراق

<sup>x</sup> تمایل ایران به تنش‌زدایی و بهبود مناسبات با همسایگان با اقدام در میانجی‌گری برای حل مناقشات آسیای میانه و قفقاز آشکار شد.

در منطقه و اعمال تهدید و ارعاب علیه همسایگان و قدرت نمایی با آزمایش پرتاب موشک ۴۸ تنی سه مرحله‌ای به فضا، زمینه آغاز رویکرد جدید منطقه‌ای امریکا و غرب را فراهم ساخت. بر اساس این رویکرد جدید، به نظر می‌رسید، از این پس مأموریت صدام برای مقابله با انقلاب‌اسلامی به پایان رسیده است. روزنامه جمهوری اسلامی به نقل از یک هفته‌نامه چاپ لندن در این باره نوشت:

«بغداد دیگر نمی‌تواند ادعا کند که در حال ایفای نقش مهمی در جلوگیری از انقلاب ایران است. بلکه تاکنون تنها خود را درگیر مداخله در مناقشه اعراب و اسرائیل کرده است. جنگ علیه ایران از یک جنبه، مأموریتی برای نشان دادن برتری استراتژیک عراق بود و صدام مأموریت داشت، جلوی انقلاب ایران را بگیرد و از گسترش بنیادگرایی اسلامی به سراسر منطقه جلوگیری کند. »<sup>۱۰۵</sup>

بعدها، پس از اشغال کویت، صدام نیز در مصاحبہ با شبکه تلویزیونی فرانسه، به مأموریت عراق در جهت منافع غرب اشاره کرد و گفت:

«عراق برای منافع غرب با ایران جنگید و اگر کشورش موفق نمی‌شد جلوی پیش‌روی نیروهای ایرانی را بگیرد، وضعیت کنونی غرب نامعلوم بود. »<sup>۱۰۶</sup>

در همین راستا، به تدریج موج جدیدی در رسانه‌های خارجی با ابراز نگرانی نسبت به افزایش توان نظامی عراق و ضرورت مهار آن، مطرح شد. به‌طور طبیعی این مسئله از نظر مسئولان و تصمیم‌گیرندگان عراق پوشیده نبود و می‌توان بخشی از ریشه‌های ابتکار عمل عراق برای صلح با ایران را در همین نگرش جست‌وجو کرد.

قدرت نظامی عراق با پرتاب احتمالاً موقتی‌آمیز نخستین موشک ماهواره‌ای دوربرد به فضا و پرتاب دو فروند موشک زمین به زمین دیگر با برد دو هزار کیلومتر خطی برای تمام منطقه مدیترانه و اروپای غربی - حداقل در بخش جنوبی آن - ارزیابی می‌شد.<sup>۱۰۷</sup> روزنامه اشپیگل، چاپ آلمان طی

## مقالاتی در این باره نوشته:

«دھه جدید، عصر رسیدن عراق به تکنولوژی مدرن می‌باشد و برای اولین بار، خطر در تیررس قرار گرفتن قاهره، آتن، استامبول و تمام نقاط ایران و اسرائیل و منطقه خاورمیانه توسط عراق وجود داد.<sup>۱۰۸</sup>»

احتمال دست‌یابی عراق به بمب‌اتمی با کمک چین و برخی کشورهای دیگر و همچنین، گسترش تسليحات شیمیایی، این کشور را قادر می‌ساخت با استفاده از موشک کندور ۲، با برد ۲۰۰۰ کیلومتر حتی بتواند، به عنوان یک قدرت نظامی برتر در منطقه، خودنمایی کند و با بهره‌برداری از این قدرت، بر فشار خود به کشورهای منطقه بیفزاید.<sup>۱۰۹</sup> بر مبنای این تحلیل‌ها برخی کارشناسان توصیه می‌کردند، باید کاری کرد که محاسبات بغداد بهم خورده و عراقی‌ها پی‌ببرند که تلاش‌های دسترسی به سلاح‌های هسته‌ای مقرون به صرفه نخواهد بود.<sup>۱۱۰</sup>

در این راستا، امریکایی‌های اراده‌مند فشار تبلیغاتی و روانی علیه عراق، پرداخت وام یک میلیارد دلاری به این کشور را الغو کردند<sup>۱۱۱</sup> و انگلیسی‌های نیز پس از اجلاس کمیسیون مشترک اقتصادی انگلیس و عراق در لندن، اعتبار صادراتی عراق طی سال ۱۹۹۰ میلادی را بیش از ۳۰ درصد کاهش دادند.<sup>۱۱۲</sup>

افزایش تنش در روابط عراق و امریکا و همچنین تهدیدهای عراق و اسرائیل علیه یکدیگر در این مرحله قابل ملاحظه بود. صدام طی سخنانی، از حضور امریکا در منطقه با توجه به برقراری آتش‌بس، انتقاد کرد و تکرار این مطلب از سوی امریکایی‌ها که "قصد دارند در منطقه بمانند" را سؤال برانگیز دانست.<sup>۱۱۳</sup> روزنامه القادسیه، ارگان ارتش عراق نیز سیاست امریکا در جهان عرب را با توطئه‌چینی و تهدیدات دانست و شعار "یانکی به خانه‌ات برگرد" را به عنوان شعار مردم جهان مورد استقبال قرار داد.<sup>۱۱۴</sup> صدام در این مرحله به

صورت تلویحی از موضع برخی کشورهای میانه و عرب مانند کشورهای ثروتمند خلیج فارس و طرفدار امریکا انتقاد کرد.<sup>۱۱۵</sup> صدام در گفت و گو با مبارک، رئیس جمهور مصر در مورد موضع اخیر خود گفت:

« عراق در برخورد با قدرت‌های بزرگ جهانی به شیوه "سر زیر خاک بردن همچون شتر مرغ" اعتقاد ندارد و پس از پیروزی در جنگ با ایران، روش عقب‌نشینی در صحنه سیاست جهانی را نمی‌پذیرد. »<sup>۱۱۶</sup>

در پی نگرانی عراق از اقدام ناگهانی اسرائیل علیه این کشور - همانند حمله اسرائیل به دو مرکز اتمی عراق در سال ۱۹۸۱ میلادی، پس از تجاوزش به ایران - اسرائیل را به مقابله به مثل تهدید کرد. صدام در دیدار با پنج سناتور امریکایی از جمله؛ "رابت دال" رئیس اقلیت جمهوری خواه سنا که در موصل انجام گرفت، تصریح کرد:

« من دستور خودم را برای فرماندهان نیروی هوایی و فرماندهان موشکی عراق در مورد این که به محض اطلاع از حمله اسرائیل با بمب اتمی، به کمک سلاح شیمیایی دوگانه پاسخ دهنده را صادر کرده‌ام.... احتمال دارد، روزی به هنگام گردهمایی فرماندهان نظامی، اسرائیل یک بمب اتمی به بغداد شلیک کند، از این رو، به فرماندهان برای پاسخ‌گویی به چنین حمله‌ای دستور واضح صادر کرده‌ام. »<sup>۱۱۷</sup>

در این حال، ولی‌عهد بحرین در مصاحبه با مجله "السیاسه" در تداوم موضع عراق گفت:

« اگر اسرائیل اشتباه کند و به عراق حمله کند، پاسخ عراق سخت خواهد بود. »<sup>۱۱۸</sup>

واکنش عمومی اعراب نیز نسبت به هشدارهای صدام مثبت و قبل ملاحظه بود، حتی حافظ اسد از موضع بغداد پشتیبانی کرد. در حالی که عراقی‌هانگران حمله ناگهانی اسرائیل بودند و نسبت به آن هشدار می‌دادند،

وزیر دفاع اسرائیل (موشه آرنز) گفت:

« عراق ممکن است بدون تحریک قبلی به اسرائیل حمله کند . ما بیانیه‌های عراق

را خصم‌انه تلقی می‌کنیم . »<sup>۱۱۹</sup>

## آغاز صلح‌جویی با فرستادن نامه برای رهبران ایران

### نخستین نامه رئیس‌جمهور عراق

در حالی که فضای بین‌المللی به شدت علیه عراق شکل می‌گرفت و تهدیدهای متقابل عراق و اسرائیل علیه یکدیگر احتمال وقوع درگیری مجدد در منطقه را افزایش داده بود، در ۵ اردیبهشت ۱۳۶۹ نامه سرستنهای از رئیس‌جمهور عراق و آقای یاسر عرفات برای مقام معظم رهبری و رئیس‌جمهور ایران ارسال شد. به منظور بررسی مضامین نامه و همچنین تهیه جواب و برخورد مناسب با این موضوع، در ۸ اردیبهشت ۱۳۶۹ جلسه‌ای در محضر مقام معظم رهبری و با شرکت اعضای شورای عالی امنیت و مشاوران سیاسی رهبری و رئیس‌جمهور تشکیل شد.<sup>۱۲۰</sup> در این نشست، با توجه به شرایط حاکم بر منطقه، احتمالات زیادی در مورد انگیزه و علت اصلی اقدام عراق مطرح شد. در حالی که وضعیت عراق از نظر اقتصادی، مشکلات سیاسی اش با همسایگان و طلب کاران به ویژه امریکا و فرانسه، توجهات رابه خود معطوف کرده بود، کمتر احتمال داده می‌شد که جنگی بین عراق و حامیان دیروز و آن روزش به وجود آید.<sup>۱۲۱</sup>

صدام در نخستین نامه خود ضمن اشاره به ابتکار پنجم ژانویه ۱۹۹۰ میلادی، تصريح می‌کند:

« تاکنون متقابلاً به صلح مورد علاقه دو کشورمان راه نیافته‌ایم تا با هم از بلایای

جنگ و امکان شعله‌ور شدن مجدد آن فاصله بگیریم . »<sup>۱۲۲</sup>

وی می‌افزاید:

«بديهی است که امر خير و آنچه می تواند پایه و اساسی برای آمال و آرزوها باشد ، ممکن است در هالهای از حدس و گمانها و تفسیرهای شک برانگيز قرار گیرد .»<sup>۱۲۳</sup>

در اين نامه ، ضمن اشاره به احتمال شعلهور شدن مجدد جنگ امكان حدس و گمانها و تفسیرهای شک برانگيز نسبت به اقدام غيرقابل پيشبياني عراق ابراز شده است . صدام در ادامه نامه خود ، به اخبار مربوط به تهديدهای صهيونيسّم و بدخی ابرقدرت‌ها اشاره کرده و احتمال "از سرگيري ستيز مسلحane و خونین ، بين ايران از يك طرف و امت عربی از طرف ديگر" را مورد بررسی قرار می‌دهد . همچنین ، وي در اين نامه پيشنهاد ملاقات مستقیم در مکه مكرمه يا هر مكان ديگري را مطرح و اظهار اميدواری می‌کند :

«بدین ترتیب ، خون‌هایی را که چه بسا بار ديگر به هر علت بر زمین ریخته شود ، محفوظ بداریم ، زیرا از جمله احتمالات مترتب بر وضع موجود این که عوامل دست اندرکار وقوع فتنه میان ايران و عراق در گذشته ، بار ديگر برای شروع مجدد جنگ به نحوی که صلح را از دو کشورمان دور سازد ، تلاش کنند .»<sup>۱۲۴</sup>

در نخستین نامه رئيس‌جمهوري عراق ، کلیه کلمات و عبارات ، ابهام برانگيز و نگران‌کننده بودند و حتی از اين عبارات نوعی تهدید قابل استنباط بود ؛ با اين حال ، در يك نگاه کلي و با توجه به فضای تنشزا در منطقه ، نفس اقدام عراق مثبت ارزیابی می‌شد . طارق عزيز ، وزير خارجه وقت عراق در سخنانی ، با تأييد ارسال نامه صدام به ايران گفت :

«اين نامه ، نامه صلح بوده است .»<sup>۱۲۵</sup>

راديو لندن طی تفسيري در اين باره گفت :

«دوران ما و عمل غرب با عراق به پایان رسیده است و همه اين واقعیات برای تغيير و تفسير علل اقدام سازش کارانه اخير صدام جهت حل اختلافات با ايران کمک می‌کنند .»<sup>۱۲۶</sup>

نگرانی برخی از محافای نسبت به ماهیت اقدام اخیر عراق و بیآمدهای احتمالی آن، منجر به ایجاد ابهام نسبت به ابتکار عمل جدید عراق شد.

رادیو اسرائیل طی تفسیری، هدف عراق از این اقدام را حذف سازمان ملل از دور مذاکرات دانست.<sup>۱۲۷</sup> رادیو مسکونیز در تفسیری گفت:

«علائم سازش احتمالی روز به روز آشکار می‌شود.»<sup>۱۲۸</sup>

روزنامه الدستور نیز نوشت:

«این ابتکار، به خودی خود مسئله مهمی است و برای اولین بار برای شکستن بنبست مذاکرات، دو طرف به مبادله مستقیم نظریات خود پرداخته‌اند. این اقدام نشانه خرسندی رهبری عراق است، زیرا این کار به عراق فرصت می‌دهد، در صورت هرگونه مقابله احتمالی با اسرائیل از جانب ایران آسوده خاطر باشد.»<sup>۱۲۹</sup>

**پاسخ رئیس جمهور ایران به نامه رئیس جمهور عراق**  
 با توجه به اقدامات اخلال گرانه عراق در مذاکرات صلح وجود ابهاماتی در خصوص انگیزه صدام حسین از ارسال نامه به رئیس جمهور ایران و همچنین، محتوای این نامه، سرانجام پس از بحث و بررسی‌های انجام شده، به وسیله رهبران جمهوری اسلامی آقای هاشمی‌رفسنجانی، رئیس جمهور وقت ایران در پاسخ به نامه صدام می‌نویسد:

«به راستی اگر مطالبی که در این پیام آمده [است] هشت سال پیش مورد توجه واقع می‌شد و ارسال پیام جای اعزام سرباز را می‌گرفت، امروز دو کشور ایران و عراق و شاید همه امت اسلامی با این همه خسارات و ضایعات مواجه نبود.»<sup>۱۳۰</sup>

در ادامه نامه نوشته شده است:

«در همان آغاز انقلاب اسلامی جنگی ناخواسته و ویرانگر بر ما تحمیل شد و بخش بزرگی از سرزمین‌ها در مرزهای غربی کشور اشغال گردید.»<sup>۱۳۱</sup>

**با توجه به برداشتی که نسبت به ماهیت تهدیدآمیز نامه صدام وجود داشت در نامه آقای هاشمی تصریح شده است:**

«ادامه وضع نه صلح نه جنگ و یا تجدید جنگ برای هر دو کشور و هر دو ملت عراق و ایران، ویرانی بیشتر و برای امت اسلامی، ناتوانی و برای کفر جهانی، شادمانی و فرصت کسب امتیاز به بار خواهد آورد.»

**آقای هاشمی (فرمانده عالی جنگ در سال‌های پایانی مقاومت هشت ساله)**  
با اشاره به تجربه جنگ، به صدام یادآوری می‌کند:

«تجربه جنگ تحمیلی به دیربازاران هم فهماند که تهاجم نظامی قادر نخواهد بود که پایه‌های انقلاب اسلامی متکی بر اراده مردم مسلمان را متزلزل سازد.»<sup>۱۳۲</sup>

وی در بخش دیگری از نامه خود نوشت:

«ما از هرگونه ابتکار و پیشنهادی که دو کشور را به صلح جامع برساند استقبال می‌کنیم و وضعیت نه جنگ و نه صلح را مطلوب نمی‌دانیم.»<sup>۱۳۳</sup>  
همچنین در این نامه تصریح شده است:

«ادامه اشغال بخشی از سرزمین ما می‌تواند حرکت ما را در راه تحصیل صلح جامع، کند و یا بی‌ثمر کند.»

رئیس جمهور اسلامی ایران در ادامه تأکید می‌کند:

«قبل از تماس رؤسای جمهوری، نمایندگان بحث‌های کارشناسی را انجام دهند و شیوه اقدام به گونه‌ای باشد که خللی به اعتبار قطع نامه ۵۹۸ که چارچوب مناسبی برای حل و فصل اختلافات است، وارد نشود.»<sup>۱۳۴</sup>

همان‌گونه که از محتوای این نامه روشن است، پاسخ ارائه شده کاملاً احتیاط‌آمیز بود. در این نامه ضمن استقبال از صلح، به تهدیدهای احتمالی پاسخ داده شده و تلاش شده است، حقانیت مواضع و اقدامات ایران با توجه به ماهیت رفتار تجاوز کارانه عراق پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اثبات شود.

نماینده خبرگزاری فرانسه واکنش اخیر ایران را که به مبادله نامه میان رئسای جمهوری دو کشور ایران و عراق منجر شد، به منزله عقبنشینی این کشور از مواضع قبلی خود ارزیابی کرد، همچنین خبرنگار شبکه "سی. بی. اس" امریکا در آستانه شکل‌گیری مرحله جدیدی از مناسبات ایران و عراق این سؤال را طرح کرد که "چگونه می‌شود به عراق اطمینان کرد"؟<sup>۱۳۵</sup>

## دومین نامه رئیس جمهور عراق

در نامه دوم صدام که در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۶۹ نوشته شد، آمده است:

«برداشت ما این بود که شما با پیشنهاد ما در زمینه برگزاری "ملاقاتی در سطح سران" برای حل و فصل قاطع و نهایی مشکلات موجود بین دو کشور که علت کشمکش و یا نتیجه آن بوده [است]، موافقت دارید و ما از این امر خوشحال شدیم.»<sup>۱۳۶</sup>

صدام در این نامه اشاره کرده است:

«روح پیام شما آنچنان که ما امیدوار بودیم نبود.»<sup>۱۳۷</sup>

وی در مورد علت مکاتبه مستقیم به عنوان روشی مفیدتر برای ایران و عراق و همچنین، مفهوم صلح و نحوه تحقق آن می‌نویسد:

«صلح بین دو کشور نمی‌تواند بر این اساس که مقرون به باور طرف دیگر باشد، تحقق یابد و عنایت یک طرف به صلح بدون آن که به موازات آن اندیشه‌ها، مفاهیم و روش‌ها توسط طرف مقابل نیز مورد عنایت قرار گیرد، مفید فایده نخواهد بود.»<sup>۱۳۸</sup>

صدام با گلایه از به کار گیری برخی عبارات از جمله "جنگ تحمیلی" و "والسلام علی من اتبع الهدی" به جای "والسلام عليکم" می‌افزاید:

«به کار گیری الفاظ و عبارات زمان جنگ این توهمند را به وجود نمی‌آورد که به کار برنده آن الفاظ به قدرتی افزون بر قدرت شناخته شده آن در زمان جنگ،

**دست یافته است؟<sup>۱۳۹</sup>**

در ادامه نامه درخواست شده است:

«هیچ یک از طرفین به گذشته نپردازد تا بدین وسیله به آینده لطمه نزند.<sup>۱۴۰</sup>»

[ازیرا] هر یک از طرفین نزاع برای آغاز جنگ، تاریخ خاص خود را دارد.<sup>۱۴۱</sup>»

«در این نامه تأکید شده است: هیچ یک از دو طرف کشمکش شایسته نیست که پیش بهای برای دیدار مستقیم غیر از تمایل جدی به تحقق صلح، پردازد.<sup>۱۴۲</sup>»

این درخواست، بیشتر در پاسخ به درخواست ایران مبنی بر عقبنشینی از مناطق اشغالی بود. زیرا در ادامه همین عبارات، توضیحاتی در مورد زمان عقبنشینی نیروهای عراقی در سال ۱۹۸۲ میلادی در مقایسه آن با شرایط عقبنشینی ایران از حلبچه آمده است.

**دیدار نمایندگان دو کشور**

در پی موافقت با پیشنهاد آقای هاشمی مبنی بر دیدار نمایندگان دو کشور قبل از ملاقات سران، "برزان ابراهیم التکریتی" و آقای "سیروس ناصری" به عنوان نمایندگان دو کشور، مذاکرات را آغاز کردند و در مورد تعیین مکان، از ایران درخواست شد نظر خود را به طور صریح بیان کند.

به تدریج، مندرجات نامه‌های سران دو کشور منجر به نوعی مجادله شد، همان‌گونه که در مذاکرات صلح، بین وزیران خارجه ایران و عراق چنین بحث‌های بی‌نتیجه‌ای مطرح شده بود. در واقع، این اظهارات بخشی از دیدگاه‌ها، حقایق و واقعیت‌های گذشته را مطرح می‌ساخت و به لحاظ تاریخی ارزشمند بود، اما به هیچ وجه به گشایش در بن‌بست مذاکرات و رهابی از وضعیت "نه جنگ نه صلح" کمک نمی‌کرد.

**پاسخ آقای هاشمی به نامه دوم رئیس جمهور عراق**  
**رئیس جمهور ایران در نامه دوم خود که در ۲۸ خرداد ۱۳۶۹ نوشته شد،**  
**تصویح می‌کند:**

«جواب نامه دوم را هم می‌دهیم ولی انتظار داریم ، بعد از این وقت را با مبادله  
 نامه‌ها تلف نکنیم . »<sup>۱۴۳</sup>

در این نامه در پاسخ به گلهای رئیس جمهور عراق آمده است :

«در نامه شما آداب معمول در مکاتبات رسمی و رایج رعایت نشده<sup>۱۴۴</sup> ، ولی بهتر  
 است که بگذاریم و بگذریم . »<sup>۱۴۵</sup>

در ابتدای این نامه ، تصویح شده است ، برخلاف انتظار و درخواست صدام ،  
 حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مذاکرات شرکت نکرده و رئیس جمهور با  
 اختیارات کامل عمل خواهد کرد . همچنین ، در این نامه به بخشی از بحث‌های  
 مطرح شده در نامه صدام در مورد عقب‌نشینی پاسخ داده شده و سپس در  
 نامه‌ای سیروس ناصری به عنوان نماینده رئیس جمهور در مذاکرات معرفی  
 می‌شود .<sup>۱۴۶</sup> در این نامه ، شهر مکه به عنوان محل مذاکرات - به خاطر نقش  
 سعودی در زمان جنگ - پذیرفته نشده و مقرر می‌شود ، در آستانه شروع  
 مذاکرات ، محل مشخص شود . در این نامه ، آقای هاشمی بر این مسئله تأکید  
 می‌کند که دبیرکل در جریان مذاکرات قرار گیرد تا از ابتکارهای ایشان در راه  
 تحکیم صلح استفاده شود .<sup>۱۴۷</sup>

صدام در سومین نامه خود در ۲۵ تیر ماه ۱۳۶۹ ( ۱۶ ژوئیه ۱۹۹۰ )  
 درخواست اعزام نماینده به تهران را مطرح می‌کند که به آن پاسخ داده  
 نمی‌شود . چهارمین نامه عراق نیز که آخرین نامه آن کشور پیش از تهاجم به  
 کویت است ، در ۸ مرداد ۱۳۶۹ ( ۳۰ ژوئیه ۱۹۹۰ ) نوشته شد . این نامه به  
 لحاظ محتوایی با نامه‌های قبلی کاملاً تفاوت داشت ، صدام در این نامه ، نظرات

خود را در ۱۳ بند درباره دستیابی به صلح ارائه می‌کند. در مقدمه این نامه آمده است:

«پس از بررسی دقیق تحول روابط و وضعیت فعلی میان عراق و ایران و خطراتی که منطقه را در برگرفته و محیط بر آن شده [است] و... خود رادر موقعیت ارائه پیشنهاد تازه‌ای یافتیم.<sup>۱۴۸</sup>»

در این نامه بار دیگر به نیروهای اهربیمنی اشاره شده و آمده است:

«[آنها می‌خواهند] با استناد به این واقعیت که جنگ بین دو کشور از نظر حقوقی پایان نیافته است، دو کشور را به سوی آنچه مجددًا جرقه جنگ را بزند، سوق دهند.<sup>۱۴۹</sup>»

صدام در این نامه به جبهه خشکی (مرز زمینی) ایران و عراق به طول ۱۲۰۰ کیلومتر و مرز آبی در دریا به طول ۸۰۰ کیلومتر اشاره می‌کند.<sup>۱۵۰</sup> استفاده از عبارت ۸۰۰ کیلومتر مرز دریایی که شامل سواحل کویت، عربستان، بحرین، قطر و امارات متحده عربی نیز می‌شود، ابهامات زیادی را به هنگام مطالعه نامه برانگیخت. شاید این عبارت، صریح‌ترین عبارتی باشد که صدام در این نامه به کار برده است و بدین وسیله، در واقع، به اهدف خود مبنی بر تصرف کویت و گسترش مرز دریایی اشاره می‌کند. نظر به این که چنین احتمالی پیش از اشغال کویت داده نمی‌شد لذا، مقام‌های ایرانی این عبارات را به منزله نوعی تهدید ارزیابی کردند، زیرا صدام در این نامه بار دیگر به احتمال از سرگیری جنگ ایران با بهانه‌های ساده اشاره می‌کند.<sup>۱۵۱</sup>

در بند ۳ این نامه به اصل توافق برای آغاز مذاکرات اشاره شده و در بند ۴ بر عقبنشینی نیروهای دو کشور در مدت دو ماه پس از تصویب نهایی توافق‌های همه جانبه دو طرف تأکید شده است. در بند ۵ نیز آمده است، آزادی اسراهمانند عقبنشینی و هم زمان با آن (برابر بند ۴) قابل اجرا می‌باشد. در سایر بندهای نیز به موضوعاتی مانند نحوه تصمیم‌گیری در مورد

اروندرود، تضمین اجرای قطعنامه از سوی یک مرجع بین‌المللی، نحوه تقسیم کمک‌های بین‌المللی برای بازسازی دو کشور و گشایش سفارتخانه‌ها در تهران و بغداد اشاره شده است. در آخرین بخش این نامه آمده است:

« پیشنهاد فوق فراگیر بوده و اجزای آن به هم پیوسته و غیر قابل تفکیک است و رسیدن به آن با استمداد از تجربه و نیز گفت‌وگوهای نمایندگان ما در ژنو، آقایان ناصری و بربان، ممکن گشته است. »<sup>۱۵۲</sup>

به موازات تبادل نامه میان رؤسای جمهوری ایران و عراق و مذاکرات نمایندگان دو کشور در ژنو، کم‌کم نشانه‌هایی مبنی بر حل تدریجی اختلافات ایران و عراق آشکار شد. رادیو مسکو طی تحلیلی در این باره گفت:

« در حال حاضر پایه و اساس خوبی برای رفع نهایی حالت جنگ میان دو کشور فراهم شده است و مسکو در حال حاضر از کوشش‌های خود برای حل و فصل مسائل مورد اختلاف میان ایران و عراق دست برنمی‌دارد. »<sup>۱۵۳</sup>

رادیو مسکو در تحلیل دیگری در مورد فرآیند این مذاکرات گفت:

« بازی دیپلماتیک میان ایران و عراق ممکن است برای آینده مناسبات ایران و عراق اهمیت قاطعی داشته باشد. »<sup>۱۵۴</sup>

روزنامه القادسیه چاپ عراق نیز نوشت:

« عراق مشتاق است که از راه گفت‌وگو به حالت نه جنگ و نه صلح با ایران پایان دهد، قرارداد صلح را امضا کند و موجبات تقویت مناسبات آینده با ایران را بر شالوده احترام متقابل و علاقه بر امنیت و صلح منطقه‌ای فراهم آورد. »<sup>۱۵۵</sup>

با ادامه گفت‌وگوی نمایندگان ایران و عراق در ژنو، بخش فارسی رادیو امریکا گفت:

« برای نخستین بار از زمان انقلاب اسلامی تا کنون، نمایندگان ایران و عراق بدون حضور نمایندگان سازمان ملل متحد، یکدیگر را ملاقات می‌کنند. »

رادیو امریکا در ادامه گفتار خود به نقل از دیپلماتها، ملاقات نمایندگان

دو کشور را قدمی مثبت و مهم در راه رسیدن به صلح خواند.  
روزنامه نیویورک تایمز نیز در باره تأثیر موافقت ایران و عراق در تحولات منطقه نوشت:

«این می‌تواند توازن منطقه را بر هم بزند و تأثیر مهمی بر حوادث خاورمیانه و در نتیجه خصوصیت بین اعراب و اسرائیل بر جای بگذارد.»<sup>۱۵۷</sup>

در این حال، اسرائیل بانگرانی از روند تحولات اخیر، تلاش می‌کرد، در روابط ایران و عراق خراب‌کاری کند و شکاف دیدگاه‌های میان دو کشور را عمیق‌تر سازد.<sup>۱۵۸</sup>

## پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر در پی اشغال کویت

### اشغال کویت و بازتاب‌های آن

ماشین جنگی عراق در ۱۱ مرداد ۱۳۶۹ (دوم اوت ۱۹۹۰ میلادی) با حرکتی برق آسا از ساعت ۲ نیمه شب تا ساعت ۸ صبح (در مدت هشت ساعت) کویت را اشغال کرد<sup>۱۵۹</sup>، و بدین ترتیب، نطفه یکی از مهم‌ترین رخدادهای تعیین کننده و تأثیرگذار در منطقه خاورمیانه در چند دهه اخیر بسته شد. استعداد ارتش عراق در این عملیات بالغ بر ۹۵ هزار تن شامل یگان‌های پیاده و زرهی بود و در مقابل، ارتش کوچک کویت با ۲۰ هزار نیرو مقاومت قابل توجهی در برابر این حمله از خود نشان نداد. عراق با متصروفات جدید از توانی‌های تاکتیکی و استراتژیکی جدیدی برخوردار شد که به دلیل بی‌آمدگاهی، آن برای قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی قابل هضم و پذیرش نبود. ارزش اولیه تسليحات کویت که طی این حمله در اختیار ارتش عراق قرار گرفت حدود ۳۰ میلیارد دلار بود که در آن میان، ۱۳۰ فرونده‌های پیش‌بازاری، ۱۰۰ فرونده‌های کوپتر، ۷۰ فرونده‌ای از شناورهای نظامی، ۱۰۰ سکوی متحرک پرتاب موشک ضد هوایی با بیش از ۵۰۰ فرونده موشک، ۱۰۰

دستگاه تانک و نفربر تنها بخشی از این تسليحات بودند. اعلام الحاق کویت و هفت جزیره این کشور به خاک عراق که در واقع سرزمینی برابر با بیش از ۱۷ هزار کیلومتر مربع و ساحلی به طول ۲۵۰ کیلومتر با ۹ پاسگاه بندر دریابی را شامل می‌شد، عراق را از موقعیت ژئو استراتژیکی مناسبی برخوردار کرد و مناطق تحت نفوذ این کشور تا نزدیکی‌های تنگه هرمز گسترش داد. همچنین با توجه به ذخایر نفتی کویت که ۱۰۹ میلیارد بشکه تخمین زده می‌شد، به اضافه ذخایر نفتی خود عراق که حدود ۷۵ میلیارد بشکه بود، عراق را به ثروتمندترین <sup>۱۶۰</sup> کشور منطقه تبدیل کرد.

سرعت عمل عراق و در مقابل، غافل‌گیری کویت و حامیان آن موجب به بار آمدن خسارت‌های زیادی از جمله اشغال کویت شد. امیر کویت با وجود استقرار نیروهای نظامی عراق در مرز کویت و فضای تنفس‌زا میان دو کشور، با اعتماد به سرویس اطلاعاتی امریکا و نیروهای نظامی این کشور، از اطمینان خاطر مبالغه‌آمیزی برخوردار بود ولذا هیچ‌گونه تمهداتی برای مقابله و یافرار فراهم نکرده بود، به همین دلیل امیر کویت بلا فاصله پس از آغاز پیش‌روی ارتش عراق در خاک کویت، در نیمه‌های شب سراسیمه برخواست و خود را به سفارت امریکا رساند و با همی کوپتر به عربستان رفت و وزیران او نیز جاده ۵۰ کیلومتری کویت تا عربستان را با ماشین پیمودند و تنها برادر کوچک امیر تا آخرین لحظه مقاومت کرد و کشته شد.<sup>۱۶۱</sup>

ریچارد مورفی، معاون وقت وزیر خارجہ ریگان در نخستین واکنش به حمله عراق در گفت و گو با برنامه صبح شبکه تلویزیونی سی. ان. ان گفت: « حرکت صدام همه را غافل‌گیر کرد.... در دوران بعد از جنگ جهانی دوم این نخستین بار است که یک کشور عربی مورد تجاوز یک کشور عربی دیگر قرار

<sup>۱۶۰</sup> ذخایر نفتی عربستان ۱۶۴ میلیارد بشکه نفت است ولی عراق در این مرحله صاحب ۱۸۴ میلیارد بشکه نفت می‌شد.

۱۶۲ می‌گیرد . »

”میچل دوار“، یکی از کارشناسان و تحلیل‌گران نیز گفت:

» ۲۴ ساعت پیش از حمله عراق به کویت در مصاحبه‌ای با بی . بی . سی اعلام

کردم که حضور نظامی عراق در مرز کویت صرفاً یک تهدید به شمار می‌رود و

اصلًاً تصور نمی‌کردم که صدام این چنین بی‌رحمانه به این کشور تجاوز

کند . »<sup>۱۶۳</sup>

البته، امریکایی‌ها پس از تجاوز عراق به کویت، سعی کردند، غفلت خود را چنین توجیه کنند که به دوستان منطقه‌ای خود اتکا کرده بودند و تصور می‌کردند، آنها پیش‌پیش مخاطرات سیاسی منطقه را تشخیص می‌دهند.<sup>۱۶۴</sup> در این میان اسرائیلی‌ها، که به شدت نسبت به افزایش توان نظامی عراق به ویژه گسترش سلاح‌های شیمیایی، هسته‌ای و موشکی این کشور و اتحاد نظامی اردن و عراق نگران بوده و با دستگاه‌های اطلاعاتی خود، عراق را به دقیق زیر نظر داشتند، در برابر این تهاجم غافل‌گیر شدند، حال آن‌که، تمرکز قوای عراق در امتداد مرز کویت از چشم آنها دور نمانده بود، اما سازمان‌های اطلاعاتی نتوانسته بودند تهاجم عراق را پیش‌بینی کنند.<sup>۱۶۵</sup>

این غافل‌گیری همه‌گیر می‌تواند متأثر از عوامل مختلفی باشد، از جمله:

۱- عدم احتمال حمله یک کشور عربی به کشور عربی دیگر به‌ویژه کویت که علاوه بر پشتیبانی همه جانبه از عراق در جنگ علیه ایران، مورد حمایت کامل امریکا نیز قرار داشت.

۲- ظرفیت منطقه پس از تحمل یک جنگ هشت ساله به آن میزان نبود که بتواند برای یک جنگ دیگر، آن‌هم در محدوده خلیج فارس آماده شود.

۳- گرایش عراق به سمت غرب و وابستگی‌های اقتصادی به گونه‌ای بود که تحلیل‌گران از رفتار عاقلانه و متعادل‌تر صدام سخن می‌گفتند.

۴- مشکلات داخلی عراق پس از یک جنگ هشت ساله و تعهدات مالی این کشور به گونه‌ای نبود که عراق بتواند برای نبردی جدید آماده شود.

۵- تداوم وضعیت "نه جنگ نه صلح" بین ایران و عراق و عدم دستیابی به توافق نهایی با توجه به شکنندگی این وضعیت، ایجاب می‌کرد اهتمام اصلی عراق بر پایان بخشیدن به اختلافات با ایران متمرکز باشد.

البته، دلایل قابل بررسی دیگری هم وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرند. نظر به آن که از زمان پایان جنگ ایران و عراق در مرداد ۱۳۶۷ تا آغاز حمله عراق به کویت در مرداد ۱۳۶۹ (به مدت دو سال) سمت و سوی تهدیدات عراق همچنان علیه ایران بود، تحرکات کاملاً آشکار نظامی عراق بیشتر به عنوان نوعی "قدرت‌نمایی رعب‌انگیز" و "تهدیدهای باج‌گیرانه" از شیوخ ثروتمند خلیج فارس ارزیابی می‌شد لذا احتمال حمله نظامی عراق به کویت مورد توجه سازمان‌های اطلاعاتی قرار نگرفته بود به گونه‌ای که در برابر تجاوز عراق به کویت کاملاً غافل گیر شدند.

نظر به اهمیت تجاوز عراق به کویت و آثار و بی‌آمدی‌های اشغال این کشور، بحث و بررسی‌های بسیار زیادی درباره ریشه‌ها و علل اصلی اقدام عراق انجام گرفت که می‌توان آنها را به دو نظریه برجسته و عمده تقسیم کرد: در نظریه نخست - که به عنوان نظریه‌ای نسبتاً رایج بازتاب گسترهای یافت - عراق در قالب یک "تئوری توطئه" که صحنه‌پرداز اصلی آن امریکا بود، با چراغ سبز این کشور وارد عمل شد و به کویت حمله کرد. بر اساس نظریه دوم، تهاجم عراق به کویت در اثر تصمیم مستقل سیاسی و بدون دخالت و صحنه‌پردازی قدرت‌های خارجی و تنها در چارچوب اهداف استراتژیک حکومت عراق و بر مبنای الزامات این حکومت و تصور صدام از صحنه بین‌المللی و منطقه و با

زمینه‌سازی این کشون انجام شد.<sup>۱۶۶</sup> به عقیده طرفداران نظریه دوم، تهاجم عراق تلفیقی از مسائل تاریخی، اقتصادی، ژئوپلیتیک و استراتژیک است.<sup>۱۶۷</sup>

در این میان، گرچه طرفداران هر دو نظریه دلایل، شواهد و قرائین گوناگونی را برای اثبات نظر خود ارائه می‌کنند، اما به نظر می‌رسد، نظریه دوم با واقعیات تطبیق بیشتری داشته باشد. این مسئله با این توضیح بیشتر روشن می‌شود که طرفداران نظریه اول براین باورند که صدام مزدور امریکا و در نتیجه، همواره در خدمت منافع امریکا بوده است. افزون بر این آرایش ۹۵ هزار نیروی نظامی عراقی در مرز کویت نمی‌توانسته از دید دستگاه‌های اطلاعاتی و همچنین، تحلیل‌گران و تصمیم‌گیرندگان امریکایی پنهان مانده باشد. با توجه به آن‌که این فرضیات قابل اثبات نیست و مقام‌های امریکایی نیز در اظهارات علنی خود بر غافل‌گیری در برابر اشغال کویت اعتراف کرده‌اند، لذا دلیلی وجود ندارد که موضوع حمله عراق به کویت را برابر پایه "تئوری توطئه" توجیه کرد. البته، این مسئله قابل انکار نیست که برخورد متناقض امریکایی‌ها در برابر عراق، که بی‌شباهت با برخورد ترددی‌آمیز دستگاه دیپلماسی و امنیتی امریکا با شاه و پدیده انقلاب اسلامی نبود، به توهمندان صدام و ارزیابی‌های نادرست وی از اوضاع منطقه دامن زده باشد، ولی این موضوع دلایل دیگری دارد که به هیچ وجه نمی‌تواند مبنای استدلال برای اثبات "تئوری توطئه" قرار گیرد.

در این میان، اظهارات شخصیت‌های رسمی عراق در مورد علت و انگیزه عراق از اشغال کویت بیشتر به نظریه اول نزدیک است، با این تفاوت که عراقی‌ها براین باور بودند که در معرض توطئه‌ای قرار گرفتند که امریکا و اسرائیل با کمک عربستان سعودی و کویت به صورت مشترک آن را طراحی کرده بودند ولذا برای خنثی‌سازی و غلبه بر آن، به چنین اقدامی دست زده‌اند. سعدون حمادی، از شخصیت‌های سیاسی عراق که در دی ماه ۱۳۶۹

به تهران سفر کرد، در دیدار با چند تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ضمن اشاره به تاریخ پیدایش کویت و نقش انگلیسی‌ها در جدا کردن این کشور از عراق به دلیل وجود چاهه‌ای نفت آن و قصد حکام عربستان سعودی و کویت برای ضربه زدن به عراق، گفت:

«ما درست پس از خاتمه جنگ [با ایران] احساس کردیم که توطئه‌ای علیه ما در شرف انجام است.»

وی اقدام کنگره امریکا در لغو فروش گندم به عراق و حملات تبلیغاتی این کشور در مورد سلاح‌های شیمیایی و همچنین اعدام "بازفت" را به اتهام جاسوسی، از دلایل این توطئه ذکر کرد و افزود:

«برای خرید وسائل اتجاهیات مورد نیاز متوجه شدیم که I.A.C در پشت سر ما است تا قرارداد را افشا کرده و بر هم زند.»

وی همچنین به طرح ترور صدام اشاره کرد و گفت:

«اطلاعاتی به دست مأمورین امنیتی ما رسید که جان رئیس جمهور ما در خطر است. شاه حسین [شاه اردن] شخصاً نامه‌ای به بوش نوشت و به او این مطلب را گفت که سیستم دستگاه‌های اطلاعاتی امریکا می‌خواهد این عمل را انجام دهند و بوش آن را تکذیب نکرد.»

این مقام عراقی ادامه داد:

«به ما اطلاعاتی رسید که اسرائیل طی توطئه‌ای قصد دارد برای ضربه زدن به تأسیسات علمی در عراق، از طریق هوایی اقدام کند و اگر نگفته بودیم که ضربه را پاسخ خواهیم داد، این اتفاق افتاده بود.»<sup>۱۶۸</sup>

وی در پایان اظهارات خود بار دیگر تأکید کرد:

«احساس کردیم که امریکا قصد دارد عراق را تضعیف کرده و به آن ضربه بزند.»  
صدام نیز پیش از حمله به کویت، طی سخنانی، به طرح گسترده امریکا برای سقوط قیمت نفت اشاره کرد که به کمک برخی کشورهای منطقه انجام

گرفت و باعث شد که عراق در نیمه سال ۱۹۹۰ حدود ۱۴ میلیارد دلار زیان کند.<sup>۱۶۹</sup> بعدها، لطیف جاسم، وزیر وقت اطلاعات عراق در مصاحبه با نشریه آلمانی اشپیگل گفت:

« همه امیدوار بودند بعد از جنگ با ایران ما از پای در آییم ، خواه از نظر اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و یا نظامی .... کویت نقش صهیونیست‌ها را به عهده گرفت و از طریق افزایش میزان تولید نفت ، قیمت را در سطح بسیار پایینی نگه داشت ، به طوری که ما میلیاردها دلار ضرر کردیم و اقتصادمان دچار مخاطره گردید . به این ترتیب ، آن خبیث کویتی می‌خواست ما را به زانو درآورد . در این رابطه ، امارات نیز با او همکاری داشت . »<sup>۱۷۰</sup>

عراقی‌ها برای اثبات ادعای خود مبنی بر نقش کویت در طرح امریکا برای تضعیف عراق ، پس از اشغال کویت ، نامه محرمانه اداره امنیت کویت به شیخ "سالم الصباح" ، وزیر کشور کویت را منتشر ساختند. در بند پنجم این سند که حاوی توافق مدیرکل اداره کل امنیت کویت (سرهنگ فهد احمد الفهد) و مدیر سرویس اطلاعاتی استان الاحمدی ، پس از بازدید از مقر سازمان سیا در ۱۲ نوامبر ۱۹۸۹ و دیدار با "ویلیام وستر" ، مدیرکل سازمان سیا می‌باشد ، آمده است :

« ما با طرف امریکایی به توافق رسیدیم که بهره‌برداری از وحامت اوضاع اقتصادی عراق جهت اعمال فشار بر دولت آن و تعیین رسمی مرزهای ما ، اهمیت دارد . »<sup>۱۷۱</sup> بنابراین برخلاف تبلیغات امریکایی‌ها مبنی بر این که عراق برای "برتری بر منطقه خلیج فارس و رهبری جهان عرب" به کویت حمله کرد ، به نظر می‌رسد این مسائل می‌توانست به عنوان نتایج و بی‌آمد اشغال کویت ، موقعیت استراتژیکی عراق را ارتقا دهد ، ولی به گفته "افرایم کارش" ، استاد بخش مطالعاتی جنگ کالج "کلینیگ" لندن انگلیزه عراق چیز دیگری بود . وی می‌گوید :

<sup>۱۶۹</sup> این سند بعدها در سال ۱۹۹۰ به وسیله "ژون آفریک" چاپ پاریس منشر شد .

## «اوضاع در عراق قبل از جنگ بسیار دشوار بود به همین دلیل صدام برای آن که

از نظر اقتصادی زنده بماند ، به کویت حمله کرد . »<sup>۱۷۲</sup>

صرف نظر از ملاحظاتی که در مورد ریشه‌یابی اقدام عراق وجود داشت ، بدون تردید ، نتایج و بی‌آمدهای احتمالی این واقعه یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های شکل‌گیری خدادهای بعدی در منطقه ، از جمله اقدام نظامی امریکا علیه عراق و همچنین ، موافقت عراق با قرارداد ۱۹۷۵ میلادی الجزایر بود. در واقع ، اشغال کویت ، عراق را در موقعیت جدیدی قرار داد که از یکسو ، برای امریکایی‌ها قابل هضم و پذیرش نبود و به همین دلیل ، مقدمات ایجاد ائتلاف جهانی برای اقدام نظامی علیه عراق را فراهم کرد و از سوی دیگر ، عراق با دست یابی به کویت و برخورداری از امتیازات ژئوپلتیک و ژئو استراتژیک جدید ، نیازی به لغو قرارداد ۱۹۷۵ میلادی الجزایر و در نتیجه ، پافشاری روی مواضع خود در مذاکرات صلح با ایران نداشت و لذا ، به راحتی از مواضع خود در این مذاکرات عقبنشینی کرد و این قرارداد را پذیرفت.

از نظر امریکایی‌ها ، عراق با اشغال کویت طرح استراتژیکی امریکا را مغشوش و موقعیت استراتژیکی عربستان سعودی را به مخاطره انداخته بود ، زیرا با این حادثه ، ترکیب قدرت در منطقه بهم خورد<sup>۱۷۳</sup> و در نتیجه "تعادل قوا" در خلیج فارس از میان رفت.<sup>۱۷۴</sup> فرآیند این تحولات نه تنها ثبات کشورهای هم‌پیمان امریکا در منطقه را دستخوش تحولات اسلامی می‌کرد ، بلکه مهم‌ترین عنصر اسلامی برای منافع حیاتی امریکا و غرب یعنی نفت را در معرض چالش‌های بنیادین قرار می‌داد. به گفته برزینسکی عراق در موقعیت جدید از این امکان برخوردار بود که در تعیین قیمت نفت نقش فعال‌تری ایفا کند<sup>۱۷۵</sup> و به بازیگر نهایی در سیاست‌های اوپک تبدیل شود.<sup>۱۷۶</sup>

امریکایی‌ها در برابر پیدایش وضعیت جدید دوراه کلی فراری خود

داشتند: نخست آن که، با اقدام به تقسیم پیروزی با عراق، سرانجام واقعیات جدید را پذیرفته و با عراق به گفت و گو و تفاهم برسند. برابر شواهد و قرائتی که وجود داشت، عراقی‌ها تصور می‌کردند، امریکایی‌ها به دلیل عدم تمایل به اقدام نظامی و سایر ملاحظات و محدودیت‌هایی که در برابر خود داشتند، سرانجام این راه حل را خواهند پذیرفت. به عبارت دیگر، از نظر عراقی‌ها، امریکایی‌ها در نهایت نفت می‌خواستند که عراق برای آنها تأمین می‌کرد. شاید یکی از علل اصلی شکست عراق ناشی از همین محاسبه نادرست و عدم آمادگی عراق برای اقدام نظامی بود. به عبارت دیگر، عراق تصور می‌کرد، پس از اشغال کویت و اندکی کشمکش و جنگ سیاسی-تبليغاتی، امریکا با آنها مصالحه خواهد کرد.

راه حل دوم، امریکایی‌ها تصمیم‌گیری برای اقدام نظامی بود، شرایط بین‌المللی در آستانه پایان جنگ سرد و تحولات اروپای شرقی و همچنین، اوضاع حساس و آسیب‌پذیر منطقه و مهم‌تر از همه، آثار روانی جنگ ویتنام در افکار عمومی مردم امریکا و اختلاف نظر در میان متحدهان جهانی امریکا، از جمله موانعی بود که امریکایی‌ها باید برای فائق آمدن بر آنها تلاش می‌کردند. طرفداران راه حل دوم چنین استدلال می‌کردند که امکان مصالحه بر سر منافع حیاتی امریکا وجود ندارد و صدام قابل اعتماد نیست و پی‌آمدهای تسلط صدام بر منطقه، موجی از بی‌ثبتاتی و افزایش قیمت نفت را در پی خواهد داشت. در این میان، اسرائیلی‌ها نقش تعیین کننده‌ای در مجاب کردن امریکا به اقدام نظامی داشتند. "آوای اشليم" در تبیین دیدگاه اسرائیلی‌ها نسبت به جنگ و نقش آنها در ترغیب امریکا به اقدام نظامی علیه عراق می‌گوید:

«اسرائیلی‌ها در فعالیت‌های پشت پرده خود و اعمال نفوذ بر سیاست‌مداران امریکا، می‌کوشیدند که این کشور را برای انجام عملیات نظامی کوبنده، قانع کنند.»

وی در توضیح این مسئله می‌افزاید:

« پاتریک بوچانان » نویسنده امریکایی نوشت: « فقط دو گروه هستند که بر طبل جنگ در خاورمیانه می‌کوبند، یکی وزارت دفاع اسرائیل و دیگری، آمین گویانش در امریکا؛ دوستان اسرائیل در واشنگتن و « هنری کسینجر » در رأس آنان به تقویت و هم‌آهنگی موضع تندروها یا اطرفداران شدت عمل پرداختند ». <sup>۱۷۷</sup>

کسینجر به عنوان یک نظریه‌پرداز صهیونیست در تبیین مواضع و اقدامات ضروری امریکا در مرحله جدید، نقش غیرقابل انکاری داشت. وی بر این باور بود که « باید بگذاریم اکنون که ارتش عراق وارد کویت شده است، سالم و با مصالحه خارج شود، زیرا در وضعیت دیگری، ارتش عراق بار دیگر بحران ایجاد خواهد کرد ». وی توصیه می‌کرد: « امریکا باید با استفاده از فرصت، اکنون که ارتش عراق گرفتار شده است، آن را منهدم کند ». کسینجر در توضیح نظرات خود در روزنامه لوس‌آنجلس تایمز نوشت:

« اگر تحریم‌ها بیش از حد نامؤثر، و دیپلماسی ناموفق بماند، برای ایالات متحده لازم است تا انهدام قاطع تجهیزات نظامی عراق را مدنظر قرار دهد، مخصوصاً اگر نتیجه تحریم‌ها و فعالیت‌های دیپلماسی، صدام حسین را بر جای خود و ماشین جنگی او را بدون صدمه باقی بگذارد، ممکن است این امر به یک میان پرده یا تنفس بین دو تجاوز بدل شود ». <sup>۱۷۸</sup>

افزون بر توصیه‌هایی که به منظور مجاب کردن امریکا برای اقدام نظامی علیه عراق صورت می‌گرفت، نظرات دیگری نیز به عنوان الزامات جدید در سیاست منطقه‌ای امریکا مورد توجه قرار داشت که اساس آنها مبتنی بر دو مسئله بود: نخست، این فرض مورد تأکید قرار می‌گرفت که منشاء مسائل در منطقه بر هم خوردن توازن استراتژیک است<sup>۱۷۹</sup> و دیگر آن‌که، این بحران یک بحران دراز مدت در منطقه است. <sup>۱۸۰</sup> بر پایه این ملاحظات، برخی توصیه

می‌کردند، امریکا با طرح ریزی نظامی-امنیتی جدید در منطقه، در دراز مدت باید احیای دوباره ایران را به عنوان یک ضد ضربه علیه قدرت عراق در نظر بگیرد و در صورت تغییر رفتار ایران، مسلح کردن مجدد ایران به برهمندان توان قدرت عراق کمک خواهد کرد.<sup>۱۸۱</sup> اساس این تحلیل بر پایه موقعیت ژئوپلیتیکی ایران و قابلیت این کشور برای برخورداری از یک نقش کلیدی و تعیین کننده، استوار بود.<sup>۱۸۲</sup>

### پنجمین نامه صدام و پاسخ رئیس جمهور ایران

به عقیده بسیاری از تحلیل‌گران مسائل منطقه، جنگ عراق با ایران علت زیربنایی دومین جنگ خلیج فارس بود<sup>۱۸۳</sup> و مجموعه شرایط، صدام را برای آغاز دومین جنگ در طول یک دهه برانگیخت. در واقع، بن‌بست در پایان یافتن یکسره جنگ و ناکامی عراق در تجاوز به ایران و ناتوانی آشکار آن کشور در تحمیل بازگشایی اروندرود - گذرگاه اصلی عراق به خلیج فارس - بر جمهوری اسلامی ایران به صورت یک مانع عمدۀ استراتژیکی و پریشانی سیاسی برای عراقی‌ها درآمد.<sup>۱۸۴</sup> بنابراین، اگر این فرض را پذیریم که جنگ دوم یشه در جنگ اول و تبعات ناشی از آن دارد، می‌توانیم این مسئله را به آن اضافه کنیم که نتیجه جنگ دوم، منجر به موافقت مجدد عراق با قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، و عقب‌نشینی این کشور از مناطق اشغال شده ایران و آزادی اسرا و در نتیجه موجب گشایش در بن‌بست ناشی از جنگ اول شد که پیروزی سیاسی ایران را دریی داشت.

بر پایه این ملاحظه کلی، با پی‌گیری روندی که در تبادل نامه‌ها میان رئیسان جمهور عراق و ایران وجود داشت، می‌توان چگونگی موافقت عراق با قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد. با وجود آن که جمهوری اسلامی ایران به نامه‌های سوم و چهارم رئیس جمهور عراق که در

۲۵ تیر و ۸ مرداد ۱۳۶۹ ارسال شده بود - بنابر دلایلی - پاسخ نداد، ولی رئیس جمهور عراق تنها یک روز پس از اشغال کویت، پنجمین نامه خود را در ۱۲ مرداد ۱۳۶۹ خطاب به آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور ایران ارسال کرد. محتوای این نامه اساساً با در نظر گرفتن مواضع جدید و احتمالی ایران بود. البته جمهوری اسلامی ایران بلا فاصله، اشغال کویت را محکوم و بعدها ضمن اعلام حمایت از قطع نامه سازمان ملل، درخصوص اشغال کویت مخالفت خود را با هرگونه تغییر در جغرافیای سیاسی منطقه اعلام کرد. در ابتدای نامه جدید صدام آمده است:

«از خلاصه فعالیت سیاسی شما شمهای از آنچه از سوی دولت ایران صادر شد، آگاهی یافتم.<sup>۱۸۵</sup>

وی پس از اشاره به مندرجات آخرین نامه رئیس جمهوری ایران نوشت:  
 «اینک پس از قضیه کویت، علائم بحران در افق پدیدار گشته و ممکن است، کسانی را که به اندازه کافی تأمل و برداشتن از خود نشان ندهند، به مسیر کشمش بکشانند.<sup>۱۸۶</sup>

در ادامه نامه، صدام ضمن تأکید بر این مسئله که "دریافت‌هایم که شما خواهان صلحید"، اظهار امیدواری می‌کند:

«پس از انجام گفت‌وگو با شما رئیس جمهور ایران و با کسانی که معرفی می‌نمایید، در آستانه مرحله سرنوشت ساز صلح قرار بگیریم.<sup>۱۸۷</sup>

و سپس می‌افزاید:

«آرزو ندارم افرادی همچون شما و برادران شما در کادر رهبری ایران که یک جنگ هشت ساله را آزموده‌اند، متزلزل شده، به امری که نه به مصلحت ایران و نه جزو هدف‌های مردم ایران است، روی آورند.<sup>۱۸۸</sup>

رئیس جمهور عراق ضمن تهدید ایران مبنی بر خودداری از مداخله و یا بهره‌برداری از شرایط موجود برای انجام حرکت جدیدی علیه عراق می‌افزاید:

«اگر عراق و ایران هر یک از آنها از موضع صحیح خود منحرف شود ، ملت خویش را از یک فرصت تاریخی برای نیل به صلح و نیز تثبیت حقوق مشروع خود ، محروم خواهد ساخت .»<sup>۱۸۹</sup>

آقای هاشمی در پاسخ به نامه پنجم رئیس جمهوری عراق طی نامه‌ای که در ۱۷ مرداد ۱۳۶۹ نوشته شد ، ابتدا در اعلام وصول نامه ۱۲ مرداد ۱۳۶۹ صدام با گلایه از محتوای تهدید آمیز نامه صدام می‌نویسد :

«با آن که اصل نامه علی‌الظاهر به منظور پیش‌برد مذاکرات صلح تنظیم شده ، لیکن ، بخشی از مضامین آن تأسف‌آور است .»<sup>۱۹۰</sup>

نامه رئیس جمهور ایران ، ضمن تأکید بر "حرکت صادقانه" ایران برای "تأمین حقوق مشروع و تغییر ناپذیر ملت ایران" <sup>۱۹۱</sup> ، در هفت بند تنظیم شده است . در بند اول نامه همچون گذشته ، ملاقات سران ، به مذاکرات محتوایی نمایندگان دو کشور و حل و روش‌شن شدن مسائل مهمن و کلیدی مشروط شده است . در بند دوم ، با صراحة اعلام شده است :

«پیشنهاد مشخص ما مبنای قرار گرفتن معاهده ۱۹۷۵ برای مذاکرات صلح می‌باشد .»<sup>۱۹۲</sup>

در بند سوم نیز سقف زمانی دو ماه برای عقب‌نشینی غیر قابل توجیه قلمداد شده و تأکید شده است که این کار در مدت یکی دو روز قابل انجام است . در سایر بندها نیز نوعی مجادله نسبت به موضع و اقدامات جدید عراق در اشغال کویت صورت گرفته است . در بند پنجم این نامه آمده است :

«تهاجم غیر قابل تصور به یک کشور همسایه بدون کوچک‌ترین اطلاع و هم‌آهنگی ، آن هم با آثار و تبعات فوق العاده آن در رابطه با ما ، می‌تواند اعتماد ما را سست سازد و تردید جدی در انگیزه‌های مذاکرات چند ماهه اخیر ایجاد نماید .»<sup>۱۹۴</sup>

همچنین ، در بند ششم آمده است :

«لحن نامه اخیرتان مناسب با حالت لازم در جریان مذاکره نیست. لحن و زبانی به کار گرفته‌اید که در گذشته عدم کارآیی آن در رابطه با ملت مسلمان و انقلابی ما آزموده شده [است].»<sup>۱۹۵</sup>

در ادامه همین بند تصريح شده است:

«ما به دنبال استفاده از شرایط فعلی نیستیم و جز حقوق مشروع و قانونی خود، چیز دیگری نمی‌خواهیم.»<sup>۱۹۶</sup>

آقای هاشمی در بند هفتم نامه، بار دیگر برقرارداد ۱۹۷۵ میلادی برای مشخص کردن مرزها در زمین و رودخانه تأکید کرد.<sup>۱۹۷</sup>

**پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ در ششمین نامه رئیس جمهور عراق**  
صدام در ششمین و آخرین نامه خود به رئیس جمهوری ایران که در ۲۳ مرداد ۱۳۶۹ (۱۴ اوت ۱۹۹۰) نوشته شد، رسماً پیشنهاد آقای هاشمی را مبنی بر لزوم مبنای قراردادن عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر، پذیرفت. وی علت این اقدام را در مقدمه نامه خود که در چهار بند تنظیم شده است، چنین ذکر می‌کند:

«به خاطر آن که هیچ یک از توانایی‌های عراق در خارج از میدان نبرد بزرگ بلاستفاده باقی نماند و به جهت بسیج این توانایی‌ها در جهت اهدافی که مسلمانان و اعراب شرافتمند بر حقانیت آنها اتفاق نظر دارند و برای جلوگیری از تداخل سنگرها و دور ساختن گمان‌ها و تردیدهای آن که خیراندیشان راه خود را برای برقراری روابط طبیعی میان عراق و ایران بیابند، تصمیمات زیر را اتخاذ نمودیم.»

در بند یک این نامه لزوم مبنای قراردادن عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر پذیرفته شده است و در بند سوم آن آمده است:

«ما عقبنشینی خود را از روز جمعه هفدهم اوت ۱۹۹۰ (۲۶ مرداد

۱۳۶۹) آغاز می‌کنیم. «

در بند چهارم نیز اعلام شده است:

«ما به عنوان آغازگر آزادی اسرا، روز جمعه ۱۷ اوت اقدام خواهیم کرد.

در آخرین بخش نامه نیز رئیس جمهور عراق صدام ضمن پذیرش خواسته‌های ایران، اظهار کرد:

«با این تصمیم ما، دیگر همه چیز روشن شده و بدین ترتیب، همه آنچه را که می‌خواستید و بر آن تکیه می‌کردید، تحقق می‌یابد و دیگر اقدامی جز مبادله اسناد باقی نمی‌ماند.

در چند خط آخر نامه به صورت تلویحی به این موضوع اشاره کرد که "عراق انتظار دارد، ایران در این بحران در کنار عراق قرار گیرد!"، و در ادامه نوشت:

«بدین وسیله کسانی را که سعی می‌کنند از آب گلآلود ماهی بگیرند، از سواحل خود دور کنیم و چه بسا در جهاتی همکاری کنیم که در نتیجه آن، خلیج [فارس] به دریاچه صلح و امنیت و عاری از ناوگان‌ها و نیروهای بیگانه که در کمین ما نشسته اند، مبدل شود، مضافاً آن‌که، همکاری مذبور می‌تواند شامل جنبه‌های دیگر زندگی شود.

عراق در شرایطی به پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر تن داد و از خاک جمهوری اسلامی ایران عقب‌نشینی کرد که به یک اعتبار، به دلیل مقاومت مردم ایران چاره‌ای جز این نداشت و به اعتبار دیگر، باشغال کویت موقعیت ممتازی کسب کرده بود که نیازی به پافشاری بر لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر نداشت. در هر حال به نظر می‌رسد این اقدام عراق بر اساس چند دلیل صورت گرفته باشد که از آن جمله است:

۱- اهمیت قرارداد ۱۹۷۵ که عمدتاً به منظور راه‌یابی عراق به شمال خلیج فارس بود با تصرف کویت کاهش یافت، و در ضمن پیروزی

به دست آمده، نیز بی‌آمدهای ناشی از پذیرش قراردادی که به علت آن عراق جنگ را شروع کرده بود، را تحت شعاع قرار می‌گرفت.

۲- جلوگیری از بـهـرـهـمـنـدـیـ اـحـتمـالـیـ اـمـرـیـکـاـ اـزـ اـیـرانـ عـرـاقـ بـهـخـاطـرـ شـرـایـطـ نـهـ جـنـگـ نـهـ صـلـحـ وـ خـصـومـتـهـاـیـ دـیـرـینـهـ بـینـ اـیـرانـ وـ عـرـاقـ.

۳- عدم تجزیه توان عراق در صورت تداوم و شدت درگیری نظامی در کویت، چرا که عراق بیش از ۳۰ لشکر در مرز ایران داشت که با پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ توانست آنها را به کویت و به مرز عربستان و همچنین ترکیه گسیل کند.

۴- تمایل عراق برای نزدیک شدن به ایران به لحاظ موضع ضدامریکایی این کشور، و اشتراک موضع در مسئله نفت برای کسب حمایت این کشور در شرایط بحرانی در صورت تداوم محاصره سیاسی و اقتصادی و یا درگیری نظامی.

در واقع بین پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر با موقعیت آینده عراق در کویت - به عنوان مهم‌ترین عامل - ارتباط تنگاتنگی وجود داشت که حتی عراقی‌ها و برخی تحلیل‌گران و ناظران امور سیاسی بر آن تأکید داشتند.

جمهوری اسلامی ایران با توجه به ماهیت تجاوز کارانه حمله عراق به کویت و بـیـآـمـدـهـایـ اـحـتمـالـیـ آـنـ بـرـایـ منـطـقـهـ وـ منـافـعـ اـیـرانـ، چـنـدـ رـاهـ کـلـیـ فـرـارـوـیـ خـوـدـدـاشـتـ کـهـ برـایـ دـوـ طـرـفـ جـنـگـ وـ حـامـیـانـ وـ مـتـحـدـانـ آـنـهـ حـائـزـ اـهـمـیـتـ بـودـ. مـتـحـدـیـنـ بـهـ رـهـبـرـیـ اـمـرـیـکـاـ درـ وـهـلـهـ نـخـسـتـ بـاـهـدـفـ اـدـارـهـ وـ مـهـارـ دـامـنـهـ بـحـرـانـ مـایـلـ بـودـنـدـ، اـیـرانـ نـیـزـ درـ جـبـهـ آـنـانـ قـرـارـ گـیرـدـ، تـاـدـرـ کـنـارـ سـوـرـیـهـ، تـرـکـیـهـ وـ عـرـبـسـتـانـ سـعـوـدـیـ مـحـاـصـرـهـ عـرـاقـ تـکـمـیـلـ شـوـدـ. اـیـنـ اـقـدـامـ بـدـتـرـیـنـ وضعـیـتـ رـاـ برـایـ عـرـاقـ بـهـ وجـوـدـ مـیـآـورـدـ، زـیرـاـبـهـ جـزـ بـرـقـرـارـیـ آـتـشـ بـسـ شـکـنـنـدـهـ مـیـانـ اـیـرانـ وـ عـرـاقـ کـهـ اـمـکـانـ اـزـ سـرـگـیرـیـ مـجـدـدـ درـگـیرـیـ نـیـزـ وجـوـدـ دـاشـتـ، هـیـچـ گـونـهـ قـرـارـدـادـیـ بـرـایـ بـرـقـرـارـیـ صـلـحـ وـ حلـ وـ فـصـلـ اـخـتـلـافـاتـ اـمـضـاـشـدـهـ بـودـ. لـذـاـ، اـیـنـ

وضعیت می‌توانست با گشایش جبهه جدید برای عراق، قوای نظامی این کشور را تجزیه کند. روزنامه نیویورک تایمز که بیشتر موضع وزارت خارجه امریکا را بیان می‌کند، با توجه به تحولات جدید، در مورد موضع گیری ایران و انتخاب‌های احتمالی این کشور نوشت:

«تهران با یکی از اساسی‌ترین پرسش‌هایی که در برابر انقلاب اسلامی اش قرار گرفته، رو به رو شده است و آن‌که، از این موضع جدید قدرت برای تضعیف عراق استفاده کند یا آن‌که با پیوستن به عراق در بیرون راندن ایالات متحده، یعنی دشمن مشترک دو کشور از منطقه بکوشد.»<sup>۱۹۹</sup>

متقابلً وضعیت مطلوب برای عراق این بود که جمهوری اسلامی در کنار عراق با گشایش جبهه جدید در برابر امریکا دامنه بحران را وسعت بخشد و تا آن سوی تنگه هرمز و تادریای عمان گسترش دهد. عراقی‌ها از ایران همین انتظار را داشتند و طارق عزیز طی اظهارات خود، ابراز تمایل کرد، ایران برای رویارویی با تجاوز امریکا علیه عراق با این کشور همکاری کرده و با حضور بیگانگان در خلیج فارس مخالفت کند.<sup>۲۰۰</sup> وزیر خارجه عراق طی سفر به تهران، در مذاکرات خود با مقام‌های ایرانی این درخواست را به گونه‌ای دیگر همراه با تقاضای کمک برای شکستن محاصره اقتصادی عراق عنوان کرد. در این راستا، سفیر عراق در سازمان ملل توافق اخیر ایران و عراق را به مرتب مهم‌تر از تحولات خلیج فارس و تأثیرگذار بر کل منطقه دانست و گفت:

«ما خواستار دخالت ایران در زمینه امنیت خلیج [فارس] هستیم و برای آن‌که آنها بیش از این خود را در انزوا احساس نکنند، از نقش سازنده ایران در تأمین امنیت و ثبات منطقه استقبال می‌کنیم.»<sup>۲۰۱</sup>

در همین چارچوب، سعدون حمادی در سفر به تهران در دی ۱۳۶۹ این خواسته‌ها را اعلام کرد. وی در یکی از این مذاکرات با اشاره به انقلاب اسلامی ایران و شعارهای این کشور علیه استعمار به ویژه امریکا و اسرائیل گفت:

«الآن این شعارها در منطقه مطرح هستند. »<sup>۲۰۲</sup>

وی که به "همپایی و تشریک مساعی" مایل بود، گفت:

«اگر از من سؤال کنید که نظر ما [عراق] چیست؟ با کمال صراحةً می‌گوییم،

اگر به جای شما [ایران] بودیم علیه ایالات متحده وارد عمل می‌شدیم. »<sup>۲۰۳</sup>

وی در ادامه اظهار کرد:

«از گذشته امریکا هم از ما و هم از شما به خاطر جلوگیری از نفوذ کمونیسم

حمایت می‌کرد، این وضعیت از بین رفته و امریکا در آینده نه از ما و نه از شما

برای دفع کمونیسم حمایت نخواهد کرد و اگر خدای ناکرده ایالات متحده در

منطقه پیروز شود، حتی یک رژیم ملی در منطقه باقی نخواهد ماند. »<sup>۲۰۴</sup>

پس از سخنان سعدون حمادی، آقای رجایی خراسانی، نماینده سابق ایران

در سازمان ملل با بیان مطالبی که پاسخ نسبتاً جامع، همراه با ظرفتهای

دیپلماتیک بود گفت:

«اگر به جای ما بودید کاری را می‌کردید که الآن از ما می‌خواهید، من فکر

می‌کنم شعار مبارزه با امریکا یکی از شعارهای اساسی انقلاب ما بوده است. به

هر حال، فرصتی که شما بتوانید با ما همکاری کنید بوده است و لذا آن را

نمی‌خواهیم زیاد تجزیه و تحلیل کنیم. اجمالاً عرض کنم، روزگاری شما در این

فرصت بودید که کاری را بکنید که الآن از ما می‌خواهید. »<sup>۲۰۵</sup>

جمهوری اسلامی ایران نظر به دشواری و نتیجه‌گیری‌های موجود، راه حل

دیگری را برگزید و با محکومیت اشغال کویت و حمایت از قطعنامه

سازمان ملل در این باره و رعایت تحریم عراق و همچنین اعلام مخالفت با

تغییر جغرافیای منطقه، مواضع خود را با عنوان "منافع ملی" برای افکار

عمومی جامعه ایران - که به دلیل روحیه ضد امریکایی تمایل به همسویی با

عراق علیه امریکا داشتند - توضیح داد.

در چنین شرایطی، همان‌گونه که منطق تحولات جدید، پذیرش

قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و صلح با ایران را به عراق تحمیل کرد، همین منطقه ایجاب می‌کرد، جمهوری اسلامی ایران با اغتنام فرصت، به تحکیم صلح با عراق و قطعی کردن آن با مبالغه اسناد مبادرت کند. بدیهی است، به همان میزان که اشغال کویت برای منافع ایران زیان‌آور بود، پیروزی امریکا بر عراق نیز همین نتایج را با ابعاد گسترده‌تر و عمیق‌تری در بر داشت. بنابراین، تداوم مناقشه امریکا و عراق می‌توانست نقش بی‌بدیل و تعیین کننده ایران را برای ایجاد موازنۀ و تأمین ثبات در منطقه برای کشورهای منطقه و خارج از منطقه بیش از گذشته روشن و اثبات کند.

### بازتاب پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر در رسانه‌های خبری

در پی ارسال نامه صدام در ۲۳ مرداد ۱۳۶۹ (۱۴ اوت ۱۹۹۰) مبنی بر پذیرش عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر، سه روز بعد در ۲۶ مرداد ۱۳۶۹ (۱۷ اوت ۱۹۹۰) و همزمان با عقبنشینی نیروهای نظامی از مناطق اشغالی، آزادی اسرا آغاز شد. آقای هاشمی یک روز پس از آن (۲۷ مرداد ۱۳۶۹)، در پاسخ به آخرین نامه صدام نوشت:

«شروع عقبنشینی نیروهای شما از اراضی اشغالی ایران را دلیل صداقت و جدی بودن شما در راه صلح با جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آوریم و خوشبختانه موعد مقرر آزادی اسرا هم آغاز گردید.»<sup>۲۰۶</sup>

در پایان نامه ضمن اعلام آمادگی برای پذیرش نمایندگان عراق در تهران و با عبارت "والسلام عليکم"، برقراری صلح میان دو کشور اعلام شد.<sup>۲۰۷</sup> نظر به نگرانی‌هایی که همچنان نسبت به رفتار عراق وجود داشت، وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران همزمان با آغاز عقبنشینی نیروهای عراقی از مناطق اشغالی، طی نامه‌ای به دبیرکل باهدف "ثبت و ضبط تحولات جدید" این موضوع را به آگاهی وی رساند. در پی آزادی نخستین گروه هزار

نفری اسرای ثبت نام شده ایرانی از مرز خسروی، به لحاظ وضعیت بحرانی منطقه، تلاش شد تبادل روزانه اسرا تا حد ممکن افزایش یابد، که در پی این هم‌آهنگی و توافق دو طرف، سقف تبادل اسرا به سه هزار نفر در روز رسید.<sup>۲۰۹</sup>

هم‌مان، عقب‌نشینی نیروهای عراقی از مناطق اشغالی به مرزهای زمینی شناخته شده بین‌المللی که بر اساس عهدنامه ۱۹۷۵ مشخص بود، در مدت پنج روز از ۱۷ تا ۲۱ اوت ۱۹۹۰ (۳۰ مرداد ۱۳۶۹) انجام گرفت و تکمیل شد و این در حالی بود که گروه ناظر نظامی سازمان ملل متحد میان ایران و عراق (يونیماگ) بر این عقب‌نشینی نظارت می‌کرد.<sup>۲۱۰</sup>

متعاقب این تحولات، طارق عزیز، معاون نخست وزیر و وزیر خارجه عراق در رأس هیئتی در ۱۸ شهریور ۱۳۶۹ به تهران آمد و در ۲۳ آبان ۱۳۶۹ نیز، وزیر خارجه ایران (علی‌اکبر ولایتی) عازم عراق شد.<sup>۲۱۱</sup> در این میان، سفرهای دیگری نیز انجام شد که تمامی آنها، دلالت بر بهبود مناسبات ایران و عراق و خارج شدن از وضعیت نه جنگ نه صلح داشتند. پیدایش این وضعیت بازتاب نسبتاً گسترده‌ای در رسانه‌های خبری داشت.

دبیرکل سازمان ملل که در جریان تمام مراحل تصویب قطعنامه ۵۹۸ در تیر ۱۳۶۶ و موافقت ایران با آن در تیر ۱۳۶۹ قرار داشت و از پیچیدگی و دشواری‌های دو سال مذاکره میان ایران و عراق در وضعیت شکننده نه جنگ نه صلح کاملاً آگاه بود، پس از اقدام عراق گفت:

«تصمیم عراق کاری را که من برای دو سال قادر به دست یابی به آن و اجرای قطعنامه ۵۹۸ نشدم، عملی ساخت.»<sup>۲۱۲</sup>

واکنش امریکایی‌ها که در مسئله اشغال کویت با عراق درگیر بودند، با توجه به این که حرکتهای جدید عراق درخصوص ایران، ارتباط عمیقی با اشغال کویت داشت، قابل ملاحظه بود. بوش، رئیس جمهور وقت امریکا طی سخنانی گفت:

«موافقت عراق با تمام شرایط ایران برای من تعجب آور است . پیش‌بینی این

توافق بر وضعیت منطقه در شرایط فعلی برایم ممکن نیست . »<sup>۲۱۳</sup>

سخن‌گوی وزارت خارجه امریکا نیز اظهار امیدواری کرد ، این اقدام عراق یک بازی تبلیغاتی دیگر نباشد .<sup>۲۱۴</sup> رادیو امریکا طی گفتاری با عنوان "نظرات رسمی دولت امریکا در مورد انجام این اقدام " ، گفت :

«صدام حسین این امتیاز شگفت‌انگیز را در پاسخ به تقبیح شدید و همگانی

جهانیان از تجاوز بی‌دلیل عراق علیه کویت داد . »<sup>۲۱۵</sup>

مواضع کویتی‌ها و همچنین مقام‌ها و نشیریات عربستان سعودی ، به‌دلیل آن که در وضعیت جدید ، به صورت مستقیم با عراق درگیر بودند ، از اهمیت زیادی برخوردار بود . "شاهزاده بندر" ، سفیر عربستان در امریکا در یک نشست مطبوعاتی با اشاره به دوران جنگ ایران و عراق و درخواست مکرر عراق از عربستان برای آن که این کشور از امریکا و سایر قدرت‌های غربی بخواهد که عراق را یاری کنند ، شعارهای ضد امریکایی اخیر عراق را به باد تم‌خر گرفت و گفت :

«واقعیت امر اینست که اگر ما نبودیم ، عراق نمی‌توانست از نیروهای امریکایی و

یا امپریالیستی در جنگ علیه ایران بهره‌مند شود . »<sup>۲۱۶</sup>

وزیر کشور عربستان‌سعودی ، "نایف عبدالعزیز" نیز ضمن توضیح مواضع

پیشین کشور خود گفت :

«ما فرصت نداشتیم که به ایران بگوییم ، حد و مرز خود را بشناسد ، ولی عراق

این امکان را داشت که از مقاصد ایران جلوگیری کند . »

وی سپس افزود :

«به نظر ما آنچه که ایران خواسته بود ، تحقق یافت . »<sup>۲۱۷</sup>

اظهارات مقام‌های کویتی در مقایسه با مقام‌های سعودی از ندامت و شرم‌ساری بیشتری برخوردار بود . آنها نیز برای نفی بهانه‌های صدام مبنی بر

نقش کویت در توطئه علیه عراق برای کاهش قیمت نفت و فشار برای دریافت بدھی‌های عراق، مسائلی را مطرح کردند. از جمله: "تولید بیش از نیاز به منظور تأمین اقتصاد عراق"، "اقدام سعودی‌ها و کویت در فروش نفت برای عراق"<sup>۲۱۸</sup> و "کمک‌های نقدی کویت به عراق بالغ بر ۱۴ میلیارد دلار که با احتساب سایر کمک‌ها این رقم از مرز ۳۰ میلیارد دلار هم می‌گذرد".<sup>۲۱۹</sup>

بعد از در سفر "جابرالاحمدالصباح" وزیر خارجہ کویت به ایران، وی در دیدار با رئیس جمهور وقت ایران، آقای هاشمی رفسنجانی، دست یابی ایران به حقوق حقه خود و باز پیس گرفتن سرزمین‌هایش بر اساس عهدنامه مشروع و ثابت ۱۹۷۵ میلادی الجزایر و همچنین آزادی اسرای ایرانی را صمیمانه تبریک گفت.<sup>۲۲۰</sup> وزیر کار و امور اجتماعی کویت نیز در مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی گفت:

«صدام از جمهوری اسلامی ایران شکست خورد و برای توجیه مردمش کویت را اشغال کرد تا شکست خود را جبران کند.»<sup>۲۲۱</sup>

در این حال، "عبدالله بشاره"، مدیر کل شورای همکاری خلیج‌فارس نیز موافقت عراق با قرارداد ۱۹۷۵ میلادی الجزایر را شکست بزرگ سیاسی، روحی و فرهنگی برای این کشور خواند.<sup>۲۲۲</sup>

هدف عراق از پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ میلادی الجزایر، مورد توجه برخی رسانه‌ها قرار گرفت. در این میان، تحلیل‌های مختلفی از جمله: "عقیم گذاشتن تلاش‌های تهران برای بهره‌برداری از بحران جاری"<sup>۲۲۳</sup> و در نتیجه "خنثی کردن ایران و آرامش در جبهه شرقی"<sup>۲۲۴</sup> و همچنین ایجاد "خط تأمین نیازهای عراق به ویژه مواد غذایی"<sup>۲۲۵</sup> و احتمالاً درهم شکستن صفوف اعراب با جهان اسلام که علیه عراق متحده شده‌اند<sup>۲۲۶</sup> به عنوان بخشی از اهداف و انگیزه‌های عراق ذکر شده است. توضیحات سفیر عراق در پاریس علت تصمیم‌گیری عراق را تا اندازه‌ای روشن می‌کند. وی می‌گوید:

« عراق به عنوان یک دولت و یک حزب با مسائل و موقعیت‌ها از دید استراتژیک و علمی نگاه می‌کند و این تصمیم سلامت امنیت و آینده عراق را تضمین می‌کند و این چیز مهمی است و این تصمیم با آینده عراق هم‌آهنگی دارد. »<sup>۲۳۷</sup>

نتایج اقدام عراق مبنی بر پیروزی ایران و شکست عراق، حجم گسترهای از تحلیل رسانه‌های خبری جهان را به خود اختصاص داد. « آنتونی پارسونز »، سفیر سابق انگلیس در ایران معتقد بود که "صدام در تجاوز به ایران بهدلیل مقاومت ایران شکست خورد و هنگامی که متوجه شدنمی‌تواند بر ایران سلطه پیدا کند، از شرایط خود صرف‌نظر کرد" <sup>۲۳۸</sup> روزنامه "الیوم" چاپ عربستان نیز پیروزی ایران را آسان خواند و نوشت:

« ایران بدون آن که حتی یک گلوه شلیک کند ، به تمام خواسته‌های خود دست یافت. »<sup>۲۳۹</sup>

یک کارشناس مسائل منطقه و ایران از پیروزی ایران به عنوان یک پیروزی اخلاقی نام برد، زیرا عراق با این اقدام، در واقع مسئولیت شروع جنگ را پذیرفت و دنیا این مسئله را قبول کرد. <sup>۲۴۰</sup> روزنامه "الاتحاد" چاپ ابوظبی در این باره نوشت:

« با پذیرش قرارداد الجزایر از سوی عراق ، بزرگ‌ترین پیروزی در تاریخ جمهوری اسلامی ایران تحقق یافت و عراق تسلیم خواسته‌های ایران شد. »<sup>۲۴۱</sup>  
رادیو مسکو نیز طی تحلیلی گفت:

« ایران پس از دو سال چانه‌زنی با عراق و خودداری از هرگونه عقب‌نشینی ، بالاخره توانست به اهداف خود دست یابد. »<sup>۲۴۲</sup>

بدیهی است که تأکید بر پیروزی ایران معنای شکست عراق را در درون خود جای داده است، ولی در عین حال، تأکید بر شکست بزرگ صدام از جمله عبارتی بود که به چشم می‌خورد، با توجه به آن که پیروزی ایران و شکست عراق، بر اثر موافق عراق با قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر متأثر از اشغال

کویت بود<sup>۲۳۳</sup>، به نظر می‌رسید، عراق شکست در این صحنه را با پیروزی در اشغال کویت معاوضه کرده است و از آن پس، مواضع سرسختانه‌تری اتخاذ خواهد کرد و این احتمال که عراق برای خروج نیروهای نظامی خود از کویت مصالحه کند وجود نداشت.

## فهرست مآخذ فصل چهارم

- ۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، نشریه شماره ۱۳۶۷/۵/۲۰، رادیو لمربیکا، ۱۳۶۷/۵/۱۹، ۱۴۰۶/۳/۶، ص. ۳۶، ۱۳۶۷/۵/۲۰، رادیو لمربیکا، ۱۳۶۷/۵/۱۹.

۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، نشریه شماره ۱۳۶۷/۴/۳۱، ۱۳۶۷/۴/۳۰، ص. ۳۵، رادیو لمربیکا، ۱۳۶۷/۴/۳۰.

۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، نشریه شماره ۱۳۶۷/۵/۲۶، ص. ۲۸، به گزارش خبرگزاری تایپی، ۱۵۰، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۵/۲۵.

۴- مأخذ، ص. ۱۳۰، بـیروت، خـبرگـزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۵/۱۹.

۵- خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، نشریه شماره ۱۳۶۷/۵/۱۰، ص. ۱۱۰، رم، خـبرگـزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۵/۹.

۶- خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، نشریه شماره ۱۳۶۷/۵/۱۲، ۱۳۶۷/۵/۱۱، ص. ۱۰، رادیو لمربیکا، ۱۳۶۷/۵/۱۱.

۷- خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، نشریه شماره ۱۳۶۷/۵/۱۱، ۱۳۶۷/۵/۱۰، ص. ۶، واشنگتن، خـبرگـزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۷/۵/۱۰.

۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، نشریه شماره ۱۳۶۷/۵/۹، ۱۳۶۷/۵/۸، رادیو لمربیکا، ۱۳۶۷/۵/۸.

۹- پیشین.

۱۰- خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، نشریه شماره ۱۳۶۸/۱/۱۷، ۱۳۶۸/۱/۱۷، گزینه‌های از سخنرانی‌های کفارانس انقلاب در ۵۵ سال بعد، شهرام چوین، بهمن ۱۳۶۷.

۱۱- مأخذ، ص. ۱۱۰، رادیو لمربیکا، ۱۳۶۷/۵/۱۱.

۱۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، نشریه شماره ۱۳۶۷/۴/۳۰، ۱۳۶۷/۴/۳۰، ص. ۱۰، تل آویـو، خـبرگـزاری آلمـان، ۱۳۶۷/۴/۲۸، اویـوهـینـون، سـرـلـشـکـرـنـیـروـیـهـوـایـ اـسـرـائـیـلـ.

۱۳- پیشین.

۱۴- مأخذ، ص. ۱۱۰، رادیو لمربیکا، ۱۳۶۷/۵/۱۱.

۱۵- خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، نشریه شماره ۱۳۶۷/۵/۲۵، رادیو لمربیکا، ۱۳۶۷/۵/۲۵.

- وال استریت‌ژورنال، شاول بکلتن، نویسنده کتاب "رادی پیغمبر".
- ۳۵- مأخذ ۲۹، ص ۳۶، رادی ولریک، ۱۳۶۷/۵/۱، برسی مطبوعات امریکا.
- ۳۶- خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، نشریه شماره ۱۳۶۷/۵/۴، ص ۲۲ و ۲۳، رادیولریکا، ۱۳۶۷/۵/۳.
- ۳۷- خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، نشریه شماره ۱۳۶۷/۵/۱۹، ص ۴۴ و ۴۵، رادیواس-رائل، ۱۳۶۷/۵/۸.
- ۳۸- رادیولریکا، ۱۳۶۷/۷/۳، فیلیپ راین، پژوهش‌گر برنامه خاورمیانه در مؤسسه سلطنتی مسائل بین‌المللی لندن.
- ۳۹- روزنامه وال استریت‌ژورنال، ۳ دسامبر ۱۹۸۸ (۱۳۶۷/۹/۱۲).
- ۴۰- خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، نشریه شماره ۱۳۶۸/۷/۱۴، برگزیده‌ای از سخنرانی‌های کنفرانس انقلاب ایران ده سال بعد، بهمن ۱۳۶۷، "جیمز آی پل".
- ۴۱- علی اکبرولاتی، تاریخ سیاسی جنگ تحملی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۶، ص ۳۳۳.
- ۴۲- پیشین، ص ۳۳۴.
- ۴۳- پیشین، ص ۳۳۶.
- ۴۴- پیشین، ص ۳۳۷.
- ۴۵- پیشین، ص ۳۴۱.
- ۴۶- پیشین، ص ۳۴۳.
- ۴۷- پیشین، ص ۳۴۴.
- ۴۸- پیشین، ص ۳۴۶.
- ۴۹- پیشین، ص ۳۴۷.
- ۵۰- پیشین، ص ۳۴۸.
- ۵۱- پیشین، ص ۳۴۸.
- ۵۲- پیشین، ص ۳۴۸.
- ۵۳- پیشین، ص ۳۵۲.
- ۵۴- پیشین، ص ۳۵۵.
- ۵۵- پیشین، ص ۳۵۷.
- ۵۶- پیشین، ص ۳۵۷.
- ۵۷- پیشین، ص ۳۵۹ و ۳۶۰.
- ۵۸- پیشین، ص ۳۵۹.
- ۵۹- پیشین، ص ۳۶۲.
- ۶۰- پیشین، ص ۳۶۳.
- ۶۱- پیشین، ص ۳۶۴.
- ۶۲- پیشین، ص ۳۷۲.
- ۶۳- پیشین، ص ۳۷۳.
- ۶۴- پیشین، ص ۳۷۳.
- ۶۵- پیشین، ص ۳۷۴.
- ۶۶- پیشین، ص ۳۷۹.
- ۶۷- پیشین، ص ۳۸۰.
- ۶۸- پیشین، ص ۳۸۱.
- ۶۹- پیشین، ص ۳۸۲.
- ۷۰- پیشین، ص ۳۹۲.
- ۷۱- پیشین، ص ۳۹۴.
- ۷۲- پیشین، ص ۳۹۴.
- ۷۳- پیشین، ص ۳۹۹.
- ۷۴- پیشین، ص ۴۰۰.
- ۷۵- پیشین، ص ۴۰۱.
- ۷۶- پیشین، ص ۴۰۳.
- ۷۷- پیشین، ص ۴۰۴.
- ۷۸- پیشین، ص ۴۰۴.
- ۷۹- پیشین، ص ۴۰۵.
- ۸۰- پیشین، ص ۴۰۵.
- ۸۱- پیشین، ص ۴۱۰.
- ۸۲- پیشین، ص ۴۱۴.
- ۸۳- پیشین، ص ۴۱۵.
- ۸۴- پیشین، ص ۴۱۶.
- ۸۵- پیشین، ص ۴۱۹.
- ۸۶- پیشین، ص ۴۲۰.
- ۸۷- پیشین، ص ۴۲۲.
- ۸۸- پیشین، ص ۴۲۳.
- ۸۹- پیشین، ص ۴۲۴.
- ۹۰- پیشین، ص ۴۲۵.
- ۹۱- پیشین، ص ۴۳۱.
- ۹۲- پیشین، ص ۴۴۵.

- ۹۳- دفتر مطالعات سیاسی وین المللی، متن نسخه‌های مبدله شده  
یمن رؤسای جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق، تهران، ۱۳۷۳، ص. ۱۶، مقدمه آقای هاشمی رفسنجانی.
- ۹۴- پیشین.
- ۹۵- مأخذ، ۴۱، ص. ۴۳۵.
- ۹۶- کاره کل مطبوعات و رسانه‌های خارجی، وزارت ارشاد اسلامی، پرسی مطبوعات جهان، نشریه ۱۴۴۴، ۱۳۶۸/۱۰/۱۳، به تقلیل از التضليل، ۱۳۶۸/۹/۱۳.
- ۹۷- پیشین.
- ۹۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، نشریه شماره ۱۷۲، ۱۳۶۸/۹/۲۶، طارق عزیز، ۱۳۶۸/۹/۲۵.
- ۹۹- پیشین.
- ۱۰۰- مأخذ، ۴۱، ص. ۴۳۸.
- ۱۰۱- مأخذ.
- ۱۰۲- مأخذ.
- ۱۰۳- پیشین.
- ۱۰۴- ولن وزارت اطلاعات، ۱۳۶۸/۹/۲۸.
- ۱۰۵- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۹/۱/۱۵.
- ۱۰۶- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۹/۶/۱۰.
- ۱۰۷- ستاد مشترک ارتش (سمجا)، ولن اخبار و گزارشات روزانه ۹۳، شماره ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.
- ۱۰۸- مأخذ، ۹۶، دی و لوت، چاپ آملان غربی، ۱۰ سپتامبر ۱۹۸۹ (۱۳۶۸/۹/۱۹).
- ۱۰۹- خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، نشریه شماره ۱۳۶۹/۷/۲۹، رادیو ملیکا، ۱۳۶۹/۱/۲۸، تلویزیون اسلامی اسپکتر، کارشناس امور هسته‌ای در پیاده مطالعاتی صلح کارنگی در واشنگتن.
- ۱۱۰- پیشین.
- ۱۱۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، نشریه شماره ۲۸، ۱۳۶۹/۸/۲۸، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۹/۷/۲۵، رادیوین المللی فرانسه.
- ۱۱۲- هفتمنته آذینه، شماره ۱۳۶۸/۱۰/۹، روایت اقتصادی عراق و انگلیس.
- ۱۱۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، نشریه شماره ۱۲۱، ۱۳۶۸/۱۲/۱، صدام حسین در ملاقات جان کلی

- ۱۶۰- معاونت اطلاعات سپاه، شهریور ۱۳۶۹، گزارش‌های نوبتی، صص ۷ و ۱۹.
- ۱۶۱- مأخذ ۱۵۹، ص ۲۱.
- ۱۶۲- نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل، وثیق "بازتاب حمله عراق به کویت"، شماره ۱۵، مرداد ۱۳۶۹، ص ۷.
- ۱۶۳- پیشین.
- ۱۶۴- الکسی و نچف وان کوهن، دیدگاه‌های بین‌المللی درباره جنگ خلیج فارس، ترجمه محمد حسین آربا، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۵، ص ۲۲، مقاله سیاست‌های منطقه‌ی جنگ، شهرام چوبین.
- ۱۶۵- پیشین، ص ۸۷، مقاله اسرائیل و جنگ، نوشته آوای اسلام.
- ۱۶۶- سردار سلاhi، پروژه عل شکست ظلی عراق و پیروزی متّحدین، ۱۳۷۶، بخش بحث و بررسی لیات و منابع موجود، اظهارات سردار غلامعلی رشید، ص ۱۰.
- ۱۶۷- پیشین.
- ۱۶۸- اداره بین‌المللی مجلس شورای اسلامی، بحران خلیج فارس، مواضع عراق، گزارش جلسه، ۱۳۶۹/۱۰/۱۹، ص ۹.
- ۱۶۹- خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، نشریه شماره ۱۲۰ ۱۳۶۹/۴/۲۷ بغداد، خبرگزاری رویتر، ۱۳۶۹/۴/۲۶.
- ۱۷۰- روزنامه اشپیگل، ۱۳۶۹/۷/۲۶، مصاحبه با طیف جاسم، وزیر اطلاعات عراق.
- ۱۷۱- مأخذ ۱۶۲، ص ۸، مصاحبه سی. ان. ان باگری سیک، مشاور لمبیتی کارترا.
- ۱۷۲- روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۰/۷/۳۱.
- ۱۷۳- مأخذ ۱۶۲، "میچل هاؤسون" رئیس مرکز مطالعات جهانی عرب و استه به داشگاه جرج تاون در گفت و گو باسی. ان. ان.
- ۱۷۴- خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، نشریه شماره ۱۲۱، ۱۴۶، رادیویی. بی. سی، ۱۳۶۹/۵/۲۱.
- ۱۷۵- خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه "نشریه شماره ۱۲۱ه، ۱۳۶۹/۵/۱۷، ۱۳۶۹/۵/۱۶، روزنامه تایمز اندن.
- ۱۷۶- مأخذ ۱۶۲، مرداد ۱۳۶۹، روزنامه نیویورک تایمز، به نقل از گری سیک.
- ۱۷۷- پیشین، ص ۳۲.
- ۱۷۸- پیشین، ص ۳۶.
- ۱۷۹- پیشین، ص ۳۷.
- ۱۸۰- پیشین، ص ۳۸.
- ۱۸۱- پیشین، ص ۳۸.
- ۱۸۲- پیشین، ص ۳۹.
- ۱۸۳- پیشین، ص ۴۳.
- ۱۸۴- پیشین، ص ۴۴.
- ۱۸۵- پیشین، ص ۴۵.
- ۱۸۶- پیشین، ص ۴۶.
- ۱۸۷- پیشین، ص ۴۷.
- ۱۸۸- پیشین، ص ۵۱.
- ۱۸۹- پیشین، ص ۵۲.
- ۱۹۰- پیشین، ص ۵۲.
- ۱۹۱- پیشین، ص ۵۲.
- ۱۹۲- پیشین، ص ۵۲.
- ۱۹۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، نشریه شماره ۱۲۷، ۱۳۶۹/۳/۷، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ردبود مسکو، ۱۳۶۹/۳/۶.
- ۱۹۴- خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، نشریه شماره ۱۰، ۱۳۶۹/۳/۸، رادیومسکو، ۱۳۶۹/۳/۷.
- ۱۹۵- خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، نشریه شماره ۱۸۳، ۱۳۶۹/۳/۲۱، رادیو امریکا، ۱۳۶۹/۳/۲۰.
- ۱۹۶- مأخذ ۱۱۹، رادیو امریکا، ۱۳۶۹/۳/۳۰.
- ۱۹۷- دفتر سیاسی نمایندگی ماماد رسپاه، "رویدادها" نشریه شماره ۲۹۷، نیویورک تایمز، ۱۳۶۹/۴/۲۴.
- ۱۹۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، نشریه شماره ۱۳۶۹/۴/۱۹، کویت، خبرگزاری کویت، به نقل از یک روزنامه کویتی، ۱۳۶۹/۳/۳۱.
- ۱۹۹- عبس عطاری کرمائی، روزشمار جنگ نفت، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۰.

- ۲۰۱- لادره‌امورین‌الملکی‌ مجلس‌شورای‌اسلامی، مذاقات سعدون‌حملی با تی‌چنداز نمایندگان مجلس‌شورای‌اسلامی، ۱۳۶۹/۱۰/۱۹، ص. ۳.
- ۲۰۲- مأخذ ۲۰۰، سازمان‌ملل، خبرگزاری‌جمهوری‌اسلامی، ۱۳۶۹/۵/۲۷.
- ۲۰۳- مأخذ ۲۰۳.
- ۲۰۴- پیشین، ص. ۳.
- ۲۰۵- پیشین، ص. ۵.
- ۲۰۶- مأخذ ۱۰۱، ص. ۷۵.
- ۲۰۷- پیشین، ص. ۷۶.
- ۲۰۸- مأخذ ۴۱، ص. ۴۷۷.
- ۲۰۹- پیشین، ص. ۴۷۹.
- ۲۱۰- پیشین، ص. ۴۸۱.
- ۲۱۱- پیشین، ص. ۴۸۶.
- ۲۱۲- خبرگزاری‌جمهوری‌اسلامی، گزارش‌های‌ویژه، نشریه شماره ۱۶۱، ۱۳۶۹/۶/۶، مصاحبه‌دکویلار با شبکه‌سی. ان. ان.
- ۲۱۳- روزنامه‌جمهوری‌اسلامی، ۱۳۶۹/۵/۲۷.
- ۲۱۴- روزنامه‌جمهوری‌اسلامی، ۱۳۶۹/۵/۲۵.
- ۲۱۵- محسن‌صفری، ماترافق‌می‌کنیم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰، ص. ۱۹۰، به قتل از رادیو‌ملریکا، ۱۳۶۹/۸/۲۳، نویسنده.
- ۲۱۶- نمایندگی دائم‌جمهوری‌اسلامی ایران در سازمان‌ملل، ولتمن بازتاب تجاذب عراق به کویت در ملریکا، شماره ۲ و ۳، از بخش سوم، کنفرانس‌طیوعاتی سیزدهم‌ماه، در سفارت عربستان در واشنگتن.
- ۲۱۷- خبرگزاری‌جمهوری‌اسلامی، گزارش‌های‌ویژه، نشریه شماره ۱۶۷، ۱۳۶۹/۶/۱۲، تهران، خبرگزاری‌جمهوری‌اسلامی، ۱۳۶۹/۶/۱۱.
- ۲۱۸- نمایندگی دائم‌جمهوری‌اسلامی ایران در سازمان‌ملل، ولتمن بازتاب تجاذب عراق به کویت در ملریکا، شماره ۵، ص. ۳، به قتل از مسعود ناصر‌ال صباح، سفیر کویت در واشنگتن.
- ۲۱۹- پیشین.
- ۲۲۰- مأخذ ۲۱۵، ص. ۱۸۲.
- ۲۲۱- پیشین، ص. ۱۹۱.
- ۷۷- مأخذ ۱۶۴، ص. ۹۲، مقاله اسرائیل و جنگ آوای‌اسlim، پیشین.
- ۷۸- خبرگزاری‌جمهوری‌اسلامی، گزارش‌های‌ویژه، نشریه شماره ۱۵۷، ۱۳۶۹/۶/۲۰، واشنگتن، خبرگزاری‌فرانسه، ۱۳۶۹/۶/۱۹، اسحق راین.
- ۷۹- خبرگزاری‌جمهوری‌اسلامی، گزارش‌های‌ویژه، نشریه شماره ۱۴۲، ۱۳۶۹/۵/۱۸، خبرگزاری‌رویترز، ۱۳۶۹/۵/۱۷، جودیت کیپر کارشناس انسیستوپولیسگر.
- ۸۰- پیشین.
- ۸۱- خبرگزاری‌جمهوری‌اسلامی، گزارش‌های‌ویژه، نشریه شماره ۱۶۶، ۱۳۶۹/۶/۳۱، رم، خبرگزاری‌جمهوری‌اسلامی، ۱۳۶۹/۶/۳۱، روزنامه‌ایل‌مساجرو.
- ۸۲- مأخذ ۱۶۴، ص. ۷.
- ۸۳- مأخذ ۱۶۴، ص. ۳۵، مقاله‌ازیابی‌های‌غلط‌در‌بغداد، آماتز‌بارام.
- ۸۴- مأخذ ۱۰۱، ص. ۶۰.
- ۸۵- پیشین، ص. ۶۰.
- ۸۶- پیشین، ص. ۶۱.
- ۸۷- پیشین، ص. ۶۲ و ۶۱.
- ۸۸- پیشین، ص. ۶۲.
- ۸۹- پیشین، ص. ۶۶.
- ۹۰- پیشین، ص. ۶۶.
- ۹۱- پیشین، ص. ۶۷.
- ۹۲- پیشین، ص. ۶۷.
- ۹۳- پیشین، ص. ۶۸.
- ۹۴- پیشین، ص. ۶۹.
- ۹۵- پیشین، ص. ۶۹.
- ۹۶- پیشین، ص. ۷۲.
- ۹۷- پیشین، ص. ۷۳.
- ۹۸- خبرگزاری‌جمهوری‌اسلامی، گزارش‌های‌ویژه، نشریه شماره ۱۵۲، ۱۳۶۹/۵/۲۸، رادیو‌ملریکا، ۱۳۶۹/۵/۲۷.
- ۹۹- خبرگزاری‌جمهوری‌اسلامی، گزارش‌های‌ویژه، نشریه شماره ۱۴۷، ۱۳۶۹/۵/۲۳، تهران، خبرگزاری‌جمهوری‌اسلامی، ۱۳۶۹/۵/۲۲، رادیو‌ملن.

- ۲۲۸- لاره کل مطبوعات و رسانه‌های خارجی، وزارت ارشاد اسلامی، "بررسی مطبوعات جهان"، ۱۳۶۹/۸/۲، الشرق الاوسط، ۱۳۶۹/۷/۱۳.
- ۲۲۹- مأخذ، ۲۱۵، ص ۱۹، رادیوریاض، به تقلیل از روزنامه‌ای یوم، ۱۳۶۹/۹/۴.
- ۲۳۰- پیشین، ص ۱۸۷، رادیولریکا، ۱۳۶۹/۷/۲.
- ۲۳۱- پیشین، ص ۱۷۹.
- ۲۳۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، نشریه شماره ۱۴۹، ۱۳۶۹/۵/۲۵، قاهره، خبرگزاری یونایتد پرس، ۱۳۶۹/۵/۲۴، به نقل از دیلمات‌های غربی مستقر در خلیج فارس.
- ۲۳۳- پیشین، تهران، خبرگزاری جمهوری اسلامی، رادیو اسرائیل، ۱۳۶۹/۵/۲۴.
- ۲۳۴- پیشین، رادیولریکا، ۱۳۶۹/۵/۲۴، مناشـهـلـیـر، کارشنـنسـ اسرائـل در مـسـئـلـ اـیرـانـ.
- ۲۳۵- پیشین، رادیولریکا، ۱۳۶۹/۵/۲۴، پـوسـفـدـولـمـرـتـ، اـسـتـادـ دـانـشـگـاهـ اـسـرـائـلـ در مـسـائلـ خـاـوـرـمـیـانـهـ.
- ۲۳۶- خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، نشریه شماره ۱۵۰، ۱۳۶۹/۵/۲۶، خـبـرـگـازـرـیـ جـمـهـورـیـ اـسـلامـیـ، ۱۳۶۹/۵/۲۵.

## فهرست راهنمای موضوعی

شامل : اشخاص ( نام ، مسئولیت ) ; اماکن و کشورها ( مناطق و سازمان‌های وابسته ) ; سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی ; مناطق عملیاتی ; عملیات‌ها و اقدامات نظامی ; نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران ; نیروهای مسلح عراق ; اصطلاحات و مفاهیم نظامی ; اصطلاحات ، مفاهیم و اقدامات سیاسی ; تجهیزات نظامی ; رسائل‌ها ; زمان‌ها و رویدادها

## اشخاص

### (نام ، مسئولیت )

آرمکاسارت، سایکل (معاون و سخنگوی وقت وزارت خارجه امریکا): ۱۴۴، ۱۹	برزنسکی: ۲۷۲، ۱۴۵
آرستیج، رچارد (معاون وزیر جنگ امریکا): ۲۷	بشارتی، علی محمد (وزیر خارجہ ایران): ۱۴۶
ابراهیم، یوسف (خبرنگار نیویورک تایمز): ۱۰۵	بشاره، عبد اللہ (دیرشواری خلیج فارس): ۲۸۶
ایغزاله: ۵۴، ۳۱	بشاره، عباد (وزیر خارجہ ایران): ۱۴۶
استالین: ۲۳۳	بلیکوف: ۲۰
الصلح، جابر الاحمد (وزیر خارجہ کویت): ۲۸۶	بوچلان، پاتریک (نویسنده امریکایی): ۲۷۴
العیدی، علی مرشد (امیر ولان صنایع قلمی عراق): ۳۶، ۳۵	بوش، جرج (معاون رئیس جمهور امریکا): ۲۷۰، ۱۴۲
الیاسون (نماینده بیرکل سازمان ملل در مذاکرات صلح ایران و عراق): ۲۴۱، ۲۳۶	بیل جیمز (محقق امریکایی): ۲۹۰، ۷۲، ۲۵
امام حسینی (امراحت، رهبر اقلیات اسلامی عراق): ۲۴۷، ۲۴۵، ۲۴۲	پارسونز، آنونسی (سفیر سابق انگلیس در ایران): ۲۸۷
امیر کویت: ۳۲	پتروفسکی (معاون وزارت خارجہ شوروی): ۱۵۳
بخشن، شاؤل (استاد دانشگاه جرج تاون): ۳۹	پروشیون: ۲۵۹
برادر کوچک امیر کویت: ۲۶۶	پروفیلیف (سخنگوی وزارت خارجہ شوروی): ۱۴۶
براون، پارولد (وزیر دفاع سابق امریکا): ۱۶۹	پلیتر، استفان (کارشناس در لمور عراق): ۳۹
تکه، مول: ۸۷	پیکو (دستیار دیرکل سازمان ملل): ۲۳۶
تیمرمن: ۵۳، ۳۶، ۳۵	تایپر، هوارد: ۲۸
ترنر (رئیس پیشین سیا): ۱۰۸	تروتسکی: ۲۳۳
تکریتی، بربان ابراهیم: ۲۶۴، ۲۶۱	تکه، مول: ۸۷

رضایی، محسن (فرمادنده کل سپاه پاسداران):	چوبن، شهram: ۲۸۹، ۲۱۵، ۱۲۸، ۹۰
۱۷۷، ۹۴، ۸۵، ۷۵، ۷۳	۲۹۲
رمضان، طه یاسین (معاون اول نخست وزیر عراق):	حافظ اسد (رئیس جمهور سوریه): ۲۵۵
۲۴۷، ۲۰۹، ۱۳۵، ۱۰۲، ۵۳، ۲۵	حمله سعدون (عفو و شورای فرمادنده انقلاب عراق): ۲۸۴، ۲۸۱، ۲۶۹
۲۴۸	خلفه های سیدعلی (آیت الله رئیس جمهور، رهبر معظم ماقبل): ۱۴۶، ۱۵۱، ۱۵۰
ربگان (رئیس جمهور امریکا): ۱۰۸، ۹۲، ۸۴	۱۶۳، ۱۶۶، ۱۹۶، ۲۰۰، ۲۲۴، ۲۴۲، ۲۶۳
۲۸۴، ۲۶۶، ۱۶۷، ۱۴۵، ۱۱۰	۲۶۲، ۲۵۶، ۲۵۲، ۲۵۰
سخنگوی قلمی سازمان منافقین: ۱۸۳	خبرنگارس بی‌ائی امریکا: ۲۶۰
سخنگوی قلمی عراق: ۱۸۳، ۱۷۹، ۱۷۸	خیینی، سید محمد: ۱۷۷، ۱۶۲
سخنگوی وزارت خارجه عراق: ۱۷۳	مال رابت (رئیس اقلیت جمیعت خواهان): ۲۵۵
سخنگوی وزارت دفاع عراق: ۱۱۹	دکویی‌وار، خاویر پرز (دبیر کل سازمان ملل):
سخنگوی وزارت خارجه انگلیس: ۱۸۲	۱۳۶، ۱۴۷، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷
سپریونه زاینده امریکا در ایران: ۱۷۲	دووار، میچل: ۸۷
۲۰۷	رئیس شورای امنیت: ۲۰۷، ۱۶۳، ۱۵۸
سفیر انگلیس در ایران: ۲۸۷	رایت، راین (از بنیاد کارنگی): ۱۰۸
سفیر ایران در رژیون: ۲۳۶	رجایی خراسانی (نهایده سایقای ران در سازمان ملل): ۲۸۲
سپریونه زاینده ای ران در نیویورک (سازمان ملل): ۱۵۸، ۱۵۲، ۱۴۳، ۱۲۸	ردمون، چارلز (سخنگوی وزارت خارجہ لامبیکا): ۲۸۵، ۱۹۳
۱۶۳، ۲۲۸، ۲۰۷، ۱۷۴، ۲۰۸، ۲۰۶، ۲۰۵، ۲۰۷	رشید، غلامعلی: ۷۴، ۷۳
۲۸۲	
سفیر عراق در لامبیکا: ۲۶	
سفیر عراق در پاریس: ۲۸۶	
سفیر عراق در سازمان ملل: ۲۸۱، ۲۰۳	
شلیمیر، اسحق (نخست وزیر اسرائیل): ۲۳۱	
شاه ایران: ۲۶۹، ۲۳۲	
شاه حسین (ع) شاه اردن: ۲۷۰	
شامزاده بندر (س فیر عربستان در امریکا): ۲۸۵	
۲۰۹	
شمشانی، علی: ۷۵	
شولتز (وزیر خارجه امریکا): ۱۶۷، ۱۰۴	

شومردن، دلن: ۲۳۰	شیخ الصباح (سفیر کویت در واشنگتن): ۳۲
کارتر: ۸۰	دام: ۳۸، ۳۵، ۳۴، ۳۳، ۲۱، ۲۶، ۲۳
کارش، افراستم (استاد بخش مطالعات جنگ	۴۲ ، ۴۵ ، ۵۸ ، ۵۶ ، ۶۳ ، ۸۸ ، ۱۰۲ ، ،
کالج کلینگ (لندن): ۲۷۱	۱۱۲ ، ۱۱۳ ، ۱۱۰ ، ۱۱۹ ، ۱۱۲
کمل، حسین: ۳۵	۱۷۱ ، ۱۶۰ ، ۱۵۲ ، ۱۳۵ ، ۱۲۴
کنانی، عصمت (نماینده وسیع راق در سازمان ملل): ۱۷۳، ۱۷۱	۱۷۵ ، ۱۶۱ ، ۱۶۲ ، ۱۶۳ ، ۱۶۰ ، ۱۵۲
کردزم، آنون: ۴۱، ۵۳، ۴۱، ۳۱، ۲۹	۱۷۴ ، ۱۶۲ ، ۱۶۱ ، ۱۵۶ ، ۱۵۵ ، ۲۵۴
کسینجر، هنری (وزیر خارجہ سابق مربک): ۲۸۹، ۲۲۹، ۲۲۷، ۱۲۶، ۱۰۸، ۸۹	۲۲۸ ، ۲۵۵ ، ۲۵۴ ، ۲۵۳ ، ۲۴۹ ، ۲۳۲
کلاوز، ویتس: ۲۰	۲۵۶ ، ۲۵۹ ، ۲۵۸ ، ۲۵۷ ، ۲۵۶
کلودیشون (وزیر خارجہ سابق فرانسه): ۱۹	۲۶۹، ۲۶۸، ۲۶۷، ۲۶۶، ۲۶۳
کولیک و الکس اندر (کارشناس برجسته شوروی): ۲۲، ۲۱	صف: ۵۳، ۳۷، ۳۰، ۲۶، ۲۳
کیاپوری (دیر حزب منحله تونه): ۳۷	رمی، محمد: ۲۹۳، ۶۳
کیسی، ویلیام (رئیس سازمان سیا): ۲۸	صلاح الدین: ۳۵
گراسییوف، گنادی: ۳۷	طارق عزیز (وزیر خارجہ عراق): ۱۵۵، ۱۴۲
گری، سیک (مشاور کارتر): ۹۱، ۸۰	۱۶۰ ، ۱۷۱ ، ۱۷۳ ، ۱۷۴ ، ۲۰۴ ، ۲۰۳
گیشر (وزیر خارجہ آلمان): ۱۶۷، ۱۱۷	۲۰۸ ، ۲۳۷ ، ۲۳۸ ، ۲۳۹ ، ۲۲۹
گورباچف: ۹۲، ۸۴	۲۴۵ ، ۲۴۶ ، ۲۴۷ ، ۲۴۸ ، ۲۴۹
لاریجانی (معاون وزیر خارجہ ایران): ۳۷، ۳۷	۲۸۴
لیکن، بروس (کاردار پیشین مربک ایران): ۱۷۰، ۱۶۱، ۱۱۰	طالبانی، جلال: ۱۰۶
لیتل، جان (فرستاده کلیسا کاتولیک): ۲۳۲	عبدالرشید، ماهر (فرمانده سپاه هفت میان عراق): ۵۰
مبارک (رئیس جمهور مصر): ۲۵۵	عدنان، خیرالله (وزیر دفاع عراق): ۷۷، ۵۱
محلاتی، جعفر (نماینده وسیع رای ایران در سازمان ملل): ۱۶۳، ۱۵۸	عرفات، یاسر: ۲۵۶
فهد، احمد الفیصل (مدیر کارهای نیابت کویت): ۲۳۳	فارلین، مک: ۸۱، ۲۷
فهد، احمد الفیصل (مدیر کارهای نیابت کویت): ۱۸۱	فولر، گراهام (کارشناس سازمان سیا): ۲۷۱
فهد (پادشاه عربستان): ۲۰۹، ۳۲	فهد (پادشاه عربستان): ۲۷۱

مشغول حزب کمونیست شوروی: ۲۶	شوروی): ۱۴
صبحاً، محى الدین: ۵۳، ۲۷	وزیر خارجه ایران: ۱۷۱
معاون خاورمیانهای وزارت خارجه ایران: ۱۷۱	وزیر خارجه ژاپن: ۱۵۲
معاون رئیس جمهور لمبیکا: ۲۷۰، ۱۴۲	وزیر خارجه شوروی: ۳۷
مفخر رادبولندن: ۱۳۸، ۱۳۵	وزیر خارجه عربستان: ۲۰۹
ملفمات غربی: ۷۹	وزیر خارجه غنا: ۱۵۱
موری، ریچارد (معاون اس-باق وزارت خارج): ۲۶۶، ۱۲۶، ۱۰۶	وزیر کشور کویت: ۲۷۱
موسوي، میرحسین (معاون وزیر خارج): ۱۹۵، ۱۳۸، ۱۱۴	ولایتی، علی‌اکبر (وزیر خارجہ سائبانیا ایران): ۳۷
موش، آرنز (وزیر دفاع انگلیس): ۲۵۶	، ۳۷، ۱۴۲، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۷۴، ۱۷۵
ناصری، سیروس (نماینده ایران در مناکرات صلح بانماینده عراق): ۲۶۴، ۲۶۲، ۲۶۱	، ۲۰۷، ۲۰۶، ۲۰۵، ۲۰۳، ۲۰۲، ۲۰۰
نایف، عبدالعزیز (وزیر کشور عربستان): ۲۸۵	، ۲۲۲، ۲۴۰، ۲۳۹، ۲۳۸، ۲۳۶، ۲۲۶، ۲۲۴
نیکی، فجاد (وزیر فرهنگ و اطلاعات عراق): ۲۷۱، ۱۷۰، ۳۸	، ۲۱۰، ۲۸۳، ۲۸۲، ۲۸۱
نیکسون (دبلیو. ای. اس-باق وزیر خارج): ۲۶	ویعهد بحرین: ۲۵۵
نیکسون (دبلیو. ای. اس-باق وزیر خارج): ۲۶	هاشمی رفسنجانی (رئیس جمهور ایران): ۴۰، ۳۷، ۲۶
نیکسون (دبلیو. ای. اس-باق وزیر خارج): ۲۶	جانشین فرمانتانهی کل قوا): ۶۳
نیکسون (دبلیو. ای. اس-باق وزیر خارج): ۲۶	، ۹۷، ۹۶، ۹۵، ۹۴، ۸۲، ۸۰، ۷۶، ۶۳
نیکسون (دبلیو. ای. اس-باق وزیر خارج): ۲۶	، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵
نیکسون (دبلیو. ای. اس-باق وزیر خارج): ۲۶	، ۱۲۸، ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۵، ۱۲۴
نیکسون (دبلیو. ای. اس-باق وزیر خارج): ۲۶	، ۱۶۲، ۱۶۱، ۱۶۰، ۱۵۹، ۱۵۸
نیکسون (دبلیو. ای. اس-باق وزیر خارج): ۲۶	، ۱۹۲، ۱۹۱، ۱۹۰، ۱۸۹، ۱۸۸
نیکسون (دبلیو. ای. اس-باق وزیر خارج): ۲۶	، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷
نیکسون (دبلیو. ای. اس-باق وزیر خارج): ۲۶	، ۲۱۷، ۲۱۶، ۲۱۵، ۲۱۴
نیکسون (دبلیو. ای. اس-باق وزیر خارج): ۲۶	، ۲۱۳، ۲۱۲، ۲۱۱، ۲۱۰
نیکسون (دبلیو. ای. اس-باق وزیر خارج): ۲۶	، ۲۷۸، ۲۷۷، ۲۷۶، ۲۷۵
نیکسون (دبلیو. ای. اس-باق وزیر خارج): ۲۶	، ۲۶۲، ۲۶۱، ۲۶۰، ۲۵۹
نیکسون (دبلیو. ای. اس-باق وزیر خارج): ۲۶	، ۲۵۸، ۲۵۷، ۲۵۶، ۲۵۵
نیکسون (دبلیو. ای. اس-باق وزیر خارج): ۲۶	، ۲۴۶، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۴۸
نیکسون (دبلیو. ای. اس-باق وزیر خارج): ۲۶	، ۲۳۶، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۳۷
نیکسون (دبلیو. ای. اس-باق وزیر خارج): ۲۶	، ۲۲۰، ۲۱۹، ۲۱۸، ۲۱۷
نیکسون (دبلیو. ای. اس-باق وزیر خارج): ۲۶	، ۱۶۱، ۱۶۰، ۱۵۹، ۱۵۸
نیکسون (دبلیو. ای. اس-باق وزیر خارج): ۲۶	، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳
نیکسون (دبلیو. ای. اس-باق وزیر خارج): ۲۶	، ۹۷، ۹۶، ۹۵، ۹۴، ۸۰، ۷۶
نیکسون (دبلیو. ای. اس-باق وزیر خارج): ۲۶	هائتر، رابت: ۱۴
نیکسون (دبلیو. ای. اس-باق وزیر خارج): ۲۶	هائتر، شیرین: ۸۱، ۳۹
نیکسون (دبلیو. ای. اس-باق وزیر خارج): ۲۶	هائتر، کوپیتس، هنرنس (تحلیل گر اس-تیتوی): ۹۶
نیکسون (دبلیو. ای. اس-باق وزیر خارج): ۲۶	هولست، دیوید: ۱۴۰
نیکسون (دبلیو. ای. اس-باق وزیر خارج): ۲۶	هلمن، بخارد (سفیر ام. بکاد، تفرا): ۲۳۳
وبستر، ویلیام (مدیر کل سازمان سیا): ۲۷۱	و. نسب، ولیف، ولیف (معاون وزیر خارج): ۱۹

لسا	لماکن و کشورها
رائل: ۲۴۸، ۲۴۷، ۲۳۱، ۲۳۰، ۱۷۴	(مناطق و سازمان‌های وابسته)
۲۵۳ ، ۲۶۵ ، ۲۵۸ ، ۲۵۷ ، ۲۵۶ ، ۲۵۴ ، ۲۵۳ ، ۲۶۵ ، ۲۶۷	آتن: ۲۵۴
تل آویو: ۲۳۱	آذربایجان: ۱۸
مرکز تحقیقات اسرائیل در تل آویو: ۲۳۱	آرژانتین: ۱۵۶
وزارت دفاع اسرائیل: ۲۷۴	آسیل میله: ۲۵۲
افغانستان: ۱۴۶، ۱۴۵، ۸۴، ۳۸	الم
مجاهدان افغانی: ۱۴۶	۲۵۳، ۲۴۹، ۲۳۴، ۱۷۴، ۱۴۲
الجزیر	بیمارستان‌های آلمان: ۳۱
ر: ۱۴۲، ۲۳۶، ۲۲۶، ۲۰۳، ۱۷۳	شرکت‌های آلمانی: ۳۰
۲۲۹ ، ۲۸۰ ، ۲۷۹ ، ۲۷۸ ، ۲۷۵ ، ۲۵۲ ، ۲۲۹	کارخانه‌های آلمان: ۲۱
۲۸۷، ۲۸۳	مریکا: پیش‌تر صفحات
ملرات متحده عربی: ۲۷۱، ۲۶۳	نیویورک
ابوظبی: ۲۸۷	۲۰۱ ، ۲۰۲ ، ۲۰۳ ، ۲۰۷ ، ۲۳۷ ، ۲۳۸ ، ۲۰۲
الگی	۲۴۴، ۲۴۱، ۲۳۹
س: ۱۵۵، ۱۵۳، ۱۴۲، ۱۰۳، ۳۰، ۲۹	والش
۲۷۰، ۲۵۴، ۱۸۲، ۱۸۱، ۱۵۶	۱۱۲، ۱۰۵، ۸۴، ۳۴، ۳۲
انس	پست‌اگون: ۱۱۲، ۸۹، ۴۱
تیتوی بین الملا	دولت امریکا: ۱۴۲، ۱۰۴، ۲۸
ی مطالع	دولت ریگان: ۲۸
ات اس	سیاستمداران امریکا: ۸۱
تراتیک	کاخ سفید: ۱۱۱
لندن: ۱۹۶	گروگان‌های امریکایی: ۱۴۴، ۱۱۱
مؤسسه بین المللی و تحقیقات اندن: ۱۸۲	زادن: ۱۷۰، ۱۶۷، ۲۰۹
اند	زمشن: ۱۸
دن: ۱۴۱، ۱۳۸، ۱۳۵، ۱۳۴، ۳۰، ۲۵	رویل غربی: ۲۵۳
۱۶۲ ، ۱۶۳ ، ۱۹۲ ، ۱۹۶ ، ۲۳۰ ، ۲۵۳ ، ۱۶۲	رویا: ۱۰۶
۲۷۱، ۲۵۴	باختزان: ۱۸۷
لوكريين: ۱۶	۲۷۱، ۲۷۰، ۲۶۶، ۲۳۳، ۱۸۱، ۱۰۸
يلاتيا: ۱۴۲، ۱۵۶	۲۷۵، ۲۶۴، ۲۴۷، ۲۴۳، ۲۴۰، ۲۳۵
ایران: پیش‌تر صفحات	۱۷۷، ۱۱۸
آبدان: ۱۱۱	۱۷۷، ۱۱۸
ارون	۱۷۷، ۱۱۸
درود(ش	۱۷۷، ۱۱۸
طاعلرب): ۴۴، ۲۰، ۱۲۰، ۲۲۸	انديمشك: ۱۷۷، ۱۱۸
لهاز: ۱۷۷، ۱۷۷، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۷	لهمشتن: ۱۷
باختزان: ۱۸۷	لروي غربی: ۲۵۳

بندرعباس: ۱۶	مجلس شورای اسلامی: ۱۹، ۹۳
پیشون: ۱۷	هیئت دولت: ۱۵
تهران: ۱۱۴، ۱۴، ۹۷، ۹۵، ۶۷، ۶۳	× گروه ضد انقلاب اسلامی
۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹	ارتضاش آزادی بخشنامه ایران (منافقین): ۱۹۲، ۱۹۳
۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۷	تیپ منافقین: ۱۸۴
۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲	منافقین (سازمان مجاهدین خلق): ۱۵، ۵۱
۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷	، ۶۷، ۷۳، ۷۷، ۹۷، ۱۱۲، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۸۳
۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲	، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹
۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵	، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷
۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹	۲۶۷، ۲۰۵، ۲۰۴، ۲۰۳
۱۸۱، ۱۹۷	بحرین: ۲۶۳، ۲۵۵، ۲۰۹
۱۷۷	برزیل: ۱۵۶
۱۸۷	بلروس: ۱۸
۱۷۷	نگیکستان: ۱۸
۱۷۷	ترکمنستان: ۱۸
۱۶۷	ترکیه: ۲۸۰، ۱۵۰
۱۷۷	استانبول: ۲۵۴
۱۰۵	تندکهرمز: ۲۸۱، ۲۶۶، ۱۷۳
۱۸۸، ۱۸۷، ۱۸۶، ۱۸۵	کردستان: ۱۰۵
۱۷۷	کرمانشاه: ۱۸۰، ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۲۷، ۱۸
۱۷۷	گلستانی: ۱۷۷
۱۷۷	مرز خسروی: ۲۸۴
۱۸۷	هرسین: ۱۷
۱۸۸، ۱۸۷	همدان: ۱۸۸
۱۶۲	رئیسان سه قوه ایران: ۱۶۲
۱۲۵	شورای عالی انتیت ملی ایران: ۲۸۱
۱۰۳	شورای عالی پشتیبانی جنگ: ۱۰۳
۱۷۲	شورای نگهبان: ۱۷۲
۲۷۶	کادر رهبری ایران: ۲۷۶
۱۶۲	مجلس خبرگان: ۱۶۲

کویت: ۲۲۰، ۳۱، ۷۷، ۶۵، ۱۳	سوریه: ۲۸۰
پاریس: ۱۰۵، ۲۸۶، ۲۷۱	سوئیس: ۲۴۹
فلسطین: ۲۳۱	ژن: ۲۴۱، ۲۳۹، ۲۳۷، ۲۳۶، ۲۳۵، ۸۴
قرقیزستان: ۱۸	ش: ۲۴۵، ۲۴۴، ۲۴۳
فراقصن: ۱۸	وروی: ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۱، ۱۸
ظرف: ۲۶۳	۳۵، ۳۶، ۳۷، ۲۸، ۸۴، ۷۹، ۳۷، ۳۶، ۴۸، ۹۲
قفتر: ۲۵۲	۱۹، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۵۳، ۱۴۲، ۱۲۵، ۱۱۹
کلادا: ۱۰۳	۱۸۲
کشورهای اولیه: ۱۸۳	روس: ۳۷، ۳۶، ۳۲، ۲۶، ۲۵، ۲۳، ۱۸
کشورهای شوری همکاری خلیج فارس: ۲۰۹	۲۵۱، ۱۹۴، ۳۸
کشورهای عربی و اسلامی: ۲۷	مسد: ۱۴۶، ۸۵، ۸۴، ۳۴، ۲۶، ۲۵
کشورهای عربی: ۱۹۳، ۳۱	۲۸۷، ۲۵۸، ۲۵۱
کشورهای منطقه: ۲۸۳	مستشاران شوروی: ۲۶
کشورهای میانه و عرب: ۲۵۵	مقامات مسکو: ۱۴۵
کلیسلی کلتربی: ۱۶۱	عراق: بیشتر صفحات
کویت: ۱۰۲، ۱۳، ۱۲	بغداد: ۱۱۵، ۸۱، ۴۸، ۲۵، ۲۷، ۲۵، ۲۲
، ۱۶۳، ۱۶۸، ۱۳۵، ۸۱، ۸۰، ۳۶	، ۲۱۱، ۲۰۲، ۱۹۲، ۱۸۱، ۱۷۳، ۱۳۸
، ۲۴۸، ۲۲۵، ۲۲۴، ۲۱۲، ۲۰۹	، ۲۵۴، ۲۴۹، ۲۴۷، ۲۴۴، ۲۲۲، ۲۲۷
، ۲۶۳، ۲۶۲، ۲۵۳، ۲۵۹	۲۵۵
، ۲۷۷، ۲۷۱، ۲۷۰، ۲۶۹، ۲۶۸	حزب بعث عراق: ۲۱۰
، ۲۸۸، ۲۸۶، ۲۸۵، ۲۸۰	شورای فرماندهی انقلاب عراق: ۲۱۰
استان الاحمدی: ۲۷۱	عناصر اطلاعاتی عراق: ۴۲
هفت جزیره کویت: ۲۶۶	عرب: ۲۰۸، ۱۹۳، ۱۸۳، ۳۲، ۳۱
لبنان: ۱۱۱، ۱۶۷، ۱۵۵، ۱۱۱	، ۲۸۰، ۲۳۴، ۲۷۰، ۲۴۸، ۲۳۴، ۲۰۹
بیروت: ۱۴۴	۲۸۷، ۲۸۵
مذیقانه: ۲۵۳	دولت سعودی: ۲۷۰، ۱۶۸
مصر: ۳۲	مکہ: ۲۶۲، ۲۵۷
قلصره: ۲۵۴، ۲۵۵	غنا: ۱۵۶، ۱۵
مولداوی: ۱۸	فرانس: ۳۵، ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۴، ۲۳، ۱۹، ۱۴
نیل: ۱۵۶، ۱۴۲	، ۱۸۱، ۱۸۹، ۱۸۶، ۱۸۵، ۱۸۴، ۱۸۳، ۱۸۲، ۱۸۱، ۱۸۰

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ: ۲۴۳	وین: ۱۱۰
انستیتویین المللی مطالعات استراتژیک آتنیون: ۱۹۶	ین شمالی: ۲۰۹
مرکز زین المللی و استراتژیک دانشگاه	بوگسلاوی: ۱۴۲
جرج تاون: ۳۹	سازمان‌ها و مجمع‌بین‌المللی
کنفرانس سران عرب: ۱۵۵	ازمان‌مل متحدر: ۳۹، ۳۷، ۳۵، ۳۴، ۱۵
مناطق عملیاتی	۸۳، ۱۳، ۱۹، ۱۱، ۱۳۶، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۵۱، ۱۵۰، ۱۲۸، ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۳
آبلان: ۱۲۱	۱۵۶، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۵۳، ۱۵۲
ایدکر: ۱۱	۱۵۷، ۱۵۶، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۵۳، ۱۵۲
اراضی اشغالی: ۲۳۱	۱۶۸، ۱۶۷، ۱۶۳، ۱۶۲، ۱۶۹، ۱۶۸
ارتفاعات قمیش: ۷۵	۱۷۵، ۱۷۴، ۱۷۳، ۱۷۲، ۱۷۱، ۱۷۰
ارتفاعات مشرف به سلیمانیه: ۷۵	۱۹۸، ۱۹۷، ۱۹۳، ۱۹۲، ۱۸۳، ۱۸۰
اسلام‌آبد: ۱۹۰، ۱۸۸، ۱۸۶، ۱۸۵، ۱۸۴	۲۰۴، ۲۰۳، ۲۰۲، ۲۰۱، ۲۰۰، ۱۹۹
لیبرآبل: ۱۸۰	۲۲۲، ۲۱۱، ۲۱۰، ۲۰۸، ۲۰۷، ۲۰۵
ایستگاه راه‌آهن حسینیه: ۱۷۷	۲۳۹، ۲۳۸، ۲۳۶، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۴
پاخترون: ۱۸۷، ۱۸۶، ۱۸۵	۲۲۷، ۲۲۶، ۲۲۹، ۲۲۵، ۲۲۳، ۲۲۰
بص: ۱۰۰، ۸۸، ۸۷، ۵۸، ۵۱، ۴۴، ۴۳، ۲۳	۲۷۶، ۲۶۴، ۲۵۸، ۲۵۱، ۲۵۰، ۲۴۹
پایان‌های شمالی آندیمشک: ۱۱۸	۲۸۴، ۲۸۲، ۲۸۱
پیات: ۵۱	ش
پادگان ۲ تیپ سقز: ۱۷	۱۱۲، ۱۰۹، ۸۳، ۲۸، ۱۹، ورای‌لفتیت:
پادگان حمید: ۱۷۸	۱۳۴، ۱۲۱، ۱۰۵، ۱۴۵، ۱۴۳، ۱۲۱، ۱۳۴
پادگان عین خوش: ۱۱۶	۱۵۸، ۱۵۶، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۵۳، ۱۵۲
پاسگاه خاتمی: ۱۱	۱۶۹، ۱۶۸، ۱۶۴، ۱۶۳، ۱۶۲، ۱۶۹
پاطلق: ۱۹۰، ۱۸۵	۲۰۲، ۲۰۱، ۲۰۰، ۱۹۳، ۱۹۱، ۱۷۳
پایگاه شکاری وحدتی ذوقول: ۱۸۷	۲۱۲، ۲۱۱، ۲۱۰، ۲۰۷، ۲۰۵، ۲۰۳
پایگاه هوایی روز در کرمانشاه: ۱۸۷	۲۱۳، ۲۱۲، ۲۱۱، ۲۱۰، ۲۰۹، ۲۰۸
پایگاه هوایی نوزده‌همدان: ۱۸۷	۲۱۱، ۲۱۰، ۲۰۹، ۲۰۸، ۲۰۷، ۲۰۶
پدال‌هویدی: ۴۵، ۴۴	۲۱۱، ۲۱۰، ۲۰۹، ۲۰۸، ۲۰۷، ۲۰۶
	دادگاه بین‌المللی: ۱۵۰
	انستیتو تحقیقات بین‌المللی بروکینز: ۲۲۷
	کنفرانس انقلاب اسلامی ایران: ۲۳۴
	کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع: ۳۷

چزابه: ۱۷۸	پدشماره یک: ۱۰۱
چنگله: ۹۹، ۵۸، ۵۱، ۴۸	پل بخت: ۷۱، ۶۹
چهارزیبر: ۱۸۸، ۱۸۷، ۱۸۶	پنج خلخالی (در منطقه عمومی شلمچه): ۴۳
حجاج عمران: ۱۷۵	۹۶
حسن آبد (دشت حسن آبدگر): ۱۸۶	پنجوین: ۱۱۵
حبلچ: ۱۸۸، ۱۸۷	ترابه: ۱۰۱
خرمشهر: ۱۴۹، ۱۴۸، ۱۲۱، ۹۹، ۷۲، ۶۸	جاده استراتژیک: ۶۶
دربندیخان: ۱۵۵	جاده المهدی: ۱۷۵
دشت علیان: ۱۱۸	جاده آندیمشک - خرم‌آباد: ۱۱۸
دوبرج: ۵۱	جاده اهواز - خرم‌شهر: ۱۷۷، ۱۷۵، ۱۱۱
دهلران: ۱۱۴، ۱۲۰، ۱۱۸، ۱۱۶، ۱۱۰	جاده بدر: ۱۰۰
دیواره مرگ: ۵۱	جاده خندق جنوبی: ۱۰۰
رااه‌آهن (اهواز - خرم‌شهر): ۱۰۱	جاده سیدالشهدا (ع): ۱۰۲، ۱۰۱
رودخانه دجله: ۴۸، ۴۴	جاده شلمچه: ۸۷
رودخانه ارون (شمال‌العرب): ۴۸، ۴۸، ۴۴	جاده شهید شرکت: ۱۷۷
زیبات: ۱۱۰، ۱۱۹، ۱۱۶، ۱۱۵	جاده شهید هفت: ۱۰۲، ۱۰۱، ۱۰۰
زیر: ۵۰	جاده عین خوش - دهلران: ۱۱۶
سرپل ذهاب: ۱۸۵، ۱۸۴، ۱۸۰، ۱۷۹	جاده قمرنی هاشم (ع) (جاده انصاری) یعنی دو
سردشت: ۱۷۹	جزیره: ۱۰۰
سرکتجان چم: ۱۳۹	جاده همدان: ۱۰۸
سرنی: ۱۸۰	جزایر رمنجنون (جنوبی و شمالی): ۴۵، ۴۴
سلیمانیه: ۷۵	جزیره امام الرصاص: ۸۵
سهراب اسلام‌آباد سلاولی: ۱۸۸، ۱۸۷	جزیره امام‌الطویل: ۸۷، ۴۳
	جزیره امام‌القصر: ۵۱
	جزیره بوارین: ۴۳
	جزیره بویان: ۴۴
	جزیره ماهی: ۴۳
	جفیر: ۱۰۱

- سمرله‌ی فتح: ۱۰۱
- سومار: ۱۸۰
- شاح شمیران: ۱۱۵، ۷۵
- شهرهای: ۱۶
- ش: ۸۶، ۸۵، ۷۷، ۶۸، ۵۹، ۴۳، ۳۶
- لنجه: ۸۶، ۸۵، ۷۷، ۶۸، ۵۹، ۴۳، ۳۶
- ۸۷، ۸۸، ۸۸، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۶، ۹۷، ۱۰۰
- ۱۱۵، ۹۹، ۹۷، ۶۷
- محور امّا قصر: ۵۱
- صالح آبد: ۱۸۳، ۱۸۰، ۱۳۹
- طلایه: ۱۰۱، ۱۰۰، ۴۴
- عماره: ۵۱، ۴۸، ۴۵
- عین خوش: ۱۱۸، ۱۱۵
- ف: ۵۸، ۵۲، ۵۱، ۵۰، ۴۹، ۴۸، ۴۴، ۴۱
- او: ۵۸، ۵۲، ۵۱، ۵۰، ۴۹، ۴۸، ۴۴، ۴۱
- ۵۹، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰
- ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹
- ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰
- ۱۰۲، ۱۳۴، ۱۴۷، ۱۳۹، ۱۲۳
- ۱۷۸، ۱۵۹، ۱۴۷، ۱۳۴، ۱۲۳
- فکه: ۴۵
- قره تپه: ۵۱
- قرزوین: ۱۸۵، ۱۸۴
- قصر شیرین: ۱۸۰، ۱۷۹، ۱۷۸، ۹۹
- قلعه آویزان: ۹۷
- قلعه دیزه: ۱۱۵
- کارخانه نمک: ۶۶
- کانال: ۹۶، ۸۷، ۴۴، ۴۳
- کانال روش: ۹۶، ۸۷، ۴۴، ۴۳
- ۱۰۱
- کانال زوجی: ۴۴، ۴۳
- کانال سلمان: ۱۰۱
- کانال شهید ادب: ۱۷۵، ۹۶
- کرکوک: ۷۵
- کرمانشاه: ۱۸۶
- کوت: ۴۸
- کوشک: ۱۷۵، ۱۰۱، ۱۰۰، ۵۱
- گولان: ۱۸۰
- گیلان غرب: ۱۸۶، ۱۸۳، ۱۸۰، ۱۷۹
- ماووت: ۱۱۵، ۹۹، ۹۷، ۶۷
- مراکز تجمع نیروهای خودی: ۱۰۰
- ملایو: ۱۸۷
- مناطق تصرف شده در خاک عراق: ۷۹
- مهران: ۱۳۹، ۱۲۲، ۹۹، ۹۷
- میسان: ۱۱۵
- میمه: ۵۱
- نهر جاسم: ۴۳
- نهر دیجی: ۴۳
- همدان: ۱۸۵، ۱۸۴
- هورالهوبزه: ۸۷، ۴۴
- هوبزه: ۱۰۰
- عملیات‌ها و اقدامات تسلیی
- آزادسازی اسلام‌آباد: ۹۰
- آزادسازی مناطق اشغالی: ۱۴۸
- استراتژی پدافندی (ایران): ۷۶
- استراتژی دفاع متحرک (عراق): ۶۷، ۵۹، ۴۲
- استراتژی عراق از پدافند: ۵۸، ۱۹
- ۹۷، ۹۰، ۸۴، ۷۴، ۷۳
- استراتژی (قللی) عراق: ۱۳۵، ۸۸
- استناده (عراق) از کاز سیاپور: ۷۸، ۶۶
- اسکورت نفتکش‌های کویت به سمت بوسیله مریک:
- ۸۰، ۳۴

۱۰۱: اسلینگ مهمات و ادوات	اشراف گردشی ایران: ۸۰
۱۰۲: هر کرن دبوس یله عراق و مناقب	اشغال شاخه ایران: ۱۸۵
۱۰۳: خال کوی	اشغال شاخه ایران: ۱۸۶
۱۰۴: ت: ۲۴۸، ۲۲۶، ۲۲۵، ۲۲۴	ت: ۲۴۸، ۲۲۶، ۲۲۵، ۲۲۴
۱۰۵: ۲۴۹، ۲۵۳، ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷	کردن آن: ۵۸
۱۰۶: ۱۵۹، ۱۷۴، ۱۶۹، ۱۶۸، ۱۶۷	ت: ۶۳، ۵۹، ۲۳، ۲۱
۱۰۷: ۸۷، ۸۵، ۶۳	ت: ۶۳
۱۰۸: ۱۱۷	ت: ۱۱۷
۱۰۹: ۱۴۴، ۱۰۴	جنگ خلیج فارس: ۱۴۴
۱۱۰: ۲۳	جنگ نفت کشها: ۲۳
۱۱۱: ۱۴۹، ۱۲۵، ۱۸	حضرت ورقط لمی مریک ادرمنطقه خلیج فارس: ۱۴۹
۱۱۲: ۷۴، ۷۲	حضرت ورنروه ای ایران در شمال غرب ایران: ۷۴، ۷۲
۱۱۳: ۵۸، ۲۷	حملات عراق (ت: ۵۸، ۲۷)
۱۱۴: ۹۷	حملات عراق (ت: ۹۷)
۱۱۵: ۱۲۳، ۱۲۰، ۱۰۲، ۹۹	حملات عراق به پایانه های نفت ایران: ۲۷
۱۱۶: ۱۵۹	حملات عراق به نفت کش های ایرانی: ۶۱
۱۱۷: ۱۷۵، ۱۷۰	حملات هوایی عراق (دشمن): ۱۷۵، ۱۷۰
۱۱۸: ۲۵۵	حمله اسرائیل به دو مرکز اتمی عراق: ۲۵۵
۱۱۹: ۱۱۰، ۱۰۹، ۱۰۶	حمله لمی مریک ابده و ایمه ای ایران: ۱۱۰
۱۲۰: ۱۱۱	جمهوری اسلامی ایران: ۱۱۱
۱۲۱: ۲۰۱، ۲۰۰، ۱۶۱، ۱۶۱، ۱۱۲، ۱۱۱	حمله ایران به بصره: ۶۱
۱۲۲: ۳۵	حمله به شهرها: ۳۵
۱۲۳: ۶۰	حمله زمینی بزرگ ایران: ۶۰
۱۲۴: ۵۹، ۵۳	حمله (بهب) ساران) شیمیابی: ۵۹، ۵۳
۱۲۵: ۱۵۹، ۱۲۵، ۱۰۲، ۱۰۰، ۷۸، ۶۸	حمله عراق به ارتفاعات شاخه میران در منطقه عجمی در فردیخان: ۱۵۹
۱۲۶: ۱۸۶	تصوف کرامش شاه، کرن دواست آلباد بوسیله
۱۲۷: ۷۵	تصوف سلیمانیه بوسیله ایران: ۷۵
۱۲۸: ۱۲۰	تصرف شهر دهلران بوسیله عراق: ۱۲۰
۱۲۹: ۱۹۰، ۱۸۸	پیش روی نیروهای خودی: ۱۹۰، ۱۸۸
۱۳۰: ۱۳۹	تصوف سلیمانیه بوسیله عراق: ۱۳۹
۱۳۱: ۲۷۷، ۱۷۹، ۱۷۵، ۱۳۹	ش روی عرض: ۱۳۰، ۱۱۸، ۶۹، ۶۸
۱۳۲: ۹۶	ش روی مناقب: ۹۶
۱۳۳: ۱۵۹	پیاران شیمیابی حلقه: ۱۵۹
۱۳۴: ۹۷	انتقال نیروهای خودی به جنوب: ۹۷
۱۳۵: ۲۸۴، ۲۸۱	انتقال نیرو در ایران: ۶۹، ۶۸
۱۳۶: ۲۷۴، ۲۷۲	اقدام ظلمی مریک اعلی عراق: ۲۷۴، ۲۷۲
۱۳۷: ۲۶۶	اعزام بزرگ سراسری در ایران: ۹۷
۱۳۸: ۹۷	اعزامهای ویژه سپاه محمد (ع): ۹۷
۱۳۹: ۲۶۶	اعلام الحق کویت به عراق: ۲۶۶
۱۴۰: ۱۱۲، ۱۰۹	اقدامات امریکا در خلیج فارس: ۱۱۲، ۱۰۹

حمله عراق به شلمچه: ۸۵	عملیات ایران در فاو: ۳۲
حمله عراق به کوت: ۲۸۰	عملیات بدر: ۴۸، ۲۱
حمله عراق به مردم بی دفاع و غیرظامی: ۵۸	عملیات یت المقدس: ۹۶، ۷
درج سیری ایران - امریکا در خلیج فارس: ۶۰	عملیات خیر: ۴۸، ۲۱
درج سیری در منطقه حسنه آبدوار تفکه ات: ۸۱	عملیات فتحالمیین: ۴۸
چهارزیبر: ۱۶۷	عملیات کربلا: ۵۱، ۴۳، ۲۳، ۵، ۱۶
زنگ سیرش - دن نیروهای سپاه در خطوط پدافندی: ۵۹، ۷۳	عملیات کربلا: ۴۴، ۴۱، ۸
ستون کشی دشمن به غرب: ۷۸، ۷۵	عملیات مرصاد: ۱۸۸
سقوط پدشماره یک: ۱۰۱	عملیات والجر مقدماتی: ۴۵
سقوط جزایر مجنون: ۹۷	عملیات والجر: ۹۵، ۴۸، ۴۴، ۲۱، ۸
سقطه: ۷۸، ۷۷، ۷۶، ۷۲، ۷۱، ۷۰	عملیات والجر: ۷۵، ۶۳، ۶۰، ۵۹، ۱۰
شکست و منواری شدن منافقین: ۱۹۰	عملیات هواپیمایی و پترهای اولیه
طرح تورور صدام: ۲۷۰	جمهوری اسلامی: ۱۶۷
طرح ریزی ظالمی لشتبی امریکا: ۲۷۵	عملیات اینایی عراق: ۵
عقبنشینی اینی ایران: ۱۰۲، ۹۶، ۸۸، ۸۵	عملیات توکان اعلی الله عراق: ۱۱۹، ۱۱۵
عقبنشینی اینی ایران: ۱۱۲، ۱۲۳، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۰	عملیات رمضان المبارک عراق: ۶۸
عقبنشینی اینی عراق: ۱۸۱، ۱۷۹، ۱۱۸، ۱۰۲	عملیات پنجم عراق: ۱۱۵
عقبنشینی اینی عراق: ۱۸۳، ۱۸۸، ۲۰۵، ۲۰۳، ۲۵۲، ۲۶۱	عملیات در زیباد: ۱۱۹، ۱۱۵
عقبنشینی اینی عراق: ۲۷۹، ۲۷۵	عملیات مشترک عراق و منافقین: ۱۹۱
عقبنشینی منافقین: ۱۹۰	فتح خرمشهر: ۲۱، ۲۰
عقبنشینی اینی نیروهای ایران و عراق: ۲۷۹، ۲۰۶	محاصره عراق: ۲۸۰
عقبنشینی اینی نیروهای ایران و عراق: ۲۳۵، ۲۰۶، ۱۵۸، ۱۵۷	موسکو - کباران تهران و سایر شهرها به سریعه
اغواستان: ۹۲، ۸۴	عراق: ۱۵۷، ۱۲۵، ۶۲
	هجوم منافقین به باختران: ۱۸۷

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران	۹۴
ستاد فرماندهی کل قوا	۹۴
رزمندگان اسلام	۱۶۴، ۱۱، ۹۴، ۴۵
نیروهای خود	۷۱، ۶۹، ۶۷، ۶۶، ۵۹
نیروهای مساح	۲۰۳، ۱۹۰
نیروهای مساح	۱۱۶، ۱۱۴، ۹۵، ۹۴
نیروهای مساح	۲۵۰، ۱۳۸
پلپسلان اقلاب	۶۷، ۵۹، ۵۱
نیروهای سپاه	۱۷۸، ۷۰، ۶۸
فرماندهان نیروی زمینی سپاه	۷۱
معاونت اطلاعات نیروی زمینی سپاه	۴۳
قرارگاه لامعلی (ع)	۷۷
قرارگاه سیدالشهیده (ع)	۶۴
قرارگاه فرماندهی سیدالشهیده (ع)	۷۱
قرارگاه کربلا	۱۷۷، ۷۵
یگان‌های سپاه	۱۹۰
لشکر ۴۱ ثار الله (ع)	۶۴
لشکر ۸ تجف اشرف	۶۹
لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ع)	۱۸۸
لشکر لام حسین (ع)	۶۹، ۶۴
تیپ مسلم	۱۸۸
تیپ نبی اکرم (ع)	۱۸۸
رزم دگان بسیجی (نیروهای داوطلب)	۹۴
سپاه محمد (ع)	۱۱۳، ۵۲
لش جمهوری اسلامی ایران	۹۴، ۶۷، ۵۱
لر	۹۷
سپاه دوم	۸۷
سپاه سوم	۸۷، ۴۸، ۴۵
سپاه چهارم	۱۱۹، ۱۱۶، ۱۱۵، ۵۱
سپاه پنجم	۱۱۹، ۱۱۵، ۴۸
نیروهای مکانیزه عراق	۴۵، ۳۴، ۲۸، ۲۲، ۲۱، ۲۰
ارت ش	۱۰۰، ۸۹، ۸۵، ۶۳، ۵۹، ۵۱، ۴۵
نیروهای مسلح عراق	۱۲۴، ۱۱، ۹۴، ۴۵
نیروی ارتش	۱۱۸، ۱۱۶
بگان‌های ارتش	۶۷
لشکر ۷۷ خراسان	۱۱۸، ۱۱۶
لشکر ۲۱ حمزه	۱۱۶
لشکر عاقروین	۱۱۸
تیپ ۲ سفر	۱۸۷
نیروی انتظامی	۹۴
حوزه نظام وظیفه	۴۶
نیروهای مسلح ایران	۱۳۶، ۱۱۴، ۹۵، ۹۴
نیروهای مسلح ایران	۲۰۵، ۲۰۲، ۱۹۴، ۱۸۶، ۱۷۸، ۱۱۴، ۹۹
نیروهای مسلح عراق	۱۷۸، ۷۰، ۶۸
فرماندهان نیروی زمینی سپاه	۷۱
قرارگاه لامعلی (ع)	۷۷
قرارگاه سیدالشهیده (ع)	۶۴
قرارگاه فرماندهی سیدالشهیده (ع)	۷۱
قرارگاه کربلا	۱۷۷
یگان‌های سپاه	۱۹۰
لشکر ۴۱ ثار الله (ع)	۶۴
لشکر ۸ تجف اشرف	۶۹
لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ع)	۱۸۸
لشکر لام حسین (ع)	۶۹، ۶۴
تیپ مسلم	۱۸۸
تیپ نبی اکرم (ع)	۱۸۸
رزم دگان بسیجی (نیروهای داوطلب)	۹۴
سپاه محمد (ع)	۱۱۳، ۵۲
لش جمهوری اسلامی ایران	۹۴، ۶۷، ۵۱
لر	۹۷
سپاه دوم	۸۷
سپاه سوم	۸۷، ۴۸، ۴۵
سپاه چهارم	۱۱۹، ۱۱۶، ۱۱۵، ۵۱
سپاه پنجم	۱۱۹، ۱۱۵، ۴۸

سپاه ششم: ۴۸، ۱۰۰، ۱۱	انتماکبر، الفارس: ۴۸
سپاه هفتم: ۴۸، ۵۶، ۶۸، ۷۷	واحدهای توپخانه: ۸۷
سربازان وظیفه: ۴۶	واحدهای زرهی: ۱۱، ۸۷
شهربانی عراق (پلیس عراق): ۴۶	واحدهای هوایی: ۸۷
فرماندهان ارتش عراق: ۲۳	یگان‌های زرهی و پیده‌عمرق: ۴۷، ۶۶، ۲۶۵
فرماندهان موشکی عراق: ۲۵۵	یگان‌های مأموری: ۱۱
فرماندهان نیروی هوایی عراق: ۴۸	اصطلاحات و مفاهیم ظلمی
فرماندهی حراست نفت: ۴۸	آش: س، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴
گارد ریاست جمهوری (سپاه، لشکر، تیپ):	۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵
گردان‌های پیاده، زرهی و مکانیزه کماندویی: ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۰۰، ۹۶، ۸۷	۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵
گردان‌های دفاع اوجبات: ۴۶	آش تهیه و پشتیبانی: ۶۶، ۵۸، ۱۹۰، ۱۹۱
گروهان‌های کماندویی: ۴۶، ۴۹، ۵۱	آشیان: ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵
لشکر الاهوار پیاده: ۴۷	آرایش ظلمی: ۲۴۰
لشکر اول مکانیزه: ۹۶	استراتری آفندی: ۴۹
لشکر پنجم مکانیزه: ۱۱۶	استراتری پدافندی: ۴۲
لشکر پیله مکانیزه زرهی: ۴۹	استراتری دفاعی: ۲۱
لشکر مدینه منوره: ۱۰۰	اطلاعات مهواره‌ای لمبیکا: ۲۰۵
لشکرهاي پیاده: ۴۵، ۴۸	بن بست جنگ: ۸۹
لشکرهای او و ۳ ویژه: ۴۷	تاكیکهای منطقه‌ای: ۴۲
لشکر ۳ زرهی: ۱۰۱، ۹۶	تحرک زرهی: ۶۸
لشکر عزرهی: ۱۰۱، ۹۶	تعیین متجاوز: ۸۳
لشکر ۷ زرهی: ۴۷	جنگ دفاعی: ۱۱۲
لشکر ۱۷ زرهی: ۴۷	دفاع متحرک: ۹۵، ۵۹، ۲۲
لشکر ۲۵ عراق: ۱۰۰	فروغ جاوینان (نام عملیات منافقین): ۱۸۸
لشکرهای کماندویی وزرهی: ۷۵	فتوحهای حطمه، عمده، الحکم، ذوق، قدر، تهدد، تقویت

۱۵۹، ۱۵۸	مانور آتش: ۴۲
تشدید بحران رهبری ایران: ۱۱۸	مانورهای دفاعی: ۴۲
شناسنامه ای و تبیین نتیجه اوز: ۸۱، ۸۳، ۱۲۵	مسئول جنگ: ۱۵۰، ۱۴۸
۱۵۱	موازن جنگ: ۸۱، ۵۸، ۱۹، ۱۸، ۱۴، ۱۳
تلاش ایران برای صلح: ۹۵	۹۱
ناکام‌ماندن تلاش امریکا برای تحریم ایران: ۸۳	وضیع زنده جنگ و نهضه صلح: ۲۴۹، ۲۴۷، ۲۴۶
تلاش‌های دیپلماتیک: ۲۳۹	۲۸۰، ۲۶۸، ۲۶۴، ۲۶۱، ۲۵۹، ۲۵۰
تمدن‌های محترمانه امریکا با امنیت ایمنی دولت ایران: ۱۶	اصطلاحات، مفاهیم و اصطلاحات سیاسی
تبیهه متزاوی: ۱۵۱، ۱۵۰، ۱۵۲	آزادی اسرای معلول و سیمار: ۲۴۹، ۲۴۱
تهدید تحریم تسلیحاتی عراق: ۱۷۲	آزادی کشتی رانی: ۲۳۵
جغرافیای استراتژیک: ۲۳۴	آزادی و تبدیل اس
چهارمین اجلاس میان سران شوروی و امریکا: ۹۲	۲۸۶، ۲۸۴، ۲۸۳
حق وقو: ۸۳	اتحاد استراتژیک فرانسوی‌ها با عراق: ۳۱
حل و فصل دیلماتیک جنگ ایران و عراق: ۸۳	احتمال تغییر سیاست امریکا در برابر ایران: ۹۱
حایات‌های قلمی عربستان از عراق: ۳۲	اختلاف ایران و امریکا: ۱۰۴
خط توریسم: ۲۳۳	استقلال و تملیت ارضی ایران: ۱۴۵
خدکنشی سیاسی منافقین: ۱۶۲	انزواج سیاسی ایران: ۱۶۹
دست یابی به صلح: ۲۴۱	ایران کنtra (ماجرای مکفارلین): ۸۱
دیپلماسی نفوذی: ۲۷۴	بازی رولت روسی: ۸۴
راحلهای دیلماتیک برای پایان دلنده	برقراری صلح بین ایران و عراق: ۲۸۰
جنگ: ۱۹۸، ۱۵۱، ۱۴۸	بنیادگرایی در ایران: ۹۲
روابط امریکا با شوروی: ۸۴	بیهود روابط ایران و امریکا: ۸۲
روابط ایران با امریکا: ۱۰۵، ۱۰۳، ۹۲، ۹۱	پذیرش قلعه نمه: ۱۱۹، ۵۹۸
۱۱۱	پرداخت غرفت: ۱۵۷
روابط ایران با فرانسه: ۱۰۳	پرونکل: ۱۲۲، ۱۹۲۵
روابط بازگانی آلمان با ایران: ۳۱	تائیک‌های تئین: ۱۹۴
روابط عراق و امریکا: ۱۰۵	تبیغات کفر جهانی برای تضعیف رژیم دکان
	ایران: ۹۶
	تحریم: ۱۵۶، ۱۵۳، ۱۵۰، ۱۴۶
	لیحاتی: ۱۵۶، ۱۵۳، ۱۵۰

قطع نامه ۶۱۲: ۱۵۹	روز اعلام آتش بس (DAY-D) ۲۰، ۲۰۸:
کلشنس تشن بین ایران و لمبیکا: ۱۱۰	سقوط رژیم عراق: ۸۱
کمکهای مالی به عراق: ۳۱	سینیار خلیج فارس: ۸۱
کمیته‌ی طرف سازمان ملل: ۱۷۷	سیاست توسعه طلبانه عراق: ۲۵۲
کمیته‌ی ویژه برای مشخص کردن شروع کننده جنگ: ۱۵۲، ۱۶۳	سیاست‌های منطقه‌ای سوری: ۱۹۳
گردنه‌ای افغانستان خلیج فارس و چنگ ایران و عراق: ۹۱	صلح پایدار: ۱۴۰
گروگان گیری: ۱۶۷	صلح تحمیلی: ۲۴۹
گشایش سفارت خاتمه‌ادر تهران و بغداد: ۲۶۴	صلح جمع: ۱۳۵
گفت و گوهای مستقیم ایران و لمبیکا: ۱۱۱	صلح ولنتیت بین المللی: ۲۱۲
گفت و گویی صلح با ایران: ۸۲	طرح جرایی دیرکل سازمان ملل: ۱۵۲، ۲۰۷، ۱۵۷، ۱۵۶، ۱۵۴
مناکرات سه جانبه ایران، عراق و بیرون مل: ۲۴۰، ۲۳۹، ۲۳۸، ۲۳۷	طرح پنج ماده‌ای دیرکل سازمان ملل: ۸۳
	طرح چهار ماده‌ای دیرکل سازمان ملل: ۲۳۹
مناکرات صلح: ۲۰۳، ۲۰۲، ۱۹۷، ۱۸۱	طرح صلح دیرکل سازمان ملل: ۱۵۹
	فشار لمبیکا به ایران: ۸۳
مناکرات بالاترکیس و کانادا: ۱۳	فضای سیاسی و قلمی حاکم در جنگ: ۱۱۲
مناکر رهگیر مس تقييم ايران و عراق: ۱۹۸	قرارداد رژیون: ۸۴
	قرارداد ۱۹۷۵الجزایر: ۲۲۴، ۲۰۳، ۱۷۳
مناکر رهگیر مس تقييم ايران و عراق: ۲۱۰، ۲۰۹، ۲۰۶، ۲۰۴	۲۲۶، ۲۲۸، ۲۲۰، ۲۳۹، ۲۳۶، ۲۲۶
مناکر رهگیر مس تقييم ايران و عراق: ۱۷۴، ۱۷۳	۲۷۹، ۲۷۸، ۲۷۷، ۲۷۵، ۲۷۲، ۲۷۱، ۲۶۵
	۲۸۷، ۲۸۴، ۲۸۳، ۲۸۰
مناکر همیان ایران و عراق: ۹۱	قطع نامه ۳۴، ۳۳، ۳۷، ۱۹، ۱۸: ۵۹۸
مرزهای بین المللی: ۱۵۷، ۱۵۴، ۱۳۹	۸۱، ۸۳، ۹۳، ۱۱۳، ۱۱۶، ۱۱۴، ۱۱۳، ۱۱۶، ۱۱۴، ۱۱۳، ۱۱۲، ۱۱۱، ۱۱۰، ۱۱۹، ۱۱۷، ۱۱۶
مسئول جنگ: ۱۵۱، ۱۴۸	۱۱۲، ۱۱۱، ۱۱۰، ۱۱۹، ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۱۳، ۱۱۲، ۱۱۱، ۱۱۰، ۱۱۹، ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۱۶
مناسبات ایران و عراق: ۲۳۰	۱۱۸، ۱۱۷، ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۱۳، ۱۱۲، ۱۱۱، ۱۱۰، ۱۱۹، ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۱۶
منافع استراتژیک غرب: ۸۲	۱۱۷، ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۱۳، ۱۱۲، ۱۱۱، ۱۱۰، ۱۱۹، ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۱۶
منافع ملی جمله ایران: ۲۸۲	۱۱۷، ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۱۴، ۱۱۳، ۱۱۲، ۱۱۱، ۱۱۰، ۱۱۹، ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۱۶
مشور ملل متحد: ۲۱۳، ۲۱۲	۲۲۶، ۲۲۵، ۲۰۱، ۲۰۰، ۱۹۹

سلاخهای شیمیایی و موشکی و هسته‌ای	موافق ایران باقطع نامه شورای امنیت: ۱۱۹ موقعیت رژیلیک: ۲۶۹، ۲۳۳
تجهیزات نظامی	
مکانات نظامی عراق: ۸۹	
بب‌آنه: ۲۵۵، ۲۵۴	
بب‌افکن‌های عراق: ۲۵	
بب خوش‌سای: ۲۹	
بی‌سیم: ۱۷۹	
پلهای شناور جی. اس. بی: ۱۱	
تأسیسات شیمیایی: ۳۰	
تابون ولاست (مواد شیمیایی): ۳۰	
تانک‌های تی ۲۶، ۲۵: ۷۲	
تانک تی ۲۶: ۶۳	
تانک‌های زره پوش برزیلی: ۱۹۰	
ترکیبات شیمیایی: ۳۱	
تریبلر کمرشکن: ۱۷۹	
تفگ منور: ۱۷۸	
تفگ نارنجک‌انداز: ۱۷۸	
توپخانه: ۱۱۶، ۷۸، ۵۹، ۶۸، ۳۲	
توپخودکششی: ۱۷۹	
توپ ۱۶ امیلی‌تری: ۱۸۵	
تیربار کلاشنیکوف: ۱۸۵	
خپچار‌انداز: ۱۸۵، ۱۷۸، ۷۸	
خدودروی پل‌سازی: ۱۷۹	
راکتور آنه: ۳۰	
سکوی پرتاپ موشک استریلا: ۱۷۹	
سلاح‌های شیمیایی: ۳۰، ۲۸، ۳۳، ۳۰، ۲۸	

- |  |   |
|--|---|
| نارنجک دستی: ۱۷۹                       | برگزاری اس-لادمی: ۵۶                      |
| نارنجک ضد تانک: ۱۷۹                    | خبارگزاری جمهوری آلمان غربی: ۱۸۱، ۱۷۴، ۳۴ |
| ناومریکایی هواپیمابر و بنسنس: ۱۶۱      | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| هلی کوپتر: ۲۶۵، ۱۱، ۷۰، ۶۹، ۶۷         | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| هواپیما: ۲۶۵، ۷۰، ۶۹، ۶۷               | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| هواپیمای آموزشی آلفابت: ۳۰۰            | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| هواپیمای سوپراتاندارد: ۲۹              | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| هواپیمای جنگنده شکاری سوخوی ۲۵         | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| هواپیمای جنگنده شکاری سوخوی ۲۰         | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| هواپیمای سوخت رسان توپولف ۷۲           | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| هواپیمای عراقی: ۱۸۷                    | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| هواپیمای میرزا ف: ۲۹                   | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| هواپیمای میرزا: ۲۰۰۰الس: ۳۰            | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| هواپیمای میگ ۲۱                        | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| هواپیمای میگ ۲۳                        | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| هواپیمای میگ ۲۵                        | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| هواپیمای میگ ۲۶                        | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| روزنامه رسانه‌ها                       | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| تلوزیون ای.بی.سی (مریکا): ۱۵۸          | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| تلوزیون ایتالیا: ۸۲                    | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| تلوزیون ایران: ۳۴                      | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| تلوزیون بغداد: ۲۱، ۱۹                  | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| تلوزیون سی.ان.ان (مریکا): ۲۶۶، ۸۳      | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| تلوزیون فرانسه: ۲۵۳                    | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| جزوه "اگرمن پودمی زدم": ۳۸             | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| خبرگزاری آسوشیتدپرس: ۱۵۳، ۱۴۴          | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| خبرگزاری آلمان غربی: ۱۸۱، ۱۷۴، ۳۴      | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| خبرگزاری اس-لادمی: ۵۶                  | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| روزنامه احوالات (ایران): ۱۱۴           | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| روزنامه القبس (کویت): ۱۷۲              | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| روزنامه الاتصال (اوپطی): ۲۸۷           | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| روزنامه الاهرام (مصر): ۳۸              | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| روزنامه الائمه (کویت): ۱۷۳             | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| روزنامه الجمهورية (عراق): ۱۸۰، ۱۴۰     | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| روزنامه الحیات (لندن): ۲۷              | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| روزنامه الدیستور: ۲۵۸، ۲۵              | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| روزنامه السفیر (لبنان): ۲۲۷، ۱۹۷       | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| روزنامه السیاسه (کویت): ۲۵۵            | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| روزنامه القادسیه (ارتش عراق): ۲۶۴، ۲۵۴ | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| روزنامه العلوم (عستان): ۲۸۷            | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| روزنامه اس-لادمی: ۵۶                   | روزنامه اقتصادی اسلامی: ۲۶۴، ۲۵۴          |
| رادیو اسرائیل: ۲۵۸                     | رادیو اسرائیل: ۲۵۸                        |
| رادیو ایران (ایران): ۱۷۰، ۱۶۳          | رادیو ایران (ایران): ۱۷۰، ۱۶۳             |
| رادیو باغداد (عراق): ۱۷۱، ۱۷۰، ۱۱۵، ۶۸ | رادیو باغداد (عراق): ۱۷۱، ۱۷۰، ۱۱۵، ۶۸    |
| رادیو سلطنتی (کویت): ۱۱۸               | رادیو سلطنتی (کویت): ۱۱۸                  |
| رادیو موسکو: ۲۸۷، ۲۶۴، ۲۵۸، ۱۴۶        | رادیو موسکو: ۲۸۷، ۲۶۴، ۲۵۸، ۱۴۶           |
| رادیو منافقین: ۱۸۶                     | رادیو منافقین: ۱۸۶                        |
| رادیو مونت کارلو: ۱۵۹، ۱۳۹             | رادیو مونت کارلو: ۱۵۹، ۱۳۹                |
| روزنامه اطلاعات (ایران): ۱۱۴           | روزنامه اطلاعات (ایران): ۱۱۴              |
| روزنامه القبس (کویت): ۱۷۲              | روزنامه القبس (کویت): ۱۷۲                 |
| روزنامه الاتصال (اوپطی): ۲۸۷           | روزنامه الاتصال (اوپطی): ۲۸۷              |
| روزنامه الاهرام (مصر): ۳۸              | روزنامه الاهرام (مصر): ۳۸                 |
| روزنامه الائمه (کویت): ۱۷۳             | روزنامه الائمه (کویت): ۱۷۳                |
| روزنامه الجمهورية (عراق): ۱۸۰، ۱۴۰     | روزنامه الجمهورية (عراق): ۱۸۰، ۱۴۰        |
| روزنامه الحیات (لندن): ۲۷              | روزنامه الحیات (لندن): ۲۷                 |
| روزنامه الدیستور: ۲۵۸، ۲۵              | روزنامه الدیستور: ۲۵۸، ۲۵                 |
| روزنامه السفیر (لبنان): ۲۲۷، ۱۹۷       | روزنامه السفیر (لبنان): ۲۲۷، ۱۹۷          |
| روزنامه السیاسه (کویت): ۲۵۵            | روزنامه السیاسه (کویت): ۲۵۵               |
| روزنامه القادسیه (ارتش عراق): ۲۶۴، ۲۵۴ | روزنامه القادسیه (ارتش عراق): ۲۶۴، ۲۵۴    |
| روزنامه العلوم (عستان): ۲۸۷            | روزنامه العلوم (عستان): ۲۸۷               |

<p>۶۳،۳۷</p> <p>نشریه‌هارتش سرخ شوروی: ۲۱</p> <p>نشریه‌اشپیگل (آلمان): ۲۷۱،۲۵۳،۳۵،۳۰</p> <p>نشریه‌التضمن: ۲۴۷</p> <p>نشریه پاسداران اسلامی: ۱۱۴</p> <p>نشریه‌ژون آفریک (پاریس): ۲۷۱</p> <p>نشریه نیوزویک (امریکا): ۱۵،۱۳</p> <p>هفت‌نامه اکونومیست (انگلیس): ۱۸۱</p> <p>هفت‌نامه دانش (زاگرب): ۲۲۷</p> <p>هفت‌نامه فارین ریپورت (لندن): ۲۵</p> <p>زمان‌ها و رویدادها</p> <p>ش، ۱۹۰۵ م (شکست روسیه از ژاپن): ۱۱۲۸۴</p> <p>ش، ده ۱۹۲۰ م (دوران مذکور اشارات استالین و تروتسکی): ۱۳۳</p> <p>ش، ۱۹۴۹ م (کنوانسیون سوم ژنو): ۱۱۳۲۸</p> <p>ش، ۱۹۴۹ م (تجدد اوزوراق به خاک ایران): ۱۱۳۵۹</p> <p>ش، ۱۹۴۹ م (آغاز جنگ تحمیلی علیه ایران): ۱۱۳۵۹</p> <p>ش، ۱۹۴۹ م (فرانسه به عراق): ۱۱۳۵۹</p> <p>پائیز ۱۹۸۰ م (تحمیل حمله علیه راق به خاک ایران): ۱۱۳۵۹</p> <p>۱۱۳۵۹ (نخستین روزهای مقاومت): ۱۷۸</p> <p>۱۹۸۱، ۱۳۶۰ م (حمله راکیل به مرکز اتمی)</p>	<p>روزنامه‌ایندپندنت (انگلیس): ۱۹۱</p> <p>روزنامه‌وربا (عراق): ۳۳</p> <p>روزنامه تایمز (انگلیس): ۱۴۰، ۱۲۲، ۲۹</p> <p>روزنامه جمهوری اسلامی (iran): ۲۶، ۲۳</p> <p>روزنامه ۲۸۶، ۲۵۳، ۳۷، ۳۰، ۲۸</p> <p>روزنامه روندشاو (آلمان): ۱۸۱</p> <p>روزنامه ستاره سرخ (مسکو): ۱۲۳</p> <p>روزنامه کریستین سایس‌ماتیور (amerیکا): ۳۹</p> <p>روزنامه کوریر دلاسرا (ایتالیا): ۲۲۷</p> <p>روزنامه گاردین (انگلیس): ۱۹۲، ۱۷۲، ۱۴۰</p> <p>روزنامه لارپولیکا (ایتالیا): ۱۲۲</p> <p>روزنامه لوی آنجلس تایمز (amerیکا): ۶۳، ۱۹</p> <p>روزنامه واشنگتن پست (amerیکا): ۳۹، ۳۶</p> <p>روزنامه ۲۳۳، ۸۹، ۸۸، ۶۰، ۴۰</p> <p>روزنامه واشنگتن تایمز (amerیکا): ۱۰۰</p> <p>روزنامه نیویورک تایمز (amerیکا): ۸۱، ۷۴، ۷۲</p> <p>شبکه سراسری سی‌بی‌اس (amerیکا): ۱۴۴</p> <p>کتاب "فتو تسلیمچه": ۲۲</p> <p>کتاب "بازنشناسی جنبه‌های تجدد اوزوف": ۷۲، ۲۷</p> <p>کتاب "سوداگری مرگ": ۳۶، ۳۵</p> <p>کتاب "سلیمچه تحلیچه": ۵۹</p> <p>کتاب "میراث ترافمی کیم": ۳۰، ۲۶، ۱۳</p>
--	--

- |   |   |
|---|---|
| ۲۵۵: عراق)  | پاییز و زمستان ۱۳۶۶ (فالش دن عنصر اصر                             |
| ۲۹: تسليحاتی فرانسه به عراق)                        | در مارس ۱۹۸۲، ۱۳۶۱ لدرات  |
| ۳۰: عراق)   | تزوییه ۱۹۸۴، ۱۳۶۳ ای صنعت   |
| ۳۱: عراق)   | دی ماه ۱۳۶۶ (جلسات فرماندهان رای طرف جنگ به مویزه جمهوری اسلامی): |
| ۳۲: به دست ایران)                                   | بررسی وضعیت دشمن): ۵۹   |
| ۳۳: ۱۳۶۵ (سال تعیین سرنوشت جنگ):                    | ۱۴۰: تصرف ناچیز نفت خیز راق                                       |
| ۳۴: ۱۳۶۵ (اس تفاده ای ران از نیروهای سپاه           | ۱۴۱: وزیر خارج ۱۳۶۶ (نمایندگی ایران پیرامون قطع نام: ۵۹۸۴)        |
| ۳۵: محمد(ع)):                                       | ۱۴۲: تیر ۱۳۶۶ (سروکنی های ایرانی ایران: ۱۴۲)                      |
| ۳۶: ۱۳۶۵ (اس تیر کش های کوبت):                      | ۱۴۳: تیر ۱۳۶۶ (قدام امریکا باید حفاظت از                          |
| ۳۷: ۱۳۶۶ (تصویب قطع نام: ۵۹۸۴):                     | ۱۴۴: نفتکش های کوبت):   |
| ۳۸: مردم اهواز پاییز ۱۳۶۶ (افتدال نیروهای سازمان    | ۱۴۵: تیر ۱۳۶۶ (تصویب قطع نام: ۵۹۸۴)                               |
| ۳۹: منافقین به عراق):                               | ۱۴۶: شهروور ۱۳۶۶ (حضرت الله خلد مای،                              |
| ۴۰: سامانه های پاییز ۱۳۶۶ (افتدال نیروهای سازمان    | ۱۴۷: رئیس جمهور و رئیس جمهوری اسلامی                              |
| ۴۱: ۱۳۶۶ (هر آنکه ای مأموری عرق به                  | ۱۴۸: ۱۳۶۶ (هر آنکه بر مارس ۱۹۸۷ م) لام                            |
| ۴۲: سمت جنوب):                                      | ۱۴۹: طرح اجرایی دیرکل سازمان ملل):                                |
| ۴۳: باخایندگان ایران):                              | ۱۵۰: مهر ۱۳۶۶ (افتدال یگانه ای مأموری عرق به                      |
| ۴۴: آذر ۱۳۶۶ (بزرگزاری کنفرانس سازمان عرب در اردن): | ۱۵۱: فیلم آذر ۱۳۶۶ (مناک رهبری دیرکل سازمان ملل                   |
| ۴۵: عراق):  | ۱۵۲: فیلم آذر ۱۳۶۶ (بزرگزاری کنفرانس سازمان عرب در اردن):         |
| ۴۶: عراق):  | ۱۵۳: باخایندگان ایران):   |
| ۴۷: عراق):  | ۱۵۴: آذر ۱۳۶۶ (بزرگزاری کنفرانس سازمان عرب در اردن):              |
| ۴۸: عراق):  | ۱۵۵: پاییز و زمستان ۱۳۶۶ (اجتناب مأمورهای دفاعی                   |
| ۴۹: عراق):  | ۱۵۶: عراق: (عملیات ست المقدس، ۲، ۷۵:)                             |

(سازماندهی مجددش در اعماق):	۱۳۶۶ (سیاست جاذب‌دارانه امریکا از عراق):
۴۱	۲۶
۱۹ فروردین ۱۳۶۷ (برگزاری انتخابات مجلس سوم):	۱۳۶۶ (ادعای امریکا ادری خصوص روابط مستقیم با ایران):
۶۳، ۶۲	۱۴
۲۷ فروردین ۱۳۶۷ (پیش روی عراق به سمت فاو):	۱۳۶۶ (سفن کشیدش من: هم‌غرب):
۷۷، ۶۴	۷۵
۲۸ فروردین ۱۳۶۷ (تهرام گسترش دهنده عراق به فاو):	۱۳۶۶ (پیام لام به حجاج):
۶۵، ۶۳	۱۸ (تحولات ماههای پایانی جنگ):
۲۸ فروردین ۱۳۶۷ (حمله دشمن به ارتفاعات ریشن):	۱۳۶۶ (عقبنشینی نیروهای اینجعه عراقی از خطاقدم رای آموزش رزم مرکب):
۷۵	۴۷
فروردين ۱۳۶۷ (آغاز عملات عراق):	۱۳۶۶ (تغییر در استراتژی نظامی عراق):
فروردين ۱۳۶۷ (حمله دشمن به منبه شاخ‌شمیران):	۱۳۶۶ (روش ایزار ماشین انگلیس به عراق):
۷۵	۳۰
فروردين ۱۳۶۷ (تیریزکوهی موج و داز کش و واکنش‌های حاکم بر جنگ):	۱۳۶۶ (تجدیدنظر تحیلی لگران پتالگون در پی تحولات در ارتش عراق):
۶۲	۷۹
بهار ۱۳۶۷ (حالت پایانی عراق):	۱۳۶۶ (۱۹۸۷، ۱۳۶۷ تا ۱۹۸۸) روش فن آوری آلمان به عراق:
۱۸	۳۱
آغاز فروردین ۱۳۶۷ (اصبحت صدام در ولادار ساختن ایران به قبول آتش سس):	۱۳۶۶ (کمک تسليحاتی شوروی به عراق):
۵۸	۲۶، ۲۵
۴ خرداد ۱۳۶۷ (تهام عراق به شلمچه):	۱۳۶۶ (تمركز زدگیری ایران بامericادر خلیج فارس):
۸۶	۶۰
۵ خرداد ۱۳۶۷ (آغاز زدگیری اینروهای منافقین در غرب):	۱۳۶۶ (استراتژی قلعه عراق در سال ۱۳۶۶):
۱۸۷	۴۱
۱۰ خرداد ۱۳۶۷ (نمایه وزیر خارجه ایران به دبیر کل سازمان ملل برای آمادگی شرکت در مذاکرات نیویورک):	۱۳۶۶ (آزمایش موشک بابرد ۶۰۰ کیلومتر عراق):
۶۰	۳۴
۱۲ خرداد ۱۳۶۷ (افتتاح هاشمی رفسنجانی به عنوان جانشین فرماندهی کل قوا):	۱۳۶۶ (افزایش تول رزمی عراق):
۹۴	۵۸
۱۹ خرداد ۱۳۶۷ (صدور قطعنامه ۶۱۲):	۱۳۶۶ (شتاب بیس اباقه برنامهای تسليحاتی عراق):
۱۵۹	۲۳
۲۲ خرداد ۱۳۶۷ (عملیات یتالمقدس ۷):	۱۳۶۵ تا ۱۹۸۶، ۱۳۶۶ تا ۱۹۸۷
۹۶	
۲۳ خرداد ۱۳۶۷ (پاتک عراق در منطقه عملیات یتالمقدس ۷):	
۹۶	

- ۲۴ خرداد ۱۳۶۷ (ادله) حملات علیه رق نهضت محور مأووت: ۹۷
- ۲۸ خرداد ۱۳۶۷ (تقویت نیروهای دشمن در جزایر مجنون): ۹۹
- ۲۹ خرداد ۱۳۶۷ (حمله مشترک علیه رق و منافقین به مهران): ۹۷
- ۴ تیر ۱۳۶۷ (حمله علیه رق به جزایر مجنون): ۱۰
- ۷ تیر ۱۳۶۷ (حمله علیه رق به ارتقاء شاخص میران): ۱۱۵
- ۱۲ تیر ۱۳۶۷ (حمله موشکی امدادکاری همراه با هواپیمای مسافربری ایران): ۱۰۶
- ۱۲ تیر ۱۳۶۷ (مصالحه آقای هاشمی رفسنجانی درباره انتخابات ریاست جمهوری در جنگ): ۱۶۲
- ۲۱ تیر ۱۳۶۷ (حمله علیه رق به جبهه میانی و تصویف مناطقی از دهانه ران، عین خوش و موسیان): ۱۱۵
- ۲۲ تیر ۱۳۶۷ (اطلاع رسائل تدکل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در ارده عقبنشیانی نیروهای خودی از جبهه مالی و حلچه): ۱۳۶
- ۲۲ تیر ۱۳۶۷ (عقبنشیانی ایران از حلچه): ۱۶۲
- ۲۳ تیر ۱۳۶۷ (مشورت رئیسان سه وه، مجلس خبرگان و رهانی و رهان درباره شرایط سیاسی-ظامی کشور): ۱۶۲
- ۲۳ و ۲۴ تیر ۱۳۶۷ (جلسات شورای امنیت سازمان ملل درباره رونگونیهای ایران ایران به مسویله همیکا): ۱۴۳، ۱۴۲
- ۲۵ تیر ۱۳۶۷ (جلسه ۴۰ نهضت از شخصیت‌های مهم به دستور امام درباره پایان جنگ): ۱۶۲
- ۲۵ تیر ۱۳۶۷ (عبدالوهب در دعه رق از مرزهای بین‌المللی): ۱۲۹
- ۲۶ تیر ۱۳۶۷ (جلسه رئیس جمهور ایران به سؤالان عالی رتبه کشیده درباره پذیرش قطع نهضت): ۱۶۳
- ۲۷ تیر ۱۳۶۷ (نهضت رئیس جمهور ایران به دبیرکل سازمان ملل برای پذیرش رسماً قطع نهضت): ۱۶۳، ۱۳۶
- ۳۰ تیر ۱۳۶۷ (جلسه مشترک علیه رق به ریاست صدام درباره آغاز حملات جدید به ایران): ۱۷۵
- ۳۱ تیر ۱۳۶۷ (آغاز حملات جدید علیه رق به جنوب ایران): ۱۷۵
- اول مرداد ۱۳۶۷ (آزاد کردن پل اگانه حمید داز اشغال نیروهای دشمن): ۱۷۸
- ۳ مرداد ۱۳۶۷ (حمله علیه افقین به غرب کشیده و تصرف شهرهای کرند و اسلام‌آباد): ۱۸۵
- ۴ مرداد ۱۳۶۷ (حرکت مدیر کرن دوام اسلام‌آباد به سمت کرمائش‌آه پس از تجاه اوزنم افقین): ۱۸۶
- ۶ مرداد ۱۳۶۷ (آغاز عملیات مرصد بارمزر زیارت علی ابن‌الطالب علیه السلام): ۱۸۸
- ۷ مرداد ۱۳۶۷ (اعلام رسماً علیه افقین درباره عقب‌نشینی از کرند و اسلام‌آباد): ۱۹۰
- ۸ مرداد ۱۳۶۷ (عقب‌نشیانی اینی عراقی‌ها از جبهه میانی و غرب ایران): ۱۸۰
- ۱۵ مرداد ۱۳۶۷ (وقایع اتفاقی رق بآتش بسیار ارسال نمایندگان به دبیرکل سازمان ملل): ۲۰۹

- ۷ تا ۱۶ام ردد ۱۳۶۷ (جلسات دبیرکل سازمان ملل با هیئت ایرانی در باره طرح اجرایی صلح و توافق ایجاد جمهوری اسلامی برمناک رات تقیم باعترق پس از آتش بس): ۲۰۶، ۲۰۷
- ۸۴: از افغانستان: ۱۳۶۷ ردد (آغاز روح نیروهای شوروی از خاورمیانه) ۰۲۹
- ۰۲۹: ردد ۱۳۶۷ (برگ ۱۹۴۹ م اوت ۲۰۱۲): راری آتش سوپایان جنگ عراق علیه ایران: ۲۲۵، ۲۲۰، ۲۱۱
- ۳ شهپرور ۱۳۶۷ (نسخه تین دورمناک رات وزیران خارجه ایران و عراق در ژنو): ۲۳۵
- ۰۹۶: هر ۱۳۶۷ (برگ ۱۹۸۸ م اول و ۱۶م): هر ۱۳۶۷ (جلسات سه جانبه وزیران خارجه ایران و عراق بادیگر کل سازمان ملل): ۲۳۸، ۲۳۷
- ۰۲۵: هر ۱۳۶۷ (بعد از نهایندگان کش ورهای چهل میتم هر ۱۳۶۷) هر ۱۳۶۷ (وزارت خارجه جمهوری اسلامی برای توجیه موافق سیاستی ایران درباره پایان جنگ): ۲۳۹
- ۰۱۰: آبان ۱۳۶۷ (آن ۱۳۶۷ رات تقیم ایران و عراق در ژنوزیر رقت ردد بیرکل سازمان ملل): ۲۴۰، ۲۳۹
- ۰۱۶: آبان ۱۳۶۷ (آن ۱۳۶۷ رات تقیم ایران و عراق در ژنوزیر رقت ردد بیرکل سازمان ملل): ۲۴۲، ۲۴۳
- ۰۲۸: بیهمن ۱۳۶۷ (دیدار وزیر خارجه ایران و عراق بادیگر کل سازمان ملل در نیویورک): ۲۴۴
- ۰۱۲: آبان ۱۳۶۷ (پیام امام خمینی رحمة الله عليه درباره جنگ): ۰۱۰
- ۰۲۶: فروردین ۱۳۶۸ (اشتاریانه بیرکل سازمان ملل بنی اسرائیل و عراق بادیگر کل سازمان ملل در ۱۳۶۸ (آغاز ایندیشه از ۰۲۳ و ۰۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۸) تقویم ایران و عراق زیر ظرف ردد بیرکل سازمان ملل در ژنو): ۲۴۵، ۲۴۴
- ۰۲۷: آبان ۱۳۶۸ (سفرالیاسون نماینده بیرکل سازمان ملل در مناکرات صلح به تهران و بغداد): ۲۴۷
- ۰۲۸: آذر ۱۳۶۸ (گزارش دبیرکل سازمان ملل از سفرالیاسون به ایران و عراق به اعضای شورای ملیت): ۲۴۷
- ۰۲۹: آذر ۱۳۶۸ (آزمایش موشک که ۴۸ تا ۰۳ مرحله‌ای عراق): ۲۴۸
- ۰۳۰: مدادی ۱۳۶۸ (طرح پیشنهادی صدام برای صلح): ۲۴۹
- ۰۳۱: هادیه‌شست تیمنه ایرانی تینله رئیس‌جمهور عراق: ۰۳۱
- ۰۳۲: رهبری اسلامی ایران و عراق به راه راه رئیس‌جمهور ایران: ۰۳۲
- ۰۳۳: رهبری اسلامی ایران و عراق به راه رئیس‌جمهور عراق: ۰۳۳
- ۰۳۴: رهبری اسلامی ایران و عراق به راه رئیس‌جمهور ایران: ۰۳۴
- ۰۳۵: رهبری اسلامی ایران و عراق به راه رئیس‌جمهور ایران: ۰۳۵
- ۰۳۶: رهبری اسلامی ایران و عراق به راه رئیس‌جمهور ایران: ۰۳۶
- ۰۳۷: رهبری اسلامی ایران و عراق به راه رئیس‌جمهور ایران: ۰۳۷
- ۰۳۸: رهبری اسلامی ایران و عراق به راه رئیس‌جمهور ایران: ۰۳۸
- ۰۳۹: رهبری اسلامی ایران و عراق به راه رئیس‌جمهور ایران: ۰۳۹
- ۰۴۰: رهبری اسلامی ایران و عراق به راه رئیس‌جمهور ایران: ۰۴۰
- ۰۴۱: رهبری اسلامی ایران و عراق به راه رئیس‌جمهور ایران: ۰۴۱
- ۰۴۲: رهبری اسلامی ایران و عراق به راه رئیس‌جمهور ایران: ۰۴۲
- ۰۴۳: رهبری اسلامی ایران و عراق به راه رئیس‌جمهور ایران: ۰۴۳
- ۰۴۴: رهبری اسلامی ایران و عراق به راه رئیس‌جمهور ایران: ۰۴۴
- ۰۴۵: رهبری اسلامی ایران و عراق به راه رئیس‌جمهور ایران: ۰۴۵
- ۰۴۶: رهبری اسلامی ایران و عراق به راه رئیس‌جمهور ایران: ۰۴۶
- ۰۴۷: رهبری اسلامی ایران و عراق به راه رئیس‌جمهور ایران: ۰۴۷
- ۰۴۸: رهبری اسلامی ایران و عراق به راه رئیس‌جمهور ایران: ۰۴۸
- ۰۴۹: رهبری اسلامی ایران و عراق به راه رئیس‌جمهور ایران: ۰۴۹
- ۰۵۰: رهبری اسلامی ایران و عراق به راه رئیس‌جمهور ایران: ۰۵۰
- ۰۵۱: رهبری اسلامی ایران و عراق به راه رئیس‌جمهور ایران: ۰۵۱
- ۰۵۲: رهبری اسلامی ایران و عراق به راه رئیس‌جمهور ایران: ۰۵۲
- ۰۵۳: رهبری اسلامی ایران و عراق به راه رئیس‌جمهور ایران: ۰۵۳
- ۰۵۴: رهبری اسلامی ایران و عراق به راه رئیس‌جمهور ایران: ۰۵۴
- ۰۵۵: رهبری اسلامی ایران و عراق به راه رئیس‌جمهور ایران: ۰۵۵
- ۰۵۶: رهبری اسلامی ایران و عراق به راه رئیس‌جمهور ایران: ۰۵۶
- ۰۵۷: رهبری اسلامی ایران و عراق به راه رئیس‌جمهور ایران: ۰۵۷
- ۰۵۸: رهبری اسلامی ایران و عراق به راه رئیس‌جمهور ایران: ۰۵۸
- ۰۵۹: رهبری اسلامی ایران و عراق به راه رئیس‌جمهور ایران: ۰۵۹

- ۲۷۸: رش ماج ددعهدنه ۱۹۷۵م (الجزایر): پذی خ نله صدام به اردیبهشت ۱۳۶۹ (دوم) ۲۶۰: رئیس جمهور ایران)
- ۲۸۳: ۱۹۹۰ آوت ۲۱، ۱۳۶۹ ردد (پاسخ آقای هاشمی به نله ۲۸ خ ردد ۱۳۶۹ (پاسخ آقای هاشمی به نله ۲۸ دوم رئیس جمهور عراق): ۲۶۲: ۱۶ زوئی ۱۳۶۹ بیر (س) وین نله ۲۵ صدام به رئیس جمهور ایران که پاسخی به آن مدهندش): ۲۶۲، ۲۷۶
- ۲۷۸: ۱۹۹۰ آوت ۱۷، ۱۳۶۹ ردد (آغاز آزادی اسیران): ۲۸۳، ۲۷۹
- ۲۷۸: ۱۹۹۰ آوت ۱۷، ۱۳۶۹ ردد (آغاز آزادی اسیران): ۲۸۳، ۲۷۹
- ۲۷۸: ۱۹۹۰ آوت ۱۷، ۱۳۶۹ ردد (پاسخ آقای هاشمی به نله صدام به لام آمدگی رفسنجانی به آخرین نله صدام به لام آمدگی برای پذیرش نهایندگان عراق در تهران): ۲۸۳
- ۲۷۸: ۱۹۹۰ آوت ۱۴ (۱۳۶۹ ردد) ششمین نله رئیس جمهور عراق به ایران): ۲۷۸
- ۲۷۸: ۱۹۹۰ آوت ۱۲، ۱۳۶۹ ردد (امان غال کویت به موسیله عراق): ۲۶۸، ۲۶۵
- ۲۷۸: ۱۹۹۰ آوت ۱۲، ۱۳۶۹ ردد (پنجمین نله رئیس جمهور عراق به آقای هاشمی رفسنجانی): ۲۷۶
- ۲۷۸: ۱۹۹۰ آوت ۱۲، ۱۳۶۹ ردد (پاسخ آقای هاشمی به نله پنجمین نله رئیس جمهور عراق): ۲۷۷
- ۲۷۸: ۱۹۹۰ آوت ۱۴ (۱۳۶۹ ردد) ششمین و آخرین نله صدام به رئیس جمهور ایران و لام
- ۲۷۸: ۱۹۹۰ آوت ۱۴ (۱۳۶۹ ردد) عدون حدی عذر و شورای فرمانده انقلاب عراق به تهران): ۲۸۱، ۲۶۹
- ۲۷۸: ۱۹۹۰ آوت ۱۴ (۱۳۶۹ ردد) عدون حدی عذر و شورای فرمانده انقلاب عراق به تهران): ۲۸۱، ۲۶۹

## مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ منتشر کرده است

ورزشمار جنگ ایران و عراق - کتاب اول - جلد ۱: پیدایش نظام جدید

روشمار جنگ ایران و عراق - کتاب اول - جلد ۲: بحران خوزستان

روشمار جنگ ایران و عراق - کتاب چهارم: هجوم سراسری

روشمار جنگ ایران و عراق - کتاب پنجم: هویته آخرین گامهای اشغالگر

سیری در جنگ ایران و عراق، جلد اول : خونین شهر تا خرمشهر

سیری در جنگ ایران و عراق، جلد دوم : خرمشهر تا فاو

سیری در جنگ ایران و عراق، جلد سوم : فاو تا شلمچه

سیری در جنگ ایران و عراق، جلد چهارم : شلمچه تا حلبچه

سیری در جنگ ایران و عراق - جلد پنجم - پایان جنگ

سیری در جنگ ایران و عراق، جلد ششم : آغاز تا پایان

مجموعه "گزارش عملیات" - ۸: نبرد فاو

مجموعه "گزارش عملیات" - ۱۰: نبرد العمیه

مجموعه "گزارش عملیات" - ۱۱: نبرد شرق بصره

خرمشهر در جنگ طولانی

راهنمای عملیات

جنگ در سال ۶۵

گذری بود و سال جنگ

منتشر می‌شود

روشمار جنگ ایران و عراق - کتاب شانزدهم - جلد اول

روشمار جنگ ایران و عراق - کتاب هجدهم - جلد اول

برای اطلاع بیشتر و تهیه کتب مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ با شماره تلفن ۶۴۹۵۵۷۲ تماس گرفته یا با صندوق پستی ۵۱۸ - ۱۳۱۴۵ تهران مکاتبه نمایید.